



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صالح

www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

الصلوة في الكتاب و السنة

الصلوة

في الكتاب و السنة

يا ترجمه فارسی

محمد محمدی ری شهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الصلاه فى الكتاب و السنه همراه با ترجمه فارسى

نويسنده:

محمد محمدى رى شهرى

ناشر چاپى:

موسسه علمى فرهنگى دارالحدیث

ناشر دیجیتالى:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۵	الصلاه فی الكتاب و السننه همراه با ترجمه فارسی
۱۵	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۱۹	در باره ترجمه
۲۱	مقدمه مؤلف
۲۳	المدخل
۲۳	پیشگفتار
۳۱	الفصل الأول : وجوب الصلاه
۳۱	فصل نخست : وجوب نماز
۳۴	الفصل الثاني : حكمه الصلاه
۳۴	فصل دوم : حکمت نماز
۳۷	الفصل الثالث : الصلاه قبل الإسلام
۳۷	فصل سوم : نماز پیش از اسلام
۴۰	الفصل الرابع : فضل الصلاه
۴۰	فصل چهارم : فضیلت نماز
۴۴	الفصل الخامس : خصائص الصلاه
۴۴	۱ / ۵ قوام الدین
۴۴	فصل پنجم : ویژگیهای نماز
۴۴	۵ / ۱ استواری دین
۴۶	۲ / ۵ خیر موضوع
۴۶	۵ / ۲ بهترین دستور
۵۰	۳ / ۵ قُرّه عین النبّی صلی الله علیه وآله

۴ / ۵	أول ما فرض الله	۵۰
۵ / ۳	روشنی چشم پیامبر صلی الله علیه وآله	۵۰
۵ / ۴	نخستین واجب الهی	۵۰
۵ / ۵	أول ما يجب تعلمه	۵۴
۶ / ۵	أول ما يحاسب به	۵۴
۵ / ۵	نخستین آموزش واجب	۵۴
۵ / ۶	نخستین مورد باز خواست	۵۴
	الفصل السادس : الحث على إقامة الصلاة	۵۷
	فصل ششم : ترغیب به برپا داشتن نماز	۵۷
	الفصل السابع : المحافظه على الصلاة	۶۰
	فصل هفتم : مواظبت بر نماز	۶۰
	الفصل الثامن : أوقات الصلاة	۶۶
	فصل هشتم : وقتیهای نماز	۶۶
	الفصل التاسع : المحافظه على أوقات الصلاة	۶۸
	فصل نهم : مواظبت بر وقتیهای نماز	۶۸
	الفصل العاشر : أمر الأهل بالصلاة	۷۷
	فصل دهم : واداشتن خانواده به نماز	۷۷
	الفصل الحادى عشر : فضل المصلّى	۸۰
	فصل یازدهم : فضیلت نمازگزار	۸۰
	الفصل الثانى عشر : حدود الصلاة	۸۴
	فصل دوازدهم : حدود نماز	۸۴
	الفصل الثالث عشر : آداب الصلاة	۸۷
۱ / ۱۳	السواك	۸۷
۲ / ۱۳	الزينة	۸۷

۸۷	فصل سیزدهم : آداب نماز
۸۷	أ : آداب ظاهری
۸۷	۱ / ۱۳ مسواک زدن
۸۷	۲ / ۱۳ زینت کردن
۹۱	۳ / ۱۳ الطیب
۹۱	۴ / ۱۳ التّختم
۹۱	۳ / ۱۳ استفاده از بوی خوش
۹۱	۴ / ۱۳ انگشتر به دست داشتن
۹۳	۵ / ۱۳ مراعاة أوّل الوقت
۹۳	۵ / ۱۳ رعایت اول وقت
۹۷	۶ / ۱۳ أداء الفريضة في المسجد
۹۷	۶ / ۱۳ نماز واجب را در مسجد خواندن
۹۹	۷ / ۱۳ الدعاء عند الافتتاح
۹۹	۷ / ۱۳ دعاکردن در آغاز نماز
۱۰۳	۸ / ۱۳ الاستعاذه
۱۰۳	۹ / ۱۳ الجهر بالبسملة
۱۰۳	۸ / ۱۳ پناه جستن
۱۰۳	۹ / ۱۳ آشکارا گفتن بسم الله
۱۰۷	۱۰ / ۱۳ سکون الأطراف
۱۰۷	۱۰ / ۱۳ آرامش تن
۱۰۹	۱۱ / ۱۳ التّأني
۱۰۹	۱۲ / ۱۳ إرغام الأنف
۱۰۹	۱۱ / ۱۳ درنگ کردن
۱۰۹	۱۲ / ۱۳ بینی به خاک مالیدن

ب : الآداب الباطنيه	۱۱۱
۱۳ / ۱۳ حضور القلب	۱۱۱
ب : آداب باطنی	۱۱۱
۱۳ / ۱۳ حضور قلب داشتن	۱۱۱
۱۳ / ۱۴ الخشوع	۱۱۶
۱۳ / ۱۴ فروتنی	۱۱۶
۱۳ / ۱۵ البكاء	۱۱۷
۱۳ / ۱۵ گریستن	۱۱۷
۱۳ / ۱۶ أداء الصلاة كصلاه مودّع	۱۱۹
۱۳ / ۱۶ نماز خواندن مانند نماز خداحافظی کننده	۱۱۹
الفصل الرابع عشر : التكبير وآدابه	۱۲۱
فصل چهاردهم : تکبیر و آداب آن	۱۲۱
الفصل الخامس عشر : آداب الركوع	۱۲۶
فصل پانزدهم : آداب رکوع	۱۲۶
الفصل السادس عشر : آداب السجود	۱۲۹
فصل شانزدهم : آداب سجده	۱۲۹
الفصل السابع عشر : آداب الركوع والسجود	۱۳۲
فصل هفدهم : آداب رکوع و سجود	۱۳۲
الفصل الثامن عشر : آداب القيام من السجود	۱۳۸
فصل هیجدهم : آداب برخاستن از سجده	۱۳۸
الفصل التاسع عشر : القنوت وآدابه	۱۴۱
فصل نوزدهم : قنوت و آداب آن	۱۴۱
الفصل العشرون : التشهد وآدابه	۱۴۶
فصل بیستم : تشهد و آداب آن	۱۴۶

الفصل الحادی والعشرون : التسليم وأدابه	۱۴۹
فصل بیست و یکم : سلام و آداب آن	۱۴۹
الفصل الثانی والعشرون : جوامع آداب الصلاه	۱۵۲
فصل بیست و دوم : کلیات آداب نماز	۱۵۲
الفصل الثالث والعشرون : ما لا ینبغی للمصلی	۱۶۱
۱ / ۲۳ حبس البول والغائط	۱۶۱
فصل بیست و سوم : آنچه شایسته نمازگزار نیست	۱۶۱
۲۳ / ۱ نگهداری بول و غائط	۱۶۱
۲ / ۲۳ الصلاه إلى غیر ستره	۱۶۳
۳ / ۲۳ فرقه الأصابع	۱۶۳
۲۳ / ۲ نماز بدون پوشش روبرو	۱۶۳
۲۳ / ۳ شکستن انگشتان	۱۶۳
۴ / ۲۳ العبث	۱۶۵
۵ / ۲۳ الالتفات	۱۶۵
۲۳ / ۴ بازی کردن	۱۶۵
۲۳ / ۵ به این سو و آن سو روی گرداندن	۱۶۵
۶ / ۲۳ الکسل	۱۶۹
۲۳ / ۶ سستی کردن	۱۶۹
۷ / ۲۳ التثاؤب	۱۷۱
۸ / ۲۳ النعاس	۱۷۱
۲۳ / ۷ خمیازه کشیدن	۱۷۱
۲۳ / ۸ خواب آلود بودن	۱۷۱
۹ / ۲۳ العجله	۱۷۳
۱۰ / ۲۳ غمض العين	۱۷۳

۲۳ / ۹	شتاب ورزیدن	۱۷۳
۲۳ / ۱۰	چشم بستن	۱۷۳
۱۱ / ۲۳	الصلاه فیما یلی من الأماكن	۱۷۵
۲۳ / ۱۱	نماز خواندن در مکانهایی که ذکرشان می آید	۱۷۵
	الفصل الرابع والعشرون : جوامع ما لا ینبغی للمصلی	۱۷۸
	فصل بیست و چهارم : کلیات آنچه شایسته نمازگزار نیست	۱۷۸
	الفصل الخامس والعشرون : التحذیر من الاستخفاف بالصلاه	۱۸۴
	فصل بیست و پنجم : بیم دادن از سبک شمردن نماز	۱۸۴
	الفصل السادس والعشرون : التحذیر من تزییع الصلاه	۱۸۹
	فصل بیست و ششم : بیم دادن از تباه کردن نماز	۱۸۹
	الفصل السابع والعشرون : آثار الصلاه	۱۹۴
۱ / ۲۷	ذهاب السیئات	۱۹۴
	فصل بیست و هفتم : آثار نماز	۱۹۴
۲۷ / ۱	از میان رفتن بدیها	۱۹۴
۲ / ۲۷	طهاره النفس	۲۰۰
۲۷ / ۲	پاکی جان	۲۰۰
۳ / ۲۷	طرد الشیطان	۲۰۴
۴ / ۲۷	المنع من الفحشاء والمنکر	۲۰۴
۲۷ / ۳	راندن شیطان	۲۰۴
۲۷ / ۴	بازداشتن از کار زشت و ناپسند	۲۰۴
۵ / ۲۷	الاستقامه	۲۰۶
۲۷ / ۵	پایداری	۲۰۶
۶ / ۲۷	نزول الرحمه	۲۰۸
۲۷ / ۶	فرو آمدن رحمت	۲۰۸

۲۱۰	۲۷ / ۷ إجابة الدعاء
۲۱۰	۲۷ / ۷ پذیرش دعا
۲۱۲	۲۷ / ۸ الوصول إلى كل خير
۲۱۲	۲۷ / ۹ التقرب إلى الله تعالى
۲۱۲	۲۷ / ۱۰ دخول الجنة
۲۱۲	۲۷ / ۸ رسیدن به هر خوبی
۲۱۲	۲۷ / ۹ تقرب به خداوند متعال
۲۱۲	۲۷ / ۱۰ ورود به بهشت
۲۱۵	الفصل الثامن والعشرون : جوامع آثار الصلاة
۲۱۵	فصل بیست و هشتم : کلیات آثار نماز
۲۱۹	الفصل التاسع والعشرون : آثار ترك الصلاة
۲۱۹	۲۹ / ۱ غضب الله تعالى
۲۱۹	۲۹ / ۲ حبط العمل
۲۱۹	فصل بیست و نهم : آثار نماز نخواندن
۲۱۹	۲۹ / ۱ : خشم خدای متعال
۲۱۹	۲۹ / ۲ تباه شدن عمل
۲۲۰	۲۹ / ۳ الكفر
۲۲۰	۲۹ / ۳ كفر
۲۲۴	الفصل الثلاثون : عقاب تارك الصلاة
۲۲۴	فصل سی ام : کیفر ترک کننده نماز
۲۲۷	الفصل الحادی والثلاثون : تأويل الصلاة
۲۲۷	فصل سی و یکم : حقیقت نماز
۲۳۳	الفصل الثاني والثلاثون : موجبات قبول الصلاة
۲۳۳	فصل سی و دوم : اسباب پذیرش نماز

۲۳۶	الفصل الثالث والثلاثون : موانع قبول الصلاه
۲۳۶	فصل سی و سوم : موانع پذیرش نماز
۲۴۰	الفصل الرابع والثلاثون : فضل الذكر والدعاء بعد الصلاه
۲۴۰	فصل سی و چهارم : فضیلت ذکر و دعا پس از نماز
۲۴۴	الفصل الخامس والثلاثون : ما ينبغي بعد الصلاه
۲۴۴	۱ / ۳۵ التكبير ثلاثاً
۲۴۴	فصل سی و پنجم : آنچه پس از نماز می سزد
۲۴۴	۳۵ / ۱ سه بار تکبیر گفتن
۲۴۵	۲ / ۳۵ قراءة آیه الكرسي
۲۴۵	۳ / ۳۵ قراءة التوحيد
۲۴۵	۴ / ۳۵ الصلاه على النبي وآله عليهم السلام
۲۴۵	۳۵ / ۲ آیه الكرسي خواندن
۲۴۵	۳۵ / ۳ سوره توحيد خواندن
۲۴۵	۳۵ / ۴ درود فرستادن بر پیامبر و خاندانش
۲۴۷	۵ / ۳۵ تسبیح فاطمهعلیها السلام
۲۴۷	۶ / ۳۵ الاستغفار
۲۴۷	۳۵ / ۵ تسبیحات حضرت زهراعلیها السلام
۲۴۷	۳۵ / ۶ استغفار کردن
۲۴۹	۷ / ۳۵ سجده الشکر
۲۴۹	۳۵ / ۷ سجده شکر گذاردن
۲۵۱	۸ / ۳۵ تغفیر الخدین
۲۵۱	۳۵ / ۸ گونه برخاک نهادن
۲۵۳	الفصل السادس والثلاثون : ما روى من الأدعية فى تعقيب الصلاه
۲۵۳	فصل سی و ششم : دعاهاى روايت شده در پی نماز

الفصل السابع والثلاثون : فضل انتظار الصلاة	۲۶۱
فصل سی و هفتم : فضیلت انتظار نماز	۲۶۱
الفصل الثامن والثلاثون : سيره أهل البيت عليهم السلام فى الصلاة	۲۶۵
۱ / ۳۸ صلاه النبى صلى الله عليه وآله	۲۶۵
فصل سی و هشتم : روش اهل بیت عليهم السلام در نماز	۲۶۵
۳۸ / ۱ نماز پیامبرصلى الله عليه وآله	۲۶۵
۲ / ۳۸ صلاه الإمام على عليه السلام	۲۷۰
۳۸ / ۲ نماز امام على عليه السلام	۲۷۰
۳ / ۳۸ صلاه فاطمهعليها السلام	۲۷۳
۴ / ۳۸ صلاه الإمام الحسن بن على عليهما السلام	۲۷۳
۳۸ / ۳ نماز فاطمه عليها السلام	۲۷۳
۴ / ۳۸ نماز امام حسن بن على عليهما السلام	۲۷۳
۵ / ۳۸ صلاه الإمام الحسين بن على عليهما السلام	۲۷۵
۳۸ / ۵ نماز امام حسين بن على عليهما السلام	۲۷۵
۶ / ۳۸ صلاه الإمام على بن الحسين عليهما السلام	۲۷۷
۳۸ / ۶ نماز امام على بن حسين عليهما السلام	۲۷۷
۷ / ۳۸ صلاه الإمام محمّد بن على عليهما السلام	۲۸۱
۳۸ / ۷ نماز امام محمّد باقرعليه السلام	۲۸۱
۸ / ۳۸ صلاه الإمام جعفر بن محمّدعليهما السلام	۲۸۳
۳۸ / ۸ نماز امام جعفر صادق عليه السلام	۲۸۳
۹ / ۳۸ صلاه الإمام موسى بن جعفرعليهما السلام	۲۸۵
۳۸ / ۹ نماز امام موسى بن جعفرعليهما السلام	۲۸۵
۱۰ / ۳۸ صلاه الإمام على بن موسى عليهما السلام	۲۸۸
۳۸ / ۱۰ نماز امام على بن موسى الرضاعليهما السلام	۲۸۸

۲۹۴	الفصل التاسع والثلاثون : الجمع بين الصلاتين أو تفريقهما
۲۹۴	فصل سی و نهم : با هم یا جدا خواندن دو نماز
۳۰۱	الفصل الأربعون : قضاء الفائته
۳۰۱	فصل چهلم : قضاى نماز
۳۰۳	الفهارس
۳۰۳	فهرست ها
۳۰۳	اشاره
۳۶۳	فهرس المصادر
۳۶۳	فهرست منابع تحقیق
۳۸۱	فهرس المطالب
۳۸۱	فهرست مطالب
۳۹۵	درباره مرکز

الصلاه في الكتاب و السننه همراه با ترجمه فارسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، - ۱۳۲۵

عنوان قراردادی : [الصلاه في الكتاب و السننه. فارسی - عربی]

عنوان و نام پدیدآور : الصلاه في الكتاب و السننه همراه با ترجمه فارسی / محمد محمدی ری شهری؛ مترجم عبدالهادی مسعودی

مشخصات نشر : قم: موسسه فرهنگی دار الحديث، ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری : ص ۲۵۷

شابک : ۹۶۴-۵۹۸۵-۵۷-۹۱۴۵۰۰ ریال

موضوع : نماز -- احادیث

موضوع : نماز -- جنبه های قرآنی

شناسه افزوده : مسعودی، عبدالهادی، . - ۱۳۴۳

رده بندی کنگره : BP۱۴۱/۵ ن ۸ م ۳۴۳۰۴۱ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۸-۱۳۵۹۵

ص: ۱

اشاره

ص: ۵

در باره ترجمه

در باره این ترجمه مقصود از ترجمه موسوعه بزرگ «میزان الحکمه» ارائه بهترین و پاکیزه ترین ترجمه نیست؛ چرا که این کار نشدنی و ادعای آن گزافه گویی است. آنچه درباره وفاداری و زیبایی ترجمه گفته اند و ضرب المثلی که این دو صفت را در شاهد ترجمه گرد نیامدنی می داند، بیش از هر چیز درباره احادیث شریف معصومان علیهم السلام صادق است که زیباترین و رساترین گفته ها را به زبان آورده اند و سخنانشان گرچه فروتر از سخن خالق، اما بسی فراتر از سخن مخلوق است. تنها هدف ترجمه این مجموعه آن است که زمینه آشنایی بیشتر با متن اصلی فراهم شود و تشنه کامان بتوانند، نه از طریق جوباره ای که مستقیماً از آن آبشخور معرفت سیراب گردند. اگر بدین هدف دست یافته باشیم که زهی شادکامی و اگر نه، همت خوانندگان نکته سنج، بدرقه راهمان خواهد بود و ما را از خطاهای بیشتر باز خواهد داشت. زحمت ترجمه کتاب الصلاه بر دوش جناب حجه الاسلام و المسلمین عبدالهادی مسعودی بوده است و ایشان کوشیده اند برای معانی بلند و مضامین والای احادیث، جامه مناسبی در زبان پارسی بیابند و در این کار نهایت توان

ص: ۶

علمی و ذوق زبانی خود را به کار گرفته اند. سعی ایشان مشکور باد. همچنین ناگزیر از یاد کرد زحمات فاضل گرانقدر مرتضی خوش نصیب هستیم که با اعراب گذاری متن عربی، به سهولت ترجمه و تصحیح آن یاری رساندند و نیز برادران مصحح و بخش انتشارات آقایان حیدر وائل، محمد باقر نجفی و محمد ضیاء سلطانی که بی کوشش آنان، این کار به سامان نمی رسید. واللّٰه الهادی الی صواب السبیل واحد ترجمه مرکز تحقیقات دارالحديث سيد حسن اسلامي

ص: ۷

مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلفسپاس تنها خداوند و پروردگار جهانیان را سزااست و درود و سلام بر بنده برگزیده اش، محمد و خاندان پاک وی و همه یاران نیکویش. مسلمانان، کوشش های فراوانی رابه نماز، اختصاص داده و کتاب های ارزشمند بسیاری پیرامون آداب و رمز و راز آن نگاشته اند، ولی هنوز کتابی که این فریضه بزرگ الهی و مسائل آن را تحلیل کند و از دیدگاه احادیث فریقین؛ شیعه و اهل سنت، جایگاه والای آن و نقش سازنده آن را نشان دهد، در کتابخانه اسلام، جای نگرفته است. کتاب حاضر که بخشی از موسوعه بزرگ میزان الحکمه به شمار می رود، به صورت مستقل نشر می یابد، تا این جای خالی را پر نماید. این کتاب با روش جدید و نظامی نو و در پرتو هدایت آیات کریمه قرآن و احادیثی که محدثان شیعی و سنی نقل کرده اند، به مهمترین مسئله هایی که جامعه اسلامی بدان نیاز دارد می پردازد. امید داریم که مسلمانان، در هر سوی جهان اسلام از آن بهره گیرند، مخصوصاً جوانانی که مشتاق شناخت حکمت و رمز و راز و آداب و آثار و برکات این فریضه الهی اند و با الهام گرفتن از این راز خوشبختی، کمکی برای

ص: ۸

خودسازی خویش، می جویند. در پایان، لازم می بینم که از همه برادران عزیز مرکز تحقیقات دارالحدیث که در تألیف این مجموعه گرانب ها، مرا یاری کردند، سپاسگزاری کنم، بویژه برادر بزرگوار مرتضی خوش نصیب که مسئولیت اصلی این کار را بر دوش داشته و برادران رسایی و احسانی فر که نمودن نشانی ها و منابع دیگر حدیث را بر عهده داشته اند. خداوند بهترین پاداش را به آنان در دنیا و آخرت عطا فرماید . محمدی ری شهری آذرماه ۱۳۷۵ برابر با شعبان ۱۴۱۷

ص: ۹

المدخل

پیشگفتار

المدخل پیش گفتار

.

ص: ۱۰

الصلاه أول ما افترض الله سبحانه على الناس (۱)، وأول ما يجب تعلّمه من الفرائض (۲)، وأول ما يُنظر فيه من عمل ابن آدم، وأول ما يُحاسب به، إن قُبِلَتْ قبل ماسواها، وإن رُدَّتْ رُدَّ ماسواها (۳). الصلاه عمود الدين وقوامه ووجهه، وموضعها من الدين كموضع الرأس من الجسد، ومثلها مثل عمود الفسطاط (۴). الصلاه خير موضوع، وأفضل الأعمال وأحبّها إلى الله سبحانه ۵، وأفضل ما توّسل به المتوسّلون للتقرّب إليه ۶، وهى معراج المؤمن ۷.

نماز، نخستین واجب الهی است که خداوند سبحان بر مردم مقرر داشته ۸ و فریضه ای است که پیشتر از همه فرائض دیگر، باید آن را آموخت ۹؛ نخستین عمل انسان است که در آن نظر می شود و نخستین چیزی است که از آن بازخواست می گردد، اگر مقبول افتد بقیه اعمال هم پذیرفته می شود و اگر رد شود، دیگر اعمال هم رد می شود ۱۰. نماز ستون دین، استواری و سیمای آن است. جایگاه آن در دین، مانند سر در کالبد است و حکایت آن، حکایت ستون خیمه است ۱۱. نماز، بهترین دستور دین، برترین اعمال و محبوب ترین آن ها نزد خدای سبحان ۱۲ و برترین وسیله ای است که متوسلان برای نزدیک شدن به او بدان چنگ زده اند ۱۳ و معراج مؤمن است ۱۴.

۱- راجع الفصل الخامس من هذا الكتاب .

۲- لا يخفى أنّ عبارة «الصلاه معراج المؤمن» مع كثرة تداولها على الألسن بحيث صارت من أشهر الكلمات في وصف الصلاه، لم نجد لها مصدرا مسندا إلى النبي صلى الله عليه وآله أو الأئمة عليهم السلام، وهذا بعد أن استقصينا كلمات أصحاب الكتب في شتى العلوم ووجدناها في أكثر من ثلاثين موضعا من عباراتهم، علما أن كتب السنّه كلّها وكتب الشيعة جلّها إلّا ما دوّن في القرون الأخيره كروضة المتّقين وبحار الأنوار للمجلسين أعلى الله مقامهما والرواشح السماويّه للمحقق الداماد قدّس سره خاليه منها، فالظاهر أنّها ليست بروايه بل من عبارات علمائنا المتأخّرين رضوان الله تعالى عليهم .

۳- بنگريد به فصل پنجم كتاب.

۴- ناگفته نماند که عبارت «نماز معراج مؤمن است» با وجود آن که مشهور شده است و ما آن را در بیش از سی جا و در کتابهایی با موضوعات گوناگون یافته ایم ولی منبعی که آن را به پیامبر یا امامان نسبت دهد، سراغ نداریم. افزون بر این، هیچ یک از کتابهای حدیث اهل سنت و بیشتر کتابهای حدیث شیعه، جز آنچه در قرنهای اخیر تدوین گشته، همچون روضه المتّقين و بحار الانوار، نوشته مجلسی اول و دوم و رواشح سماويه، نوشته محقق داماد قدس سره آن را نقل نکرده اند، پس می توان گفت: این عبارت روایت نیست بلکه از سخنان عالمان متأخر ماست.

ص: ۱۱

الصلاه تطرد الشيطان (۱)، وتمنع من البطر والطغيان، وتنهى عن الفحشاء والمنكر راجع الفصل السابع والعشرين من هذا الكتاب. ، وتزيل الكبر وأنواع الرذائل القلبيه (۲)، وتذهب السيئات (۳) وتطهر النفس (۴). الصلاه مفتاح كل خير راجع الفصل السابع والعشرين من هذا الكتاب. ، ينور بها الوجه والقلب (۵)، وتطمئن بها النفس (۶)، وتستزل بها الرحمه (۷)، وتبدل بها السيئات بالحسنات (۸)، ويستعان بها على الجهاد الأكبر والأصغر راجع الفصل السابع والعشرين من هذا الكتاب. . الصلاه آخر وصيه الأنبياء لاسيما خاتمهم محمد صلى الله عليه وآله فإنه كان من آخر وصاياه: «الصلاه، الصلاه وما ملكت أيمانكم، حتى جعل نبى الله صلى الله عليه وآله يُلجِجها في صدره، وما يفيض بها لسانه» (۹). لاريب أن الصلاه أكمل وسيله للبناء والسير والسلوك إلى الله تعالى، وهى المغزى الأساس لبلوغ الهدف الأعلى للإنسانيه والمجتمع الإنسانى المثالى. ومن المدهش والمؤسف حقاً أن عامه الناس بل كثيرا من خاصيتهم لا يعرفون هذا المغزى الذى هو مغزى الحياه والحركه والازدهار حق معرفته، ولا يستفيدون منه كما ينبغي، مع جميع ماورد فى القرآن الكريم والسنة الشريفة من نصوص تؤكد الدور الإعجازى للصلاه فى بناء الفرد والمجتمع.

نماز، شيطان را می راند (۱۰)، بر تکبر و سرکشی راه می بندد، از زشتی و ناپسندی باز می دارد (۱۱)، کبر و دیگر زنگارهای روح را می زداید ۱۲، بدی ها را می برد ۱۳ و جان را پاک می سازد ۱۴. نماز، کلید هر نیکی است ۱۵، چهره و دل بدان روشن می شود ۱۶ و جان با آن به اطمینان می رسد ۱۷، رحمت را فرو می آورد ۱۸ و زشتی ها با آن زیبا می گردند ۱۹ و برای پیروزی در جهاد اکبر و اصغر از آن مدد می جویند ۲۰. نماز آخرین سفارش پیامبران، مخصوصاً پیامبر خاتم، حضرت رسول اکرم صلى الله عليه وآله است که در پایان وصیت خویش فرمود: نماز را، نماز را و آن را تا بدان جا تکرار کرد که زبانش سنگین و سخنش بریده بریده گشت ۲۱. بی گمان، نماز بهترین وسيله برای سازندگی و سير و سلوك به سوى خداوند متعال و هسته بنیادین حرکت تکاملی به سوى والاترین هدف انسانیت و جامعه نمونه بشری است. بسی درد و اندوه که عموم مردم و بلکه بسیاری از نخبگان، این جان مایه حیات و حرکت و شکوفایی را آن چنان که باید، نمی شناسند و خواص، آنچنان که شاید از آن بهره نمی گیرند، حال آن که آیات قرآن کریم و سنت شریف بر نقش اعجاز گونه نماز در سازندگی فرد و جامعه، تأکید می ورزند.

۱- راجع الفصل السابع والعشرين من هذا الكتاب .

۲- راجع الفصل الثانی من هذا الكتاب .

۳- راجع الحديث ۴۵۶ و ۴۵۷ من هذا الكتاب .

۴- راجع الآية ۲۸ من سورة الرعد .

۵- راجع الفصل السادس من هذا الكتاب .

۶- بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب .

۷- بنگرید به فصل دوم کتاب .

۸- بنگرید به فصل بیست و هفتم کتاب .

۹- بنگرید به حديث ۴۵۶ و ۴۵۷ کتاب .

۱۰- بنگرید به آیه ۲۸ از سورة رعد .

۱۱- بنگرید به فصل ششم کتاب .

ص: ۱۲

کثیرون هم الذین یصرفون وقتا من حیاتهم للتفکیر فی بناء أنفسهم وممارسه ما یهدیهم فی سیرهم وسلوکهم ، فیبحثون عن مرشد یهتدون بأذکاره وأوراده وریاضاته لیطووا مراحل الکمال ومراتب الکشف والشهود ، ولكن نلاحظ فی کثیر من الحالات أنهم ربما یقعون فی فخّ الماکرین الذین لا یعرفون من السیر والسلوک إلاّ الاسم ، متخذین من ذلك وسیله للارتزاق والشهره واستغلال المریدین الجهله بشتی ضروب الاستغلال . و یعلم السالکون الواعون والمسلمون المتبصرون الصادقون أنّ الصلاه هی أفضل التعلیمات التوجیهیه فی السلوک وتزکیه النفس ، وأقرب الطرق إلى مواجهه الغزو الثقافی لأعداء الإسلام ، وأحسن الجهاد ثمرات لتحقيق القيم الإنسانیّه وتطبیق المعرفه الإسلامیه الأصلیه فی المجتمعات البشريّه . ونقرأ فی الوصیه الأخلاقیّه الثمینه الّتی عهد بها الإمام الراحل رضوان الله تعالی علیه إلى ولده العزیز السید أحمد رحمه الله : أنّ الأنانیّه هی أمّ المصائب البشريّه ، وأنّ السعی الّذی یبذل لعلاج جذر الفساد هذا هو الجهاد الأكبر ، وأنّ الفوز فی هذا الجهاد یفضی إلى إصلاح کلّ شیء فی الحیاة . وبعد أن یبین الإمام هذه المفاهیم ، یری بأنّ الصلاه هی السبیل إلى تحقیق ذلك الفوز . یقول قدّس سرّه : «أی بُنّی! دَع عَنْكَ الأنانیّه والعُجب والزهو ، فإنّها من موارث الشیطان الّذی عصی ربّه جلّ وعلا حين أبی الخضوع لولّیه وصفیه ، منطلقا من زهو وکبره ، واعلم أنّ کافّه المصائب البشريّه من إرث الشیطان الّذی هو أصل الفتنة ، ولعلّ الآیه الشریفه : «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» فی بعض مراحلها إشارة إلى الجهاد الأكبر ومکافحه أصل الفتنة المتمثله بالشیاطین الکبار وجنودهم الضاربه جذورها فی أعماق قلوب الناس ، وعلى کلّ إنسان أن یجاهد لِقَمْع الفتنة فی باطنه وظاهره ، وهذا هو الجهاد الّذی لو أفلح فیهِ فإنّ کلّ شیء سیصلح فی الحیاة .

افراد بسیاری سرمایه حیات و عمر را در اندیشه سازندگی و انجام تمرین های جهت یافتن راه تکامل، خرج کرده و در طلب مرشد راه، برخاسته و از ذکرها و وردها و ریاضتها، برای طی کردن منزلگاه های کمال و مراحل مکاشفه و عرفان، یاری جسته اند، ولی فراوان در دام مکارانی افتاده اند که از سیر و سلوک، جز نام آن هیچ نمی دانند و آن را وسیله نان خوردن و کسب شهرت و دربند کشیدن همه جانبه مریدان نادان خویش ، ساخته اند. ره پویان بیدار و مسلمانان روشن بین راستین می دانند که نماز، بهترین درس سیر و سلوک و خودسازی، نزدیکترین راه برای مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و نتیجه بخش ترین جهاد برای تحقق ارزش های انسانی و پیاده کردن معارف ناب اسلام در جوامع بشری است. در سفارش اخلاقی گرانبهای امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - به فرزند عزیزش حاج سید احمد - ره - می خوانیم: که خودخواهی ریشه مصیبت های بشری است و کوشش برای درمان این ریشه تباهی است که جهاد اکبر نام دارد و پیروزی در این جبهه به اصلاح تمام گستره زندگی می انجامد. امام پس از روشن کردن این مفاهیم ، نماز را راه تحقق این پیروزی می بیند و می گوید: «فرزندم، از خودخواهی و خودبینی به درآی که این ارث شیطان است، که به واسطه خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولّی و صفّی او جلّ و علا سرباز زد. و بدان که تمام گرفتاریهای بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنة است، و شاید آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ» (۱) در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنة که شیاطین بزرگ و جنود آن، که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هر کس برای رفع فتنة از درون و برون خویش ، باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می شود.

ص: ۱۳

أَيُّ بُنَى! إشع لكسب هذا الفوز، أو حاول أن تقطف بعض ثماره، وخذ من الأهواء التي لاحصر لها، واستعن بالله جلّ وعلا إذ لا يفلح أحد بدون مدده، واعلم أن الصلاه هي السبيل إلى بلوغ هذا الهدف لأنها معراج العارفين وسفر العاشقين، وإذا وفقت ووفقتنا إلى أداء ركعه منها، وإلى مشاهدته الأنوار المكنونه والأسرار المودعه فيها ما أمكننا ذلك فقد شممنا نفعه من مراد أولياء الله ومقصودهم، وتمثلنا مشهدا لصلاه سيد الأنبياء والعرفاء التي هي معراج له عليه وعلى آله أفضل الصلاه والسلام. ومن الله علينا وعليكم بهذه النعمه العظيمة» (۱). أجل، لو اهتمّ العاملون المخلصون في النظام الإسلامي التواقون إلى سياده القيم الإسلاميه بمعطيات الصلاه وبركاتها كما هي أهله، لما خصّصوا القسط الأكبر من ميزاتيه مواجهه الغزو الثقافي لإحياء الصلاه فحسب، بل لأضافوا فقره جديده في ميزاتيه الحكومه لتعميم ثقافه هذه الفريضه البنّاءه المجهوله وتعميقها. وستلاحظون في هذا الكتاب تبينا مفصّلا مأخوذا من القرآن والحديث عن دور الصلاه في بناء الفرد والمجتمع؛ والنقطه الدقيقه والمهمه جدا هنا هي أن بناء الفرد مقدّمه لبناء المجتمع، وأن أساس بناء الفرد ذكر الله تعالى كما قال أمير المؤمنين عليه السلام: «أصل صلاح القلب اشتغاله بذكر الله»؛ وهذا الكلام من غرر كلامه عليه السلام وجمله القول فيه أن الهدف الأعلى للإنسان هو لقاء الله، وأن سرّ لقاءه عشقه ومحبّته، وأن مفتاح هذا السرّ ذكره سبحانه وتعالى، والصلاه أكمل ذكر له.

پسرم، سعی کن که به این پیروزی دست یابی، یا دست کم به بعض مراحل آن. همت کن و از هواهای نفسانی، که حد و حصر ندارد، بکاه، و از خدای متعال جل و علا استمداد کن که بی مدد او کس به جایی نرسد و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقق یک رکعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو به قدر طاقت خویش، شمه ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم، و دورنمایی از صلاه، معراج سید انبیا و عرفا صلی الله علیه وآله را مشاهده کردیم، که خداوند منان ما و شما را به این نعمت بزرگ منت نهد.» (۲) آری، اگر کارگزاران مخلص در حکومت اسلامی که مشتاق حاکمیت ارزش های اسلامی هستند به آثار و برکت های نماز آن گونه که شایسته آن است، توجه می داشتند، بخش بزرگی از بودجه مبارزه با تهاجم فرهنگی رابه زنده کردن نماز اختصاص می دادند و بلکه ردیف خاصی را در بودجه عمومی کشور برای ترویج و تعمیق فرهنگ نماز، این فريضه سازنده ناشناخته، قرار می دادند. در این کتاب، تبیین گستره نقش نماز را در سازندگی فرد و جامعه که از قرآن و حدیث گرفته شده، خواهید دید. نکته دقیق و مهم در این جا آن است که سازندگی فرد، مقدمه سازندگی اجتماع است و پایه خودسازی، یاد خداوند متعال است، همان گونه که امیر مؤمنان فرموده است: «ریشه اصلاح دل، اشتغال آن به یاد خداست» که از کلمات نغز آن حضرت است و جان کلام این که هدف نهایی انسان، دیدار خداست و رمز این دیدار، عشق و محبت او و کلید این رمز، ذکر و یاد خدای سبحان متعال است و نماز کامل ترین ذکر است.

۱- امام در سنگر نماز: ۱۹۶ و ۱۹۷.

۲- امام در سنگر نماز: ۱۹۶ و ۱۹۷.

ص: ۱۴

إِنَّ ذَكَرَ اللَّهَ حَيَاةَ للقلب، وغذاء للروح، ومفتاح للأُنس، وباعث على حصول حبِّ الحقِّ جَلَّ وعلا- وعشقه، وإِنَّ عَشَقَ اللَّهَ يقطع العاشق من غير المعشوق، وهذا هو مايسمى بالانقطاع، وفي المرتبه الأولى من هذا الانقطاع تموت النفس الأمّاره، وتبدأ الحياه العقلية للإنسان، وفي أعلى درجاته تستضيء بصيره الإنسان بنور لقاء اللَّه، وفي أعلى درجات معرفه اللَّه تذوب إرادته الإنسان في إرادته الحقَّ جَلَّ وعلا، ويرتدى الإنسان خلعه الخلافه الإلهيه والولايه التكوينيّه، فتظهر منه خوارق العادات واستجابته الدعوات (۱). أمّا المسأله الجوهرية فهي أَنَّ الصلاه حافله بهذه المعطيات والبركات، وهي التي تأخذ بيد الإنسان نحو الهدف الأعلى للبشريّه، ولكن ينبغي أن تكون بحقيقتها وشروطها التي يقبلها اللَّه تعالى من العبد، لا الألفاظ الفارغه والحركات الشكلية التي ينطبق عليها ما جاء في الخبر: «لا يقبل اللَّه صلاه عبداً ما لم يحضر قلبه مع بدنه» (۲). ونقول أخيراً: إِنَّ الكلام حول حضور القلب في الصلاه وأسباب تحصيله كثير، بيد أنّي أكتفي بذكر ملاحظتين مهمتين جدّاً سمعتهما من أحد العارفين الكبار:

۱- التعرّض لرحمة الربّی گمان، یاد خدا، زندگی دل، خوراک جان، کلید انس و پدید آورنده کیمیای عشق و محبت حق - جَلَّ و علا - است. همانا عشق به خدا، پیوند عاشق را با هر چه جز معشوق است، می برد و این همان است که انقطاع نامیده می شود و در نخستین مرتبه آن، نفس امّاره می میرد و زندگی عقلانی انسان آغاز می شود و در بالاترین مرتبه آن، دیده دل، به نور دیدار خدا، روشن می گردد و در این والاترین درجه است که اراده انسان در اراده حق - جَلَّ و علا - فانی می گردد و انسان، خلعت خلافت الهی و ولایت تکوینی می پوشد و کرامت های خارق العاده و اجابت دعا از او پدیدار می شود (۳). مسئله اصلی این است که نماز هنگامی این آثار و برکات را دارد و انسان را در رسیدن به هدف نهایی اش دستگیری می کند، که به صورت حقیقی و همراه با شرطهایش، آنگونه که مقبول خداوند متعال است، آورده شود؛ نه کلمه هایی تو خالی و حرکت هایی ظاهری که مصداق این حدیث باشد: «خداوند نماز بنده ای را که دلش همراه تنش نیست، نمی پذیرد» (۴). باری، پیرامون حضور قلب در نماز و وسیله های دستیابی به آن، گفتگو بسیار است، ولی تنها به دو نکته مهم که از عارفی بزرگ شنیده ام، می پردازم.

۱ - خود را در برابر نسیم رحمت پروردگار نهادن.

۱- راجع «مبانی خداشناسی»: ۴۷۷ - ۴۹۰ للمؤلف.

۲- راجع الحديث ۲۱۵ من هذا الكتاب.

۳- بنگرید به «مبانی خداشناسی» از مؤلف: ۴۷۷ - ۴۹۰.

۴- بنگرید به حديث ۲۱۵ كتاب.

ص: ۱۵

الغفلات غیر الاختیاریه مهما كانت كثيره فإنها تضحل وتنتهي بالرحمه الإلهيه فقد تبرق بارقه خير فيتوجه الإنسان حينذاك إلى الله سبحانه ، وإذا حاول جاهدا أن لا تنطفئ هذه البارقه الربانيه فإن الشيطان يتركه وعندئذ تبدل هذه البارقه شيئا فشيئا إلى النور الدائم والحضور الكامل . فالخساره كل الخساره هي أن نمهد بواعث الغفله مختارين ، لأن هم الشيطان هو أن يجزنا إلى الغفله بأيدينا وأن لا نستفيد من نفحات الرب في أيام الدهر كما روى «إن لربكم في أيام دهركم نفحات ، ألا فتعرضوا لها» (۱) .

۲ الأعراض عن اللغو الاشتغال باللغو والتكلم به من العوامل الاختياريه للوقوع في الغفله والنسيان . فاللغو يضعف إرادته الإنسان في المحافظه على القيم الإنسانيه والإسلاميه ، ويسلب منه توفيق الذكر وحضور القلب في الصلاه ، في حين أن حضور القلب في الصلاه أساس القيم المذكوره . إن الشخص الذي يوفق إلى حضور القلب الكامل في الصلاه لا يجتنب الذنب فحسب ، بل يجتنب أعمال اللغو كلها . ولعل تقارن الأعراض عن اللغو مع الخشوع في الصلاه في سوره «المؤمنون» إشاره إلى هذه النقطه ، قال تعالى : «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» . اللهم اجعلنا من المفليحين مکه المكرمه الأول من شعبان سنه ۱۴۱۷ هـ

غفلت های بی اختیار، هر اندازه فراوان باشد با نخستین وزش نسیم رحمت الهی، نابود می گردد. گاه نور خیر جرقه می زند و انسان در آن حال به خدا متوجه می گردد که اگر برای خاموش نشدن این بارقه الهی تلاش کند، شیطان او را رها می کند و به تدریج این پرتو نورافشان به نوری همیشگی و حضوری کامل می انجامد. خسارت واقعی آن است که عوامل غفلت را به اختیار خود فراهم آوریم، چون همت شیطان آن است که ما را با دست خویش به غفلت اندازد و از نسیم های مهر پروردگار در روزگار، بهره نگیریم ، همان گونه که روایت شده است: «بی گمان برای پروردگارتان در ایام روزگارتان، نسیم هایی است، هان، خود را در برابر آن نهید» (۲) .

۲ - روی گرداندن از بیهودگیی گمان سرگرم شدن به کارها و گفتگوی بیهوده، از عوامل اختیاری غفلت و فراموشی است . کار بیهوده، اراده انسانی را در حفظ ارزش های انسانی و اسلامی سست می کند و توفیق ذکر و حضور در نماز را از او می گیرد، حال آن که حضور قلب در نماز ، بنیاد همه این ارزش هاست. آن که موفق به حضور قلب کامل در نماز می گردد تنها از گناه دوری نمی کند، بلکه از همه کارهای بیهوده دوری می گزیند و شاید آوردن خشوع در نماز به همراه دوری از بیهودگی در سوره مؤمنون به این نکته اشاره دارد. خداوند متعال می فرماید: «حتماً مؤمنان رستگار شدند؛ همانان که در نمازشان فروتنند. و آنان که از بیهودگی روی گردانند». خدایا ما را از رستگاران قرار ده .

۱- البحار : ۸۳ / ۳۵۲ .

۲- بحار الأنوار : ۸۳ / ۳۵۲ .

ص: ۱۶

الفصل الأول : وجوب الصلاة

فصل نخست : وجوب نماز

الفصل الأول: وجوب الصلاة الكتاب: «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (۱).

الإمام الباقر عليه السلام في قول الله عز وجل : «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» : أى مَوْجُوبًا (۲).

رسول الله صلى الله عليه وآله لَمَنْ قَالَ لَهُ : أَخْبِرْنِي مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ : فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ ... (۳).

عنه صلى الله عليه وآله : أَنْزَلَ عَلَيَّ وَعَلَى أُمَّتِي خَمْسَ صَلَوَاتٍ لَمْ تُنَزَلْ عَلَى مَنْ قَبْلِي وَلَا تُفْتَرَضُ عَلَى أُمَّهِ بَعْدِي لِأَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (۴).

زُرَّارَةُ : سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ ، فَقَالَ : خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (۵).

الإمام الباقر عليه السلام : فَرَضَ اللَّهُ الصَّلَاةَ وَسَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَشْرَةَ أَوْجُهٍ : صَلَاةَ الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ ، وَصَلَاةَ الْخَوْفِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ ، وَصَلَاةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ ، وَصَلَاةَ الْعِيدَيْنِ ، وَصَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ ، وَالصَّلَاةَ عَلَى الْمَيِّتِ (۶).

فصل اول: وجوب نماز قرآن: «نماز بر مؤمنان نوشته و واجب شده است.»

امام باقر علیه السلام: رواه «موقوتا» در آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» به معنی «موجوباً» است. یعنی نماز بر مؤمنان نوشته و واجب شده است. (۷)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله کسی که از واجبات الهی پرسیده بود، فرمود: خداوند، بر تو هفده رکعت [نماز] در هر شبانه روز واجب کرده است.

بر من و امتم، پنج نماز نازل شده که بر امتهای پیشین نشده و بر امتی پس از من واجب نمی شود، زیرا پیامبری پس از من نمی آید.

زراره: نمازهای واجب را از امام باقر علیه السلام پرسیدم. امام فرمود: پنج نماز در شبانه روز.

امام باقر علیه السلام: خداوند [اصل] نماز را واجب کرد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را بر ده گونه نهاد: نماز حاضر و مسافر، نماز خوف که خود سه گونه است، نماز خورشید و ماه گرفتگی، نماز دو عید [فطر و قربان] نماز باران و نماز بر مرده .

۱- النساء: ۱۰۳.

۲- الکافی: ۳ / ۲۷۲ / ۴ عن زراره ، الفقيه: ۱ / ۱۹۶ / ۶۰۱ ، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۳۱ والأخیران عن الإمام الصادق علیه السلام

وفيهما «أى مفروضا» .

۳- .الكافی : ۸ / ۳۳۶ / ۵۳۱ عن أبان بن عثمان عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام .

۴- .الاختصاص : ۴۶ عن ابن عباس .

۵- .الكافی : ۳ / ۲۷۱ / ۱ ، التهذيب : ۲ / ۲۴۱ / ۹۵۴ ، الفقيه : ۱ / ۱۹۵ / ۶۰۰ .

۶- .الكافی : ۳ / ۲۷۲ / ۳ عن زراره ، الفقيه : ۱ / ۲۰۷ / ۶۲۰ .

۷- .این حدیث مانند احادیث فراوان دیگری در مقام رد تفسیر «موقوتاً» به (زمان معین) است . بنگرید به بحار الانوار : ۸۲ / ۳۴۰ /

۱۷ و ۳۵۲ / ۲۴ تا ۳۲ .

ص: ۱۷

الإمام الصادق عليه السلام لَمَنْ قَالَ لَهُ : أَخْبِرْنِي عَنِ الْفَرَائِضِ الَّتِي فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ مَا هِيَ ؟ : شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ ... (۱).

راجع : الفصل ۲ و ۲۹ و ۳۰ ؛ والحديث ۸۳ و ۸۵ ؛ ووسائل الشيعة: ۱/۱۳ (باب وجوب العبادات الخمس).

فائده: قال صاحب الجواهر رحمه الله : صلاه اليوم والليله خمس ... ولا- خلاف في وجوبها فيهما ، بل هي من ضروريات الدين المستغنية عن الاستدلال بالكتاب المبين ، وإجماع المسلمين ، والمتواتر من سننه سيّد المرسلين والأئمه المهديين صلوات الله عليه (۲).

امام صادق عليه السلام به کسی که واجبات خداوند بر بندگان را پرسیده بود، فرمود: شهادتبر یگانگی خداوند و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله و برپاداشتن نمازهای پنجگانه.

فایده: نویسنده مجموعه فقهی بزرگ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام می گوید: نمازهای هر شبانه روز پنج عدد است ... و هیچ اختلافی در وجوب آن ها در شبانه روز نیست، بلکه آن از ضروریات دین است و نیازمند استدلال به قرآن و اجماع مسلمانان و سنت متواتر پیامبر و امامان رهیافته (صلوات الله علیهم) نیست.

۱- الفقیه: ۱ / ۲۰۴ / ۶۱۲ .

۲- جواهر الکلام: ۳ / ۱۱ .

الفصل الثانی : حکمه الصلاة

فصل دوم : حکمت نماز

الفصل الثانی: حِكْمَةُ الصَّلَاةِ الْكِتَاب: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ» (۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا فُرِضَتِ الصَّلَاةُ... لِإِقَامِهِ ذِكْرَ اللَّهِ (۲).

الإمام علي عليه السلام: فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا مِنَ الشَّرِكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهَاً عَنِ الْكِبَرِ (۳).

هشام بن الحكم: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ عِلَّةِ الصَّلَاةِ فَإِنَّ فِيهَا مَشْغَلَةً لِلنَّاسِ عَنْ حَوَائِجِهِمْ وَمَتَعَبَةً لَهُمْ فِي أَبْدَانِهِمْ، قَالَ: فِيهَا عِلَلٌ، وَذَلِكَ أَنَّ النَّاسَ لَوْ تَرَكُوا بَغَيْرَ تَنْبِيهِ وَلَا تَذَكُّرٍ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَكْثَرِ مِنَ الْخَبَرِ الْأَوَّلِ وَبَقَاءِ الْكِتَابِ فِي أَيْدِيهِمْ فَقَطْ لَكَانُوا عَلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ، فَإِنَّهُمْ قَدْ كَانُوا اتَّخَذُوا دِينًا وَوَضَعُوا كُتُبًا وَدَعَوْا أَنْاسًا إِلَى مَا هُمْ عَلَيْهِ وَقَتْلَوْهُمْ عَلَى ذَلِكَ، فَدَرَسَ أَمْرُهُمْ وَذَهَبَ حِينَ ذَهَبُوا، وَأَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ لَا يُنْسِيَهُمْ أَمْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَضَ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةَ يَذْكُرُونَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ يُنَادُونَ بِاسْمِهِ، وَتَعَبَدُوا بِالصَّلَاةِ وَذَكَرِ اللَّهُ لِكَيْ لَا يَغْفُلُوا عَنْهُ وَيَنْسُوهُ فَيَنْدَرِسَ ذِكْرُهُ (۴).

فصل دوم: حکمت نماز قرآن: «نماز را برای یاد من، بپا دار.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز واجب شده است ... برای بر پا داشتن یاد خدا.

امام علی علیه السلام: خداوند ایمان را جهت پاک کردن از شرک، و نماز را برای دوری از کبر واجب کرد.

هشام بن الحكم: از امام صادق پرسیدم: با اینکه نماز مردم را از کار و زندگی باز می دارد و تن هایشان را خسته می کند، چرا واجب شده است؟ امام فرمود: در آن، علت‌هایی نهفته است. اگر مردم بدون هیچ آگاهی و یادآوری از پیامبر اکرم رها شوند و تنها به همان رسالت نخستین و حضور قرآن در میان آنان بسنده شود، مانند امت‌های پیشین می گردند که به دین گرویدند و کتاب‌هایی هم نوشتند و مردم را به دین خود فراخواندند و حتی برای آن جنگیدند، اما با رفتنشان، دینشان هم رفت و اثری از آنان باقی نماند. حال آنکه خداوند تبارک و تعالی خواست که مردم حضرت محمد صلی الله علیه و آله را از یاد نبرند. از این رو نماز را بر آنان واجب کرد تا او را هر روز، پنج بار یاد کنند و نام [مبارکش] را بر زبان آورند و به نماز و یاد خدا فرمان داده شدند، تا غافل نگردند و او را فراموش نکنند مبادا یادش از خاطرها برود.

۱- طه: ۱۴.

۲- عوالی اللآلی: ۱ / ۳۲۳ / ۶۰؛ إحياء علوم الدين: ۱ / ۲۲۸.

۳- نهج البلاغه: الحکمه ۲۵۲، الفقيه: ۳ / ۵۶۸ / ۴۹۴۰ عن زينب بنت الإمام علي عليهما السلام عن فاطمه عليها السلام، غرر الحكم: ۶۶۰۸.

۴- .علل الشرائع : ۳۱۷ / ۱ .

ص: ۱۹

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ عِلَّةَ الصَّلَاةِ أَنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ عِزُّ وَجَلُّ ، وَخَلْعُ الْأُنْدَادِ ، وَقِيَامٌ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ جَلُّ جَلَالُهُ ، بِالذُّلِّ وَالْمُسْكَنَةِ وَالْخُضُوعِ وَالْإِعْتِرَافِ ، وَالطَّلَبِ لِلْإِقْبَالِ مِنْ سَالِفِ الدُّنُوبِ ، وَوَضْعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ إِعْظَامًا لِلَّهِ جَلُّ جَلَالُهُ وَأَنْ يَكُونَ ذَاكِرًا غَيْرَ نَاسٍ وَلَا بَطِرٍ ، وَيَكُونَ خَاشِعًا مُتَذَلِّلًا رَاغِبًا طَالِبًا لِلزِّيَادَةِ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِيجَابِ وَالْمُدَاوَمَةِ عَلَى ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، لَثَلَا يَنْسِيَ الْعَبْدُ سَيِّدَهُ وَمُدَبِّرَهُ وَخَالِقَهُ فَيَطْرُقُ وَيَطْغَى ، وَيَكُونَ ذَلِكَ فِي ذِكْرِهِ لِرَبِّهِ جَلُّ وَعَزُّ وَقِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ زَاجِرًا لَهُ عَنِ الْمَعَاصِي وَمَانِعًا لَهُ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَسَادِ (۱) .

عنه عليه السلام في بيان عِلَّةِ الصَّلَاةِ : طَاعَةُ أَمْرِهِمْ بِهَا وَشَرِيعَةُ حَمَلِهِمْ عَلَيْهَا ، وَفِي الصَّلَاةِ تَوْقِيرٌ لَهُ وَتَبَجِيلٌ وَخُضُوعٌ مِنَ الْعَبْدِ إِذَا سَجَدَ ، وَالْإِقْرَارُ بِأَنْ فَوْقَهُ رَبًّا يَعْبُدُهُ وَيَسْجُدُ لَهُ (۲) .

امام رضا عليه السلام: حکمت نماز ، اقرار به ربوبیت خداوند عز و جل و شریک نگرفتن برای اوست. ایستادن در پیشگاه جبروت الهی ، با خواری و بیچارگی، افتادگی و اعتراف و درخواست بخشش گناهان گذشته است. صورت نهادن بر خاک در هر روز برای بزرگداشت خداوند جلّ جلاله است، تا به یاد او نه فراموشکار و گردنکش که فروتن و خوار و خواهان و مشتاق فزونی دین و دنیای خود باشد. افزون بر این ها، نماز، ذکر خداوند عز و جل و دوام آن در شب و روز است تا بنده، مالک و مدبر و آفریدگارش را از یاد نبرد و گرنه سرکشی و طغیان می کند و این در یاد کردن پروردگار عز و جل و ایستادن در پیشگاهش نهفته است، که او را از سرپیچی نهی می کند و از انواع فساد باز می دارد.

در تبیین حکمت نماز : اطاعتی است که [خدا] آنان را بدان امر کرده و آیینی است که بر آن وادارشان ساخته است . در نماز بزرگداشت و گرامیداشت خداوند و فروتنی بنده هنگام سجده است و اقرار به اینکه بالاتر از او ، پروردگاری است که به عبادتش می پردازد و برایش سجده می کند.

۱- .الفقيه: ۱ / ۲۱۴ / ۶۴۵ ، علل الشرائع: ۳۱۷ / ۲ عن محمد بن سنان و ص ۲۵۶ / ۹ عن الفضل بن شاذان نحوه .

۲- .المناقب لابن شهر آشوب: ۴ / ۳۵۴ .

الفصل الثالث : الصلاة قبل الإسلام

فصل سَوَم : نماز پیش از اسلام

الفصل الثالث: الصَّلَاةُ قَبْلَ الْإِسْلَامِ: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (۱).

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ - وَالْبَالِغِينَ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ» (۲).

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (۳).

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ ثُبُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (۴).

«فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (۵).

فصل سَوَم: نماز پیش از اسلام قرآن: «پروردگارا، من [یکی] از فرزندانم را در درّه ای بی کشت و زرع، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند».

«و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید؛ آنگاه، جز اندکی از شما، [همگی] روی برگردانید».

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند».

«و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز بر پا دارید و مؤمنان را مژده ده».

«پس در حالی که وی [زکریا] در محرابش به نماز ایستاده بود، فرشتگان، او را ندا در دادند که خداوند تو را به [ولادت] یحیی که تصدیق کننده [حقانیت] کلمه الله [= عیسی] است و بزرگوار و خویشتندار [= پرهیزنده از زنان] و پیامبری از شایستگان است مژده می دهد».

- ۱- إبراهيم : ۳۷ .
- ۲- البقره : ۸۳ .
- ۳- الأنبياء : ۷۳ .
- ۴- يونس : ۸۷ .
- ۵- آل عمران : ۳۹ .

ص: ۲۱

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (۱).

فیما ناجی الله تبارک و تعالی نبیه موسی علیه السلام: عَلَیْكَ بِالصَّلَاةِ ، الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا مِنِّي بِمَكَانٍ ، وَلَهَا عِنْدِي عَهْدٌ وَثِیقٌ (۲).

الإمام الصادق علیه السلام: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ : ... يَا بُنَيَّ ، وَإِذَا جَاءَ وَقْتُ صَلَاةٍ فَلَا تُؤَخِّرْهَا لِشَيْءٍ ، وَصَلِّهَا وَاسْتَرِحْ مِنْهَا فَإِنَّهَا دِينٌ ۳ .

راجع : مریم : ۵۴ و ۵۵ ؛ لقمان : ۱۷ ؛ والحديث ۴۴ ۴۶ و ۱۲۱ و ۱۹۷ و ۳۳۲ و ۴۹۰ و ۵۰۲ و ۵۳۱ و ۵۳۲ .

«و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است.»

خداوند تبارک و تعالی در مناجات پیامبرش موسی علیه السلام با او: پیوسته بر نماز مواظبت کن، که نزد من جایگاهی ویژه و عهدی محکم دارد.

امام صادق علیه السلام: لقمان به پسرش گفت: پسرکم، هنگامی که وقت نماز در رسید، به خاطر هیچ چیز ، آن را به تأخیر مینداز و از آن آسوده خاطر شو که آن وام است.

۱- مریم : ۳۱ .

۲- الکافی : ۸ / ۴۵ / ۸ عن علی بن عیسی رفعه .

ص: ۲۲

الفصل الرابع : فضل الصلاة

فصل چهارم : فضیلت نماز

الفصل الرابع: فضل الصلاة رسول الله صلى الله عليه وآله: الصلاة نور (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: الصلاة نور المؤمنين ، والصلاة نور من الله (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: صلاة الرجل نور في قلبه ، فمن شاء منكم فليثور قلبه (۳).

عنه صلى الله عليه وآله: الصلاة برهان (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: صلاة في أثر صلاة لا لغو بينهما كتاب في علين (۵).

عنه صلى الله عليه وآله: ألا إن الصلاة مأدبة الله في الأرض ، قد هئأها لأهل رحمته في كل يوم خمس مرات (۶).

عنه صلى الله عليه وآله: إن لكل شيء زينة وزينه الإسلام الصلوات الخمس ، ولكل شيء ركن وركن المؤمنين الصلاة ، ولكل شيء سراج وسراج قلب المؤمنين الصلوات الخمس (۷).

عنه صلى الله عليه وآله: إن الله عز وجل لا يفتري ضئيلاً أفضل من التوحيد والصلاة ، ولو كان شيء أفضل منه لافترضه على ملائكتهم منهم راجع وساجد (۸).

فصل چهارم: فضیلت نماز پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نماز، نور است.

نماز، نور مؤمن است، نماز نوری از خداوند است.

نماز انسان، نوری در دل اوست. پس هر کس می خواهد، دلش را نورانی کند.

نماز، دلیل روشن و آشکاری است.

نماز پشت سر نماز بدون کار بیهوده در میانشان، در علین نوشته شود.

آگاه باشید که نماز، خوراک مهمانی خداوند در زمین است که برای شایستگان رحمتش در هر روز پنج مرتبه، آماده و گوارایش می سازد.

هر چیز را زینتی است و زینت اسلام، نمازهای پنجگانه است و هر چیز پایه ای دارد و پایه مؤمن، نماز است و برای هر چیز، چراغی است و چراغ دل مؤمن ، نمازهای پنجگانه است.

خداوند عز و جل چیزی برتر از توحید و نماز را واجب نمی کند و اگر چیزی برتر بود، آن را بر فرشتگانش واجب می کرد که برخی در رکوع و برخی دیگر در سجودند.

- ۱- صحیح مسلم : ۱ / ۲۰۳ / ۱ ، سنن الترمذی : ۵ / ۵۳۶ / ۳۵۱۷ کلاهما عن أبي مالك الأشعري ؛ عوالی اللآلی : ۱ / ۱۰۴ / ۳۶ عن أنس .
- ۲- مستدرک الوسائل : ۳ / ۹۲ / ۳۰۹۸ نقلاً عن لبّ الباب ؛ سنن ابن ماجه : ۲ / ۱۴۰۸ / ۴۲۱۰ عن أنس من دون ذیل الحدیث .
- ۳- کنز العمال : ۷ / ۳۰۰ / ۱۸۹۷۳ نقلاً عن الديلمی عن أبي هريره .
- ۴- سنن الترمذی : ۲ / ۵۱۳ / ۶۱۴ ، المعجم الكبير : ۱۹ / ۱۰۶ / ۲۱۲ کلاهما عن كعب بن عجرة ، مسند ابن حنبل : ۸ / ۴۵۱ / ۲۲۹۷۲ عن عبد الرحمن الأشعري ، المستدرک علی الصحیحین : ۴ / ۱۴۱ / ۷۱۶۲ ، تاریخ بغداد : ۱۲ / ۱۱۰ / ۶۵۴۹ کلاهما عن عبد الرحمن بن سمره ؛ مستدرک الوسائل : ۷ / ۱۶۲ نقلاً عن درر اللآلی عن جابر بن عبد الله .
- ۵- سنن أبي داود : ۲ / ۲۷ / ۱۲۸۸ ، مسند ابن حنبل : ۸ / ۲۹۸ / ۲۲۳۳۶ ، المعجم الكبير : ۸ / ۱۲۸ / ۷۵۸۲ ، السنن الكبرى : ۳ / ۷۰ / ۴۹۱۰ و ص ۸۹ / ۴۹۷۳ کلها عن أبي أمامه .
- ۶- مستدرک الوسائل : ۳ / ۱۶ / ۲۸۹۹ و ص ۹۱ / ۳۰۹۴ وفيه «هتأها» و کلاهما عن لبّ الباب .
- ۷- جامع الأخبار : ۱۸۳ / ۴۴۶ .
- ۸- الفردوس : ۱ / ۱۶۵ / ۶۱۰ ، کنز العمال : ۷ / ۳۱۳ / ۱۹۰۳۸ نقلاً عن الديلمی وفيه «ولو كان شيء أفضل منهما . . .» و کلاهما عن أبي سعيد .

ص: ۲۳

عنه صلى الله عليه و آله :الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ ، وفيها مَرَضَةُ الرَّبِّ عز و جل ، وهى مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ (۱) .

عنه صلى الله عليه و آله :لَا خَيْرَ فِى دِينٍ لَا رُكُوعَ فِيهِ وَلَا سُجُودَ (۲) .

عنه صلى الله عليه و آله :قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : قَسَمْتُ الصَّلَاةَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي نَصْفَيْنِ وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ ، فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : حَمِدَنِي عَبْدِي ، وَإِذَا قَالَ : «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : أَثْنَى عَلَى عَبْدِي ، وَإِذَا قَالَ : «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ» قَالَ : مَجَّدَنِي عَبْدِي (وَقَالَ مَرَّةً : فَوَضَّ إِلَيَّ عَبْدِي) ، فَإِذَا قَالَ : «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» قَالَ : هَذَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ ، فَإِذَا قَالَ : «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» قَالَ : هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ . (۳)

راجع : الحديث ۱۲ .

فائده: قال صاحب الجواهر رحمه الله بعد نقل روايات فى فضل الصلاة : لا يختص هذا الفضل بخصوص الفرائض الخمس من الصلوات وإن اختصت بعض الأخبار بها ، بل قد يقال بانصراف ما كان موضوعه لفظ الصلاة إليها لأنها هى المعهوده المستعمله التى لم يُسأل العبد بعد أدائها عن غيرها ، إلا أن التأمل فيما ورد عنهم عليهم السلام بل هو صريح البعض يقضى بعدم الفرق بين الفرض والنفل فى هذا الفضل وأنهما جميعاً خير العمل (۴) .

نماز، از دستورات دین و در آن، خشنودی پروردگار عز و جلنهفته و راه روشن پیامبران است.

دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، هیچ خیری ندارد.

خداوند تعالی فرموده است: نماز را بین خود و بنده ام دو نیمه کرده ام و آنچه بخواهد به او می دهم. پس هنگامی که بنده می گوید: «الحمد لله رب العالمين» خداوند تعالی می گوید: بنده ام مرا ستود. و هنگامی که گفت: «الرحمن الرحيم» خداوند تعالی می گوید: بنده ام مرا ستایش کرد و هنگامی که گفت: «مالك يوم الدين» می گوید: بنده ام مرا بزرگ داشت (يك بار فرمود: بنده ام [امرش را] به من واگذارد) و هنگامی که گفت: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» می گوید: این بین من و بنده ام می باشد و آنچه خواست به او می دهم. پس هنگامی که گفت: «اهدنا الصراط المستقيم» می گوید: این برای بنده ام می باشد و آنچه خواست به او می ده (۵) .

فائده: صاحب کتاب بزرگ جواهر الکلام فى شرح شرائع الاسلام پس از نقل روایتی در فضیلت نماز می گوید: این فضیلت، اختصاص به نمازهای پنجگانه واجب ندارد، گرچه برخی خبرها مخصوص به آن هاست. بلکه گفته می شود منظور هر روایتی که واژه صلاه دارد آن ها هستند؛ چون معروف و رایج بوده و جز آن ها نماز دیگری را از بنده نمی خواهند. امّا دقت در آنچه از پیشوایان رسیده که برخی صراحت هم دارند حکم می کند در این فضیلت، بین واجب و مستحب فرقی نگذاریم و هر دو را بهترین کار بدانیم .

- ۱- الخصال : ۵۲۲ / ۱۱ عن ضميره بن حبيب .
- ۲- أُمّالی الطوسی : ۵۰۵ / ۱۱۰۶ عن جابر .
- ۳- صحیح مسلم : ۱/۲۹۶/۳۸ ، سنن ابن ماجه : ۲ / ۱۲۴۳ / ۳۷۸۴ ، مسند ابن حنبل : ۳ / ۳۳ / ۷۲۹۵ وص ۱۳۰ / ۷۸۴۱ وص ۴۸۳ / ۹۹۳۹ ، السنن الکبری : ۲ / ۵۸ / ۲۳۶۶ ، سنن الدارقطنی : ۱ / ۳۱۲ / ۳۵ کلّها عن أبي هريره ؛ التبیان : ۱/۴۶ عن جابر بن عبد الله وفيه «... مَجْدَنِي عَبْدِي ، ثُمَّ قَالَ : هذا لي وَلَهُ ما بَقِيَ» .
- ۴- جواهر الکلام : ۳ / ۶ .
- ۵- م در نقل تفسیر تبیان چنین آمده است: «بنده ام مرا بزرگ داشت. سپس فرمود: این برای من و بقیه برای اوست».

ص: ۲۴

الفصل الخامس : خصائص الصلاة

۱ / ۵ قوام الدين

فصل پنجم : ویژگیهای نماز

۵ / ۱ استواری دين

الفصل الخامس: خصائص الصلاة ۱ / ۵ قوام الدين رسول الله صلى الله عليه وآله: الصلاة عمود دينك (۱).

الإمام علي عليه السلام: الله الله في الصلاة، فإنها عمود دينك (۲).

رسول الله صلى الله عليه وآله: قيم الدين الصلاة (۳).

عنه صلى الله عليه وآله: مثل الصلاة مثل عمود الفسطاط، إذا ثبتت العمود نفع الأتارب والأوتاد والغشاء، وإذا انكسر العمود لم ينفع طنّب ولا وتد ولا غشاء (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: إنما موضع الصلاة من الدين كموضع الرأس من الجسد (۵).

معاذ بن جبل عن النبي صلى الله عليه وآله: ألا أخبرك برأس الأمر وعموده وذروه سنامه؟ (۶) فقلت: بلى يا رسول الله، قال: رأس الأمر وعموده الصلاة وذروه سنامه الجهاد (۷).

فصل پنجم: ویژگیهای نماز ۱ / ۵ استواری دینپایمبر خدا صلى الله عليه وآله: نماز، ستون دین شماس.

امام علی علیه السلام: خدا را! خدا را! در باره نماز، که ستون دین شماس.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: برپادارنده دین، نماز است.

نماز، مانند ستون خیمه است؛ اگر ستون بر پا باشد، ریسمانها و میخها و پرده سود می رساند و هنگامی که ستون بشکند نه ریسمان سودی دارد و نه میخ و پرده.

جایگاه نماز در دین، مانند سر در کالبد است.

معاذ می گوید: پیامبر به من فرمود: آیا تو را از سر امر (اسلام) و ستون آن خبر نکنم؟ گفتم: چرا ای پیامبر خدا. حضرت فرمود: سر امر و ستون آن، نماز و قلّه اش جهاد است.

- ۱- م. الكافي : ۲ / ۱۹ / ۵ ، المحاسن : ۱ / ۴۴۶ / ۱۰۳۴ كلاهما عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام التهذيب : ۱ / ۱۷۴ / ۴۹۶ عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آلهوفيه «الصَّلَاةُ عِمَادُ دِينِكُمْ» و ج ۲ / ۲۳۷ / ۹۳۶ عن عيسى بن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه «إِنَّ عَمَوَدَ الدِّينِ الصَّلَاةُ» ؛ الفردوس : ۲ / ۴۰۴ / ۳۷۹۵ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، راجع : الحديث ۴۳ و ۶۶ و ۶۹ .
- ۲- م. نهج البلاغه : الكتاب ۴۷ ، روضه الواعظين : ۱۵۲ ؛ تاريخ الطبري : ۵ / ۱۴۸ عن إسماعيل بن راشد .
- ۳- الزهد لابن المبارك : ۲۸۸ / ۸۳۹ عن وهب بن متبه .
- ۴- الكافي : ۳ / ۲۶۶ / ۹ ، التهذيب : ۲ / ۲۳۸ / ۹۴۲ كلاهما عن عبيد بن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام ، الفقيه : ۱ / ۲۱۱ / ۶۳۹ ، المحاسن : ۱ / ۱۱۶ / ۱۱۷ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام قريب منه ، كترالفوائد : ۲ / ۶۶ من وصايا لقمان لابنه قريب منه .
- ۵- المعجم الأوسط : ۲ / ۳۸۳ / ۲۲۹۲ ، المعجم الصغير : ۱ / ۶۱ ، مسند الشهاب : ۱ / ۱۸۲ / ۲۶۸ ، الفردوس : ۴ / ۱۵۷ / ۶۴۹۲ كلّها عن ابن عمر .
- ۶- ذُرْوَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَذُرْوَتُهُ : أعلاه ، وَذُرْوَهُ السَّنام والرَّأس : أشرفهما (لسان العرب : ۱۴ / ۲۸۴) ، الذروه بالكسر والضمّ من كلّ شيء : أعلاه ، و سنام كلّ شيء : أعلاه أيضا ، ومنه الحديث: ذروه الإسلام و سنامّه الجهاد (مجمع البحرين : ۲ / ۹۳) .
- ۷- مسند ابن حنبل : ۸ / ۲۳۵ / ۲۲۰۷۷ .

ص: ۲۵

۲ / ۵ خیر موضوع

۵ / ۲ بهترین دستور

الإمام الصادق عليه السلام: جاء رجلٌ إلى رسولِ الله صلى الله عليه وآله فقال: يا رسولَ الله، أخبرني عن الإسلام، أصله وفرعه وذروته وسنانه، فقال: أصله الصلاة، وفرعه الزكاة، وذروته وسنانه الجهاد في سبيلِ الله تعالى (۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله: علّم الإيمان الصلاة (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: لكلِّ شيءٍ وجهٌ ووجه دينكم الصلاة (۳).

الإمام علي عليه السلام: ستُّ من قواعد الدين: إخلاصُ اليقين، ونصحُ المسلمين، وإقامَةُ الصلاة... (۴).

الإمام الباقر عليه السلام: بُنِيَ الإسلامُ على خمسٍ، على الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية، ولم يُنادَ بشيءٍ كما نودى بالولاية (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: أثافي (۶) الإسلام ثلاثة: الصلاة والزكاة والولاية، لا تصح واحدة منها إلا بصاحبتيها (۷).

راجع: الحديث ۶۶ و ۶۹ و ۷۴.

۲ / ۵ خیر موضوع ابو ذر: قلت: يا رسول الله، إنك أمرتني بالصلاة فما الصلاة؟ قال: خير موضوع، فمن شاء أقل ومن شاء أكثر (۸).

رسول الله صلى الله عليه وآله: نجوا أنفسكم، اعملوا، وخير أعمالكم الصلاة (۹).

أبو أمامة: جاء رجلٌ من الأنصار إلى رسولِ الله صلى الله عليه وآله... فقال: زرع فلان زرعاً فأضعف أو كما قال فقال رسولُ الله صلى الله عليه وآله: وما ذاك؟ ركعتان خفيفتان خير لك من ذلك كله من الدنيا وما عليها (۱۰).

امام صادق عليه السلام: مردی به خدمت پیامبر خدا صلى الله عليه وآله رسید و گفت: ای پیامبر خدا، مرا از اسلام آگاه کن، از اصل و فرع و قلّه و اوج آن. پیامبر فرمود: اصل آن، نماز و فرع آن، زکات و قلّه و اوجش، پیکار در راه خداوند متعال است.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نشانه ایمان، نماز است (۱۱).

هر چیز، چهره ای دارد و چهره دین شما، نماز است.

امام علی علیه السلام: شش چیز از پایه های دین است: یقین خالص، نصیحت مسلمانان و بر پا داشتن نماز ...

امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به هیچ چیز چون ولایت دعوت

نشده است.

امام صادق علیه السلام: سه چیز، سنگ بنای اسلامند: نماز و زکات و ولایت و هیچیک جز به همراه بقیه درست نیست.

۲ / ۵ بهترین دستور ابوذر: به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم: شما مرا به نماز امر کردی، نماز چیست؟ حضرت فرمود: بهترین موضوع است، هر که خواهد کم و هر که خواهد زیاد بخواند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خود را نجات دهید، عمل کنید و بهترین عملهایتان، نماز است.

ابو امامه: مردی از انصار خدمت پیامبر اسلام رسید ... و گفت: فلانی زراعت کرده و محصولش دو برابر شده است (یا شبیه چنین چیزی). حضرت فرمود: چه می گویی؟ دو رکعت نماز مختصر، از همه این و از دنیا و آنچه در آن است برای تو، بهتر است.

۱- التهذیب: ۲ / ۲۴۲ / ۹۵۸ عن سلیمان بن خالد، الکافی: ۲ / ۲۳ / ۱۵ عن سلیمان بن خالد عن الإمام الباقر علیه السلام نحوه و ج ۴ / ۶۲ / ۳ عن علی بن عبد العزیز عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه.

۲- تاریخ أصبهان: ۲ / ۲۴۱ / ۱۵۶۵، تاریخ بغداد: ۱۱ / ۱۰۹ و فيه: «الإسلام» مكان «الإيمان»، مسند الشهاب: ۱۶۵ / ۱۳۱ / ۱، الفردوس: ۳ / ۴۱ / ۴۱۰۲ کلها عن أبي سعيد؛ جامع الأخبار: ۱۸۴ / ۴۴۸.

۳- الکافی: ۳ / ۲۷۰ / ۱۶، التهذیب: ۲ / ۲۳۸ / ۹۴۰ کلاهما عن السكونی عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۳۳ عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام.

۴- غرر الحکم: ۵۶۳۸.

۵- الکافی: ۲ / ۱۸ / ۱ عن أبي حمزة و ح ۳ عن فضیل بن یسار و ح ۵ عن زراره و ص ۲۱ / ۸ عن فضیل.

۶- الاثني عشر بکسر الهمزة وفتحها: الحجر الذي توضع عليه القدر، وجمعها أثافي. (لسان العرب: ۹ / ۳).

۷- الکافی: ۲ / ۱۸ / ۴ عن ابن العزيم عن أبيه.

۸- الخصال: ۱۳ / ۵۲۳، معانی الأخبار: ۱ / ۳۳۳، أمالی الطوسی: ۵۳۹ / ۱۱۶۳، مکارم الأخلاق: ۲ / ۳۸۱ / ۲۶۶۱، تنبيه الخواطر: ۲ / ۶۷، عوالی اللآلی: ۱ / ۹۰ / ۲۶ نحوه؛ مسند ابن حنبل: ۸ / ۱۳۰ / ۲۱۶۰۲ و ص ۱۳۲ / ۲۱۶۰۸، المستدرک علی الصحیحین: ۲ / ۶۵۳ / ۴۱۶۶.

۹- الجعفریات: ۳۴ عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه علیهم السلام، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۳۳ عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله؛ سنن الدارمی: ۱ / ۱۷۷ / ۶۶۰، مسند ابن حنبل: ۸ / ۳۲۳ / ۲۲۴۴۱ کلاهما عن ثوبان، الموطأ: ۱ / ۳۴ / ۳۶، سنن ابن ماجه: ۱ / ۱۰۲ / ۲۷۹ عن أبي أمامه رفعه من دون «نَجُوا أَنْفُسَكُمْ».

۱۰- المعجم الكبير: ۸ / ۲۰۹ / ۷۸۴۳.

۱۱- در نقل تاریخ بغداد به جای ایمان، اسلام است.

ص: ۲۶

أَبُو هُرَيْرَةَ: مَرَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى قَبْرِ دُفْنٍ حَدِيثًا، فَقَالَ: رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ مِمَّا تُحَقِّقُونَ وَتَنْفَلُونَ يَزِيدُهُمَا هَذَا فِي عَمَلِهِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ بَقِيَّةِ دُنْيَاكَ (۱).

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو: إِنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ، ثُمَّ قَالَ: مَه؟ قَالَ: الصَّلَاةُ، ثُمَّ قَالَ: مَه؟ قَالَ: الصَّلَاةُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ: فَلَمَّا غَلَبَ عَلَيْهِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۲).

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَكَلِمَةُ الْإِحْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ، وَتَمَامُ الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا الْمِلَّةُ (۳).

عنه عليه السلام: اللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ، إِنَّهَا عَمُودُ دِينِكَ (۴).

الإمام الصادق عليه السلام: أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الصَّلَاةُ، وَهِيَ آخِرُ وَصَايَا الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۵).

عنه عليه السلام: فِي وَصَايَا لُقْمَانَ لِابْنِهِ: لَا تَصُمْ صَوْمًا يَمْنَعُكَ مِنَ الصَّلَاةِ، فَإِنَّ الصَّلَاةَ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الصَّيَا (۶).

عنه عليه السلام: إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ، وَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ يَعْدِلُ الصَّلَاةَ، فَمَنْ تَمَّ نَادَتِ الْمَلَائِكَةُ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ (۷).

مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَفْضَلِ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَى رَبِّهِمْ وَأَحَبُّ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ، أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (۸).

ابو هریره: پیامبر بر قبر شخصی تازه دفن شده، گذشت. پس فرمود: اگر این شخص بتواند دو رکعت نماز مختصر از همانها که کوچک و اضافی می شمیرید بر اعمالش بیفزاید، برایش محبوب تر از بقیه دنیاتان است.

عبدالله بن عمرو: مردی به خدمت پیامبر آمد و از برترین کارها پرسید؟ پیامبر خدا فرمود: نماز. سپس گفت: دیگر چه؟ فرمود: نماز. باز گفت: دیگر چه؟ گفت: نماز تا سه بار. پس از آن که همچنان بر پرسش خود پای فشرد، پیامبر گرامی فرمود: پیکار در راه خدا.

امام علی علیه السلام: برترین وسیله ای که متوسلان بدان چنگ زده اند: ایمان به خدا و پیامبرش، پیکار در راه خدا، کلمه اخلاص که فطرت و کامل خواندن نماز است که دین می باشد.

خدا را! خدا را! در باره نماز، که بهترین کار و ستون دین شماست.

محبوبترین کارها نزد خدای عز و جل، نماز است و آن آخرین سفارش همه پیامبران است.

از سفارشهای لقمان به پسرش این بود: روزه ای که تو را از نماز بازمی دارد، نگیر؛ چون نزد خدا، نماز محبوبتر از روزه است.

فرمانبرداری خدای عز و جل ، خدمت او در زمین است و هیچ خدمتی برابر با نماز نیست. از این روست که فرشتگان، زکریا را ندا دادند، در حالی که در محراب به نماز ایستاده بود .

معاویه بن وهب: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: برترین وسیله تقرب بندگان به خدایشان و محبوبترین آن نزد خدا چیست؟ حضرت فرمود: پس از معرفت، برتر از این نماز، چیزی نمی شناسم. نمی بینی که بنده شایسته خدا، عیسی بن مریم علیه السلام ، گفت: «خدا مرا تا زنده ام به نماز و روزه سفارش کرده است.»

- ۱- م. الزهد لابن المبارك : ۱۰ / ۳۱ ، تاریخ اصفهان : ۲ / ۱۹۶ / ۱۴۴۵ نحوه ، المعجم الأوسط : ۱ / ۲۸۲ / ۹۲۰ وفیه «رکعتان أحبّ إلى هذا من بقيه دنیاکم» .
- ۲- مسند ابن حنبل : ۲ / ۵۸۰ / ۶۶۱۳ .
- ۳- علل الشرائع : ۲۴۷ / ۱ عن إبراهيم بن عمر بإسناده رفعه ، أمالي الطوسي : ۲۱۶ / ۳۸۰ عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام عنه عليه السلام ، نهج البلاغه : الخطبه ۱۱۰ ، تحف العقول : ۱۴۹ .
- ۴- م. الكافي : ۷ / ۵۲ / ۷ عن عبدالرحمن بن الحجاج عن الإمام الكاظم عليه السلام ، الفقيه : ۴ / ۱۹۰ / ۵۴۳۳ عن سليم بن قيس ، تحف العقول : ۱۹۸ .
- ۵- م. الكافي : ۳ / ۲۶۴ / ۲ عن زيد الشحام ، الفقيه : ۱ / ۲۱۰ ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۳۶ .
- ۶- م. تفسير القمّي : ۲ / ۱۶۴ عن حماد .
- ۷- الفقيه : ۱ / ۲۰۸ / ۶۲۳ ، تفسير العيّاشی : ۱ / ۱۷۳ / ۴۶ عن حسين بن أحمد عن أبيه .
- ۸- الكافي : ۳ / ۲۶۴ / ۱ ، الفقيه : ۱ / ۱۲۰ / ۶۳۴ ، التهذيب : ۲ / ۲۳۶ / ۹۳۲ إلى قوله : «أفضل من هذه الصلاه» ، أمالي الطوسي : ۶۹۴ / ۱۴۷۸ عن زرعه نحوه . والآيه ۳۱ من سوره مريم .

ص: ۲۷

۳ / ۵ قُرْه عین النبی صلی الله علیه وآله

۴ / ۵ اَوَّل ما فرض الله

۵ / ۳ روشنی چشم پیامبر صلی الله علیه وآله

۵ / ۴ نخستین واجب الهی

۳ / ۵ قُرْه عین النبی صلی الله علیه و آله رسول الله صلی الله علیه و آله: جُعِلَ قُرْه عینی فی الصَّلَاةِ (۱).

عنه صلی الله علیه و آله: قَالَ لِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ قَدْ حُبِّبَ إِلَيْكَ الصَّلَاةَ فَخُذْ مِنْهَا مَا شِئْتَ (۲).

عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ قُرْهَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَحَبَّبَهَا إِلَيَّ كَمَا حُبِّبَ إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامُ، وَإِلَى الظَّمآنِ الْمَاءُ، فَإِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ الطَّعَامَ شَبِعَ، وَإِذَا شَرِبَ الْمَاءَ رَوِيَ، وَأَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ (۳).

عنه صلی الله علیه و آله لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ» (۴): مَا أَحْبَبْتُ أَنْ لِي بِهَا مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ (۵).

راجع: الفصل ۱ / ۳۸.

۴ / ۵ اَوَّل ما فرض الله رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ أَوَّلَ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ مِنْ دِينِهِمُ الصَّلَاةُ، وَآخِرُ مَا يَبْقَى الصَّلَاةُ (۶).

عنه صلی الله علیه و آله: أَوَّلُ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِي الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ (۷).

ابْنُ الْأَثِيرِ: كَانَ أَوَّلُ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ عَلَيْهِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالتَّوْحِيدِ وَالْبِرَاءَةِ مِنَ الْأَوْثَانِ الصَّلَاةُ، وَإِنَّ الصَّلَاةَ لَمَّا فُرِضَتْ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهَاتُهُ جِبْرَائِيلُ وَهُوَ بِأَعْلَى مَكَّةَ، فَهَمَزَ لَهُ بِعَقِبِهِ فِي نَاحِيَةِ الْوَادِي، فَانْفَجَرَتْ فِيهِ عَيْنٌ، فَتَوَضَّأَ جِبْرَائِيلُ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ الطُّهُورُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِثْلَهُ، ثُمَّ قَامَ جِبْرَائِيلُ فَصَلَّى بِهِ، وَصَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِصَلَاتِهِ (۸).

۳ / ۵ روشنی چشم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روشنی چشم من، در نماز نهاده شده است.

جبریل به من گفت: نماز را محبوب تو ساخته اند. پس هر اندازه می خواهی از آن، بگیر.

خداوند متعال، روشنی چشم مرا در نماز نهاده است و آن را محبوب من ساخته، همانگونه که خوراک را برای گرسنه و آب را برای تشنه خوشایند کرده است. همانا گرسنه پس از خوردن غذا سیر و تشنه پس از نوشیدن آب، سیراب می گردد، ولی من از نماز سیر نمی شوم.

هنگامی که آیه «نماز را در دو سوی روز به پا دار» نازل شد فرمود: دوست ندارم به جای نماز، آنچه خورشید بر آن می تابد، داشته باشم.

۴ / نخستین واجب الهیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نخستین چیزی از دین، که خدا بر مردم واجب کرد و آخرین چیزی که باقی می ماند، نماز است.

نخستین چیزی که خدا بر امتم واجب کرد، نمازهای پنجگانه است.

ابن اثیر:نخستین دستور اسلام که خداوند مقرر کرد، پس از اقرار به یگانگی خداوند و دوری از بتها، نماز بود . هنگامی که نماز بر پیامبر واجب شد، جبرئیل نزد او در بالای شهر مکه آمدو برایش پاشنه پا را در گوشه ای از درّه بر زمین کوبید، چشمه ای جوشید و جبرئیل پیش روی پیامبر وضو گرفت، تا چگونگی طهارت برای نماز را نشان دهد. پس پیامبر همچون او وضو گرفت. سپس جبرئیل برخاست و با آن [وضو] نماز خواند و پیامبر هم با او نماز گزارد.

۱- .الکافی : ۵ / ۳۲۱ / ۷ عن بکار بن کردم و غیر واحد من الأصحاب و ح ۹ عن عمر بن یزید کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام ، الخصال : ۱۶۵ / ۲۱۸ عن أنس بن مالک ، تنبيه الخواطر : ۱ / ۹۱ ؛ مسندأبیعلی : ۳ / ۴۰۳ / ۳۴۶۹ ، الطبقات الکبری : ۱ / ۳۹۸ کلاهما عن أنس .

۲- .مسند ابن حنبل : ۱ / ۵۲۸ / ۲۲۰۵ ، المعجم الکبیر : ۱۲ / ۱۶۶ / ۱۲۹۲۹ کلاهما عن ابن عباس .

۳- .أمالی الطوسی : ۵۲۸ / ۱۱۶۲ ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۳۶۶ / ۲۶۶۱ ، تنبيه الخواطر : ۲ / ۵۴ کلّها عن أبي ذرّ .

۴- .هود : ۱۱۴ .

۵- .الزهد لابن المبارك : ۳۱۷ / ۹۰۶ عن زید بن أسلم عن أبيه .

۶- .مسند أبي يعلى : ۴ / ۱۵۳ / ۴۱۱۰ عن أنس ؛ جامع الأخبار : ۱۸۴ / ۴۵۰ نحوه .

۷- .حلیه الأولیاء : ۵ / ۲۳۳ ، إتحاف الساده : ۳ / ۱۱ کلاهما عن ابن عمر .

۸- .الکامل فی التاریخ : ۱ / ۴۷۹ .

ص: ۲۸

ابن شهر آشوب: العبادات لم یُشرع منها مُدَّة مُقامه بِمَکَّه إِلَّا الطَّهَّارَةُ وَالصَّلَاةُ ، وَكَانَتْ فَرَضًا عَلَیْهِ وَشِئْنَةً لِأَمَّتِهِ ، ثُمَّ فُرِضَتِ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ بَعْدَ إِسْرَائِهِ وَذَلِكَ فِی السَّنَةِ الثَّامِنَةِ مِنَ بُيُوتِهِ ، فَلَمَّا تَحَوَّلَ إِلَى الْمَدِیْنَةِ فُرِضَ صِیَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فِی السَّنَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الْهَجْرَةِ فِی شَعْبَانَ ، وَحُوِّلَتِ الْقِبْلَةُ وَفُرِضَ زَكَاةُ الْفِطْرِ وَفُرِضَتْ فِیْهَا صِیْلَةُ الْعِيدِ ، وَكَانَ فَرَضُ الْجُمُعَةِ فِی أَوَّلِ الْهَجْرَةِ يَدْلًا مِنْ صِیْلَةِ الظُّهْرِ ، ثُمَّ فُرِضَتْ زَكَاةُ الْأَمْوَالِ ، ثُمَّ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَالتَّحْلِيلُ وَالتَّحْرِيمُ وَالْحَظَرُ وَالْإِبَاحَةُ وَالْاسْتِحْبَابُ وَالْكَرَاهِيَةُ ، ثُمَّ فُرِضَ الْجِهَادُ ثُمَّ وَلايَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَاةُ (۱).

أَيْضًا: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا أَتَى لَهُ سَبْعٌ وَثَلَاثُونَ سَنَةً كَانَ يَرَى فِی نَوْمِهِ كَأَنَّ أَتِيَا أَتَاهُ فَيَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَيَنْكُرُ ذَلِكَ ، فَلَمَّا طَالَ عَلَيْهِ الْأَمْرُ كَانَ يَوْمًا بَيْنَ الْجِبَالِ يَرعى غَنَمًا لِأَبِي طَالِبٍ فَنَظَرَ إِلَى شَخْصٍ يَقُولُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَقَالَ لَهُ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا جَبْرِئِيلُ أَرْسَلَنِي اللَّهُ إِلَيْكَ لِيَتَذَكَّرَ رَسُولًا ، فَأَخْبَرَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَدِيجَةَ بِذَلِكَ ، فَقَالَتْ: يَا مُحَمَّدُ ، أَرْجُو أَنْ يَكُونَ كَذَلِكَ ، فَتَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرِئِيلُ وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ مَاءً مِنَ السَّمَاءِ عَلَّمَهُ الْوُضُوءَ وَالثُّرُوكُوعَ وَالسُّجُودَ ، فَلَمَّا تَمَّ لَهُ أَرْبَعُونَ سَنَةً عَلَّمَهُ حُدُودَ الصَّلَاةِ وَلَمْ يَنْزِلْ عَلَيْهِ أَوْقَاتُهَا ، فَكَانَ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ فِی كُلِّ وَقْتٍ (۲).

أَيْضًا: أَدَّى إِلَيْهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَبْرِئِيلُ الرِّسَالَةَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى ... ثُمَّ كَانَ جَبْرِئِيلُ يَأْتِيهِ وَلَا يَدْنُو مِنْهُ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَسْتَأْذِنَ عَلَيْهِ ، فَأَتَاهُ يَوْمًا وَهُوَ بِأَعْلَى مَكَّةَ ، فَعَمَزَ بِعَقِبِهِ بِنَاحِيَةِ الْوَادِي ، فَانْفَجَرَ عَيْنٌ ، فَتَوَضَّأَ جَبْرِئِيلُ وَتَطَهَّرَ الرَّسُولُ ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ ، وَهِيَ أَوَّلُ صِیْلَةِ فَرَضِهَا اللَّهُ تَعَالَى (۳).

ابن شهر آشوب: در مدتی که پیامبر در مکه بود، هیچ عبادتی تشریع نشد مگر طهارت و نماز که بر او، واجب و برای امت، سنت (مستحب مؤکد) بود. پس از معراج و در سال نهم بعثت، نمازهای پنجگانه واجب شد. هنگامی که پیامبر به مدینه هجرت کرد، در شعبان سال دوم هجرت، روزه واجب گشت، قبله تغییر کرد و زکات فطریه و نماز عید نیز واجب شد فریضه نماز جمعه در سال نخست هجرت جایگزین نماز ظهر شده بود سپس زکات دارایی ها واجب شد. پس از آن حج و عمره و حلال و حرام و منع و اجازه و استحباب و کراهت و نیز جهاد و ولایت امیر مؤمنان مقرر شد.

هنگامی که پیامبر سی و هفت ساله شد، خواب می دید، کسی او را فرستاده خدا خطاب می کند، اما نمی توانست بپذیرد. مدتی طولانی این چنین سپری شد تا روزی در میان کوهها، هنگام شبانی گله ابوطالب، نگاهش به شخصی افتاد که او را فرستاده خدا خطاب می کرد. از او پرسید: کیستی؟ گفت: من جبرئیل هستم. خداوند مرا به سویت روانه کرده تا تو را فرستاده خود قرار دهد. پس پیامبر خدیجه را از موضوع آگاه کرد. خدیجه گفت: ای محمد. امیدوارم که اینگونه باشد. سپس جبرئیل بر پیامبر نازل شد و برای او آبی از آسمان آورد و به او وضو و رکوع و سجود را آموخت و آنگاه که پیامبر چهل ساله شد، چگونگی نماز را بدون وقفه های آن به او یاد داد. پس پیامبر در هر وقت، نمازهای دو رکعتی می خواند.

جبرئیل پیام خداوند را به پیامبر رساند ... سپس جبرئیل نزد پیامبر می آمد و جز با اجازه اش به او نزدیک نمی شد. روزی نزد پیامبر در بالای مکه آمد، پاشنه پایش را در گوشه ای از دره به زمین کوبید. چشمه ای جوشید. جبرئیل وضو ساخت و پیامبر طهارت گرفت و نماز ظهر را خواند و آن نخستین نمازی بود که خداوند واجب کرد.

- ۱- م. المناقب لابن شهر آشوب : ۱ / ۴۳ .
- ۲- المناقب لابن شهر آشوب : ۱ / ۴۴ .
- ۳- المناقب لابن شهر آشوب : ۱ / ۴۵ .

ص: ۲۹

۵ / ۵ اَوَّل ما يَجِب تَعَلُّمُه

۶ / ۵ اَوَّل ما يَحَاسِب بِهِ

۵ / ۵ نخستین آموزش واجب

۵ / ۶ نخستین مورد باز خواست

۵ / ۵ اَوَّل ما يَجِب تَعَلُّمُهُابو مالِكُ الْأَشْجَعِيُّ عَنْ أَبِيهِ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَسْلَمَ الرَّجُلُ ، أَوَّلُ ما يُعَلِّمُهُ الصَّلَاةَ (۱) .

رسول الله صلى الله عليه و آله لَمَّا بَعَثَ مُعَاذًا عَلَى الْيَمَنِ : إِنَّكَ تَقْدُمُ عَلَى قَوْمِ أَهْلِ كِتَابٍ ، فَلْيَكُنْ أَوَّلُ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ عِبَادَةَ اللَّهِ ، فَإِذَا عَرَفُوا اللَّهَ فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي يَوْمِهِمْ وَلَيْلَتِهِ (۲) .

۶ / ۵ اَوَّل ما يُحَاسِبُ بِهِرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ ، وَهِيَ أَوَّلُ ما يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ ، فَإِنْ صِيَحَتْ نُظِرَ فِي عَمَلِهِ ، وَإِنْ لَمْ تَصِحَّ لَمْ يُنْظَرْ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ (۳) .

عنه صلى الله عليه و آله : أَوَّلُ ما يُحَاسِبُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ ، فَمَنْ أَجَابَ فَقَدْ سَهَّلَ عَلَيْهِ ما بَعْدَهُ ، وَمَنْ لَمْ يُجِبْ فَقَدْ اشْتَدَّ ما بَعْدَهُ (۴) .

عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِالْعَبْدِ فَأَوَّلُ شَيْءٍ يُسْأَلُ عَنْهُ الصَّلَاةُ ، فَإِنْ جَاءَ بِهَا تَامَّةً وَإِلَّا زُجَّ بِهِ فِي النَّارِ (۵) .

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ أَوَّلَ ما يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ عَمَلِهِ صِيَلَاتُهُ ، فَإِنْ صِيَلَحَتْ فَقَدْ أَفْلَحَ وَأَنْجَحَ ، وَإِنْ فَسَدَتْ فَقَدْ خَابَ وَخَسِرَ (۶) .

۵ / ۵ نخستین آموزش واجبابو مالک اشجعی از پدرش: نماز، نخستین چیزی بود که پیامبر به افراد تازه مسلمان، می آموخت.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله هنگام فرستادن معاذ به یمن فرمود : تو بر کسانی وارد می شوی که اهل کتابند . پس باید نخستین چیزی که آنان را بدان می خوانی، بندگی خداوند باشد. سپس هنگامی که خدا را شناختند، آگاهشان کن که خداوند پنج نماز در شبانه روز بر ایشان واجب کرده است.

۶ / ۵ نخستین مورد باز خواستپیامبر خدا صلى الله عليه و آله : نماز ستون دین و نخستین عمل انسان است که در آن می نگرند. پس اگر صحیح بود، اعمالش را می بینند و اگر صحیح نبود، بقیه کارهایش دیده نمی شود.

نخستین چیزی که در روز قیامت، بازخواست می شود، نماز است. پس هر کس پاسخ داد، مرحله های بعد بر او آسان می شود و هر کس پاسخ ندهد، بر او سخت می گردد.

روز قیامت که در رسید، بنده را می خوانند و نخستین چیزی که از او می خواهند، نماز است. اگر آن را درست بیاورد [که رستگار شده است] و گر نه در آتش انداخته می شود .

- ۱- الدَّرُ الْمَنْثُور : ۱ / ۷۱۰ نقلًا عن الطبرانی والبرّار ، المعجم الكبير : ۸ / ۳۱۷ / ۸۱۸۶ عن أبي مالك الأشجعي عن أبيه وفيه « كَانَ الرَّجُلُ إِذَا أَسْلَمَ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمُوهُ الصَّلَاةَ » .
- ۲- م. صحيح البخارى : ۲/۵۲۹/۱۳۸۹ ، صحيح مسلم : ۱ / ۵۱ / ۳۱ ، السنن الكبرى : ۴ / ۱۶۹ / ۷۳۰۳ كلّها عن ابن عباس .
- ۳- التهذيب : ۲ / ۲۳۷ / ۹۳۶ عن عيسى بن عبدالله الهاشمي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام .
- ۴- جامع الأخبار : ۱۸۴ / ۴۵۰ ؛ سنن النسائي : ۷ / ۸۳ عن عبدالله ، مسند ابن حنبل : ۳ / ۴۱۲ / ۹۴۹۹ عن أبي هريره وليس فيهما : «فمن أجاب ...» .
- ۵- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ۲ / ۳۱ / ۴۵ عن داود بن سليمان الفراء وأحمد بن عبدالله الهروي ، صحيفه الإمام الرضا عليه السلام : ۱۵۱ / ۹۰ عن أحمد بن عامر الطائي ، مسند زيد : ۴۵۱ .
- ۶- سنن الترمذی : ۲ / ۲۷۰ / ۴۱۳ ، سنن النسائي : ۱ / ۲۳۲ كلاهما عن أبي هريره ، المعجم الأوسط : ۴ / ۱۲۷ / ۳۷۸۲ عن أنس بن مالك .

ص: ۳۰

عنه صلى الله عليه و آله :أَوَّلُ مَا يُسْأَلُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ الصَّلَاةِ ، فَإِنْ زَكَتَ صَلَاتُهُ زَكَا سَائِرُ عَمَلِهِ ، وَإِنْ لَمْ تَزَكُ صَلَاتُهُ لَمْ يَزَكُ عَمَلُهُ (۱) .

الإمام الباقر عليه السلام :إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا (۲) .

نخستین عمل انسان که در روز قیامت محاسبه می شود، نماز است. پس اگر نیکو بود، رستگار و کامیاب می گردد و اگر باطل بود، محروم و زیانکار می شود.

هنگامی که بنده در پیشگاه خداوند می ایستد، نخستین چیزی که از او می خواهند نماز است. پس اگر پاکیزه بود بقیه اعمالش هم پاکیزه می گردد و اگر پاکیزه نبود، اعمال دیگرش هم پاکیزه نمی شود.

امام باقر علیه السلام :نخستین چیزی که از بنده بازخواست می شود، نماز است. پس اگر پذیرفته شد، بقیه [اعمال] هم پذیرفته می شود (۳) .

۱- .ثواب الأعمال : ۲۷۳ / ۱ ، المحاسن : ۱ / ۱۶۱ / ۲۳۰ کلاهما عن هشام الجوالیقی عن الإمام الصادق عليه السلام ، المعجم الأوسط : ۲ / ۲۴۰ / ۱۸۵۹ عن أنس بن مالک نحوه .

۲- .الكافی : ۳ / ۲۶۸ / ۴ ، التهذیب : ۲ / ۲۳۹ / ۱۵ کلاهما عن أبی بصیر ، الفقیه : ۱ / ۲۰۸ / ۶۲۶ عن الإمام الصادق عليه السلام وفي آخره «وإذا رُدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّتْ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ» .

۳- .همین حدیث از امام صادق نقل شده و دنبال آن چنین آمده است: «و اگر برگردانده شد، دیگر اعمالش هم برگردانده می شود.»

الفصل السادس : الحث على إقامة الصلاة

فصل ششم : ترغیب به برپا داشتن نماز

الفصل السادس: الحث على إقامة الصلاة الكتاب: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (۱).

«وَأَنْ أَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَاتَّقَوْهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (۲).

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (۳).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۴).

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۵).

«وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (۶).

«مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقَوْهُ وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۷).

رسول الله صلى الله عليه و آله في كلامه لِإِسْمَاءَ : عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ أَعْمَالِ الْعِبَادِ ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ رَأْسُ الدِّينِ وَعَمُودُهُ ، وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ (۸) .

أُمِّ سَلَمَةَ : كَانَ مِنْ آخِرِ وَصِيِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ» حَتَّى جَعَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يُلْجِلُجُهَا ۹ فِي صَدْرِهِ ، وَمَا يَفِيضُ بِهَا لِسَانُهُ (۹) .

فصل ششم: ترغیب به برپا داشتن نماز قرآن: «نماز برپا دارید، و زکات بدهید و با رکوع کنندگان رکوع کنید.»

«و اینکه نماز برپا دارید و از او بترسید و هم اوست که نزد وی محشور خواهید گردید.»

«پروردگارا، مرا برپا دارنده نماز قرار دهو از فرزندان من نیز. پروردگارا، ودعای مرا بپذیر.»

«همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز بر پا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده دستور می دهند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.»

«ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید، باشد که رستگار شوید.»

«و نماز بر پا دارید و زکات بدهید و از پیامبر [خدا] پیروی کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.»

«به سویش توبه کنید و از او پروا بدارید و نماز بر پا دارید و از مشرکان مپاشید.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گفتارش به اسامه : پیوسته نماز بخوان که آن برترین کار بندگان است. چون نماز سر دین و ستون و تارک آن است.

.

۱- البقره : ۴۳ .

۲- الأنعام : ۷۲ .

۳- إبراهيم : ۴۰ .

۴- الحجّ : ۷۷ .

۵- الحجّ : ۴۱ .

۶- النور : ۵۶ .

۷- الروم : ۳۱ .

۸- التحصین لابن فهد : ۲۰ / ۳۹ عن سعید بن زید بن عمرو بن نفیل .

۹- مسند ابن حنبل : ۱۰ / ۱۷۲ / ۲۶۵۴۵ و ص ۲۰۹ / ۲۶۷۱۹ و ص ۲۱۵ / ۲۶۷۴۶ .

ص: ۳۲

أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَعْجَبَهُ نَحْوُ الرَّجُلِ أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ (۱).

الإمام علي عليه السلام: أَوْصِيَكُمْ بِالصَّلَاةِ ، هِيَ الَّتِي عَمُودُ الدِّينِ وَقِوَامُ الْإِسْلَامِ ، فَلَا تَغْفُلُوا عَنْهَا (۲).

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ كَانَ يَقُولُ : يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ ، صَلِّ قَبْلَ أَنْ لَا تَقْدِرَ عَلَى لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ تُصَلِّي فِيهِ (۳).

بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ وَأَنَا جَالِسٌ عِنْدَهُ عَنِ الْحُورِ الْعَيْنِ ، فَقَالَ لَهُ : جُعِلَتْ فِدَاكَ أَخْلَقُ مِنْ خَلْقِ الدُّنْيَا أَوْ خَلَقَ مِنْ خَلْقِ الْجَنَّةِ ؟ فَقَالَ لَهُ : مَا أَنْتَ وَذَاكَ ، عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ ، فَإِنَّ آخِرَ مَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَثَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ (۴).

راجع: البقره: ۸۳ و ۱۱۰؛ النساء: ۱۰۳؛ الحج: ۷۸؛ المزمل: ۲۰؛ والحديث ۱۲ و ۱۳.

ام سلمه: پایان بخش وصیت پیامبر خدا، این بود: نماز را، نماز را و کنیزانتان. آن را تکرار کرد تا آنجا که زبانش سنگین شد و بریده بریده سخن می گفت.

انس: هرگاه پیامبر از رفتار مردی خوشش می آمد، او را به نماز فرمان می داد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما را به نماز سفارش می کنم. آن است که ستون دین و نگهدارنده اسلام است. پس، از آن غفلت نکنید.

ابوذر می گفت: ای طالب علم، نماز بخوان پیش از آن که فرصتهایت از دست برود.

بکر بن محمد الازدی: در پیش امام صادق علیه السلام منشته بودم که ابو بصیر از ایشان راجع به حورالعین پرسید و گفت: فدایت شوم، آنان از مخلوقات دنیایی اند یا از مخلوقات بهشتی؟ امام فرمود: تو را به این ها چه کار؟ بر نماز مواظبت کن. همانا آخرین چیزی که پیامبر اکرم بدان سفارش و ترغیب کرد، نماز بود.

۱- حلیه الأولیاء: ۱ / ۳۴۳، مجمع الزوائد: ۱ / ۵۲۰ / ۳۵۲۱ نقلًا عن البرّار .

۲- دعائم الإسلام: ۱ / ۱۳۳ و ج ۲ / ۳۵۰.

۳- أمالی المفید: ۱۸۰ / ۱، الأصول الستة عشر (أصل عاصم بن حمید): ۳۶، أمالی الطوسی: ۵۴۴ / ۱۱۶۶ کلّها عن أبي بصير ، تنبيه الخواطر: ۲ / ۶۹.

۴- قرب الإسناد: ۳۶ / ۱۱۸.

الفصل السابع : المحافظة على الصلاة

فصل هفتم : مواظبت بر نماز

الفصل السابع: الْمُحَافَظَةُ عَلَى الصَّلَاةِ الْكِتَابُ: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (۱).

«وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (۲).

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ * أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ» (۳).

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»: على أوقاتها وحدودها (۴).

أَنْسَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيْثُ خَضَرَتْهُ الْوَفَاءُ، فَقَالَ لَنَا: اتَّقُوا اللَّهَ فِي الصَّلَاةِ، اتَّقُوا اللَّهَ فِي الصَّلَاةِ ثَلَاثًا (۵).

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْكُنْ أَكْثَرُ هَمِّكَ الصَّلَاةَ، فَإِنَّهَا رَأْسُ الْإِسْلَامِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالَّذِينَ (۶).

عنه صلى الله عليه وآله: حَسْبُ الرَّجُلِ مِنْ دِينِهِ كَثَرَةُ مُحَافَظَتِهِ عَلَى إِقَامَةِ الصَّلَوَاتِ (۷).

فصل هفتم: مواظبت بر نماز قرآن: «بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید.»

«و این خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیم، کتابهایی را که پیش از آن آمده تصدیق می کند. و برای اینکه [مردم] اُمّ القری [= مکه] و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی. و کسانی که به آخرت ایمان می آورند، به آن نیز ایمان می آورند، و آنان بر نمازهای خود مواظبت می کنند.»

«و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند. آنانند که وارثانند.»

امام صادق علیه السلام: در باره آیه «و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند»، فرمود: یعنی بر وقتها و حدود نماز (۸).

انس: هنگام وفات پیامبر خدا صلى الله عليه وآله، در کنارش بودیم. پس به ما گفت: در باره نماز، تقوای الهی پیشه کنید، در باره نماز، تقوای الهی پیشه کنید تا سه بار.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله بیشتر هم و غمت، نماز باشد که آن، سر اسلام پس از پذیرش دین است.

- ۳- المؤمنون : ۹ و ۱۰ .
- ۴- تفسیر القمّی : ۸۹ / ۲ .
- ۵- شعب الإيمان : ۷ / ۴۷۷ / ۱۱۰۵۳ ، تاریخ بغداد : ۱۰ / ۱۶۹ عن أمّ سلمه نحوه .
- ۶- تحف العقول : ۲۶ ؛ تاریخ جرجان : ۲۶۲ / ۳۹۸ ، الفردوس : ۳ / ۴۶۰ / ۵۴۲۵ کلاهما عن معاذ .
- ۷- تنبيه الخواطر : ۲ / ۱۲۲ ، الاثنا عشریّه : ۱۳ .
- ۸- معنی حدود نماز در فصلی با همین نام (فصل دوازدهم) خواهد آمد.

ص: ۳۴

عنه صلى الله عليه و آله : عِنْدَ ذِكْرِ الصَّلَاةِ : مَنْ حَافَظَ عَلَيْهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَبُرْهَانًا وَنَجَاةً مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهَا لَمْ تَكُنْ لَهُ نُورًا وَلَا نَجَاةً وَلَا بُرْهَانًا (۱) .

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ سَبَقَ إِلَى الصَّلَاةِ مَخَافَةً أَنْ تَسْبِقَهُ أَوْجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ ، وَمَنْ تَرَكَهَا مِائِثَةً عَلَيْهَا لَمْ يُدْرِكْهَا بِعَمَلٍ إِلَى الْحَوْلِ (۲) .

عنه صلى الله عليه و آله : عَلِمُ الْإِسْلَامِ الصَّلَاةُ ، فَمَنْ فَرَّغَ لَهَا قَلْبَهُ بِحُدُودِهَا وَسُنَنِهَا فَهُوَ مُؤْمِنٌ (۳) .

عنه صلى الله عليه و آله : خَمْسٌ مَنْ جَاءَ بِهِنَّ مَعَ إِيْمَانٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ : مَنْ حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ عَلَى وَضُوئِهِنَّ وَرُكُوعِهِنَّ وَسُجُودِهِنَّ وَمَوَاقِيْتِهِنَّ ... (۴) .

عنه صلى الله عليه و آله : إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ يُصَلِّي إِنْمَا يَقُومُ يُنَاجِي رَبَّهُ ، فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ يُنَاجِيهِ (۵) .

عنه صلى الله عليه و آله : الصَّلَاةُ مِيزَانٌ ، مَنْ وَفَى اسْتَوْفَى (۶) .

عنه صلى الله عليه و آله : الصَّلَاةُ كَيْلٌ أَوْ وَزَنٌ ، فَمَنْ أَوْفَى وَفَى لَهُ ، وَمَنْ نَقَصَ فَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْمُطَفِّينَ (۷) .

عنه صلى الله عليه و آله : خَمْسُ صَلَوَاتٍ افْتَرَضَهُنَّ اللَّهُ عَلَى عِبَادِهِ ، فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يَنْتَقِصْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتِخْفَافًا بِحَقِّهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ جَاعِلٌ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَهْدًا أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ (۸) .

الإمام على عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : تُكْتَبُ الصَّلَاةُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْهُمَ : سِتْرُهُمْ مِنْهَا إِسْبَاحُ الْوُضُوءِ ، وَسَهْمُهُمْ مِنْهَا الرُّكُوعُ ، وَسِتْرُهُمْ مِنْهَا السُّجُودُ ، وَسَهْمُهُمْ مِنْهَا الْخُشُوعُ ، قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَا الْخُشُوعُ ؟ قَالَ : التَّوَاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ ، وَأَنْ يُقْبَلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلِّهِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، فَإِذَا هُوَ أَتَمَّ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا وَأَتَمَّ سِهَامَهَا صَعِدَتْ إِلَى السَّمَاءِ لَهَا نُورٌ يَتَلَأَلُ ، وَفُتِحَتْ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ تَقُولُ : حَافَظْتَ عَلَى حِفْظِكَ اللَّهُ ، وَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : صَلَّيَ اللَّهُ عَلَى صَاحِبِ هَذِهِ الصَّلَاةِ . وَإِذَا لَمْ يَتِمَّ سِهَامُهَا صَعِدَتْ وَلَهَا ظُلْمَةٌ ، وَغُلِّقَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ دُونَهَا وَتَقُولُ : ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ وَضَرَبَ بِهَا وَجْهَهُ (۹) .

مواظبت بسیار شخص بر انجام نمازها، در دیندار بودنش کفایت می کند.

هنگام یاد کردن نماز فرمود : هر کس بر نماز مواظبت ورزد، روز قیامت برایش نور و حجت و نجات از آتش می شود و هر کس مواظبت نورزد نه نور است و نجات و نه حجت .

هر کس به سوی نماز بشتابد ، از این رو که می ترسد به آن نرسد، خداوند بهشت را برایش واجب می گرداند و هر کس آن را ترک کرده کار دیگری را مقدم دارد، تا یک سال با عمل دیگری بهشت را در نمی یابد .

پرچم برافراشته اسلام، نماز است، پس هر کس به آن دل بسپارد و آن را با واجبات و مستحباتش انجام دهد، با ایمان است.

پنج چیز است که هر کس همراه با ایمان بیاورد، وارد بهشت می شود: هر کس بر نمازهای پنجگانه مواظبت ورزد، بر وضوء و رکوع و سجود و وقفهای آن و ...

هرگاه کسی از شما به نماز بر می خیزد، به مناجات با پروردگارش برخاسته است. پس بنگرد، چگونه با او مناجات می کند.

نماز ترازو است ، هر کس تمام بیاورد، تمام می برد.

نماز پیمانانه یا ترازو است هر کس تمام بیاورد، تمامش می دهند و هر کس کم گذارد، می دانید که خداوند درباره کم فروشان چه نازل کرده است (۱۰).

خداوند پنج نماز را بر بندگان واجب کرده است. پس هر کس آن ها را بیاورد بدون اینکه از روی سبک شمردن، کم بگذارد، خداوند تعهد می کند او را روز قیامت به بهشت ببرد.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: نماز در چهار پاره نوشته می شود: پاره ای برای نیکو وضو گرفتن، پاره ای برای رکوع ، پاره ای برای سجود و پاره ای برای خشوع است. گفته شد: ای پیامبر خدا، خشوع چیست؟ فرمود: فروتنی در نماز و اینکه بنده با همه دل به خدا رو کند. پس هنگامی که رکوع و سجودش را تمام آورد و دیگر بخشها را هم کامل کرد نماز با نوری درخشنده به سوی آسمان اوج می گیرد، درهای آسمان برای آن گشوده می شود و [خطاب به نماز گزار] می گوید: مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند و فرشتگان می گویند: خدا بر صاحب این نماز درود فرستد. و هنگامی که بخشهای نماز را تمام نیاورد، نماز با تاریکی بالا می رود و درهای آسمان بر روی او بسته می شود و [خطاب به نماز گزار] می گوید: مرا تباه کردی ، خدا تو را تباه گرداند و نماز را به صورتش می کوبند.

۱- سنن الدارمی : ۲ / ۷۵۷ / ۲۶۲۱ ، مسند ابن حنبل : ۲ / ۵۷۴ / ۶۵۸۷ کلاهما عن عبدالله بن عمر .

۲- حلیه الأولیاء : ۶ / ۹۸ عن أبي الدرداء .

۳- تاریخ بغداد : ۱۱ / ۱۰۹ ، تاریخ أصبهان : ۲ / ۲۴۱ / ۱۵۶۵ نحوه ، الفردوس : ۳ / ۴۱ / ۴۱۰۲ کلها عن أبي سعيد .

۴- سنن أبي داود : ۱ / ۱۱۶ / ۴۲۹ عن أبي الدرداء ، مسند ابن حنبل : ۶ / ۳۷۲ / ۱۸۳۷۳ عن حنظله الكاتب وفيه «مَنْ حَافَظَ ... وَعَلِمَ أَنَّهُنَّ حَقٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» .

۵- المستدرک علی الصحیحین : ۱ / ۳۶۱ / ۸۶۱ ، سلسله الأحادیث الصحیحه : ۴ / ۱۳۴ نقلاً عن المستدرک کلاهما عن أبي هريره ، المعجم الكبير : ۱۲ / ۳۲۸ / ۱۳۵۷۲ عن ابن عمر نحوه .

۶- الکافی : ۳ / ۲۶۷ / ۱۳ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام ، الفقیه : ۱ / ۲۰۷ / ۶۲۲ ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۳۶ عن الإمام علی علیه السلام ؛ الزهد لابن المبارك : ۴۱۹ / ۱۱۹۰ عن الحسن نحوه .

۷- الفردوس : ۲ / ۴۰۵ / ۳۸۰۰ عن سلمان .

۸- سنن ابن ماجه : ۱ / ۴۴۸ / ۱۴۰۱ ، مسند ابن حنبل : ۸ / ۴۱۱ / ۲۲۸۱۶ ، السنن الکبری : ۱ / ۵۱۳ / ۱۶۹۲ کلها عن عباده بن الصامت ؛ عوالی اللآلی : ۳ / ۶۴ / ۳ .

۹- .الجعفریات : ۳۷ عن إسماعیل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۵۸ .

۱۰- .اشاره به آیه ویلٌ للمطففین .

ص: ۳۵

عَقِيلُ الْخُرَاعِي: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِذَا خَضَعَ الْحَرْبَ يَوْصِي لِلْمُسْلِمِينَ بِكَلِمَاتٍ فَيَقُولُ: تَعَاهَدُوا الصَّلَاةَ وَحَافِظُوا عَلَيْهَا وَاسْتَكْثَرُوا مِنْهَا وَتَقَرَّبُوا بِهَا، فَإِنَّهَا كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا، وَقَدْ عَلِمَ ذَلِكَ الْكُفَّارُ حِينَ سُئِلُوا: مَا سَيَلَكُمُكُمْ فِي سَيَقَرِّ؟ قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ صَدُوقٌ فِي حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَاتِهِ (۲).

إدريس القمي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ؟ فَقَالَ: هِيَ الصَّلَاةُ، فَحَافِظُوا عَلَيْهَا (۳).

راجع: الحديث ۳۷۸.

عقيل خزاعي: امیر مؤمنان، هرگاه برای جنگ آماده می شد، چند کلمه ای به مسلمانان سفارش می کرد و می گفت: به نماز پایبند باشید و بر آن مواظبت کنید، آن را زیاد بجا آورید و بدان تقرب جوید که آن بر مؤمنان نوشته و مفروض است و این را کافران هم می دانند آنگاه که پرسیده می شوند: چه چیز شما را به دوزخ در آورد؟ می گویند: ما از نماز گزاران نبودیم.

امام صادق علیه السلام: محبوبترین بنده نزد خدای عز و جل، فردی است که در گفتارش راستگو و بر نمازش مواظب باشد.

ادريس قمي: از امام صادق علیه السلام نیکبهای ماندگار را پرسیدم. فرمود: نماز، پس بر آن مواظبت ورزید.

.

۱- الکافی: ۵ / ۳۶ / ۱، نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۹ نحوه.

۲- أمالی الصدوق: ۲۴۳ / ۸، الاختصاص: ۲۴۲ کلاهما عن الحسين بن أبي العلاء، روضه الواعظین: ۴۰۸.

۳- تفسیر العیاشی: ۲ / ۳۲۷ / ۳۱.

الفصل الثامن : أوقات الصلاة

فصل هشتم : وِقتهای نماز

الفصل الثامن: أوقات الصلاة الكتاب: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (۱).

زُرَّارَةُ: سَيَأْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ فَقَالَ: خَمْسُ صَلَوَاتٍ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَقُلْتُ: فَهَلْ سَيَمَاهُنَّ وَبَيَّنَّهِنَّ فِي كِتَابِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ» وَدُلُوكُهَا زَوَالُهَا، فَفِيمَا بَيْنَ دُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ سَيَمَاهُنَّ اللَّهُ وَبَيَّنَّهِنَّ وَوَقَّتَهُنَّ، وَغَسَقُ اللَّيْلِ هُوَ انْتِصَافُهُ، ثُمَّ قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» فَهَذِهِ الْخَامِسَةُ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ» (۲) وَطَرَفَاهُ الْمَغْرِبُ وَالْعَدَاةُ، «وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ» (۳) وَهِيَ صَلَاةُ الظُّهْرِ، وَهِيَ أَوَّلُ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هُوَ وَسَيَطُ النَّهَارِ وَسَيَطُ الصَّلَاتَيْنِ بِالنَّهَارِ: صَلَاةُ الْغَدَاةِ وَصَلَاةُ الْعَصْرِ (۴).

فصل هشتم: وِقتهای نماز قرآن: «نماز را از زوال خورشید تا نیمه شب بر پا دار و نیز نماز صبح را که نماز صبح در حضور فرشتگان است.»

زراره: از امام باقر علیه السلام، نمازهایی را که خدای عز و جل واجب کرده است، پرسیدم فرمود: پنج نماز در شبانه روز. گفتم: آیا در قرآن آن‌ها را نام برده، بیان کرده و وقتشان را معین نموده است؟ فرمود: آری، خداوند تعالی به پیامبرش فرمود: «نماز را از زوال خورشید تا نیمه شب بر پا دار» و دلوک همان زوال خورشید (هنگام ظهر) است و غسق اللیل یعنی نیمه شب. پس میان این دو وقت، چهار نماز را نام برده، بیان کرده و وقت آن‌ها را تعیین کرده است. سپس خدای تبارک و تعالی فرمود: «و نماز صبح که نماز صبح در حضور فرشتگان است». پس این هم پنجمین نماز. و خداوند تعالی فرمود: «نماز را در دو طرف روز بر پا دار» و دو طرف روز، همان مغرب و صبح است و «نخستین ساعات شب» و آن نماز عشاء آخر است و فرمود: «بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید» و آن نماز ظهر است؛ نخستین نمازی که پیامبر خدا خواند و آن در میان روز و دو نمازی است که در روز خوانده می‌شود: نماز صبح و نماز عصر.

۱- الإسراء : ۷۸ .

۲- و. ۳) هود : ۱۱۴ .

۳- . وَهِيَ صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ . وَقَالَ تَعَالَى : «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» البقرة : ۲۳۸ .

۴- . الْكَافِي : ۳/۲۷۱/۱ ، التَّهْذِيب : ۲/۲۴۱/۹۵۴ ، الْفَقِيه : ۱/ ۱۹۵ / ۶۰۰ ، معاني الأخبار : ۳۳۲ / ۵ ، علل الشرائع : ۳۵۴ / ۱ .

ص: ۳۷

الإمام على عليه السلام في كتابه لمحمد بن أبي بكر: إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَانِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَرَانِي وَقْتَ الصَّلَاةِ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فَكَانَتْ عَلَى حَاجِبِهِ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ أَرَانِي وَقْتَ الْعَصْرِ فَكَانَ ظِلُّ كُلِّ شَيْءٍ مِثْلَهُ، ثُمَّ صَدَّقْتُ الْمَغْرِبَ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَدَّقْتُ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ حِينَ غَابَ الشَّفَقُ، ثُمَّ صَدَّقْتُ الصُّبْحَ فَأَغْلَسَ بِهَا وَالنُّجُومُ مُشْتَبِكَةٌ، فَصَلِّ لِهَذِهِ الْأَوْقَاتِ، وَالزَّمِ السُّنَّةَ الْمَعْرُوفَةَ وَالطَّرِيقَ الْوَاضِحَةَ (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: وَقْتُ الْفَجْرِ حِينَ يَنْشَقُّ الْفَجْرُ إِلَى أَنْ يَتَجَلَّلَ الصُّبْحُ السَّمَاءَ، وَلَا يَتَبَغَى تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمَدًا، لَكِنَّهُ وَقْتُ لِمَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ نَا (۲).

عنه عليه السلام: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ حَتَّى يَمْضِيَ مِقْدَارُ مَا صَدَّقْتُ الْمُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَإِذَا مَضَى ذَلِكَ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ حَتَّى يَبْقَى مِنَ الشَّمْسِ مِقْدَارُ مَا يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَإِذَا بَقِيَ مِقْدَارُ ذَلِكَ فَقَدْ خَرَجَ وَقْتُ الظُّهْرِ وَبَقِيَ وَقْتُ الْعَصْرِ حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ ۳.

امام علی علیه السلام در نامه اش به محمد بن ابی بکر: شخصی و قتهای نماز را از پیامبر خدا پرسید. پیامبر پاسخ داد: «جبریل نزد من آمد و وقت نماز ظهر (زوال خورشید) را به من نشان داد. پس آفتاب بر ابروی راستش بود و وقت [نماز] عصر را نشان داد. پس سایه هر چیز به اندازه خودش بود. و نماز مغرب را هنگام غروب خورشید خواند. سپس هنگامی که شفق ناپدید شد، نماز عشاء را گزارد و نماز صبح را در تاریکی پایان شب، در حالی که هنوز ستاره ها فراوان بودند، خواند. پس در این وقتها نماز بخوان و پیوسته با سنت شناخته شده و در راهی روشن باش.

امام صادق علیه السلام: هنگام [نماز] صبح، از دمیدن سپیده است تا اینکه صبح، بیشتر آسمان را فرا بگیرد و سزاوار نیست عمدا از این وقت به تأخیر انداخت، ولی آن وقتی است، برای کسی که سرگرم شده یا فراموش کرده و یا خوابیده است.

هنگامی که خورشید فروز می آید، وقت (نماز) ظهر رسیده است تا اینکه به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد. پس از آن، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است تا به اندازه خواندن چهار رکعت نماز از خورشید بماند که در این هنگام، وقت نماز ظهر پایان می پذیرد و وقت نماز عصر باقی می ماند تا خورشید ناپدید شود.

۱- .أمالی الطوسی: ۳۰ / ۳۱، أمالی المفید: ۲۶۷ / ۳ کلاهما عن أبي إسحاق الهمداني .

۲- .م الکافی: ۳ / ۲۸۳ / ۵ عن الحلبي .

الفصل التاسع : المحافظه على أوقات الصلاة

فصل نهم : مواظبت بر وقتهای نماز

الفصل التاسع: الْمُحَافَظَةُ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ عُدُّ بَنِّ أَبِي وَقَّاصٍ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ قَوْلِهِ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۱) قَالَ: هُمُ الَّذِينَ يُؤَخِّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا (۲).

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ، وَمَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلَ، وَالْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي سُورَةِ أَرَايْتَ: «قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۳).

الإمام علي عليه السلام: لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الصَّلَاةِ، فَلَا يَشْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ دَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» يَعْنِي أَنَّهُمْ غَافِلُونَ بِأَوْقَاتِهَا (۴).

الإمام الباقر عليه السلام يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (۵): هَذِهِ الْفَرِيضَةُ، مَنْ صَلَّاهَا لَوْ قَتَلَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا لَا يُؤْثِرُ عَلَيْهَا غَيْرَهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً لَا يُعَذِّبُهُ، وَمَنْ صَلَّاهَا لِغَيْرِ وَقْتِهَا غَيْرَ عَارِفٍ بِحَقِّهَا مُؤَثِّرًا عَلَيْهَا غَيْرَهَا كَانَ ذَلِكَ إِلَيْهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِنْ شَاءَ غَفَرَ لَهُ وَإِنْ شَاءَ عَذَّبَهُ (۶).

فصل نهم: مواظبت بر وقتهای نماز سعد بن ابی وقاص: از پیامبر، درباره آیه «آنان که در نمازشان سهل انگارند» پرسیدم. فرمود: آنان، کسانی که نماز را از وقتش به تأخیر می اندازند.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس نمازش را عمدا ترک کند، دینش را نابود کرده است و هر کس در وقتش نخواند، در «ویل» داخل می شود، و «ویل» درّه ای در جهنم است. همانگونه که خداوند تعالی در سوره «أَرَايْتَ» فرمود: «پس ویل برای نمازگزاران است، آنان که از نمازشان غافلند».

امام علی علیه السلام: هیچ عملی نزد خداوند، محبوبتر از نماز نیست. پس هیچ کار دنیایی شما را در وقت نماز به خود مشغول ندارد. که خداوند گروههایی را سرزنش کرد و فرمود: «آنان که از نمازشان غافلند» یعنی آنان غافل بوده، به وقت نمازها بی اعتنایی می کردند.

امام باقر علیه السلام درباره گفته خداوند عز و جل «و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند» فرمود: مقصود همین نماز واجب است که هر کس آن در وقتش بخواند، حقش را بداند و کاری را بر آن مقدم ندارد، خداوند بی گناهی را می نویسد و عذابش نمی کند و هر کس در غیر وقتش بخواند، حق نماز را نداند و کارهای دیگر را بر آن مقدم کند، سرانجامش با خداست، اگر خواست می آمرزد و اگر خواست عذاب می کند.

- ۲- السنن الكبرى : ۲ / ۳۰۴ / ۳۱۶۳ ، تفسير الطبري : ۱۵ / الجزء ۳۰ / ۳۱۳ .
- ۳- جامع الأخبار : ۱۸۵ / ۴۵۵ .
- ۴- الخصال : ۱۰ / ۶۲۱ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ۱۱۲ .
- ۵- المؤمنون : ۹ .
- ۶- دعائم الإسلام : ۱ / ۱۳۵ ، مجمع البيان : ۱۰ / ۵۳۵ عن زراره .

ص: ۳۹

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى : «قوموا لله قانتين» (۱) : إقبال الرجل على صلاته ومحافظة حتى لا يلهيه ولا يشغله عنها شيء (۲) .

عبدالله بن مسعود: سألت رسول الله صلى الله عليه وآله : أي الأعمال أحب إلى الله عز وجل ؟ قال : الصلاة لوقتها (۳) .

أيضا : قلت : يا نبي الله ، أي الأعمال أقرب إلى الجنة ؟ قال : الصلاة على مواقيتها (۴) .

رسول الله صلى الله عليه وآله : لا ينال شفاعتي غدا من أخر الصلاة المفروضة بعد وقتها (۵) .

عنه صلى الله عليه وآله : إن أخوف ما أخاف على أمتي تأخيرهم الصلاة عن وقتها وتعجيلهم الصلاة عن وقتها (۶) .

القطب الراوندي : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : إذا أنزل الله عاهة من السماء عوفى منها حملة القرآن ورعاه الشمس أي الحافظون لأوقات الصلوات وعمار المساجد (۷) .

الإمام الصادق عليه السلام : دخل رسول الله صلى الله عليه وآله المسجد وفيه ناس من أصحابه قال : تدرون ما قال لكم ربكم ؟ قالوا : الله ورسوله أعلم ، قال : إن ربكم يقول : هذه الصلوات الخمس المفروضة فمن صلاهن لوقتهن وحافظ عليهن لقيني يوم القيامة ولله عندي عهد أدخله به الجنة ، ومن لم يصلهن لوقتهن ولم يحافظ عليهن فذلك إني ، إن شئت عذبته وإن شئت غفرت له (۸) .

رسول الله صلى الله عليه وآله : ما من عبد إلا بينه وبين الله تعالى عهد ما أقام الصلاة لوقتها أو أثرها على غيرها معرفه بحققها ، فإن هو تركها استخفافا بحققها وأثر عليها غيرها برئ الله إليه من عهده ذلك ، ثم مشيئته إلى الله عز وجل ، إما أن يعذبه وإما أن يغفر له (۹) .

امام صادق عليه السلام : در باره گفته خدای تعالی : «خاضعانه برای خدا به پا خیزید» فرمود : یعنی توجه انسان به نمازش و مواظبت بر آن، تا چیزی او را از نماز به خود سرگرم و مشغول ندارد.

عبدالله بن مسعود: از پیامبر خدا پرسیدم: کدام کار نزد خدا محبوبتر است؟ فرمود: نماز اول وقت.

همچنین گفتم: ای پیامبر خدا! کدام کار به بهشت نزدیکتر است؟ فرمود: نماز اول وقت.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : شفاعت من فردای [قیامت] به کسی که نماز واجب را از وقتش به تأخیر اندازد، نمی رسد.

بیشترین چیزی که بر اتم از آن ترسانم پس و پیش کردن نماز از وقت آن است.

قطب راوندی: پیامبر خدا فرمود: هرگاه خداوند ، آفتی از آسمان فرو فرستد، حاملان قرآن و نگهبانان خورشید یعنی نگهبانان وقت نمازها و آباد کنندگان مساجد، از آن در امانند.

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا صلى الله عليه وآله داخل مسجد شد و گروهی از اصحابش هم در آن بودند. فرمود: می دانید

پروردگارتان به شما چه گفت؟ گفتند: خدا و پیامبرش داناترند. فرمود: پروردگارتان می گوید: هر کس این نمازهای پنجگانه واجب را در وقتش بخواند و بر آن ها مواظبت ورزد، مرا در روز قیامت می بیند و عهدهی پیش من دارد که به جهت آن، او را به بهشت می برم. و هر کس آن ها را در وقتشان نخوانده و بر آن ها مواظبت نورزیده باشد، سرانجامش با من است؛ اگر خواستم عذابش می کنم و اگر خواستم او را می آمرزم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هیچ بنده ای نیست مگر اینکه میان او و خداوند متعال عهدهی است، تا آنگاه که با شناختش از حق نماز، آن را در وقتش برپا دارد یا بر کارهای دیگر مقدم کند. پس اگر آن را از روی سبک شمردن حقش فرو گذارد و کارهای دیگر را بر آن مقدم بدارد، خداوند از این عهد برائت می جوید. سپس سرنوشتش با خداست؛ یا او را عذاب می کند و یا می آمرزد.

۱- البقره : ۲۳۸ .

۲- تفسیر القمّی : ۱ / ۷۹ ، تفسیر العیاشی : ۱ / ۱۲۷ / ۴۱۸ کلاهما عن ابن سنان .

۳- الخصال : ۱۶۳/۲۱۳ ، عدّه الداعی : ۷۵ عن الإمام الصادق علیه السلام ؛ صحیح البخاری : ۶/۲۷۴۰/۷۰۹۶ ، صحیح مسلم : ۱ / ۸۹ / ۱۳۷ و ۱۳۹ و ۱۴۰ ، مسند ابن حنبل : ۱/۴۲/۴۱۸۶ ، تاریخ بغداد : ۳ / ۲۰۵ و فی بعضها : «أفضل» مکان «أحب» .

۴- صحیح مسلم : ۱ / ۸۹ / ۱۳۸ .

۵- أمالی الصدوق : ۳۲۶ / ۱۵ عن أبي الربيع عن الإمام الصادق علیه السلام ، فلاح السائل : ۱۲۷ .

۶- السنن الکبری : ۲ / ۳۰۵ / ۳۱۶۷ عن أنس .

۷- مستدرک الوسائل : ۳ / ۱۴۹ / ۳۲۳۵ نقلاً عن لبّ اللباب .

۸- ثواب الأعمال : ۴۸ / ۲ عن الفضیل ، الفقیه : ۱ / ۲۰۸ / ۶۲۵ ؛ مسند ابن حنبل : ۶ / ۳۲۵ / ۱۸۱۵۵ قریب منه ، المعجم الکبیر : ۱۹ / ۱۴۲ / ۳۱۲ قریب منه کلاهما عن کعب بن عجره .

۹- الجعفریات : ۳۶ عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

ص: ۴۰

عنه صلى الله عليه وآله : كُنَّا مَرَّةً رُعَاةَ الْإِبِلِ فَصِرْنَا الْيَوْمَ رُعَاةَ الشَّمْسِ (۱).

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الَّذِينَ يُرَاعُونَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ وَالْأَظْلَ لِيَذْكُرَ اللَّهُ (۲).

الإمام على عليه السلام : شِيعَتُنَا رُعَاةُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ (۳).

عنه عليه السلام فى وصيَّته لابنِه الحسنِ عليه السلام عِنْدَ الْوَفَاةِ : أُوصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا (۴).

عنه عليه السلام : حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فى أَوْقَاتِهَا ، فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ بِمَكَانٍ (۵).

عنه عليه السلام فى رِسَالَتِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ : صِلْ الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَهَا ، وَلَا تُعَجِّلْ وَقْتَهَا لِفَرَاغٍ ، وَلَا تُؤَخِّرْهَا عَنْ وَقْتِهَا لِاشْتِغَالٍ ، وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِصَلَاتِكَ (۶).

الإمام زين العابدين عليه السلام فى دُعَائِهِ عِنْدَ دُخُولِ شَهْرِ رَمَضَانَ : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَقِفْنَا فِيهِ عَلَى مَوَاقِيتِ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُودِهَا الَّتِي حَدَّدْتَ ، وَفُرُوضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ ، وَوُظَائِفِهَا الَّتِي وَظَّفْتَ ، وَأَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتَ (۷).

عنه عليه السلام : مَنْ اهْتَمَّ بِمَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ لَمْ يَسْتَكْمِلْ لَذَّةَ الدُّنْيَا (۸).

ما روزگارى نگهبان شتران بوديم و اکنون نگهبان خورشيد گشته ايم.

بندگان برگزیده خداوند، كسانى هستند كه خورشيد و ماه و ستاره ها و سايه ها را براى ذكر خداوند، نگاهبانى مى كنند.

امام على عليه السلام : پيروان ما، نگهبانان خورشيد و ماه و ستارگانند.

در وصيَّتش هنگام وفاتش به امام حسن عليه السلام پسر كم، تو را به نماز در وقتش سفارش مى كنم.

بر [خواندن] نمازهاى پنجگانه در وقتشان مواظبت كنيد، كه نزد خداوند جَلَّ وَعَزَّ، جاىگاهى ويژه دارد.

در نامه اش به محمد بن ابى بكر فرمود : نماز را در وقت مقررش بخوان و براى آسوده شدن آن را جلو و به جهت اشتغال به كارى، آن را به تأخير مينداز و بدان كه همه كارهايت تابع نمازت مى باشد.

امام سجاد عليه السلام در دعائش هنگام فرا رسيدن ماه مبارك رمضان : خدايا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را در اين ماه به اوقات نمازهاى پنجگانه آگاه كن؛ به اجزاء و شروطش كه معين كرده اى و به واجباتش كه مقرر داشته اى و وظيفه هاى كه واجب ساخته اى و وقتهايش كه محدود نموده اى.

هر كس به وقتهاى نماز اهميت دهد، از خوشيهاى دنيا، بهره كامل نمى برد.

- ۱- .أمالی المفید : ۱۳۶ / ۵ عن سويد بن غفله عن الإمام علی علیه السلام .
- ۲- .المستدرک علی الصحیحین : ۱ / ۱۱۵ / ۱۶۳ ، السنن الکبری : ۱ / ۵۵۸ / ۱۷۸۱ کلاهما عن ابن أبی أوفی ، إحياء علوم الدین : ۱ / ۴۹۵ .
- ۳- .م دعائم الإسلام : ۱ / ۵۶ .
- ۴- .أمالی المفید : ۲۲۱ / ۱ ، أمالی الطوسی : ۱ / ۷ / ۸ کلاهما عن الفجیع العقیلی عن الإمام الحسن علیه السلام .
- ۵- .تحف العقول : ۱۵۲ .
- ۶- .نهج البلاغه : الكتاب ۲۷ ، أمالی المفید : ۲۶۷ / ۳ ، أمالی الطوسی : ۲۹ / ۳۱ کلاهما عن أبی إسحاق الطوسی نحوه .
- ۷- .الصحیفه السجادیّه : الدعاء ۴۴ .
- ۸- .الکافی : ۳ / ۲۷۵ / ۹ عن منصور بن حازم أو غیره عن الإمام الصادق علیه السلام .

ص: ۴۱

الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مُوسَى: ... إلهي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا، لَمْ يَشْغَلْهُ عَنْ وَقْتِهَا دُنْيَا؟ قَالَ: يَا مُوسَى، أُعْطِيَهِ سُؤْلُهُ وَأُبِيحَ جَنَّتِي (۱).

عنه عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوَقْتِهَا، فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْغَافِلِينَ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: اِمْتَحِنُوا شَيْعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا (۳).

عنه عليه السلام: يُعْرِفُ مَنْ يَصِفُ الْحَقَّ بِثَلَاثِ خِصَالٍ: يُنْظَرُ إِلَى أَصْحَابِهِ مَنْ هُمْ؟ وَإِلَى صَلَاتِهِ كَيْفَ هِيَ؟ وَفِي أَيِّ وَقْتٍ يُصَلِّيَهَا؟ (۴).

عنه عليه السلام: اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصْلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ: مُحَافِظَتُهُ عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِيتِهَا، وَالْبِرَّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ (۵).

عنه عليه السلام، عن رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي ذِكْرِ كَلَامِ مَلَكِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَقُولُ: اْعْلَمُوا أَنَّ لَنَا فِيكُمْ عَوْدَةً ثُمَّ عَوْدَةً، فَالْحِذَرُ الْحِذَرُ، إِنَّهُ لَيْسَ فِي شَرْقِهَا وَلَا فِي غَرْبِهَا أَهْلُ بَيْتٍ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا وَأَنَا أَتَصِفُ فُحُومَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، وَلَأَنَا أَعْلَمُ بِصِيْرِ غَيْرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ، وَلَوْ أَرَدْتُ قَبْضَ رُوحِ بَعُوضَةٍ مَا قَدَرْتُ عَلَيْهَا حَتَّى يَأْمُرَنِي رَبِّي بِهَا، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا يَتَصِفُ فُحُومَهُمْ فِي مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ، فَإِنْ كَانَ مِمَّنْ يُوَاطِبُ عَلَيْهَا عِنْدَ مَوَاقِيتِهَا لَفَنَّهُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَنَحْيَ عَنْهُ مَلَكُ الْمَوْتِ إِبْلِيسَ (۶).

امام باقر عليه السلام: موسی به هنگام گفتگو با خداوند چنین گفت: خدای من، پاداش آن کس که نماز را در وقتش خوانده و دنیا او را به خود مشغول نساخته است، چیست؟ خداوند فرمود: ای موسی، آنچه خواسته به او می بخشم و بهشت را بر او روا می سازم.

هر شخص با ایمانی که بر نماز واجب مواظبت ورزد و آن ها را در وقتشان بخواند، از غافلان نخواهد بود (۷).

امام صادق علیه السلام: پیروان ما را در وقتی نماز بیازمایید، که مواظبت بر نمازشان چگونه است.

آن که حق را وصف می کند (و خود را پیرو آن می داند) مدعیان حق با سه ویژگی شناخته می شود: به یارانش نگریسته می شود که کیانند؟ و به نمازش که چگونه است؟ و کی آن را می خواند؟

برادرانتان را با دو ویژگی بیازمایید، اگر هر دو ویژگی در آن ها بود [چه بهتر] و گر نه دوری گزینید، دوری گزینید، دوری گزینید: مواظبت بر نماز در وقت و نیکی به برادران در سختی و آسانی.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان کلام فرشته مرگ که چنین می گوید: بدانید که برای ما بازگشتی دوباره و دوباره به سوی شما خواهد بود. پس مراقب باشید. در شرق و غرب خانه ای نیست جز اینکه به اهل آن در هر روز پنج نوبت می نگرم و به کوچک و بزرگشان از خود آنان دانانترم و اگر می خواستم پشه ای را قبض روح کنم، تا پروردگارم دستور ندهد نمی توانستم. سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: تنها در وقتی نماز به آن ها می نگرند. پس اگر از مواظبت کنندگان بر نماز در وقت

بود، به اوشهادت (لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله) را تلقین می کند و ابلیس را از او دور می سازد.

- ۱- فضائل الأشهر الثلاثة : ۸۹ / ۶۸ عن زياد بن المنذر ، أمالي الصدوق : ۱۷۴ / ۸ عن عبدالعظيم الحسني عن الإمام الهادي عن آبائه عن الإمام علي عليه وعليهم السلام ولم يذكر فيه «لم يشغلها عن وقتها دنيا» .
- ۲- الكافي : ۳ / ۲۷۰ / ۱۴ عن جميل بن درّاج عن بعض أصحابه ، المحاسن : ۱ / ۱۲۳ / ۱۳۵ عن زراره .
- ۳- قرب الإسناد : ۷۸ / ۲۵۳ عن مسعدة بن صدقه ، الخصال : ۱۰۳ / ۶۲ عن الليثي ، روضه الواعظين : ۳۲۱ ، أعلام الدين : ۱۳۰ وفي الثلاثه الأخيره : «امتحنوا شيعتنا عند ثلاث . . .» .
- ۴- المحاسن : ۱ / ۳۹۶ / ۸۸۵ عن ميسر بن سعيد عن رجل .
- ۵- الكافي : ۲ / ۶۷۲ / ۷ ، الخصال : ۴۷ / ۵۰ نحوه وكلاهما عن يونس بن ظبيان والمفضل بن عمر ، مصادقه الإخوان : ۱۳۸ / ۲ عن المفضل بن عمر نحوه .
- ۶- الكافي : ۳ / ۱۳۶ / ۲ عن الهيثم بن واقد عن رجل ، الفقيه : ۱ / ۱۳۷ / ۳۶۹ عن الإمام الصادق عليه السلامولفظه : «مَلَكُ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيُلْقِنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ» .
- ۷- گویا ناظر به آیه فویل للمصلین ، الذین هم عن صلاتهم ساهون، باشد.

ص: ۴۲

عنه علیه السلام: تَعَلَّمُوا مِنَ الدَّيْكَ خَمْسَ خِصَالٍ: مُحَافَظَتُهُ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ ... (۱).

راجع: الفصل ۵ / ۱۳ و ۳۸؛ والحديث ۲۳۸.

امام صادق علیه السلام: از خروس، پنج ویژگی را بیاموزید: مواظبتش بر وقتهای نماز و ...

.

۱- الفقیه: ۱ / ۴۸۲ / ۱۳۹۳، الکافی: ۶ / ۵۵۰ / ۵ عن أبی شعیب عن الإمام الكاظم علیه السلام نحوه، الخصال: ۲۹۸ / ۷۰، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱ / ۲۷۷ / ۱۵ كلاهما عن محمد بن عیسی عن الإمام الرضا علیه السلام، مکارم الأخلاق: ۱ / ۲۸۱ / ۸۷۰ عن الإمام الرضا علیه السلام وفي غير الكتاب الأول «المعرفة بأوقات الصلاة».

الفصل العاشر: أمر الأهل بالصلاه

فصل دهم: واداشتن خانواده به نماز

الفصل العاشر: أمر الأهل بالصلاه الكتاب: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (۱).

«وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا * وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (۲).

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۳).

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَتَّقِيُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (۴).

الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَصَبًا بِالصَّلَاةِ بَعْدَ النَّبِيِّ لَهٗ بِالْجَنَّةِ لِقَوْلِ اللَّهِ سُبحَانَهُ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ وَيُصْبِرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ (۵).

فصل دهم: واداشتن خانواده به نماز قرآن: «و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش. ما از تو جویای روزی نیستیم، ما به تو روزی می دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است.»

«و در این کتاب از اسماعیل یاد کن؛ زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود. و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده بود.»

«ای پسرک من، نماز برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش. این [حاکمی] از عزم در امور است.»

«پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در درّه ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم، پروردگارا، تا نماز به پا دارند، پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند.»

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با خواندن نماز خود را به رنج می افکند، با آنکه مژده بهشت شنیده بود. چون خداوند سبحان گفت: (و خانواده ات را به نماز وادار و خود بر آن شکبیا باش). پس خانواده اش را به آن وادار می کرد و خود بر انجام آن شکبیایی می ورزید.

۱- طه: ۱۳۲.

۲- مریم: ۵۴، ۵۵.

۳- لقمان : ۱۷ .

۴- إبراهيم : ۳۷ .

۵- نهج البلاغه : الخطبه ۱۹۹ ، الكافی : ۵ / ۳۷ / ۱ عن عقيل الخزاعي .

ص: ۴۴

عَائِشَةُ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا انْصَرَفَ قَالَ لِي: قَوْمِي فَأَوْتِرِي (۱).

رسول الله صلى الله عليه و آله : كان لداود نبى الله عليه السلام من الليل ساعة يوقظ فيها أهله ، فيقول : يا آل داود ، قوموا فصلّوا ، فإنّ هذه ساعة يستجيب الله فيها الدعاء إلا لساحر أو عشار (۲).

الإمام على عليه السلام : علّموا صبيانكم الصّلاة ، وخذوهم بها إذا بلغوا ثمان سنين (۳).

راجع : الحديث ۱۳ و ۱۰۷ و ۴۲۸.

عایشه: پیامبر [پاسی] از شب را نماز می خواند و هنگام انصراف به من می گفت: برخیز و نماز وتر بخوان.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : برای داود پیامبر خدا ساعتی از شب بود که در آن، خانواده اش را بیدار می کرد و می گفت: ای خاندان داود! برخیزید و نماز بخوانید. همانا این ساعتی است که خداوند دعا را در آن اجابت می کند، مگر از ساحر و باجگیر.

امام علی علیه السلام : به پسرانتان، نماز را بیاموزید و هنگامی که به هشت سالگی رسیدند بر آن، مؤاخذه اشان کنید.

۱- مسند ابن حنبل : ۹ / ۴۹۱ / ۲۵۲۳۹ ، صحیح مسلم : ۱ / ۵۱۱ / ۱۳۴ .

۲- مسند ابن حنبل : ۵ / ۴۹۲ / ۱۶۲۸۱ ، المعجم الكبير : ۹ / ۵۵ / ۸۳۷۴ کلاهما عن عثمان بن أبی العاص .

۳- الخصال : ۶۲۶ / ۱۰ عن محمد بن مسلم وأبى بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، غرر الحكم : ۶۳۰۵ وفيه : «إذا بلغوا الحلم» مكان «... ثمان سنين» ، تحف العقول : ۱۱۵ .

الفصل الحادی عشر : فضل المصلی

فصل یازدهم : فضیلت نماز گزار

الفصل الحادی عشر: فَضْلُ الْمُصَلِّیِّ الْکِتَابُ: «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۱).

«وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (۲).

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (۳).

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (۴).

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» (۵).

رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْمُصَلِّيَ إِذَا صَلَّى فَإِنَّهُ يُنَاجِي رَبَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (۶).

الإمام الحسن عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: الْمُصَلِّيُ يُنَاجِنِي (۷).

رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَغْبَطَ أَوْلِيَائِي عِنْدِي لَمُؤْمِنٌ خَفِيفُ الْحَاذِ (۸) ذُو حَظٍّ مِنَ الصَّلَاةِ ... (۹).

فصل یازدهم: فضیلت نماز گزار قرآن: «آنان که به غیب ایمان می آورند، و نماز بر پا می دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند».

«و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ در می زنند و نماز بر پا داشته اند، [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد».

«مردانی که نه تجارت و نه داد و ستد، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دلها و دیده ها در آن زیر و رو می شود می هراسند».

«در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم، نهان و آشکارا انفاق می کنند، امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد».

«محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز گزار هنگام نماز با پروردگارش تبارک و تعالی مناجات می کند.

امام حسن علیه السلام: خداوند متعال می گوید: نماز گزار، با من مناجات می کند.

- ۱- البقره : ۳ .
- ۲- الأعراف : ۱۷۰ .
- ۳- النور : ۳۷ .
- ۴- فاطر : ۲۹ .
- ۵- الفتح : ۲۹ .
- ۶- مسند ابن حنبل : ۲ / ۴۸۴ / ۶۱۳۵ عن ابن عمر ؛ عوالی الآلی : ۴ / ۳۹ / ۱۳۳ و ص ۱۱۱ / ۱۶۸ .
- ۷- إرشاد القلوب : ۱ / ۷۸ .
- ۸- خفیف الحاذ : خفیف الظهر (المصباح المنیر : ۱۵۵) .
- ۹- سنن الترمذی : ۴ / ۵۷۵ / ۲۳۴۷ ، سنن ابن ماجه : ۲ / ۱۳۷۹ / ۴۱۱۷ كلاهما عن أبی أمامه ؛ الأصول الستّه عشر (أصل عاصم بن حمید) : ۲۷ عن أبی عبيده عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله وفيه : «خَفِيفُ الْحَالِ» مكان «خَفِيفُ الْحَاذِ» .

ص: ۴۶

عنه صلى الله عليه و آله : لا يَتَوَضَّأُ أَحَدٌ فَيُحْسِنُ وُضوءَهُ وَيُسْبِغُهُ ثُمَّ يَأْتِي الْمَسْجِدَ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ فِيهِ إِلَّا تَبَشَّشَ (۱) اللَّهُ بِهِ كَمَا يَتَبَشَّشُ أَهْلُ الْغَائِبِ بِطَلْعَتِهِ (۲) .

عنه صلى الله عليه و آله : ما مِنْ صَبَاحٍ وَلَا رَوَاحٍ إِلَّا وَبِقَاعِ الْأَرْضِ تُنَادِي بَعْضُهَا بَعْضًا : يَا جَارَهُ ، هَلْ مَرَّ بِكَ الْيَوْمَ عَبْدٌ صَالِحٌ صِلْهُ عَلَيْكَ أَوْ ذَكَرَ اللَّهُ ؟ فَإِنْ قَالَتْ : نَعَمْ ، رَأَتْ لَهَا بِذَلِكَ فَضْلًا (۳) .

عنه صلى الله عليه و آله : يَعْجَبُ رَبُّكُمْ مِنْ رَاعِي غَنَمٍ فِي رَأْسِ شَطِئِهِ بِجَبَلٍ يُؤَدِّنُ بِالصَّلَاةِ وَيُصَلِّي فَيَقُولُ اللَّهُ عز و جل : اُنْظُرُوا إِلَى عَبْدِي هَذَا يُؤَدِّنُ وَيُقِيمُ الصَّلَاةَ يَخَافُ مِنِّي ، فَقَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ (۴) .

الإمام علي عليه السلام : إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ جَسَدَهُ وَثِيَابَهُ وَكُلَّ شَيْءٍ حَوْلَهُ يُسَبِّحُ (۵) .

الإمام زين العابدين عليه السلام : الْمُصَلِّي مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ فَهُوَ وَاقِفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عزَّ وَجَلَّ (۶) .

الإمام الباقر عليه السلام : إِذَا اسْتَقْبَلَ [الْمُصَلِّي] الْقِبْلَةَ اسْتَقْبَلَ الرَّحْمَنَ بِوَجْهِهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ (۷) .

عنه عليه السلام في قوله تعالى : «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» (۸) : ذِكْرُ اللَّهِ لِأَهْلِ الصَّلَاةِ أَكْبَرُ مِنْ ذِكْرِهِمْ إِيَّاهُ ، أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ : «اذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (۹) .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیکو حال تر از همه دوستانم، مؤمنی سبکبار است که بهره ای فراوان از نماز دارد.

هیچ کس وضویی کامل و نیکو نمی گیرد و سپس برای نماز به مسجد نمی آید، مگر اینکه خداوند با لطف و خوشی از او استقبال می کند؛ همچون خوشحالی خانواده شخص غائب هنگام ورودش.

هیچ صبح و شبی نیست مگر اینکه قطعه های مختلف زمین به یکدیگر ندا می دهند: ای همسایه، آیا امروز، بنده ای صالح بر تو گذشته که نماز خوانده، خدا را یاد کرده باشد؟ پس اگر بگوید: آری، آن را برایش فضیلتی می بینند.

پروردگارتان از چوپانی که بر پاره سنگی در قلّه کوه برای نماز اذان می گوید و نماز می خواند خوشش می آید. سپس خدای عز و جلمی فرماید: به این بنده ام بنگرید، از ترس من اذان می گوید و نماز می خواند، بنده ام را بخشیدم و او را به بهشت بردم.

امام علی علیه السلام : هنگامی که انسان در نماز است، کالبد و لباس و هر چه در اطراف اوست، تسبیح می گوید.

امام سجاد علیه السلام : نماز گزار تا آنگاه که در نماز است، در پیشگاه خدای عز و جلاستاده است.

امام باقر علیه السلام : هنگامی که [نماز گزار] به قبله رو می کند، به خداوند رحمان رو کرده است، جز او خدایی نیست.

درباره گفته خداوند متعال (و یاد خدا بزرگتر است) : یاد کردن خدا از اهل نماز بزرگتر از یاد کردن ایشان از خداست. آیا نمی بینی که او خود می فرماید: «مرا یاد کنید، شمار را یاد می کنم» ؟

- ۱- البش : فرح الصديق بالصدیق واللفظ فی المسأله والإقبال علیه (لسان العرب : ۶ / ۲۶۷) .
- ۲- مسند ابن حنبل : ۳ / ۱۷۵ / ۸۰۷۱ عن أبی هريره .
- ۳- حلیه الأولیاء : ۶ / ۱۷۴ عن أنس ؛ أمالی الطوسی : ۵۳۴ / ۱۱۶۲ ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۳۷۳ / ۲۶۶۱ ، تنبيه الخواطر : ۲ / ۶۰ کلها عن أبی ذرّ ولفظ الكتب الثلاثه : «... هَلْ مَرَّ بِكَ الْيَوْمَ ذَاكِرُ اللَّهِ (تعالى) أَوْ عَبْدٌ وَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَيْكَ سَاجِدًا لِلَّهِ (تعالى) ؟ فَمِنْ قَائِلِهِ لَا وَمِنْ قَائِلِهِ نَعَمْ ، فَإِذَا قَالَتْ نَعَمْ ، اهْتَزَّتْ وَانْشَرَحَتْ وَتَرَى أَنَّ لَهَا فَضْلًا عَنْ جَارَتِهَا» .
- ۴- سنن أبی داود : ۲ / ۴ / ۱۲۰۳ ، سنن النسائی : ۲ / ۲۰ ، مسند ابن حنبل : ۶ / ۱۴۷ / ۱۷۴۴۷ ، السنن الكبرى : ۱ / ۵۹۶ / ۱۹۰۵ ، المعجم الكبير : ۱۷ / ۳۱۰ / ۸۵۷ کلها عن عقبه بن عامر .
- ۵- علل الشرائع : ۲ / ۳۳۶ عن طلحه بن زيد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ۲ / ۳۷۷ .
- ۶- الفقيه : ۱ / ۱۹۹ / ۶۰۳ ، التوحيد : ۸ / ۱۷۷ ، علل الشرائع : ۱۳۳ ، أمالی الصدوق : ۶ / ۳۷۲ کلها عن زيد بن علی .
- ۷- المحاسن : ۱ / ۱۲۲ / ۱۳۲ عن جابر .
- ۸- العنكبوت : ۴۵ .
- ۹- تفسير القمّي : ۲ / ۱۵۰ عن أبی الجارود ، والآیه ۱۵۲ من سوره البقره .

ص: ۴۷

الفصل الثانی عشر : حدود الصلاة

فصل دوازدهم : حدود نماز

الفصل الثانی عشر: حُدُودُ الصَّلَاةِ لِإِمَامٍ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: حُدُودُ الصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ: مَعْرِفَةُ الْوَقْتِ، وَالتَّوَجُّهُ إِلَى الْقِبْلَةِ، وَالرُّكُوعُ، وَالسُّجُودُ، وَهَذِهِ عَوَامٌّ فِي جَمِيعِ النَّاسِ الْعَالِمِ وَالْجَاهِلِ، وَمَا يَتَّصِلُ بِهَا مِنْ جَمِيعِ أَعْمَالِ الصَّلَاةِ، وَالْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ وَغَيْرُ ذَلِكَ، وَلَمَّا عَلِمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُؤَدُّوا هَذِهِ الْحُدُودَ كُلَّهَا عَلَى حَقَائِقِهَا جَعَلَ فِيهَا فَرَائِضَ وَهِيَ الْأَرْبَعَةُ الْمَذْكُورَةُ، وَجَعَلَ مَا فِيهَا مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ مِنَ الْقِرَاءَةِ وَالِدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ وَالتَّكْبِيرِ وَالْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَمَا شَاكَلَ ذَلِكَ سُنَّةً وَاجِبَةً، مَنْ أَحَبَّهَا يَعْمَلُ بِهَا إِعْمَالًا، فَهَذَا ذِكْرُ حُدُودِ الصَّلَاةِ (۱).

زُرَّارَةُ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ: سَبْعَةٌ: الْوُضُوءُ، وَالْوَقْتُ، وَالْقِبْلَةُ، وَتَكْبِيرَةُ الْاِفْتِتَاحِ، وَالرُّكُوعُ، وَالسُّجُودُ، وَالِدُّعَاءُ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ حَدٌّ (۳).

الكَرَّاجِيُّ عَنْ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَنْ سَأَلَهُ عَنِ الصَّلَاةِ وَحُدُودِهَا: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ حَدٌّ لَسْتُ تُؤَاخِذُ بِهَا، فَقَالَ: أَخْبِرْنِي بِمَا لَا يَحِلُّ تَرْكُهُ وَلَا تَتِمُّ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهِ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتِمُّ الصَّلَاةُ إِلَّا لِأَذَى طَهْرٍ سَابِغٍ، وَاهْتِمَامٍ بَالِغٍ، غَيْرِ نَازِعٍ وَلَا زَائِعٍ، عَرَفَ فَوْقَ، وَأَخْبَتَ فَتَبَّتْ، فَهُوَ وَقَفَ بَيْنَ الْيَأْسِ وَالطَّمَعِ، وَالصَّبْرِ وَالْجَزَعِ، كَأَنَّ الْوَعْدَ لَهُ صُنْعٌ، وَالْوَعِيدَ بِهِ وَقَعٌ، بَدَلَ عَرْضِهِ وَتَمَثَّلَ غَرَضُهُ، وَبَدَلَ فِي اللَّهِ الْمُهْجَةَ، وَتَنَكَّبَ غَيْرَ الْحُجَّةِ، مُرْتَعِمًا يَارِغَامٌ، يَقْطَعُ عِلَاقَ الْاهْتِمَامِ، يُعِينُ مَنْ لَهُ قَصْدٌ، وَإِلَيْهِ وَقَدٌ، وَفِيهِ اسْتَرْفَدٌ، فَإِذَا أَتَى بِذَلِكَ كَانَتْ هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي بِهَا أُمِرَ، وَعَنْهَا أُخْبِرَ، وَإِنَّهَا هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (۴).

فصل دوازدهم: حدود نماز امام علی علیه السلام: حدود نماز چهار چیز است: شناخت وقت، رو به قبله بودن، رکوع و سجده و این ها، برای همه مردم عمومیت دارد؛ عالم باشند یا جاهل و نیز هر چه که به نماز مربوط است همچون افعال آن و اذان و اقامه و غیر این ها. و چون خداوند دانست که بندگان نمی توانند حق همه این حدود را ادا کنند، تعدادی را واجب ساخت که همان چهار چیز است که ذکر شد و آنچه در آن چهار چیز از قرائت و دعا و تسبیح و تکبیر و اذان و اقامه و شبیه این هاست، سنتی موکد قرار داد. هر کس آن ها را دوست دارد، به نیکویی انجام می دهد. این ذکر حدود نماز است.

زراره: از امام باقر علیه السلام پرسیدم حدود بزرگ نماز کدامند؟ فرمود: هفت چیزند: وضوء وقت، قبله، تکبیر آغازین، رکوع، سجده و دعا.

امام صادق علیه السلام: نماز، چهار هزار حد دارد.

کراجکی از امام صادق علیه السلام در پاسخ شخصی که از نماز و حدودش پرسیده بود: نماز چهار هزار حد دارد که از تو بازخواست نمی کنند. آن شخص گفت: از آنچه ترک کردنش روا نیست و نماز بدون آن کامل نمی شود، مرا آگاه کن. پس امام صادق علیه السلام فرمود: نماز کامل نمی شود مگر برای کسی که طهارتی کامل و همتی بلند دارد، بی وسوسه و انحراف. آن که

شناخت پس ایستاد ، اطمینان کرد پس استوار گشت. او میان امید و ناامیدی و شکیبایی و بی تابی ایستاده گویی نویدش آماده و بيمش واقع گشته است. دارایی اش را بخشیده و به هدفش اندیشیده در راه خدا خون داده و از امر بی دلیل و برهان، کناره گزیده است. خود را به خاک افکنده و خوار می شمارد، رشته های توجه [به غیر] را می گسلد ، به کسی یاری می رساند که قصدش کرده و به سويش شتافته و یاریش را طلبیده است. پس اگر چنین کرد، همان نمازی است که بدان امر و از آن آگاه شده است و این نماز است که از کار زشت و ناپسند باز می دارد.

۱- البحار : ۹۳ / ۶۳ عن النعمانی .

۲- البحار : ۸۳ / ۱۶۳ / ۳ نقلاً عن کتاب العلل لمحمد بن علی بن ابراهیم .

۳- الکافی : ۳ / ۲۷۲ / ۶ ، التهذیب : ۲ / ۲۴۲ / ۹۵۶ کلاهما عن حماد بن عیسی ، الفقیه : ۱ / ۱۹۵ / ۵۹۹ .

۴- کنز الفوائد : ۲ / ۲۲۳ / ۱ .

ص: ۴۸

الإمام الرضا عليه السلام: الصَّلَاةُ لَهَا أَرْبَعَةُ آلَافٍ بَابٍ (۱) .

امام رضا عليه السلام: نماز، چهار هزار در دارد.

.

-
- ۱- الخصال : ۶۳۸ / ۱۲ ، عیون أخبار الرضا عليه السلام : ۱ / ۲۵۵ / ۷ کلاهما عن زکریّا بن آدم ، الفقیه : ۱ / ۱۹۵ / ۵۹۸ ، التهذیب : ۲ / ۲۴۲ / ۹۵۷ کلاهما مرسلًا .

ص: ۴۹

الفصل الثالث عشر: آداب الصلاة

۱ / ۱۳ السواک

۲ / ۱۳ الزینة

فصل سیزدهم: آداب نماز

أ: آداب ظاهری

۱۳ / ۱ مسواک زدن

۱۳ / ۲ زینت کردن

الفصل الثالث عشر: آداب الصلاة الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الصَّلَاةِ (۱).

أ: الآداب الظاهرية ۱ / ۱۳ السَّوَاكُ رسول الله صلى الله عليه وآله: رَكَعَتَانِ بِسَوَاكٍ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بِغَيْرِ سَوَاكٍ (۲).

۲ / ۱۳ الزَّيْنَةُ الكتاب: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» (۳).

خَيْثُمَةُ بْنُ أَبِي خَيْثَمَةَ: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ لَبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِهِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، لِمَ تَلْبَسُ أَجْوَدَ ثِيَابِكَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي (۴).

فصل سیزدهم: آداب نماز امام صادق عليه السلام: نماز را نیکو بخوانید.

أ: آداب ظاهری ۱/۱۳ مسواک زدن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دو رکعت [کسی که] مسواک زده، بهتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است.

۱۳/۲ زینت کردن قرآن: «ای فرزندان آدم، نزد هر مسجد، زینتتان را بگیرید».

خيثمه بن أبي خيثمة: امام حسن بن علي عليه السلام هرگاه به نماز می ایستاد، بهترین لباسش را می پوشید، پس به ایشان گفته شد: ای پسر فرستاده خدا، چرا بهترین لباس را می پوشی؟ فرمود: خداوند تعالی زیباست و زیبایی را دوست دارد. پس برای پروردگارم خود را زیبا می سازم، که می فرماید: «نزد هر مسجد، زینتتان را بگیرید» پس دوست می دارم که بهترین لباسم را به تن کنم.

۱- .أمالی المفید: ۱۸۶ / ۱۲ عن مرازم .

۲- .المحاسن: ۲ / ۳۸۲ / ۲۳۴۴ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ۴۸۱ / ۵۲ عن عمرو بن جميع

- يرفعه وفيه «ركعتين بسواك أحبّ إلى الله عزّوجلّ من...»، جامع الأخبار: ١٥٢ / ٣٤١؛ السنن الكبرى: ١ / ٦٢ / ١٦٠ عن عائشه وفيه «إِلَيَّ» مكان «إِلَى الله». .
- ٣- الأعراف: ٣١.
- ٤- تفسير العناشي: ٢ / ١٤ / ٢٩، عوالي اللآلي: ١ / ٣٢١ / ٥٤.

ص: ۵۰

الإمام الصادق عليه السلام لما سألَهُ أبو بصيرٍ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»: هُوَ الْمَشْطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ وَنَافِلَةٍ (۱).

رسول الله صلى الله عليه و آله: مِنْ أَحَبِّ ثِيَابِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْبَيَاضُ فَصَلُّوا فِيهَا (۲).

عنه صلى الله عليه و آله: لَا تُصَلِّي الْمَرْأَةُ إِلَّا وَعَلَيْهَا مِنَ الْحَلِيِّ خُرْصٌ (۳) فَمَا فَوْقَهُ، إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَهُ (۴).

الإمام علي عليه السلام: لَا تُصَلِّي الْمَرْأَةُ عُطْلًا (۵) (۶).

الإمام الباقر عليه السلام: خُذُوا ثِيَابَكُمْ الَّتِي تَتَزَيَّنُونَ بِهَا لِلصَّلَاةِ فِي الْجُمُعَاتِ وَالْأَعْيَادِ (۷).

فائده: لَا يَخْفَى أَنَّهُ وَرَدَ فِي بَعْضِ الرِّوَايَاتِ اسْتِحْبَابَ لِبَسِ الْخَشَنِ عِنْدَ الصَّلَاةِ، فَجَمَعَ بَيْنَهُمَا الْعَلَامَةُ الْمَجْلِسِي رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْبَحَارِ (۸) بِوَجْهِ نَأْتِي بِمُلَخَّصِهَا: فَمِنْهَا حَمْلُ أَخْبَارِ لِبَسِ الْخَشَنِ عَلَى مَا إِذَا صَلَّى لِحَاجَةِ مَهْمَةٍ أَوْ لِدَفْعِ مَهْمَةٍ أَوْ فِي مَقَامِ تَنَاسُبِهِ غَايَةِ الْخُشُوعِ. أَوْ حَمْلُ الْخَشَنِ عَلَى مَا إِذَا صَلَّى فِي الْخُلُوهِ، وَالزَّيْنَةِ عَلَى مَا إِذَا خَرَجَ إِلَى النَّاسِ كَمَا يَظْهَرُ مِنْ فَحْوَى بَعْضِ الْأَخْبَارِ، وَيُمْكِنُ حَمْلُ لِبَسِ الْخَشَنِ عَلَى التَّقِيَّةِ لِأَنَّهُ كَانَ الشَّائِعَ بَيْنَ أَهْلِ الْبَدْعِ فِي تِلْكَ الْأَزْمَنَةِ وَكَانُوا يَنْكُرُونَ عَلَى أَثْمَتِنَا عَلَيْهِمُ السَّلَامَ لِبَسِ الثِّيَابِ الْفَاخِرَةِ. وَبِالْجُمْلَةِ الظَّاهِرُ أَنَّ لِبَسَ الْفَاخِرِ أَفْضَلُ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ إِلَّا فِيمَا وَرَدَ فِيهِ نَصٌّ بِاسْتِحْبَابِ غَيْرِهِ، لَظَاهِرِ الْآيَةِ وَالْأَخْبَارِ الْعَامَّةِ.

امام صادق عليه السلام در پاسخ به پرسش ابوبصیر از معنی آیه «نزد هر مسجد، زینتتان را بپوشید»: آن شانه کردن هنگام نماز واجب و مستحب است.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: محبوب ترین لباسها نزد خدا، لباس سفید است. پس در آن نماز بخوانید.

زن نماز نخواند مگر اینکه زینتی در بر داشته باشد، از یک حلقه تا زیورهای گرانبهار، جز آنکه نیابد.

امام علی علیه السلام: زن، بدون زیور نماز نخواند.

امام باقر علیه السلام: لباسهای زینتی خود را برای نمازهای جمعه و عید به تن کنید.

فایده: پنهان نماند که برخی روایتها، پوشیدن لباس زبر و غیر لطیف را در نماز مستحب دانسته اند. از این رو علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار چند وجه جمع بیان کرده است که خلاصه آن ها را می آوریم. از آن جمله، اختصاص دادن اخبار پوشیدن لباس زبر به نمازهایی است که برای حاجتی مهم و یا دور کردن مصیبت و غمی بزرگ خوانده می شود، یا هر جا که مناسب نهایت فروتنی است. یا اینکه لباس خشن مخصوص به نمازهای در خلوت باشد و زینت برای نمازهایی که با حضور مردم خوانده می شود. همانگونه که از مضمون برخی روایات، به دست می آید و نیز محتمل است اخبار لباس خشن را بر تقيه حمل کنیم، چون چنین امری بین بدعتگذاران آن روزگار رایج بوده و پوشیدن لباس فاخر را بر امامان ما خرده می گرفته اند. نتیجه سخن اینکه پوشیدن لباس فاخر در همه نمازها بهتر است، جز آنجا که روایتی تصریح به استحباب غیر آن دارد، چون ظاهر آیه و عموم احادیث چنین است.

- ۱- تفسیر العیاشی : ۲ / ۱۳ / ۲۵ ، الفقیه : ۱ / ۱۲۸ / ۳۱۸ عن الإمام الرضا علیه السلام نحوه ، تفسیر القمّی : ۱ / ۲۲۹ وفيه عند تفسیر الآیه الشریفه «روی : المشط عند كلّ صلاة» .
- ۲- كنز العمال : ۱۵ / ۳۰۲ / ۴۱۱۱۷ .
- ۳- الخُرص : حلقه (المصباح المنیر : ۱۶۷) .
- ۴- دعائم الإسلام : ۲ / ۱۶۲ / ۵۸۰ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ج ۱ / ۱۷۷ نحوه .
- ۵- العَطَل : فقدان الحلی (النهايه ۳ / ۲۵۷) .
- ۶- التهذيب : ۲ / ۳۷۱ / ۱۵۴۳ عن غياث بن إبراهيم عن أبيه .
- ۷- مجمع البيان : ۴ / ۶۳۷ .
- ۸- البحار : ۸۳ / ۱۷۵ .

ص: ۵۱

۳ / ۱۳ الطیب

۴ / ۱۳ التَّخْتِم

۳ / ۱۳ استفاده از بوی خوش

۴ / ۱۳ انگشتر به دست داشتن

۳ / ۱۳ الطَّيِّعُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ: كَانَتْ لِعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَام قَارُورَةٌ مِسْكٍ فِي مَسْجِدِهِ ، فَإِذَا دَخَلَ لِلصَّلَاةِ أَخَذَ مِنْهُ فَتَمَسَّحَ بِهِ (۱) .

الإمام الرضا عليه السلام: كَانَ يُعْرِفُ مَوْضِعَ سُجُودِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام بِطِيبِ رِيحِهِ (۲) .

الإمام الصادق عليه السلام: صَلَاةٌ مُتَطَيَّبٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً بِغَيْرِ طِيبٍ (۳) .

عنه عليه السلام: رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا غَيْرُ مُتَعَطِّرٍ (۴) .

۴ / ۱۳ التَّخْتُمُ الإمام علي عليه السلام: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي يَدِهِ خَاتَمُ فَضِّهِ (۵) جَزَعُ يَمَانِيٍّ فَصَلَّى بِنَا ، فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَقَالَ : يَا عَلِيُّ تَخْتَمُ بِهِ فِي يَمِينِكَ وَصَلِّ فِيهِ ، أَوْ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الصَّلَاةَ فِي الْجَزَعِ سَبْعُونَ صَلَاةً؟! (۶) .

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا بُنَيَّ ، تَخْتَمُ بِالْيَاقُوتِ وَالْعَقِيقِ ، فَإِنَّهُ مَيْمُونٌ مُبَارَكٌ ، فَكُلَّمَا نَظَرَ الرَّجُلُ فِيهِ إِلَى وَجْهِهِ يَزِيدُ نُورًا ، وَالصَّلَاةُ فِيهِ سَبْعُونَ صَلَاةً (۷) .

۳/۱۳ استفاده از بوی خوش عبد الله بن حارث: حضرت علی بن حسین علیه السلام شیشه مشکى در سجده گاهش داشت، که برای نماز از آن بر می گرفت و به خود می مالید.

امام رضا علیه السلام: سجده گاه امام صادق علیه السلام از بوی خوشش، شناخته می شد.

امام صادق علیه السلام: نماز شخص خوشبو، برتر از هفتاد نماز بدون بوی خوش است.

دو رکعت نماز که شخص عطر زده می خواند، برتر از هفتاد رکعت نماز شخص عطر نزنده است.

۴/۱۳ انگشتر به دست داشتن امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله بر ما درآمد و انگشتر نقره عقیق یمانی در دست داشت (۸) . پس با ما نماز خواند و هنگامی که نمازش را به پایان برد، آن را به من داد و فرمود: ای علی ، آن را در دست راست کن و با آن نماز بخوان. آیا نمی دانی که نماز با عقیق [برابر] هفتاد نماز است؟

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ای پسرکم، انگشتر یاقوت و عقیق به دست کن که خجسته و مبارک است. هرگاه مرد در آن بنگرد چهره اش نورانی تر می گردد و نماز با آن [برابر] هفتاد نماز است.

- ۱- الکافی : ۶ / ۵۱۵ / ۶ .
- ۲- الکافی : ۶ / ۵۱۱ / ۱۱ عن الحسن بن علی ، مکارم الأخلاق : ۱ / ۱۰۲ / ۱۹۹ .
- ۳- الکافی : ۶ / ۵۱۱ / ۷ عن علی بن ابراهیم رفعه .
- ۴- ثواب الأعمال : ۶۲ / ۱ عن المفضل بن عمر ، الخصال : ۱۶۶ / ذیل الحديث ۲۱۸ عن النبى صلی الله علیه و آله ، مکارم الأخلاق : ۱ / ۱۰۲ / ۲۰۱ .
- ۵- الظاهر أنّ الصحيح : «فی یدِهِ خاتَمٌ فَضُّهُ جَزَعٌ یمانیٌّ» كما نقله فی البحار : ۸۳ / ۱۸۸ / ۵ .
- ۶- عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۲ / ۱۳۲ / ۱۸ عن الحسن بن محمد العلوی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام .
- ۷- دعائم الإسلام : ۲ / ۱۶۴ / ۵۹۱ عن الإمام الحسین علیه السلام .
- ۸- گویا درست این باشد: «انگشتی در دست داشت با نگینی از عقیق یمانی».

ص: ۵۲

۵ / ۱۳ مراعاة أول الوقت

۱۳ / ۵ رعایت اول وقت

۵ / ۱۳ مراعاة أول الوقت الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»: تأخير الصلاة عن أول وقتها لغير عذر (۱).

يونس بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام: سألتُهُ عن قوله: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۲) أهى وسوسه الشيطان؟ فقال: لا، كلُّ أحدٍ يُصِيبُهُ هذا، ولكن أن يغفلها ويدع أن يُصَلِّيَ في أول وقتها (۳).

رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل الأعمال عند الله الصلاة في أول وقتها (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: صلُّوا صلاتكم في أول وقتكم، فإنَّ الله عز وجل يُضاعِفُ لَكُمْ (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: أتى جبرئيل عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله فاعلمه مواقيت الصلاة فقال: ... أفضل الوقت أوله (۶).

رسول الله صلى الله عليه وآله: الوقت الأول من الصلاة أفضل من الوقت الآخر كفضل الآخر على الدنيا (۷).

عنه صلى الله عليه وآله: أول الوقت رضوان الله، ووسط الوقت رحمة الله، وآخر الوقت عفو الله (۸).

عنه صلى الله عليه وآله: ألا أخبركم بصلاة المنافق؟ أن يؤخِّرَ العصرَ حتَّى كانت الشمسُ كثرَب (۹) البقره صلاها (۱۰).

عائشه: ما رأيتُ رسولَ الله صلى الله عليه وآله أخرَّ صلاةً إلى الوقتِ الآخرِ حتَّى قبضَهُ الله عزَّ وجلَّ (۱۱).

۱۳/۵ رعایت اول وقت امام صادق عليه السلام در باره آیه «آنان که از نمازشان غافلند»: منظور به تأخیر انداختن نماز از اول وقتش، بدون عذر است.

یونس بن عمار: از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا آیه «آنان که از نمازشان غافلند» ناظر به وسوسه شیطان است؟ فرمود: نه، همه به این مصیبت گرفتارند. بلکه منظور این است که غافل شود و نماز اول وقت را از دست بدهد.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: برترین اعمال نزد خداوند، نماز اول وقت است.

نمازتان را در اول وقت بخوانید که خدای عز و جلبرایتان دو چندان می کند.

امام صادق علیه السلام: جبرئیل نزد رسول الله آمد و به ایشان وقتهای نماز را تعلیم داد. سپس گفت ... برترین وقت، اول آن است.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اول وقت نماز، برتر از پایان وقت است؛ همچون برتری آخرت بر دنیا.

اول وقت، رضوان خداوند، میان وقت، رحمت خدا و پایان وقت، عفو خداوند است.

آیا از نماز منافق آگاهتان نکنم؟ نماز عصر را تا نزدیک غروب خورشید، به تأخیر می اندازد.

عائشه: تا هنگام قبض روح حضرت رسول اکرم، ندیدم نماز را تا وقت نمازی دیگر به تأخیر اندازد.

.

۱- تفسیر القمى : ۲ / ۴۴۴ .

۲- الماعون : ۵ .

۳- مجمع البیان : ۱۰ / ۸۳۴ .

۴- سنن الدارقطنی : ۱ / ۲۴۷ / ۹ و ۱۰ نحوه ، مسند ابن حنبل : ۱۰ / ۳۱۶ / ۲۷۱۷۳ نحوه کلّها عن أم فروه ، المستدرک علی الصحیحین : ۱ / ۳۰۱ / ۶۷۸ عن ابن عمر وفيه «خَيْرُ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا» ؛ عوالی اللآلی : ۲ / ۲۱۳ / ۱ .

۵- م. المعجم الكبير : ۱۷ / ۳۷۰ / ۱۰۱۳ عن عیاض .

۶- التهذيب : ۲ / ۲۵۳ / ۱۰۰۴ ، الاستبصار : ۱ / ۲۵۸ / ۹۲۵ كلاهما عن ذريح .

۷- الفردوس : ۴ / ۴۲۸ / ۷۲۴۴ عن معاذ ؛ الکافی : ۳ / ۲۷۴ / ۶ ، التهذيب : ۲ / ۴۱ / ۱۲۹ كلاهما عن قتیبہ الأعشى عن الإمام الصادق عليه السلام ، ثواب الأعمال : ۵۸ / ۲ ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۶۶ / ۲۱۶۶ ، فلاح السائل : ۱۵۵ کلّها عن الإمام الصادق عليه السلام .

۸- سنن الدارقطنی : ۱ / ۲۴۹ / ۲۲ ، الفردوس : ۱ / ۴۰ / ۸۹ وفيه «أَوَّلُ الْوَقْتِ لِلصَّلَاةِ . . .» كلاهما عن أبي محذوره ؛ الفقيه : ۱ / ۲۱۷ / ۶۵۱ ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۳۷ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيهما «وسط الوقت رحمه الله» ، فقه الرضا عليه السلام : ۷۱ وفيه «وَسَطُ الْوَقْتِ عَفْوُ اللَّهِ ، وَآخِرُ الْوَقْتِ غُفْرَانُ اللَّهِ» بلفظ «نروی» .

۹- وفيه الحديث : «نهى عن الصلاة إذا صارت الشمس كالأثارب» أى إذا تفرقت وخصت موضعا دون موضع عند المغيب» (النهاية : ۱ / ۲۰۹) .

۱۰- المستدرک علی الصحیحین : ۱ / ۳۰۹ / ۷۰۲ ، سنن الدارقطنی : ۱ / ۲۵۲ / ۷ كلاهما عن رافع بن خديج ، صحيح مسلم : ۱ / ۴۳۴ / ۱۹۵ عن أنس ، مسند ابن حنبل : ۴ / ۴۹۳ / ۱۳۵۹۰ عن حفص بن عبد الله بن مالك وفي الأخيرين «يَجْلِسُ يَرْقُبُ الشَّمْسَ حَتَّى إِذَا كَانَتْ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ قَامَ فَتَقَرَّهَا» .

۱۱- سنن الدارقطنی : ۱ / ۲۴۹ / ۱۹ ، المستدرک علی الصحیحین : ۱ / ۳۰۳ / ۶۸۴ .

ص: ۵۳

الإمام على عليه السلام: مَنْ لَمْ يَأْخُذْ أَهْبَةً (۱) الصَّلَاةِ قَبْلَ وَقْتِهَا فَمَا وَقَرَهَا (۲).

زُرَّارَةُ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ، وَقْتُ كُلِّ صَلَاةٍ أَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُ، أَوْ أَوْسَطُهُ أَوْ آخِرُهُ؟ فَقَالَ: أَوَّلُهُ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ (۳).

الإمام الباقر عليه السلام: اعْلَمْ أَنَّ أَوَّلَ الْوَقْتِ أَبَدًا أَفْضَلُ فَعَجِّلْ بِالْخَيْرِ مَا اسْتَطَعْتَ (۴).

عنه عليه السلام: إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيْضَاءُ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ: حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ، وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ: ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: لَفْضُلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ خَيْرٌ لِلرَّجُلِ مِنْ وُلْدِهِ وَمَالِهِ (۶).

عنه عليه السلام: لِكُلِّ صَلَاةٍ وَقْتَانِ، وَأَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ، وَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا إِلَّا فِي عُذْرٍ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ (۷).

عنه عليه السلام: إِذَا دَخَلَ وَقْتُ صَلَاةٍ فَتَحْتَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِصُرُوعِ الْأَعْمَالِ، فَمَا أَحَبُّ أَنْ يَصْعَدَ عَمَلٌ أَوَّلَ مِنْ عَمَلِي وَلَا يُكْتَبَ فِي الصَّحِيفَةِ أَحَدٌ أَوَّلَ مِنِّي (۸).

الإمام الكاظم عليه السلام: الصَّلَوَاتُ الْمَفْرُوضَاتُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا إِذَا أُقِيمَ حُدُودُهَا أَطْيَبُ رِيحًا مِنْ قَضِيبِ الْأَسِّ حِينَ يُؤْخَذُ مِنْ شَجَرِهِ فِي طَبِيبِهِ وَرِيحِهِ وَطَرَاوَتِهِ، فَعَلَيْكُمْ بِالْوَقْتِ الْأَوَّلِ (۹).

الإمام الرضا عليه السلام: يَا فَلَانُ، إِذَا دَخَلَ الْوَقْتُ عَلَيْكَ فَصَلِّهِمَا (۱۰) فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَكُونُ (۱۱).

امام علی علیه السلام: کسی که پیش از در رسیدن وقت نماز، آماده نشود، آن را بزرگ نشمرده است.

زراره: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خداوند نیکویت بدارد، کدام یک از آغاز، میان یا پایان وقت هر نماز، برتر است؟ فرمود: آغاز آن. همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عز و جل از کارهای نیک، آنچه را زود انجام گیرد، دوست می دارد.

امام باقر علیه السلام: بدان که اول وقت همیشه برتر است. پس هر اندازه می توانی در کار نیک شتاب کن.

نمازی که در اول وقت بالا برود، سپید و نورانی به سوی صاحبش باز می گردد و می گوید: مرا حفظ کردی، خدا تو را حفظ کند. و هنگامی که در غیر وقتش و بدون حدودش بالا برود، سیاه و تاریک به سوی صاحبش باز می گردد و می گوید: مرا تباه کردی، خدا تو را تباه کند.

امام صادق علیه السلام: فضیلت اول وقت بر آخر آن برای انسان، بهتر از فرزند و دارایی اوست.

هر نماز دو وقت دارد که از این دو، اول وقت برتر است و روا نیست کسی بدون دلیل در آخر وقت نماز بخواند، مگر به سبب عذری.

هنگامی که وقت نماز در می‌رسد، درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال، گشوده می‌شود. پس دوست ندارم عملی زودتر از عمل من بالا برود و نام کسی پیش از من در صحیفه (دفتر اعمال) نوشته شود.

امام کاظم علیه السلام: هنگامی که نمازهای واجب در اول وقت و با رعایت حدودشان، بر پا داشته می‌شوند، از شاخه بریده شده درخت آس (مورد) با همه عطر و بو و تازگیش، خوشبوترند. پس بر [نماز] اول وقت مداومت ورزید.

امام رضا علیه السلام: ای فلانی، هنگامی که وقت در رسید، نماز را [فوری] بخوان، که نمی‌دانی چه پیش می‌آید.

- ۱- الأئمه: العده (لسان العرب: ۱ / ۲۱۷).
- ۲- شرح نهج البلاغه: ۲۰ / ۳۲۹ / ۷۶۸.
- ۳- الکافی: ۳ / ۲۷۴ / ۵، التهذيب: ۲ / ۴۰ / ۱۲۷.
- ۴- الکافی: ۳ / ۲۷۴ / ۸، التهذيب: ۲ / ۴۱ / ۱۳۰ کلاهما عن زراره.
- ۵- الکافی: ۳ / ۲۶۸ / ۴، التهذيب: ۲ / ۲۳۹ / ۹۴۶ کلاهما عن أبي بصير، الفقيه: ۱ / ۲۰۹ / ۶۲۷، أمالي الصدوق: ۲۱۱ / ۱۰ عن عماره بن موسى السباطی کلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه (عماره)، كذا في المصدر والظاهر أنه عمار بن موسى السباطی).
- ۶- الکافی: ۳ / ۲۷۴ / ۷، التهذيب: ۲ / ۴۰ / ۱۲۶، ثواب الأعمال: ۵۸ / ۱، قرب الإسناد: ۴۳ / ۱۳۶ کلها عن بكر بن محمد الأزدي، مكارم الأخلاق: ۲ / ۶۶ / ۲۱۶۵، فلاح السائل: ۱۵۵ وفيها «للمؤمن» مكان «للمرجل».
- ۷- الکافی: ۳ / ۲۷۴ / ۳، التهذيب: ۲ / ۴۰ / ۱۲۴، الاستبصار: ۱ / ۲۴۴ / ۸۷۰ و ص ۲۷۷ / ۱۰۰۳ مع ذكر وقت صلاتي الصبح والمغرب في الأخير کلها عن عبد الله بن سنان.
- ۸- التهذيب: ۲ / ۴۱ / ۱۳۱ عن محمد بن مسلم.
- ۹- التهذيب: ۲ / ۴۰ / ۱۲۸، ثواب الأعمال: ۵۸ / ۱ کلاهما عن سعد بن أبي خلف، مشكاة الأنوار: ۷۳ عن سعد بن خلف.
- ۱۰- في بعض النسخ كما حكى عنه في وسائل الشيعة: «فصلها».
- ۱۱- التهذيب: ۲ / ۲۷۲ / ۱۰۸۲ عن سعد بن سعد.

ص: ۵۴

۶ / ۱۳ أداء الفريضة في المسجد

۱۳ / ۶ نماز واجب را در مسجد خواندن

إبراهيمُ بْنُ موسىَ الْقَزَّازِ: أَلَحَّحْتُ عَلَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَيْءٍ طَلَبْتُهُ مِنْهُ ، فَخَرَجَ يَسْتَقْبِلُ بَعْضَ الطَّالِبِينَ ، وَجَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ ، فَمَالَ إِلَى قَصْرِ هُنَاكَ ، فَتَزَلَّ تَحْتَ شَجَرِهِ بِقُرْبِ الْقَصْرِ وَأَنَا مَعَهُ وَلَيْسَ مَعَنَا ثَالِثٌ ، فَقَالَ : أَذُنٌ . فَقُلْتُ : نَنْتَظِرُ يَلْحَقُ بِنَا أَصْحَابُنَا ؟ فَقَالَ : عَفَرَ اللَّهُ لَكَ ، لَا تُؤَخِّرَنَّ صَلَاةَ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا إِلَى آخِرِ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ عَلَيْكَ ، إِبْدَاءُ بِأَوَّلِ الْوَقْتِ . فَأَذَنْتُ وَصَلَّيْنَا (۱) .

راجع : الفصل ۳۸ ؛ والحديث ۷۷ .

۶ / ۱۳ أداء الفريضة في المسجد جابرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ : فَقَدَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمًا فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ : مَا خَلَفَكُمْ عَنِ الصَّلَاةِ ؟ قَالُوا : لِحَاءُ (۲) كَانَ بَيْنَنَا ، فَقَالَ : لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ (۳) .

الإمام علي عليه السلام : لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ الصَّلَوَاتِ الْمَكْتُوبَاتِ مِنْ جِيرَانِ الْمَسْجِدِ إِذَا كَانَ فَارِغًا صَحِيحًا (۴) .

القاضي النُّعْمَانُ : قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ عُذْرٌ أَوْ بِهِ عِلَّةٌ ، فَقِيلَ لَهُ : وَمَنْ جَارُ الْمَسْجِدِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؟ قَالَ : مَنْ سَمِعَ النَّدَاءَ (۵) .

الإمام الصادق عليه السلام : عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ (۶) .

إبراهيمُ بْنُ مَيْمُونٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : قُلْتُ لَهُ : إِنَّ رَجُلًا يُصَلِّي بِنَا نَقْتَدِي بِهِ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ فِي الْمَسْجِدِ ؟ قَالَ : الْمَسْجِدُ أَحَبُّ إِلَيَّ (۷) .

ابراهيم بن موسی القزاز: از امام رضا علیه السلام چیزی را می طلبیدم و بر آن پای می فشردم. پس برای استقبال گروهی از طالبان خارج شد، که وقت نماز در رسید. به سوی کاخی در آنجا راه کج کرد و زیر درختی در نزدیکی کاخ فرود آمد در حالی که جز ما دو نفر، کسی نبود. پس به من فرمود: اذان بگو. گفتم منتظر بمانیم تا دوستانمان به ما پیوندند؟ فرمود: خدا تو را بیمارزد، نماز را بدون دلیل از اول وقت به آخر وقت به تأخیر مینداز. در اول وقت، آواز کن. پس اذان گفتم و نماز خواندیم.

۱۳/۶ نماز واجب را در مسجد خواندن جابر بن عبدالله: پیامبر گروهی را در نماز نیافت. پس گفت: چه چیز شما را از حضور در نماز باز داشته است؟ گفتند: به خاطر اختلافی که میان ما بوده است. حضرت فرمود: برای همسایه مسجد، نماز نیست جز در مسجد.

امام علی علیه السلام: برای آن دسته همسایگان مسجد که تندرست و فارغند ولی در نمازهای واجب حاضر نمی شوند، نمازی نیست.

قاضی نعمان: حضرت علی علیه السلام فرمود: برای همسایه مسجد، نماز نیست جز در مسجد، مگر اینکه بیماری یا عذری داشته باشد. به حضرت گفته شد: ای امیر مؤمنان چه کسی همسایه محسوب می شود؟ حضرت فرمود آن که صدای اذان را می شنود.

امام صادق علیه السلام: نماز را در مسجد بخوانید.

ابراهیم بن میمون از امام صادق علیه السلام: به ایشان گفتم: مردی برای ما نماز می گزارد و ما به او اقتدا می کنیم. آن نزد شما محبوبتر است یا در مسجد خواندن؟ فرمود: مسجد نزد من محبوبتر است.

- ۱- الخرائج والجرائع: ۱ / ۳۳۷ / ۲ .
- ۲- لاحت الرجل ملاحاً ولحاًء إذا نازعته (لسان العرب: ۱۵ / ۲۴۲) .
- ۳- سنن الدارقطنی: ۱ / ۴۲۰ / ۱؛ التهذیب: ۱ / ۹۲ / ۲۴۴ و ج ۳ / ۶ / ذیل الحدیث ۱۶ کلاهما مرسلًا ولفظهما «لا صلاة ليجار المسجد إلا في مسجده» .
- ۴- التهذیب: ۳ / ۲۶۱ / ۷۳۵ عن طلحه بن زيد، قرب الإسناد: ۱۴۵ / ۵۲۳ نحوه عن أبي البختري كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام .
- ۵- دعائم الإسلام: ۱ / ۱۴۸ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مسند زيد: ۱ / ۱۱۳ عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام وليس فيه «إلا أن يكون له عذر أو به عله» .
- ۶- الكافي: ۲ / ۶۳۵ / ۱، أمالي المفيد: ۱۸۶ / ۱۲ کلاهما عن مرازم .
- ۷- التهذیب: ۳ / ۲۶۱ / ۷۳۴ .

ص: ۵۵

۷ / ۱۳ الدعاء عند الافتتاح

۷ / ۱۳ دعا کردن در آغاز نماز

عنه عليه السلام: صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي مَنْزِلِهِ جَمَاعَةً تَعْدِلُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ صَلَاةً ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ جَمَاعَةً فِي الْمَسْجِدِ تَعْدِلُ ثَمَانِيًا وَأَرْبَعِينَ صَلَاةً مُضَاعَفَةً فِي الْمَسْجِدِ . . . إِنَّ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ فَرْدًا بِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ صَلَاةً ، وَالصَّلَاةَ فِي مَنْزِلِكَ فَرْدًا هَبَاءً مَثْوَرًا لَا يَصْعَدُ مِنْهُ إِلَى اللَّهِ شَيْءٌ ، وَمَنْ صَلَّى فِي بَيْتِهِ جَمَاعَةً رَغَبَهُ عَنِ الْمَسْجِدِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَلَا لِمَنْ صَلَّى مَعَهُ إِلَّا مِنْ عَلَيْهِ تَمَنَعُ مِنَ الْمَسْجِدِ (۱).

۷ / ۱۳ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْإِفْتِتَاحِ رسول الله صلى الله عليه و آله في دُعَائِهِ حِينَ يَفْتَتِحُ الصَّلَاةَ بَعْدَ التَّكْبِيرِ : وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي جَمِيعًا إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ ، وَاهْدِنِي لأَحْسَنِ الْأَخْلَاقِ لَا يَهْدِي لِأَحْسَنِهَا إِلَّا أَنْتَ ، وَاصْرِفْ عَنِّي سَيِّئَهَا لَا يَصْرِفُ عَنِّي سَيِّئَهَا إِلَّا أَنْتَ ، لَيْتَكَ وَسَعْدَيْكَ أَنَا بِكَ وَإِلَيْكَ ، وَلَا مَنجَى وَلَا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَيْكَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ : مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَقَالَ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ وَيُكَبِّرَ : يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسَىءُ وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسَىءِ ، وَأَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسَىءُ ، فَيَحِقُّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزَ عَنْ قَبِيحٍ مَا تَعَلَّمَ مِنِّي ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : مَلَائِكَتِي أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ وَأَرْضِيْتُ عَنْهُ أَهْلَ تَبِعَاتِهِ (۳).

امام صادق علیه السلام: نماز مرد در خانه اش به جماعت، برابر بیست و چهار نماز است و نماز مرد به جماعت در مسجد برابر چهل و هشت نماز [با پاداش] دو چندان شده در مسجد است. ... همانا نماز فرادا در مسجد برابر بیست و چهار نماز است و نماز فرادا در خانه ات چون گرد و غبار، پراکنده و نابود می گردد و چیزی از آن به سوی خداوند بالا نمی رود. و هر کس از روی بی اعتنائی به مسجد، در خانه اش نماز جماعت بخواند، او و هر کس که با او نماز خوانده، نمازی ندارند، جز به سبب گرفتاری که از رفتن به مسجد باز می دارد.

۷/۱۳ دعا کردن در آغاز نماز پیامبر خدا صلى الله عليه و آله در دعایش هنگامی که می خواست پس از تکبیر، نماز را آغاز کند : پاکدلانه به کسی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده و من از مشرکان نیستم. نماز و عبادتم، زندگی و مرگم، برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به این فرمان یافته ام و به آن تسلیم هستم. خدایا، تو ... و جز تو خدایی نیست. تو را تسبیح می کنم. تو پروردگار من هستی و من بنده توام. به خود ستم کردم و به گناهانم اعتراف دارم. پس گناهانم را ببوشان که هیچکس جز تو، گناهان را نمی پوشاند. و به نیکوترین خویها، راهنمایی ام کن که جز تو به آن ها راهنمایی نمی کند و خویهای زشت را از من دور ساز که جز تو دور نکند. آماده و حاضرم، من با تو و به سوی تو هستم و جز به سوی تو راه نجات و پناهی نیست. از تو آمرزش می طلبم و به تو باز می گردم.

امام صادق علیه السلام: امیرمؤمنان علیه السلام به یارانش می فرمود: هر کس که نماز بر پا دارد و پیش از تکبیره الاحرام بگوید: «ای نیکوکار، زشت کار نزد تو آمد و خود به نیکوکار فرمان داده ای که از زشتکار بگذرد. تو نیکوکاری و من زشتکار، پس بحق

محمّد و خاندانش بر محمد و خاندانش درود فرست و از زشتیهایی که از من می دانی درگذر»، خدا می فرماید: فرشتگان من، گواه باشید که او را بخشیدم و طلبکاران او [حقوق مالی و غیر آن] را راضی ساختم.

۱- .أمالی الطوسی : ۶۹۶ / ۱۴۸۶ عن رزق .

۲- .سنن الترمذی : ۵/۴۸۷/۳۴۲۳ ، صحیح مسلم : ۱ / ۵۳۴ / ۲۰۱ ، سنن أبی داود : ۱ / ۲۰۲ / ۷۶۰ ، مسند ابن حنبل : ۱ / ۲۱۹ / ۸۰۳ ، السنن الکبری : ۲ / ۳۲ / ۲۳۴۳ ، فضائل الصحابه لابن حنبل : ۲ / ۶۹۵ / ۱۱۸۸ کلّها عن عبیدالله بن أبی رافع عن الإمام علیّ علیه السلام .

۳- .فلاح السائل : ۱۵۵ عن بکر بن محمّد الأزدی .

ص: ۵۶

الإمام الباقر عليه السلام: يُجْزِيكَ فِي الصَّلَاةِ مِنَ الْكَلَامِ فِي التَّوَجُّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْ تَقُولَ: وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى مِثْلِهِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِلَاتِي وَنُشْيَايَ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. وَيُجْزِيكَ تَكْبِيرُهُ وَاحِدَةً (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ، فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدِي حَاجَتِي وَأَتَوَجَّهُ بِهِ إِلَيْكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجْهًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اجْعَلْ صِلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً، وَذَنْبِي بِهِ مَغْفُورًا، وَدُعَائِي بِهِ مُسْتَجَابًا، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۲).

عنه عليه السلام: إِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلَاةَ فَارْفَعْ كَفِّكَ ثُمَّ ابْسِطْهُمَا بَسْطًا ثُمَّ كَبِّرْ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُ عَنِّي ذَنْبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ» ثُمَّ تَكَبِّرْ تَكْبِيرَيْنِ ثُمَّ قُلْ: «لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ وَالْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَالشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَالْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ، لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، سُبْحَانَكَ وَحَنَانِكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ» ثُمَّ تَكَبِّرْ تَكْبِيرَيْنِ ثُمَّ تَقُولُ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِلَاتِي وَنُشْيَايَ وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» ثُمَّ تَعُوذُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، ثُمَّ اقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ (۳).

امام باقر علیه السلام: هنگام رو کردن به سوی خداوند در نماز، کافی است که بگویی: به کسی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده، بر دین پاک ابراهیم هستم، مسلمانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به این فرمان یافته‌ام و بدان تسلیم هستم. و یک تکبیر [برای آغاز نماز] کفایت می‌کند.

امام صادق علیه السلام: هنگامی که برای نماز برخاستی بگو: خدایا من محمد صلی الله علیه و آله را پیشاپیش نیازم، قرار می‌دهم و با او به سوی تو روی می‌آورم. پس مرا در دنیا و آخرت به او آبرومند و از نزدیکان، قرار ده. نمازم را به او پذیرفته و گناهم را به او آمرزیده و دعایم را به او روا شده، قرار ده. تو و فقط تو آمرزشگر و مهربانی.

هنگام آغاز نماز کف دستانت را بالا ببر و آن‌ها را کاملاً بگشای. سه تکبیر بگو و سپس بگو: «خدایا تو پادشاه حقیقی هستی، جز تو خدایی نیست، تو را تسبیح می‌کنم و به خود ستم کردم. پس گناهم را ببوشان که جز تو، کسی گناهان را نمی‌پوشاند». پس دو تکبیر می‌گویی و سپس بگو: «آماده و حاضرم، نیکی در دستان توست و بدی به تو راه ندارد. ره یافته‌ام آن است، که تو برایش ره نمودی. پناهگاهی از تو جز به سوی تو نیست. منزّه و بخشاینده‌ای، مبارک و والایی، منزهی‌ای پروردگار خانه». پس دو تکبیر می‌گویی و پس از آن می‌گویی: «پاکدلانه به کسی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده، دانا به آشکار و نهان، مسلمانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم، برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به این فرمان یافته‌ام و بدان تسلیم هستم». سپس از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر و پس از آن [سوره] فاتحه الکتاب (حمد) را بخوان.

- ۲- م. الکافی: ۳ / ۳۰۹ / ۳، التهذیب: ۲ / ۲۸۷ / ۱۱۴۹ کلاهما عن أبان ومعاوية بن وهب، الفقيه: ۱ / ۳۰۲ / ۹۱۶.
- ۳- الکافی: ۳ / ۳۱۰ / ۷، التهذیب: ۲ / ۶۷ / ۲۲۴ کلاهما عن الحلبي ولم يذكر في الأخير «إِنَّ صَلَاتِي» إلى قوله «مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

ص: ۵۷

۸ / ۱۳ الاستعاذه

۹ / ۱۳ الجهر بالبسمله

۱۳ / ۸ پناه جستن

۱۳ / ۹ آشکارا گفتن بسم الله

الإمام المهدي عليه السلام لِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيِّ الَّذِي سَأَلَهُ عَنِ التَّوَجُّهِ لِلصَّلَاةِ: التَّوَجُّهُ كُلُّهُ لَيْسَ بِفَرِيضَةٍ، وَالشُّنَّةُ الْمُؤَكَّدَةُ فِيهِ الَّتِي كَالِاجْمَاعِ الَّذِي لَا خِلَافَ فِيهِ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنِيفًا مُسْلِمًا عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهَدَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ثُمَّ تَقْرَأُ الْحَمْدَ (۱).

۸ / ۱۳ الاستعاذه أبو سعيد الخدري عن النبي صلى الله عليه وآله أنه كان يقول قبل القراءة: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۲).

حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ، فَتَعَوَّذَ جَهْرًا: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ يَحْضُرُونِ» ثُمَّ جَهَرَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳).

۹ / ۱۳ الْجَهْرُ بِالْبِسْمَلِهِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَتَانِي جَبْرِيلُ فَعَلَّمَنِي الصَّلَاةَ فَقَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» فَجَهَرَ بِهَا (۴).

امام مهدی علیه السلام به محمد بن عبدالله حمیری که از توجه برای نماز پرسیده بود: هیچیک از «توجه»ها واجب نیست. و سنت مؤکد در آن که همچون اجماع و بدون اختلاف است، این است: «به کسی روی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده، بر دین پاک ابراهیم هستم و مسلمانم، بر دین محمد و هدایت امیر مؤمنانم و از مشرکان نیستم. همانا نماز و عبادتم و زندگی و مرگم برای پروردگار بی همتای جهانیان است و به این فرمان یافته‌ام و بدان تسلیم هستم. خدایا مرا از مسلمانان قرار ده، از شیطان رانده شده به خداوند شنوا و دانا پناه می برم». سپس سوره حمد را می خوانی.

۱۳/۸ پناه جستن ابو سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله: ایشان پیش از قرائت [نماز] چنین می گفت: از شیطان رانده شده به خداوند پناه می برم.

حنان بن سدير: نماز مغرب را پشت سر امام صادق علیه السلام خواندم. پس با صدایی آشکار استعاذه کرد: «از شیطان رانده شده، به خدای شنوا و دانا پناه می برم و از اینکه نزد من آیند به خدا پناه می برم». سپس بسم الله الرحمن الرحيم را آشکارا گفت.

۱۳/۹ آشکارا گفتن بسم اللهیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل نزد آمد و نماز را به من آموزش داد. پس «بسم الله الرحمن الرحيم» را آشکارا گفت.

- ۱- الاحتجاج : ۲ / ۵۷۵ / ۳۵۶ .
- ۲- م وسائل الشیعه : ۶ / ۱۳۵ / ۷۵۴۷ نقلاً عن الذکری .
- ۳- م قرب الإسناد : ۱۲۴ / ۴۳۶ ، التهذیب : ۲ / ۲۸۹ / ۱۱۵۸ وفيه «فتعوذ بإجهار ثم جهر بسم الله الرحمن الرحيم» .
- ۴- كنز العمال : ۷ / ۴۴۱ / ۱۹۶۸۵ عن أبي هريره .

ص: ۵۸

زید بن علی: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَقَالَ: تَدْرِي مَا نَزَلَ فِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؟ فَقُلْتُ: لَا، فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَ يُصَلِّي بِفَنَاءِ الْكَعْبَةِ فَرَفَعَ صَوْتَهُ، وَكَانَ عُتْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَشَيْبَةُ بْنُ رَبِيعَةَ وَأَبُو جَهْلٍ بْنُ هِشَامٍ وَجَمَاعَةٌ مِنْهُمْ يَسْتَمِعُونَ قِرَاءَتَهُ. وَكَانَ يُكَيِّرُ قِرَاءَةَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَيَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ. فَيَقُولُونَ: إِنَّ مُحَمَّدًا لَيَرُدُّ اسْمَ رَبِّهِ تَرْدَادًا، إِنَّهُ لَيُجِبُهُ، فَيَأْمُرُونَ مَنْ يَقُومُ فَيَسْتَمِعُ عَلَيْهِ، وَيَقُولُونَ: إِذَا جَازَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَأَعْلَمْنَا حَتَّى نَقُومَ فَنَسْتَمِعُ قِرَاءَتَهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ» بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَلَوْ أَعْلَمْنَا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (۱)(۲).

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ جَهَرَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَيَخْلِفُ مَنْ خَلْفَهُ مِنَ الْمُنَافِقِينَ عَنِ الصُّفُوفِ، فَإِذَا جَازَهَا فِي السُّورَةِ عَادُوا إِلَى مُوَاضِعِهِمْ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: إِنَّهُ لَيَرُدُّ اسْمَ رَبِّهِ تَرْدَادًا، إِنَّهُ لَيُجِبُ رَبَّهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَعْلَمْنَا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (۳).

عنه عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَحَقُّ مَا جُهِرَ بِهِ فِي الصَّلَاةِ، لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَعْلَمْنَا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا» (۴).

عنه عليه السلام: اجْتَمَعَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَى الْجَهْرِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۵).

صَفْوَانُ الْجَمَّالُ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّامًا، فَكَانَ إِذَا كَانَتْ صَلَاةٌ لَا يُجْهَرُ فِيهَا جَهَرَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَكَانَ يُجْهَرُ فِي السُّورَتَيْنِ جَمِيعًا (۶).

زید بن علی: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم. «بسم الله الرحمن الرحيم» را یاد کرد و گفت: می دانی در باره «بسم الله الرحمن الرحيم» چه نازل شده است؟ گفتم: نه. فرمود: همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خوش صداترین مردم در خواندن قرآن بود. در صحن کعبه (۷) با صدای بلند نماز می خواند و عتبه بن ربیع و شیبه بن ربیع و ابو جهل بن هشام و گروهی از آنان به قرائت او گوش می دادند. و حضرت «بسم الله الرحمن الرحيم» را فراوان قرائت و صدای خود را به آن بلند می کرد. پس آن ها می گفتند: همانا محمد نام پروردگار را تکرار می کند، آن هم چه تکرار کردنی. بی گمان خدایش را دوست دارد. پس به کسی فرمان می دادند که بایستد و به حضرت گوش بسپارد تا پس از خواندن بسم الله آن ها را برای شنیدن بقیه قرائت حضرت خبر کند. پس خداوند در این باره نازل کرد «و چون در نماز پروردگارت را به یگانگی یاد می کنی» [یعنی چون بسم الله الرحمن الرحیم، می گویی «با نفرت پشت می کنند»].

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که با مردم نماز می گزارد، «بسم الله الرحمن الرحيم» را آشکارا می گفت. پس منافقانی که در پشت سر حضرت بودند، صفهای نماز را ترک می کردند و هنگامی که پیامبر از بسم الله سوره می گذشت، به جایگاهشان باز می گشتند و به یکدیگر می گفتند: محمد نام پروردگار را تکرار می کند، آن هم چه تکرار کردنی. بی گمان پروردگار را دوست دارد. پس خداوند در این باره نازل کرد: «و چون در نماز پروردگارت را به یگانگی یاد می کنی، با نفرت پشت می کنند».

«بسم الله الرحمن الرحيم» سزاوارترین جزء نماز به آشکار کردن است. به سبب گفته خداوند عز و جل: «و چون در نماز پروردگارت را به یگانگی یاد می کنی، با نفرت پشت کنند».

خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر آشکارا گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»، اجماع کرده اند.

۱- الإسراء: ۴۶.

۲- تفسیر العیاشی: ۲ / ۲۹۵ / ۸۵.

۳- تفسیر العیاشی: ۲ / ۲۹۵ / ۸۷ عن منصور بن حازم.

۴- البحار: ۸۵ / ۵۱ / ۴۳ نقلاً عن کتاب العلل لمحمد بن علی بن ابراهیم عن ابي بصیر.

۵- مستدرک الوسائل: ۴ / ۱۸۹ / ۴۴۵۶ نقلاً عن تفسیر ابي الفتوح عن الإمام الرضا عن أبيه عليهما السلام، كشف الغمّة: ۱ / ۴۳ عن جابر مقطوعاً وفيه «أجمع آل رسول الله صلى الله عليه وآله...».

۶- الكافي: ۳ / ۳۱۵ / ۲۰، التهذيب: ۲ / ۶۸ / ۲۴۶، الاستبصار: ۱ / ۳۱۱ / ۱۱۵۴، أمالي الطوسي: ۲۷۳ / ۵۱۳ عن أبي حفص الصائغ وفيه «صليت خلف جعفر بن محمد عليهما السلام فجهر بسم الله الرحمن الرحيم».

۷- حياط و صحن دور كعبه كه همان مسجد الحرام می شود.

ص: ۵۹

۱۰ / ۱۳ سکون الأطراف

۱۳ / ۱۰ آرامش تن

الإمام الرضا عليه السلام: الإِجْهَارُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ سُنَّةٌ (۱).

رَجَاءُ بْنُ أَبِي الضَّحَّاكِ فِي وَصْفِ صَلَاةِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ يَجْهَرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي جَمِيعِ صَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ (۲).

الإمام العسكري عليه السلام: عِلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ الْخَمْسِينَ، وَزِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ، وَالتَّخْتُمُ فِي الْيَمِينِ، وَتَغْيِيرُ الْحَبِينِ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳).

راجع: الحديث ۱۸۴.

۱۰ / ۱۳ سَكُونُ الْأَطْرَافِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ سَكُونُ الْأَطْرَافِ (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَلْيَسْكُنْ أَطْرَافَهُ، لَا يَتَمَيَّلُ تَمَيُّلَ الْيَهُودِ، فَإِنَّ سَكُونَ الْأَطْرَافِ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ (۵).

سَالِمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: عَقِبَهُ بْنُ عَمْرٍو: أَلَا أُصَلِّي كَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي، فَقُلْنَا: بَلَى، فَقَامَ يُصَلِّي، فَلَمَّا رَكَعَ وَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَجَعَلَ أَصَابِعَهُ مِنْ وَرَاءِ رُكْبَتَيْهِ وَجَافَى إِبْطِيهَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَامَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ سَجَدَ فَجَافَى إِبْطِيهَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَعَدَ حَتَّى اسْتَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْهُ، ثُمَّ صَنَعَ ذَلِكَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ قَالَ: هَكَذَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي، وَهَكَذَا كَانَ يُصَلِّي بِنَا (۶).

صفوان جمال: چند روز پشت سر امام صادق علیه السلام نماز خواندم. «بسم الله الرحمن الرحيم» را در نمازهایی که آشکارا خوانده نمی شود، آشکار می کرد و این را هم در هر دو سوره [حمد و سوره پس از آن] می کرد.

امام رضا علیه السلام: آشکار کردن «بسم الله الرحمن الرحيم» در همه نمازها، سنت است.

رجاء بن ابی ضحاک در وصف نماز امام رضا علیه السلام: «بسم الله الرحمن الرحيم» را آشکارا می گفت.

امام عسکری علیه السلام: نشانه های مؤمن پنج چیز است: پنجاه رکعت نماز (۷)، زیارت اربعین، انگشت در دست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و آشکارا گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم».

۱۰/۱۳ آرامش تن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از کمالات نماز، ساکن بودن اندام بدن است.

هر کس از شما که به نماز می ایستد، اندام خود را ساکن سازد و مانند یهودیان کج نگردهد که ساکن بودن اندام از کمالات نماز

است.

سالم بن عبدالله: عقبه بن عمرو گفت: آنگونه که دیدم پیامبر نماز می خواند، برایتان نماز نگزارم؟ گفتیم: چرا، پس برخاست و نماز گزارد. هنگام رکوع، کف دستانش را بر زانوان و انگشتانش را در پشت زانوها نهاد و بازوهایش را از زیر بغل دور ساخت تا تمام بدنش آرام گرفت. سپس سر بر داشت و ایستاد تا تنش آرام گرفت. سپس سجده کرد و بازوهایش را از زیر بغل دور ساخت تا اینکه بدنش آرام گرفت. سپس سرش را بلند کرد و نشست تا بدنش آرام گرفت و چهار رکعت اینگونه خواند. سپس گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم اینگونه نماز می خواند و همینگونه هم برای ما نماز می گزارد.

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۱۲۳ / ۱ عن الفضل بن شاذان .

۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۱۸۲ / ۵ .

۳- م التهذیب: ۶ / ۵۲ / ۱۲۲ ، مصباح المتهجد: ۷۸۸ ، إقبال الأعمال: ۳ / ۱۰۰ ، روضه الواعظین: ۲۱۵ وفي الثلاثه «صلاه الإحدى والخمسين»

۴- الجامع الصغير: ۲ / ۵۴۳ / ۸۲۴۰ نقلاً عن ابن عساكر عن أبي بكر .

۵- نوادر الأصول: ۱ / ۳۸۸ ، حلیه الأولیاء: ۹ / ۳۰۴ ، إتحاف الساده: ۳ / ۱۵۳ کلها عن أبي بكر .

۶- السنن الکبری: ۲ / ۱۷۵ / ۲۷۴۸ .

۷- در سه منبع دیگر این حدیث ، به جای «پنجاه»، پنجاه و یک رکعت آمده است. این اختلاف ناشی از چگونگی محاسبه نافله عشا است که به علت نشسته خواندن، آن دو رکعت، یک رکعت شمرده می شود.

ص: ۶۰

۱۱ / ۱۳ الثَّانِي

۱۲ / ۱۳ إِرْغَامُ الْأَنْفِ

۱۳ / ۱۱ درنگ کردن

۱۳ / ۱۲ بینی به خاک مالیدن

۱۱ / ۱۳ الثَّانِيَمَا أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ يَا مُوسَى عَجِّلِ التَّوْبَةَ وَأَخْرِ الذَّنْبَ ، وَتَأَنَّ فِي الْمَكْثِ بَيْنَ يَدَيَّ فِي الصَّلَاةِ (۱).

رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ أَطَالَ الصَّلَاةَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ الْقِيَامَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا صَلَّيْتَ وَحَدَكَ فَأَطِلِ الصَّلَاةَ فَإِنَّهَا عِبَادَةٌ (۳).

۱۲ / ۱۳ إِرْغَامُ الْأَنْفِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُصِيبُ أَنْفَهُ مِنَ الْأَرْضِ مَا يُصِيبُ الْجَبِينُ (۴).

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ اللَّهَ لَا يَقْبَلُ صَلَاةَ مَنْ لَا يُصِيبُ أَنْفَهُ الْأَرْضَ (۵).

ابْنُ عَبَّاسٍ : أَتَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ يُصَلِّي ، فَسَجَدَ عَلَى جَبْهَتِهِ وَلَا يَضَعُ أَنْفَهُ ، فَقَالَ : ضَعْ أَنْفَكَ يَسْجُدُ مَعَكَ (۶).

رسول الله صلى الله عليه و آله : السُّجُودُ عَلَى الْجَبْهَةِ فَرِيضَةٌ وَعَلَى الْأَنْفِ تَطَوُّعٌ (۷).

الإمام الباقر عليه السلام : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله : السُّجُودُ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمَ : الْجَبْهَةِ وَالْيَدَيْنِ وَالرُّكْبَتَيْنِ وَالْإِبْهَامَيْنِ ، وَتُرْغَمُ بِأَنْفِكَ إِرْغَامًا . فَأَمَّا الْفَرَضُ فَهَذِهِ السَّبْعَةُ ، وَأَمَّا الْإِرْغَامُ بِالْأَنْفِ فَسُنَّةٌ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله (۸).

۱۱/۱۳ درنگ کردن آنچه خداوند تعالی به حضرت موسی بن عمران علیه السلام وحی کرد، آمده بود: ای موسی ، به سوی توبه بشتاب و گناه را به تأخیر انداز و هنگام به نماز ایستادن در پیشگاه من، درنگ کن.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : هر کس نماز را طول بدهد، خداوند در روز قیامت، روزی که مردم برای پروردگار جهانیان می ایستند، ایستادن را از او بر می دارد.

امام صادق علیه السلام : هنگامی که تنها نماز می خوانی، نماز را طول بده که عبادت است.

۱۲ / ۱۳ بینی به خاک مالیدن پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : کسی که بینش را همچون پیشانی به خاک نرساند، نماز (کامل) ندارد.

خداوند نماز کسی که بینش را به خاک نمی رساند، نمی پذیرد .

ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردی که نماز می خواند، گذر کرد. او در سجده پیشانیش را بر زمین می نهاد ولی بینیش را نه. پس پیامبر فرمود: بینیت را بر خاک بنه، تا با تو سجده کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :سجده بر پیشانی واجب و بر بینی مستحب است .

امام باقر علیه السلام :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سجده بر هفت استخوان است: پیشانی، دو دست ، دو زانو و دو انگشت شست پا. بینیت را نیز به گونه ای به خاک می سایی ،ولی واجب، همین هفت عضو است و اما به خاک مالیدن بینی، سنتی از پیامبر خداست (۹).

- ۱- .الكافی : ۸ / ۴۶ / ۸ عن علی بن عیسی مرفوعاً مضمرًا ، عده الداعی : ۱۴۲ ، تحف العقول : ۴۹۳ .
- ۲- .حلیه الأولیاء : ۶ / ۹۵ عن ثور رفعه .
- ۳- .دعائم الإسلام : ۱ / ۱۵۲ .
- ۴- .سنن الدارقطنی : ۱ / ۳۴۸ / ۳ ، الفردوس : ۵ / ۱۹۵ / ۷۹۳۴ ، السنن الکبری : ۲ / ۱۵۰ / ۲۶۵۲ کلّها عن ابن عباس ؛ الکافی : ۳ / ۳۳۳ / ۲ عن عبد الله بن المغیره عمن أخبره عن الإمام الصادق علیه السلام .
- ۵- .المعجم الكبير : ۲۵ / ۵۵ / ۱۲۰ ، الفردوس : ۱ / ۱۶۶ / ۶۱۲ کلاهما عن أم عطیة ، مصنف عبدالرزاق : ۲ / ۱۸۲ / ۲۹۸۲ نحوه .
- ۶- .التاریخ الكبير : ۸ / ۴۵۳ ، السنن الکبری : ۲ / ۱۵۰ / ۲۶۵۶ .
- ۷- .الفردوس : ۲ / ۳۴۵ / ۳۵۶۱ عن أبی هریره .
- ۸- .التهذیب : ۲ / ۲۹۹ / ۱۲۰۴ ، الاستبصار : ۱ / ۳۲۷ / ۵ و ص ۳۲۹ / ۱ کلّها عن زراره ، الخصال : ۳۴۹ / ۲۳ عن زراره عن الإمام الباقر علیه السلام ولیس فيه «قال رسول الله صلى الله عليه وآله» .
- ۹- .در نقل «خصال» این حدیث، به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منسوب نشده است .

ص: ۶۱

ب : الآداب الباطنية**۱۳ / ۱۳ حضور القلب****ب : آداب باطنی****۱۳ / ۱۳ حضور قلب داشتن**

راجع : الحديث ۲۵۹ .

فائده: قال العلامة المجلسي : اعلم أن استحباب الإِرْغَامِ مِمَّا أَجْمَعَ عَلَيْهِ الْأَصْحَابُ ... وَيَكْفِي فِيهِ إِصَابُهُ جُزْءٌ مِنَ الْأَنْفِ الْأَرْضِ أَيْ جُزْءٌ كَانَ (۱) .

ب : الآدابُ الباطِئُهُ رسول الله صلى الله عليه و آله : إِنَّ الرَّجُلَيْنِ مِنْ أُمَّتِي يَقُومَانِ فِي الصَّلَاةِ ، وَرُكُوعُهُمَا وَسُجُودُهُمَا وَاحِدٌ ، وَإِنْ مَا بَيْنَ صَلَاتَيْهِمَا مِثْلُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (۲) .

الإمام الحسن عليه السلام : إِنَّ الرَّجُلَيْنِ يَكُونَانِ فِي صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ وَبَيْنَهُمَا مِثْلُ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ مِنْ فَضْلِ الثَّوَابِ (۳) .

۱۳ / ۱۳ حضور القلب رسول الله صلى الله عليه و آله : أَيُّهَا النَّاسُ ، إِنْ الْمُصَلِّي إِذَا صَلَّى فَإِنَّهُ يُنَاجِي رَبَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ، فَلْيَعْلَمْ بِمَا يُنَاجِيهِ (۴) .

عنه صلى الله عليه و آله : إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى صَلَاتِهِ وَكَانَ هَوَاهُ وَقَلْبُهُ إِلَى اللَّهِ انْصَرَفَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (۵) .

عنه صلى الله عليه و آله : مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ يَتَوَضَّأُ فَيَسْبِغُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُومُ فَيَرْكَعُ رَكَعَتَيْنِ يُقْبِلُ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ إِلَّا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَغُفِرَ لَهُ (۶) .

فایده: علامه مجلسی: بدان که فقیهان شیعه بر مستحب بودن به خاک مالیدن بینی اجماع کرده اند... و به این منظور هر جزء از بینی را به خاک برسانی کافی است .

ب: آداب باطنی امام باقر علیه السلام: دو نفر از امتم به نماز می ایستند و رکوع و سجودی یکسان دارند ، حال آنکه نمازهایشان به اندازه آسمان و زمین از هم دور است.

امام حسن علیه السلام: دو نفر در یک نمازند، حال آنکه پادشاهایشان به اندازه آسمان و زمین از هم فاصله دارد .

۱۳/۱۳ حضور قلب داشتن پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : ای مردم ، همانا نماز گزار هنگام نماز، با پروردگار بزرگ و بلند مرتبه اش مناجات می کند. پس باید بداند چه می گوید .

هر گاه بنده به نماز بایستد و گرایش و دلش به سوی خدا باشد، همچون روزی که از مادر زاده شده باز می گردد .

هیچیک از شما نیست که وضویی کامل بسازد، سپس برخیزد و دو رکعت نماز با توجه و حضور قلب بخواند، مگر اینکه آمرزیده و بهشت برایش واجب می شود .

.

۱- البحار : ۸۴ / ۱۹۷ .

۲- عوالی اللآلی : ۱ / ۳۲۲ / ۵۷ .

۳- إرشاد القلوب : ۷۸ ، تنبيه الخواطر : ۲ / ۲۳۶ مضمراً .

۴- مسند ابن حنبل : ۲ / ۴۸۴ / ۶۱۳۵ و ص ۲۷۸ / ۴۹۲۸ ، المعجم الكبير : ۱۲ / ۳۲۷ / ۱۳۵۷۲ کلها عن ابن عمر .

۵- المحجّه البيضاء : ۱ / ۳۸۲ .

۶- مسند ابن حنبل : ۶ / ۱۲۲ / ۱۷۳۱۶ ، سنن أبي داود : ۱ / ۲۳۸ / ۹۰۶ ، سنن النسائي : ۱ / ۹۵ ، السنن الكبرى : ۱ / ۱۲۶ / ۳۶۸ و ج ۲ / ۳۹۷ / ۳۵۱۹ کلها عن عقبه بن عامر .

ص: ۶۲

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ وَلَمْ يُحَدِّثْ فِيهِمَا نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ (۱).

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ الْعَبْدَ لَيَصِلُ إِلَى الصَّلَاةِ ، لَا يُكْتَبُ لَهُ سُدُودُهَا [ثَلَاثُهَا] وَلَا عُشْرُهَا ، وَإِنَّمَا يُكْتَبُ لِلْعَبْدِ مِنْ صَلَاتِهِ مَا عَقَلَ مِنْهَا (۲).

المعصوم عليه السلام : لَيْسَ لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ إِلَّا مَا أَحْضَرْتَ فِيهِ قَلْبُكَ (۳).

رسول الله صلى الله عليه و آله : رَكَعَتَانِ خَفِيفَتَانِ فِي التَّفَكُّرِ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ (۴).

المعصوم عليه السلام : صَلَاةُ رَكَعَتَيْنِ بَتَدْبِيرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامٍ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبُ سَاهٍ (۵).

رسول الله صلى الله عليه و آله : لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يُحْضِرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ (۶).

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام : إِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا ، فَإِنْ أَوْهَمَهَا كُلَّهَا أَوْ غَفَلَ عَنْ أَدَائِهَا لُقْتُ فَضْرَبَ بِهَا وَجْهَ صَاحِبِهَا (۷).

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ (۸).

الإمام الباقر عليه السلام : إِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَعَلَيْكَ بِالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ ، فَإِنَّمَا يُحْسَبُ لَكَ مِنْهَا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ (۹).

الإمام الصادق عليه السلام : إِنِّي لِأَحِبُّ لِلرَّجُلِ مِنْكُمْ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ أَنْ يَقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ وَلَا يَشْغَلَ قَلْبُهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا ، فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يَقْبَلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ إِلَّا- أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَأَقْبَلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ لَهُ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِيَّاهُ (۱۰).

عنه عليه السلام : إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ فَانْسَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَالْخَلْقَ وَمَا هُمْ فِيهِ ، وَعَايِنَ بِسَرِّكَ عَظَمَةَ اللَّهِ ، وَادْكُرْ وَقُوفَكَ بَيْنَ يَدَيْهِ يَوْمَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ، وَقِفْ عَلَى قَدَمِ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ ، فَإِذَا كَبُرَتْ فَاسْتَصْغِرْ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَالْأَرْضِ دُونَ كِبَرِيَّائِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا اطَّلَعَ عَلَى قَلْبِ الْعَبْدِ وَهُوَ يُكَبِّرُ وَفِي قَلْبِهِ عَارِضٌ عَنْ حَقِيقَةِ تَكْبِيرِهِ قَالَ : يَا كَاذِبُ أَتَخْدَعُنِي ؟ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي ، لَمَّا حَرَمْتُكَ خَلَاوَةَ ذِكْرِي وَلَمَّا حُبَّبْتُكَ عَنْ قُرْبِي وَالْمُسَارَّةَ بِمُنَاجَاتِي . وَاعْلَمْ أَنَّهُ غَيْرُ مُحْتَاجٍ إِلَى خِدْمَتِكَ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنْ عِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ ، وَإِنَّمَا دَعَاكَ بِفَضْلِهِ لِيُرَحِّمَكَ وَيُعِيدَكَ عَنْ عُقُوبَتِهِ وَيَنْشُرَ عَلَيْكَ مِنْ بَرَكَاتِ حَنَانَتِهِ وَيَهْدِيكَ إِلَى سَبِيلِ رِضَاةٍ وَيَفْتَحَ لَكَ بَابَ مَغْفِرَتِهِ (۱۱).

هر کس دو رکعت نماز بگزارد و در آن به هیچ کار دنیایی نیاندیشد، خداوند گناهانش را می آمرزد .

بنده نماز می خواند و یک ششم [یک سوم] و حتی یک دهم آن را هم نمی نویسند. از نماز بنده، فقط آنچه را که درک می کند می نویسند.

از معصومان روایت شده است : برای تو از نمازت جز آن مقدار که حضور قلب داری چیزی نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دو رکعت نماز مختصر با تفکر، بهتر از یک شب به عبادت ایستادن است.

از معصومان روایت شده است : دو رکعت نماز با تدبّر، بهتر از یک شب به عبادت ایستادن با قلبی بی توجه است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند نماز بنده ای را که دلش همراه تنش نیست، نمی پذیرد .

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام: برای تو از نمازت، فقط آنچه که به آن توجه داری هست. پس اگر همه آن را به وهم و خیال بگذرانند یا از انجامش غفلت بورزد، نمازش را درهم می پیچند و به صورتش می زنند .

امام صادق علیه السلام: هر کس دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه می گوید، بی هیچ گناهی میان او و خدایش باز می گردد .

امام باقر علیه السلام: هنگامی که به نماز می ایستی، پیوسته با توجه باش که از آن، فقط آنچه توجه داری به حساب می آید .

امام صادق علیه السلام: همانا من دوست دارم شخص با ایمان شما هنگامی که به نماز واجب می ایستد، دلش را به سوی خدا کند و به کار دنیایی مشغول ندارد. هیچ شخص با ایمانی در نماز دل به سوی خدا نمی کند مگر اینکه خداوند به او رو می آورد و دلهای مؤمنان را به او علاقمند می سازد. پس از آنکه خود نیز او را دوست دارد .

هنگامی که به قبله رو کردی، دنیا را و آنچه در آن است و مردم را و آنچه در پی آنند، فراموش کن و به چشم دل، بزرگی خدا را نظاره کن و ایستادنت را در پیشگاهش آن روز که هر کس از آنچه فرستاده آگاه می شود و به سوی مولای حقیقیش باز گردانده می شود به یاد آر، ایستادنی بر یک پای ترس و یک پای امید. پس هنگامی که خدا را بزرگ دانستی (تکبیر گفتی) آنچه را در میان آسمان برین و خاک زیرین است کوچک بشمار، بی گمان آن هنگام که خداوند از دل کسی که او را بزرگ شمرده اما از حقیقت آن امتناع دارد آگاه شود، می گوید: ای دروغگو آیا مرا گول می زنی؟ به عزت و جلالم سوگند، از شیرینی ذکرم محرومت می سازم و از نزدیکی به در گاهم و شادمانی مناجاتم، مانع می شوم . و بدان که خدا به خدمت تو احتیاجی ندارد و از عبادت و دعای تو بی نیاز است و تنها برای این دعوت کرده که تو را ببخشاید و از مجازاتش دور کند و برکتهای رحمتش را به تو مژده دهد و راه رضایتش را به تو بنماید و در آمرزشش را بر تو بگشاید .

.

۱- عوالی اللآلی : ۱ / ۳۲۲ / ۵۹ .

۲- عوالی اللآلی : ۱ / ۳۲۵ / ۶۵ .

۳- عده الداعی : ۱۶۸ .

۴- ثواب الأعمال : ۶۸ / ۱ عن زید بن علی عن أبیه عن آبائه علیهم السلام ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۶۶ / ۲۱۶۳ عن الإمام علی علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله ، تنبیه الخواطر : ۲ / ۵۹ .

۵- عده الداعی : ۱۶۸ .

۶- المحاسن : ۱ / ۴۰۶ / ۹۲۱ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن أبیه علیهما السلام .

- ۷- .الكافی : ۳ / ۳۶۳ / ۴ ، التهذیب : ۲ / ۳۴۲ / ۱۴۱۷ كلاهما عن الفضیل بن یسار ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۵۸ .
- ۸- .الكافی : ۳ / ۲۶۶ / ۱۲ ، ثواب الأعمال : ۶۷ / ۱ كلاهما عن الحسین بن سیف عن أبیه عمّن سمعه ، مكارم الأخلاق : ۲ / ۶۵ / ۲۱۶۲ ، الدعوات : ۳۱ / ۶۳ .
- ۹- .الكافی : ۳ / ۲۹۹ / ۱ ، علل الشرائع : ۳۵۸ / ۱ كلاهما عن زراره .
- ۱۰- .ثواب الأعمال : ۱۶۳ / ۱ ، أمالی المفید : ۱۵۰ / ۷ كلاهما عن إبراهيم الكرخی ، الفقیه : ۱ / ۲۰۹ / ۶۳۲ نحوه .
- ۱۱- .مصباح الشریعه : ۹۱ .

ص: ۶۳

۱۴ / ۱۳ الخشوع

۱۴ / ۱۳ فروتنی

مِنْ شَيْئٍ إِيَّادِرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا دَخَلْتُمْ فِي الصَّلَاةِ فَاصْرِفُوا لَهَا خَوَاطِرَكُمْ وَأَفْكَارَكُمْ ، وَادْعُوا اللَّهَ دُعَاءًا طَاهِرًا مُتَفَرِّغًا ، وَسِيلُوهُ مَصَالِحَكُمْ وَمَنَافِعَكُمْ بِخُضُوعٍ وَخُشُوعٍ وَطَاعَةٍ وَاسْتِكَانَةٍ (۱) .

راجع: الفصل ۳۸؛ والحديث ۲۵۲ و ۳۶۵ و ۳۶۸ و ۴۴۲ .

۱۴ / ۱۳ الخشوع الكتاب: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (۲) .

الإمام علي عليه السلام في قوله عز وجل: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»: الْخُشُوعُ فِي الْقَلْبِ ، وَأَنْ تُلِينَ كِتْفَكَ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ ، وَأَنْ تَلْتَفِتَ فِي صَلَاتِكَ (۳) .

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا كُنْتَ دَخَلْتَ فِي صَلَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَالْإِقْبَالِ عَلَى صَلَاتِكَ ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (۴) .

از سستهای ادریس: هنگامی که به نماز داخل شدید، فکر و ذکر خود را به آن مشغول کنید و خدا را با پاکی و خالی بودن از غیر بخوانید و مصلحت و سود خویش را با خواری و فروتنی و فرمانبرداری و بیچارگی از او بجوید .

۱۴/۱۳ فروتنیقرآن: «حتما مومنان رستگار شدند. آنان که در نمازشان فروتنند».

امام علی علیه السلام در باره گفته خداوند: «آنان که در نمازشان فروتنند»: منظور، فروتنی در دل است و اینکه مسلمانان را در سایه مهر خود بگیری و در نماز به این سو و آن سو رو نکنی .

امام صادق علیه السلام: هنگامی که نماز را آغاز کردی، فروتن باش و به نماز توجه کن که خداوند می فرماید: «آنان که در نمازشان فروتنند» .

۱- .سعد السعود : ۴۰ ، عده الداعی : ۱۶۸ .

۲- .المؤمنون : ۱ و ۲ .

۳- .المستدرک علی الصحيحین : ۲ / ۴۲۶ / ۳۴۸۲ ، السنن الكبرى : ۲ / ۳۹۷ / ۴۵۱۸ کلاهما عن عبيدالله بن أبي رافع .

۴- .الكافي : ۳ / ۳۰۰ / ۳ عن الحلبي ، الفقيه : ۱ / ۳۰۳ / ۹۱۶ .

ص: ۶۴

۱۵ / ۱۳ البکاء

۱۳ / ۱۵ گریستن

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»: الْخُشُوعُ غَضُّ الْبَصَرِ فِي الصَّلَاةِ (۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يَتَخَشَّعُ فِي صَلَاتِهِ (۲).

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبْصَرَ رَجُلًا يَعْبَثُ بِلَحْيَتِهِ فِي صَلَاتِهِ فَقَالَ: إِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ (۳).

عنه عليه السلام: لِيَخْشَعَ الرَّجُلُ فِي صَلَاتِهِ، فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ قَلْبُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خَشَعَتْ جَوَارِحُهُ فَلَا يَعْبَثُ بِشَيْءٍ (۴).

عنه عليه السلام: لَيْسَ الشَّائُنُ أَنْ تُصَلِّيَ وَتَتَصَدَّقَ، الشَّائُنُ أَنْ تَكُونَ الصَّلَاةُ بِقَلْبٍ نَقِيٍّ وَعَمَلٍ عِنْدَ اللَّهِ مَرْضِيٍّ وَخُشُوعٍ سَوِيٍّ (۵).

رسول الله صلى الله عليه وآله: ضَعِ بَصْرَكَ مَوْضِعَ سُجُودِكَ (۶).

عنه صلى الله عليه وآله: الْخُشُوعُ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الَّذِي عَنْ يَمِينِهِ وَلَا الَّذِي عَنْ يَسَارِهِ، إِنَّمَا يَنْظُرُ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِهِ (۷).

الإمام الباقر عليه السلام: اخْشَعْ بَصْرَكَ وَلَا تَرْفَعْهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَلْيَكُنْ حِذَاءَ وَجْهِكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ (۸).

راجع: الفصل ۵ / ۲۳ و ۳۸؛ والحديث ۲۳۸ و ۳۷۶.

۱۵ / ۱۳ البکاء الإمام الصادق عليه السلام لِمَنْ سَأَلَهُ: أَيْتَبَاكِي الرَّجُلُ فِي الصَّلَاةِ؟: بَخٍ بَخٍ وَلَوْ مِثْلَ رَأْسِ الدُّبَابِ (۹).

درباره گفته خداوند تعالی: «آنان که در نمازشان فروتنند»: فروتنی، پایین انداختن نگاه در نماز است.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کسی که در نمازش فروتنی نکند، نمازی ندارد.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مردی را دید که در نماز با ریشش بازی می‌کند. پس فرمود: اگر دلش فروتن می‌بود، اندامش نیز فروتن می‌شد.

انسان باید در نمازش فروتنی کند، که اگر کسی دلش برای خدای عز و جلفروتن باشد، اندامش نیز فروتن می‌شود و با چیزی بازی نمی‌کند (۱۰).

اینگونه نیست که فقط نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی، بلکه چنین باید که نماز با دلی پاک و عملی مقبول خداوند و خشوعی استوار باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نگاهت را به سجده گاهت، بدوز .

فروتن آن است که به راست و چپش پی نمی برد، تنها به سجده گاهش می نگرد .

امام باقر علیه السلام :نگاهت را به پایین فرو انداز و به سوی آسمان بالا مبر . باید سجده گاهت درست روبروی چهره ات باشد .

۱۵/۱۳ گریستن امام صادق علیه السلام به کسی که پرسیده بود: آیا مرد در نماز می گیرد؟ : به به چه نیکوست، حتی اگر به اندازه سر مگس باشد .

۱- دعائم الإسلام : ۱ / ۱۵۸ .

۲- الفردوس : ۵ / ۱۹۵ / ۷۹۳۵ عن أبي سعيد .

۳- الجعفریات : ۳۶ عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۷۴ ، مجمع البيان : ۷ / ۱۵۷ ، إرشاد القلوب : ۱۱۵ ؛ نوادرالأصول : ۱ / ۳۸۹ ، راجع : الفصل ۴ / ۲۳ .

۴- الخصال : ۶۲۸ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ۱۱۷ وفيه «فَإِنَّهُ مَنْ خَشَعَ لِلَّهِ فِي الرَّكْعَةِ فَلَا يَعْثُ بِشَيْءٍ فِي الصَّلَاةِ» .

۵- تحف العقول : ۱۷۴ .

۶- الفردوس : ۲ / ۴۲۵ / ۳۸۷۴ عن أنس ، الفقيه : ۱ / ۳۰۳ / ۹۱۶ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه .

۷- الفردوس : ۲ / ۲۰۴ / ۳۰۰۶ عن ابن عباس .

۸- الكافي : ۶ / ۳۰۰ / ۳ ، الفقيه : ۱ / ۲۷۸ / ۸۵۶ ، التهذيب : ۲ / ۱۹۹ / ۷۸۲ ، الاستبصار : ۱ / ۴۰۵ / ۱۵۴۵ کلها عن زراره .

۹- الكافي : ۲ / ۳۰۱ / ۳ ، التهذيب : ۲ / ۲۸۷ / ۱۱۴۸ ، الاستبصار : ۱ / ۴۰۷ / ۱ کلها عن سعيد بن السابري .

۱۰- در نقل تحف العقول چنین آمده است : «که اگر کسی برای خدا در رکعتی فروتنی کند، در نماز با چیزی بازی نمی کند».

ص: ۶۵

۱۶ / ۱۳ أداء الصلاة كصلاة مودّع

۱۶ / ۱۳ نماز خواندن مانند نماز خدا حافظی کننده

عنه عليه السلام لِمَنْ سَأَلَهُ عَنِ الْبُكَاءِ فِي الصَّلَاةِ أَيْقَطَعُ الصَّلَاةَ ؟ : إِنْ بَكَى لِتَذَكُّرِ جَنَّتِهِ أَوْ نَارٍ فَذَلِكَ هُوَ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي الصَّلَاةِ، وَإِنْ كَانَ ذَكَرَ مَثَلًا لَهُ، فَصَلَاتُهُ فَاسِدَةٌ (۱).

عنه عليه السلام لِمَنْ سَأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَبَاكِي فِي الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ حَتَّى يَبْكِي ؟ : قُرَّهَ عَيْنٍ وَاللَّهِ . وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَادْكُرْنِي عِنْدَهُ (۲).

۱۶ / ۱۳ أداء الصلاة كصلاة مودّع رسول الله صلى الله عليه وآله : صَلِّ صَلَاةَ مُودِّعٍ كَأَنَّكَ تَرَاهُ ، فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ (۳).

أَبُو أَيُّوبَ : جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، عَلَّمَنِي وَأَوْجِزْ ، قَالَ : إِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ فَصَلِّ صَلَاةَ مُودِّعٍ (۴).

رسول الله صلى الله عليه وآله : اذْكُرِ الْمَوْتَ فِي صَلَاتِكَ ، فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ فِي صَلَاتِهِ لَحَرَّتْ أَنْ يُحْسِنَ صَلَاتَهُ ، وَصَلِّ صَلَاةَ رَجُلٍ لَا يَظُنُّ أَنْ يُصَلِّيَ صَلَاةً غَيْرَهَا (۵).

الإمام الصادق عليه السلام : إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فَصَلِّ لَهَا لَوْ قَتَلَهَا صَلَاةَ مُودِّعٍ يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا ، ثُمَّ اصْرِفْ بَبَصَرِكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ ، فَلَوْ تَعَلَّمَ مَنْ عَنْ يَمِينِكَ وَشِمَالِكَ لَأَحْسَنْتَ صَلَاتَكَ ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ قُدَّامَ مَنْ يَرَاكَ وَلَا تَرَاهُ (۶).

به کسی که پرسیده بود: آیا گریستن در نماز، آن را باطل می سازد؟ اگر به سبب یاد بهشت و دوزخ بگرید، که برترین کار در نماز است و اگر به سبب یاد کسی از مردگانش باشد، نمازش باطل است.

به کسی که پرسیده بود مردی خودش را در نماز واجب گریان نشان می دهد تا اینکه واقعا می گرید: به خدا سوگند روشنی چشم است. و فرمود: هنگامی که چنین شد، مرا نزد او یاد کن.

۱۶/۱۳ نماز خواندن مانند نماز خدا حافظی کننده پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : مانند کسی که آخرین نمازش را می خواند، نماز بگزار؛ گویی او (خدا) را می بینی. پس اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

ابو ایوب: مردی نزد پیامبر صلى الله عليه وآله آمد و گفت: ای پیامبر خدا، به من بیاموز و مختصر کن. حضرت فرمود: هنگامی که به نماز ایستادی، همچون نماز کسی که خدا حافظی می کند، نماز بگزار.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله : در نماز، مرگ را به یاد آر که هر گاه انسان مرگ را در نماز به یاد آورد، سزامند است که نمازش را نیکو بگزارد و مانند کسی نماز بخوان که گمان نمی برد جز آن، نماز دیگری بخواند.

امام صادق علیه السلام: هنگامی که نماز واجب می خوانی در وقتش بخوان؛ همچون نماز کسی که خدا حافظی می کند و می

ترسد هیچگاه بازنگردد. سپس نگاهت را به سجده گاهت بدوز، پس اگر می دانستی در راست و چپت چه کسانی نمازت را نیکو می گزاردی و بدان که در پیشگاه کسی هستی که تو را می بیند و تو او را نمی بینی .

.

۱- التهذیب : ۲ / ۳۱۷ / ۱۲۹۴ ، الاستبصار : ۱ / ۴۰۸ / ۱۵۵۸ کلاهما عن أبي حنيفة .

۲- الفقیه : ۱ / ۳۱۷ / ۹۴۰ .

۳- عوالی اللآلی : ۱ / ۱۱۰ / ۱۵ ؛ المعجم الأوسط : ۴ / ۳۵۸ / ۴۴۲۷ و لیس فیہ «کأنک تراه» ، الجامع الصغير : ۲ / ۹۶ / ۵۰۰۷ کلها عن ابن عمر .

۴- سنن ابن ماجه : ۲ / ۱۳۹۶ / ۴۱۷۱ ، مسند ابن حنبل : ۹ / ۱۳۰ / ۲۳۵۵۷ ، المعجم الكبير : ۴ / ۱۵۵ / ۳۹۸۷ ؛ تنبيه الخواطر : ۱ / ۱۶۴ .

۵- الفردوس : ۱ / ۴۳۱ / ۱۷۵۵ عن أنس .

۶- ثواب الأعمال : ۵۷ / ۲ ، أمالی الصدوق : ۴۰۳ / ۱۰ و ۲۱۲ ذیل الحديث ۱۰ ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۶۵ / ۲۱۶۰ ، مشکاه الأنوار : ۷۳ کلها عن عبد الله بن أبي يعفور .

الفصل الرابع عشر : التكبیر و آدابہ

فصل چهاردهم : تكبير و آداب آن

الفصل الرابع عشر: التَّكْبِيرُ وَآدَابُهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِكُلِّ شَيْءٍ صَفْوَةٌ (۱) وَصَفْوَةُ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ أَنْفَةً (۳) وَإِنَّ أَنْفَةَ الصَّلَاةِ التَّكْبِيرَةُ الْأُولَى ، فَحَافِظُوا عَلَيْهَا (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ الطَّهْوَرُ ، وَتَحْرِيمُهَا التَّكْبِيرُ ، وَتَحْلِيلُهَا التَّسْلِي (۵).

الإمام الباقر عليه السلام: التَّكْبِيرَةُ الْوَاحِدَةُ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ تُجْزَى ، وَالثَّلَاثُ أَفْضَلُ ، وَالسَّبْعُ أَفْضَلُ كُلُّهُ (۶).

الإمام علي عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (۷) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا جَبْرِيلُ ، مَا هَذِهِ النَّحِيرَةُ الَّتِي أَمَرَنِي بِهَا رَبِّي؟ قَالَ: إِنَّهَا لَيْسَتْ بِنَحِيرِهِ وَلَكِنَّهُ يَأْمُرُكَ إِذَا تَحَرَّمْتَ لِلصَّلَاةِ أَنْ تَرْفَعَ يَدَيْكَ إِذَا كَبَّرْتَ وَإِذَا رَكَعْتَ وَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ ، فَإِنَّهَا صَيَّلاتُنَا وَصَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ . قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَفَعَ الْأَيْدَى مِنَ الْإِسْتِكَانَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ» (۸) (۹).

فصل چهاردهم: تكبير و آداب آنپیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر چیز گزیده ای دارد و گزیده نماز، تکبیر نخستین است.

هر چیز آغازی دارد و آغاز نماز، تکبیر نخستین است . پس بر آن مواظبت ورزید .

نماز، با طهارت گشوده می شود، با تکبیر گفتن آغاز می گردد و با سلام دادن پایان می پذیرد .

امام باقر علیه السلام: یک تکبیر، برای آغاز کردن نماز کافی، سه تکبیر بهتر و هفت تکبیر بهترین است .

امام علی علیه السلام: هنگامی که این آیه بر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نازل شد: «ما به تو کوثر را بخشیدیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و نحر کن» ، پیامبر فرمود: ای جبریل، این قربانی «نحر» که پروردگارم مرا به آن فرمان داده، چیست؟ جبریل گفت: آن، فرمان قربانی کردن نیست ، بلکه دستور می دهد هنگام تکبیر در آغاز نماز و رکوع و سر از رکوع برداشتن ، دستهای خود را بالا- ببری که نماز ما و فرشتگان هفت آسمان چنین است. پیامبر فرمود: بالا- بردن دست همان فروتنی است که خدای عز و جل فرمود: «برای پروردگارشان فروتنی و خاکساری نکردند» (۱۰) .

۱- .الصَّفْوَةُ بِالْكَسْرِ: خِيَارُ الشَّيْءِ وَخُلَاصَتُهُ وَمَا صَفَا مِنْهُ (لسان العرب: ۱۴ / ۴۶۲) .

۲- .مسند أبي يعلى: ۵ / ۴۲۲ / ۶۱۱۷ ، شُعَبُ الْإِيمَانِ: ۳ / ۷۳ / ۲۹۰۸ كلاهما عن أبي هريرة ، حليه الأولياء: ۵ / ۶۷ عن عبد الله بن أبي أوفى .

۳- أَتَّفَه الشَّيْءُ : ابتداءه ، هكذا روى بضمّ الهمزة ، قال الهروي : والصحيح بالفتح (النهاية : ۱ / ۷۵) .

۴- مصَنَّف ابن أبي شيبه : ۱ / ۳۴۰ / ۳ ، حليه الأولياء : ۵ / ۱۷۷ ، شُعَب الإيمان : ۳ / ۷۳ / ۲۹۰۷ کلّها عن أبي الدرداء .

۵- م. سنن الترمذی : ۱ / ۹ / ۳ عن محمد بن الحنفیه عن الإمام علی علیه السلام و ج ۲ / ۳ / ۲۳۸ ، سنن ابن ماجه : ۱ / ۱۰۱ / ۲۷۶ ، المستدرک علی الصحیحین : ۱ / ۲۲۴ / ۴۵۷ وفيه «الوضوء» مکان «الطهور» و کلّها عن أبي سعيد ، سنن أبي داود : ۱ / ۱۶ / ۶۱ ، سنن الدارمی : ۱ / ۱۸۵ / ۶۹۱ ، مسند ابن حنبل : ۱ / ۲۶۲ / ۱۰۰۶ کلّها عن محمد بن الحنفیه عن الإمام علی علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله ، المعجم الكبير : ۱۱ / ۱۳۱ / ۱۱۳۶۹ عن ابن عباس .

۶- التهذيب : ۲ / ۶۶ / ۲۴۲ عن محمد بن مسلم .

۷- الكوثر : ۱ و ۲ .

۸- المؤمنون : ۷۶ .

۹- المستدرک علی الصحیحین : ۲ / ۵۸۶ / ۳۹۸۱ ، السنن الكبرى : ۲ / ۱۱۰ / ۲۵۲۷ ، الدر المنثور : ۸ / ۶۵۰ تفسیر ابن کثیر : ۸ / ۵۲۴ وفيهما زیاده بعد قوله : «فی السماوات السبع» كما یلی : «وإنَّ لكلَّ شیء زینه وزینه الصلاه رفع الیدین عند کلّ تکبیره» ، مع خلوّ الآخر من قوله صلى الله عليه و آله : «رفع الأیدی من الاستکانه . . .» ؛ أمالی الطوسی : ۳۷۷ / ۸۰۶ مختصرا ، مجمع البیان : ۱۰ / ۸۳۷ کلّها عن الأصغ بن نباته .

۱۰- در تفسیر «الدر المنثور» و «ابن کثیر» پس از عبارت «هفت آسمان» آمده است: و برای هر چیز زینتی است وزینت نماز، بالا بردن دستها در هر تکبیر است. در تفسیر ابن کثیر عبارت «بالا بردن دست همان فروتنی...» نمی باشد.

ص: ۶۷

عَلَقَمَهُ بَنُ وَائِلٌ عَنْ أَبِيهِ: صَلَّيْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَبَّرْتُ حِينَ افْتَتَحَ الصَّلَاةَ وَرَفَعْتُ يَدَيْهِ وَحِينَ أَرَادَ الرُّكُوعَ وَبَعْدَ الرُّكُوعِ (۱).

الإمام علي عليه السلام في وصف صلاة رسول الله صلى الله عليه وآله كان إذا قام إلى الصلاة المكتوبة كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَذْوَ مَنْكِبَيْهِ ، وَيَصْنَعُ مِثْلَ ذَلِكَ إِذَا قَضَى قِرَاءَتَهُ وَأَرَادَ أَنْ يَرْكَعَ ، وَيَصْنَعُهُ إِذَا رَفَعَ مِنَ الرُّكُوعِ ، وَلَا يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي شَيْءٍ مِنْ صَلَاتِهِ وَهُوَ قَاعِدٌ ، وَإِذَا قَامَ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ رَفَعَ يَدَيْهِ كَذَلِكَ وَكَبَّرَ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ فِي وَصِيَّتِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِّيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... عَلَيْكَ بِرَفْعِ يَدَيْكَ فِي صَلَاتِكَ وَتَقْلِيلِهِمَا (۳).

الإمام علي عليه السلام: رَفَعَ اليَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ هُوَ الْعُبُودِيَّةُ (۴).

الإمام الصادق عليه السلام في الرجل يرفع يده كلما أهوى للركوع والسجود وكلما رفع رأسه من ركوع أو سجود؟ : هي العبودية (۵).

عنه عليه السلام: رَفَعُكَ يَدَيْكَ فِي الصَّلَاةِ زِينَتُهَا (۶).

منصور بن حازم: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ افْتَتَحَ الصَّلَاةَ فَرَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ بِيْطْنٍ كَفَّيْهِ (۷).

هشام بن الحكم عن الإمام الكاظم عليه السلام: قُلْتُ لَهُ: لَأَيُّ عِلَّةٍ صَارَ التَّكْبِيرُ فِي الْإِفْتِتَاحِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ أَفْضَلَ... قَالَ: يَا هِشَامُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ السَّمَاوَاتِ سَبْعًا وَالْأَرْضِينَ سَبْعًا وَالْحُجُبَ سَبْعًا، فَلَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِو كَانَ مِنْ رَبِّهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، رُفِعَ لَهُ حِجَابٌ مِنْ حُجُبِهِ، فَكَبَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِو جَعَلَ يَقُولُ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تُقَالُ فِي الْإِفْتِتَاحِ، فَلَمَّا رُفِعَ لَهُ الثَّانِي كَبَّرَ، فَلَمْ يَزَلْ كَذَلِكَ حَتَّى بَلَغَ سَبْعَ حُجُبٍ، وَكَبَّرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ، فَلِذَلِكَ الْعِلَّةُ يُكَبَّرُ فِي الْإِفْتِتَاحِ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ (۸).

علقمه بن وائل از پدرش: پشت سر پیامبر نماز خواندم، هنگام آغاز نماز تکبیر گفت و دستهایش را بالا-برد و نیز هنگامی که خواست به رکوع برود و پس از رکوع (۹).

امام علی علیه السلام در وصف نماز پیامبر: هنگامی که به نماز واجب می ایستاد تکبیر می گفت و دستهایش را تا روبری شانه هایش بالا می آورد و هنگامی که می خواست به رکوع برود و نیز پس از برخاستن چنین می کرد و هنگام نشستن در نماز، هیچگاه دستهایش را بالا نمی آورد و هنگامی که از دو سجده بر می خاست دستهایش را تا شانه هایش بالا می آورد و تکبیر می گفت .

امام صادق علیه السلام: سفارش پیامبر به علی چنین بود: پیوسته دستهایت را در نماز بالا ببر و آن ها را (به طرف قبله) بچرخان (۱۰).

امام علی علیه السلام: بالا بردن دست در نماز، همان بندگی است .

امام صادق علیه السلام: در باره کسی که پیش از رکوع و سجود و نیز پس از سر برداشتن دستهایش را بالا می آورد، فرمود: آن بندگی است.

بالا آوردن دستهای در نماز، زینت آن است.

منصور بن حازم: امام صادق علیه السلام را در آغاز نماز دیدم که دستهایش را تا برابر صورتش بالا آورد و کف هر دو دستش را رو به قبله کرد.

هشام بن حکم: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: به چه علت بهتر است در آغاز نماز هفت تکبیر گفته شود؟ امام فرمود: ای هشام، همانا خدای تبارک و تعالی آسمانها را هفت، زمینها را هفت و حجابها را هفت عدد قرار داده است. پس هنگامی که پیامبر را به معراج برد و فاصله ای به اندازه دو سر کمان یا کمتر از آن داشت، حجابی از حجابهایش را زدود. پس پیامبر تکبیر گفت و آغاز به گفتن کلمه هایی کرد که در شروع نماز گفته می شود. سپس هنگامی که حجاب دوم زدوده شد، تکبیر گفت و همینگونه بود، تا به حجاب هفتم رسید و هفت تکبیر گفت. بدین علت، هنگام آغاز نماز هفت تکبیر گفته می شود.

- ۱- أُمّالِی الطوسی : ۳۸۵ / ۸۳۵ ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۶۲ عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام ، وفيه «إنَّ رسول الله صلى الله عليه وآله كان يرفع يديه حين يكبر تكبيرة الإحرام حذاء أذنيه وحين يكبر للركوع وحين يرفع رأسه من الركوع» .
- ۲- سنن أبي داود : ۱ / ۱۹۸ / ۷۴۴ و ص ۲۰۲ / ۷۶۱ ، سنن الترمذی : ۵ / ۴۸۷ / ۳۴۲۳ ، سنن ابن ماجه : ۱ / ۲۸۱ / ۸۶۴ نحوه ، مسند ابن حنبل : ۱ / ۲۰۱ / ۷۱۷ ، السنن الكبرى : ۲ / ۱۰۸ / ۲۵۲۲ و ص ۱۹۷ / ۲۸۱۷ كلها عن عبيد الله بن أبي رافع .
- ۳- الكافي : ۸ / ۷۹ / ۳۳ ، التهذيب : ۹ / ۱۷۶ / ۷۱۳ كلاهما عن معاوية بن عمّار ، الفقيه : ۴ / ۱۸۹ / ۵۴۳۲ عن عمرو بن ثابت عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وزاد في آخره : «بَكَلْتَهُمَا» ، المحاسن : ۱ / ۸۲ / ۴۸ عن محمد بن إسماعيل رفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «عَلَيْكَ بِرَفْعِ يَدَيْكَ إِلَى رَبِّكَ وَكَثْرَةِ تَقْلِبِهِمَا» .
- ۴- وسائل الشيعة : ۶ / ۲۹۸ / ۸۰۱۶ نقلًا عن الذكري عن الحسين بن سعيد في كتابه .
- ۵- التهذيب : ۲ / ۷۵ / ۲۸۰ عن ابن مسكان .
- ۶- التهذيب : ۲ / ۷۶ / ۲۸۱ عن زراره .
- ۷- التهذيب : ۲ / ۶۶ / ۲۴۰ و ح ۲۳۵ عن صفوان بن مهران و ح ۲۳۶ عن ابن سنان كلاهما نحوه .
- ۸- علل الشرائع : ۴ / ۳۳۲ .
- ۹- در «دعائم» چنین آمده است: پیامبر خدا هنگام گفتن تکبیر نخستین نماز، دستهایش را تا روبروی گوشهایش بالا می آورد و نیز هنگام تکبیر رکوع و سر برداشتن از آن .
- ۱۰- در «محاسن» آمده است: «همواره دستهای را به سوی خدایت بالا ببر و (به طرف قبله) بچرخان».

ص: ۶۸

الإمام الرضا عليه السلام: فَإِنْ قَالَ: فَلِمَ يَرْفَعُ الْيَدَيْنِ فِي التَّكْبِيرِ؟ قِيلَ: لِأَنَّ رَفْعَ الْيَدَيْنِ ضَرْبٌ مِنَ الْإِبْتِهَالِ وَالتَّبَتُّلِ وَالتَّضَرُّعِ، فَأَحَبُّ إِلَهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ فِي وَقْتِ ذِكْرِهِ مُتَبَتِّلًا مُتَضَرِّعًا مُبْتَهَلًا، وَلِأَنَّ فِي وَقْتِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ إِحْضَارَ النَّيِّهِ وَإِقْبَالَ الْقَلْبِ عَلَى مَا قَالَ (۱).

راجع: الحديث ۲۵۷ و ۴۷۹ و ۴۸۲.

امام رضا علیه السلام: اگر گفته شود چرا در تکبیر دستها بالا آورده می شود؟ گفته می شود: چون بالا آوردن دستها گونه ای دعا، انقطاع و خاکساری است و خدای عز و جل دوست داشت هنگام یاد او منقطع، خاکسار و خواستار باشیم. و نیز هنگام بالا آوردن دست ها، حاضر کردن نیت است و توجه دادن دل به آنچه می گوید.

۱- علل الشرائع: ۲۶۴ / ۹، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۱۱۱ / ۱ کلاهما عن الفضل بن شاذان.

الفصل الخامس عشر : آداب الركوع

فصل پانزدهم : آداب ركوع

الفصل الخامس عشر: آدابُ الرُّكُوعِ إمام على عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا رَكَعَ قَالَ: اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ، أَنْتَ رَبِّي، خَشَعْتُ سَمْعِي وَبَصَرِي وَمُخْيَ وَعَظْمِي وَعَصَبِي وَمَا اسْتَقَلَّتْ بِهِ قَدَمِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱).

ابن عباس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَكَعَ اسْتَوَى، فَلَوْ صَبَّ عَلَى ظَهْرِهِ الْمَاءُ لَأَسْتَقَرَّ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَعْتَدِلُ فِي الرُّكُوعِ مُسْتَوِيًّا حَتَّى يُقَالَ: لَوْ صَبَّ الْمَاءُ عَلَى ظَهْرِهِ لَأَسْتَمْسَكَ، وَكَانَ يَكْرَهُ أَنْ يَحْدِرَ رَأْسُهُ وَمَنْكِبِيهِ فَيَا لِرُكُوعِ (۳).

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تَدْخُلْهُ وَحْشَةٌ فِي الْقَبْرِ (۴).

عنه عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرَكَعَ فَقُلْ وَأَنْتَ مُتَّصِبٌ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» ثُمَّ ارْكَعْ وَقُلْ: «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبِّي، خَشَعْتُ لَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَمُخْيَ وَعَظْمِي وَعَصَبِي وَمَا أَقْلَتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ مُسْتَنكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ، شَيْحَانِ رَبِّي الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي تَرْتِيلٍ، وَتَصَفُّ فِي رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ تَجْعَلُ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرٍ، وَتُمْكِنُ رَاخَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ، وَتَضَعُ يَدَكَ الْيُمْنَى عَلَى رُكْبَتِكَ الْيُمْنَى قَبْلَ الْيُسْرَى، وَبَلِّغْ بِأَطْرَافِ أَصَابِعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ، وَفَرِّجْ أَصَابِعَكَ إِذَا وَضَعْتَهَا عَلَى رُكْبَتَيْكَ، وَأَقِمَّ صُلْبَكَ، وَمُدَّ عُنُقَكَ، وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ، ثُمَّ قُلْ: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» وَأَنْتَ مُتَّصِبٌ قَائِمٌ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَهْلِ الْجَبَرُوتِ وَالْكَبَرِيَاءِ، وَالْعَظَمَةُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تَجَهَّرُ بِهَا صَوْتَكَ ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَتَخْزُ سَاجِدًا (۵).

فصل پانزدهم: آداب ركوع امام على عليه السلام: پیامبر هنگامی که ركوع می کرد، می گفت: خدایا برای تو ركوع کردم و به تو ایمان آوردم و فرمان تو را بردم. تو پروردگار منی. چشم و گوش و مغز و استخوانم، رگ و پی و آنچه پاهایم تحمل می کند (همه تنم) برای پروردگار جهانیان فروتنی و تعظیم می کند.

ابن عباس: پیامبر خدا هنگام ركوع، صاف و راست بود به گونه ای که اگر بر پشت حضرت آب ریخته می شد، ثابت می ماند.

امام صادق علیه السلام: على عليه السلام در ركوع صاف و معتدل بود. حتی گفته می شود: اگر بر پشت حضرت آب ریخته می شد، در همانجا می ماند و پائین انداختن سر و شانه را در ركوع ناپسند می داشت.

امام باقر علیه السلام: هر کس ركوعش را کامل بگذارد، گرفتار وحشت قبر نمی شود.

هرگاه خواستی به ركوع بروی، در همان حال که ایستاده ای تکبیر بگو. سپس ركوع کن و سه بار آرام و شمرده بگو: «خدایا برای تو ركوع کردم و تسلیم تو هستم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و تویی پروردگار من. دل و چشم و گوش و مو و پوست و گوشت و خون و استخوان و مغز و رگ و پیم، در برابر تو فروتن است بی هیچ امتناع و سرکشی و درماندگی. پروردگار بزرگم

را تسبیح می‌کنم و می‌ستایم». در رکوع دو پایت را در یک ردیف و با فاصله یک وجب، می‌نهی و دو زانویت را در کف دستان می‌گیری و دست راست را بر زانوی راست و پیش از دست چپ می‌گذاری و با سر انگشتان برآمدگی زانویت را نیک در بر گیر. و هنگامی که انگشتان را بر زانو نهادی، آن‌ها را از هم باز کن کمر و گردنت را کشیده و صاف کن و نگاهت به میان دو قدمت باشد. سپس بگو: «خداوند به هر که او را می‌ستاید. گوش می‌دهد». و در همان حال که راست ایستاده ای: «سپاس پروردگار جهانیان را که شایسته قدرت و کبریایی است، بزرگی مخصوص به خداست که پروردگار جهانیان است». صدایت را بدان بلند می‌کنی و سپس دستهایت را به تکبیر بالا می‌بری و به سجده می‌افتی.

- ۱- مسند ابن حنبل: ۱ / ۲۵۲ / ۹۶۰، السنن الکبری: ۲ / ۱۲۴ / ۲۵۶۴، سنن الترمذی: ۵ / ۴۸۵ / ۳۴۲۱، سنن النسائی: ۲ / ۱۹۲ کلاهما نحوه و کلها عن ابن أبي رافع .
- ۲- المعجم الكبير: ۱۲ / ۱۲۹ / ۱۲۷۸۱، المعجم الأوسط: ۶ / ۲۲ / ۵۶۷۶ عن أبي برزہ الأسلمی؛ معانی الأخبار: ۲۸۰، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۶۲ عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ۳- البحار: ۸۵ / ۱۱۸ / ۲۷ نقلاً عن الذکری عن إسحاق بن عمار .
- ۴- الکافی: ۳ / ۳۲۱ / ۷، ثواب الأعمال: ۵۵ / ۱، الدعوات: ۲۷۶ / ۷۹۵ کلها عن سعيد بن جناح .
- ۵- الکافی: ۳ / ۳۱۹ / ۱، التهذيب: ۲ / ۷۷ / ۲۸۹ کلاهما عن زراره .

ص: ۷۰

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَأَقِمْ صُلبَكَ ، فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُقِيمُ صُلبَهُ (۱).

امام صادق علیه السلام: هنگامی که سر از رکوع برداشتی، کمرت را راست کن ، که هر کس چنین نکند نمازی ندارد (۲).

۱- الکافی : ۳ / ۳۲۰ / ۶ ، التهذيب : ۲ / ۷۸ / ۲۹۰ کلاهما عن أبي بصير ، معانی الأخبار : ۲۸۰ وفيه «لا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُقِمِ صُلبَهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ» .

۲- در «معانی الأخبار» چنین آمده است: «برای کسی که کمرش را در رکوع و سجودش راست نکرده، نمازی نیست».

الفصل السادس عشر : آداب السجود

فصل شانزدهم : آداب سجده

الفصل السادس عشر: آدابُ السُّجود رسول الله صلى الله عليه وآله: السُّجُودُ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمٍ: الْجَبْهَةِ وَالْيَدَيْنِ وَالرُّكْبَتَيْنِ وَالْإِبْهَامَيْنِ وَتُرْغَمُ بِأَنْفِكَ إِرْغَامًا (۱).

مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضَعُ يَدَيْهِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ إِذَا سَجَدَ ، وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَقُومَ رَفَعَ رُكْبَتَيْهِ قَبْلَ يَدَيْهِ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا سَجَدَ يَتَخَوَّى (۳) كَمَا يَتَخَوَّى الْبَعِيرُ الضَّامِرُ ، يَعْنِي بُرُوكَهُ (۴).

عنه عليه السلام: إِذَا سَجَدَتِ الْمَرْأَةُ بَسَطَتْ ذِرَاعَيْهَا (۵).

عنه عليه السلام: يَتَبَغَى لِلْمُصَلِّي أَنْ يُبَاشِرَ بِجَبْهَتِهِ الْأَرْضَ وَيُعَفِّرَ وَجْهَهُ فِي التُّرَابِ ، لِأَنَّهُ مِنَ التَّذَلُّلِ لِلَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ وَالْإِكْبَارِ لَهُ (۶).

عنه عليه السلام: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَجَدَ فَأُطَالَ السُّجُودَ نَادَى إِبْلِيسَ: يَا وَيْلَاهُ! أَطَاعَ وَعَصَيْتُ وَسَجَدَ وَأَبَيْتُ (۷).

فصل شانزدهم: آداب سجده پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: سجده بر هفت استخوان است: پیشانی، دو دست (۸)، دو زانو، دوانگشت شست [پا] و بینیت را نیز بر خاک می نهی (۹).

محمد بن مسلم: امام صادق علیه السلام را دیدم هنگام سجده کردن، دستانش را پیش از زانوانش بر زمین می نهاد و هنگام برخاستن، زانوانش را پیش از دستانش بلند می کرد.

امام صادق علیه السلام: علی (صلوات الله علیه) هنگام سجود سینه و شکمش را از زمین دور نگه می داشت ، همانگونه که شتر لاغر و باریک میان سینه اش را دور نگه می دارد.

زن هنگام سجده، ساعدهای دستش را [بر زمین] می گسترده.

شایسته است نماز گزار پیشانیش را بر زمین بنهد و صورتش را به خاک بمالد ، که این کوچکی کردن برای خدای عز و جل و بزرگداشت اوست.

۱- . التهذيب : ۲ / ۲۹۹ / ۱۲۰۴ ، الاستبصار : ۱ / ۳۲۷ / ۱۲۲۴ وفيه «الإِبْهَامَيْنِ مِنَ الرَّجْلَيْنِ» كلاهما عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، الخصال : ۳۴۹ / ۲۳ عن زراره عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «الكَفَيْنِ» مكان «اليدين» ، قرب الإسناد : ۲۲ / ۷۴ عن عبد الله بن ميمون القُدَّاح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام وفيه «يَسْجُدُ ابْنُ آدَمَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْظَمٍ: يَدَيْهِ وَرِجْلَيْهِ وَرُكْبَتَيْهِ وَجَبْهَتَهُ» .

۲- التهذيب : ۲ / ۷۸ / ۲۹۱ ، الاستبصار : ۱ / ۳۲۵ / ۱۲۱۵ إلى قوله «إذا سجد» .

۳- فی الحدیث : «كان على عليه السلام يتخوى . . .» أى يجافى بطنه عن الأرض فى سجوده ، بأن يجنح بمرفقيه ويرفعهما عن الأرض ولا يفرشهما افتراش الأسد ، ويكون شبه المعلق ويسمى هذا «تخويه» لأنه ألقى التخويه بين الأعضاء (مجمع البحرين : ۱ / ۷۱۶) .

۴- الكافي : ۳ / ۳۲۱ / ۲ ، التهذيب : ۲ / ۷۹ / ۲۹۶ كلاهما عن حفص الأعور .

۵- الكافي : ۳ / ۳۳۶ / ۴ ، التهذيب : ۲ / ۹۴ / ۳۵۱ كلاهما عن ابن أبى يعفور .

۶- دعائم الإسلام : ۱ / ۱۷۸ .

۷- الكافي : ۳ / ۲۶۴ / ۲ عن زيد الشحام ، الفقيه : ۱ / ۲۱۱ / ۶۳۸ ، ثواب الأعمال : ۵۶ / ۱ عن معاوية ابن عمّار نحوه .

۸- در نقل «خصال» به جای «دو دست»، «دو کف» آمده است.

۹- در نقل «قرب الاسناد» چنین آمده است: «آدمیزاده بر هفت استخوان سجده می کند: دو دستش، دو پایش، دو زانویش و پیشانیش».

ص: ۷۲

الإمام الكاظم عليه السلام في كتابه إلى بعض أصحابه : إذا صَلَّيْتَ فَأَطِلِ السُّجُودَ (۱) .

راجع : الحديث ۴۸۰ .

هرگاه بنده سجده کند و آن را طول دهد، ابلیس فریاد برمی آورد: ای وای! او اطاعت کرد و من سرپیچی، او سجده کرد و من خودداری .

امام کاظم علیه السلام در نامه‌ای به یکی از یارانش : هنگام نماز، سجده را طول بده.

.

۱- .الكافي : ۳ / ۳۲۸ / ۲۵ عن زياد القندي .

الفصل السابع عشر : آداب الركوع والسجود

فصل هفدهم : آداب ركوع و سجود

الفصل السابع عشر: آدابُ الرُّكُوعِ والسُّجُودِ رسولُ الله صلى الله عليه وآله: إِنِّي قَدْ نَهَيْتُ عَنِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ، فَأَمَّا الرُّكُوعُ فَعَظَّمُوا اللَّهَ فِيهِ ، وَأَمَّا السُّجُودُ فَأَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهُ قِيمٌ (۱) أَنْ يُسْتَجَابَ لَكَ (۲) .

أبو بكرٍ الحَضْرَمِيُّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ حُدَّ الرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ ؟ قُلْتُ : لَا ، قَالَ : تُسَبِّحُ فِي الرُّكُوعِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» وَفِي السُّجُودِ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ، فَمَنْ نَقَصَ وَاحِدَهُ نَقَصَ ثُلْثَ صَلَاتِهِ ، وَمَنْ نَقَصَ ثَنَيْنِ نَقَصَ ثُلْثَي صَلَاتِهِ ، وَمَنْ لَمْ يُسَبِّحْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ (۳) .

بَرِيدُ الْعَجَلِيِّ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَيُّهُمَا أَفْضَلُ فِي الصَّلَاةِ كَثْرَةُ الْقِرَاءَةِ أَوْ طَوْلُ اللَّبَثِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ؟ فَقَالَ : كَثْرَةُ اللَّبَثِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ فِي الصَّلَاةِ أَفْضَلُ ، أَمَا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ» (۴) إِنَّمَا عَنِي بِإِقَامَةِ الصَّلَاةِ طَوْلُ اللَّبَثِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ (۵) .

فصل هفدهم: آداب ركوع و سجود پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: همانا من از قرائت [قرآن] در ركوع و سجود ، نهی شدم. پس در ركوع، خداوند را بزرگ بشمارید و در سجود بسیار دعا کنید ، که سزایماند برآورده شدن است.

ابوبکر حضرمی: امام باقر علیه السلام فرمود: می دانی حدّ ركوع و سجود چیست؟ گفتم: نه . فرمود: در ركوع سه مرتبه «سبحان ربی العظیم و بحمده» می گویی و در سجود سه مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده» . پس هر کس یکی کمتر بگوید، یک سوّم نمازش را نیاورده است و هر کس دو تا کمتر بگوید دو سوّم نماز را کم گذاشته است و هر کس تسبیح نکرد، نمازی ندارد.

برید عجلّی: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: کدامیک بهتر است؟ قرائت بسیار یا طول دادن ركوع و سجود؟ فرمود: طول دادن ركوع و سجود در نماز ، بهتر است . آیا گفته خدای عز و جلرا نشنیده ای: « پس هر اندازه می توانید از آن (قرآن) بخوانید و نماز بر پا دارید» . منظور از برپا داشتن نماز، تنها طول دادن ركوع و سجده است.

۱- قَمِنٌ : جَدِيرٌ وَحَقِيقٌ (المصباح المنير : ۵۱۷) .

۲- م. معانی الأخبار : ۲۷۹ عن القاسم بن سلام ؛ صحيح مسلم : ۱ / ۳۴۸ / ۲۰۷ نحوه ، سنن النسائي : ۲ / ۱۹۰ و ص ۲۱۸ نحوه ، سنن الدارمی : ۱ / ۳۲۴ / ۱۲۹۹ ، السنن الكبرى : ۲ / ۱۵۸ / ۲۶۸۵ نحوه وكلّها عن ابن عباس .

۳- الكافي : ۳ / ۳۲۹ / ۱ ، التهذيب : ۲ / ۱۵۷ / ۶۱۵ و ص ۸۰ / ۳۰۰ ، الاستبصار : ۱ / ۳۲۴ / ۱۲۱۳ .

۴- المزمّل : ۲۰ .

۵- السرائر : ۳ / ۵۹۸ ، فلاح السائل : ۳۰ عن الحسين بن محبوب رفعه .

ص: ۷۴

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقِيَامِهِ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِمِثْلِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَالْقِيَا (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَأَحْسِنُوا الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ (۲).

زُرَّارَه: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ إِنْ يَعْلَمَهُنَّ الْمُؤْمِنُ كَانَتْ زِيَادَةً فِي عُمْرِهِ وَبَقَاءِ النِّعَمِ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ: وَمَا هُنَّ؟ قَالَ: تَطْوِيلُهُ فِي رُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ فِي صَلَاتِهِ ... (۳).

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا جَلَسْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تَجْلِسْ عَلَى يَمِينِكَ وَاجْلِسْ عَلَى يَسَارِكَ، فَإِذَا سَجَدْتَ فَابْسُطْ كَفَّيْكَ عَلَى الْأَرْضِ، فَإِذَا رَكَعْتَ فَأَلْقِمْ رُكْبَتَيْكَ كَفَّيْكَ (۴).

هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّسْبِيحِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، فَقَالَ: يَقُولُ فِي الرُّكُوعِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، وَفِي السُّجُودِ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، الْفَرِيضَةُ مِنْ ذَلِكَ تَسْبِيحُهُ وَاحِدَةً، وَالشُّنَّةُ ثَلَاثٌ، وَالْفَضْلُ فِي سَبْعٍ (۵).

مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخَفُّ مَا يَكُونُ مِنَ التَّسْبِيحِ فِي الصَّلَاةِ؟ قَالَ: ثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ مُتَرَسِّلًا تَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ (۶).

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَذْكُرُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ إِمَّا رَاكِعًا وَإِمَّا سَاجِدًا فَيَصِلُ عَلَيْهِ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَهَيْئَةِ التَّكْبِيرِ وَالتَّسْبِيحِ، وَهِيَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ يَبْتَدِرُهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مَلَكًا أَيُّهُمْ يُبْلِغُهَا إِيَّاهُ (۷).

امام باقر عليه السلام: هر کس در رکوع و سجود و قیامش بگوید: «خداوند بر محمد و خاندانش درود فرستد» خداوند (پاداشی) همچون رکوع و سجود و قیام برایش می نویسد.

امام صادق علیه السلام: از خداوند پروا کنید و رکوع و سجود را نیکو بیاورید.

زراره: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سه چیز است که اگر شخص با ایمان بداند، سبب افزایش عمر و پایداری نعمتش می گردد. گفتیم: آن ها چیستند؟ فرمود: رکوع و سجودش را در نماز طول بدهد...

هنگام نشستن در نماز، بر طرف راست منشین، بلکه بر چپ بنشین و در سجده، کف دست را بر زمین بگستر و در رکوع برآمدگی زانوانت را در کف دستانت بگیر.

هشام بن سالم: از امام صادق تسبیح در رکوع و سجود را پرسیدم، فرمود: (نماز گزار) در رکوع می گوید: «سبحان ربی العظیم» و در سجود می گوید: «سبحان ربی الاعلی». تعداد واجبش یک تسبیح، سه بار سَنَت و فضیلت در هفت بار است. (۸)

معاویه بن عمار: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مختصرترین تسبیح در نماز چیست؟ فرمود: سه تسبیح شمرده می گویی:

«سبحان الله ، سبحان الله ، سبحان الله» .

عبد الله بن سليمان: از امام صادق پرسیدم کسی در رکوع یا سجود نماز واجب ، پیامبر را یاد می کند، در همان حال صلوات بفرستد؟ فرمود: بلی ، همانا صلوات بر پیامبر خدا همچون تکبیر و تسبیح می باشد و آن ده حسنه است ، که هجده فرشته برای رساندنش بر یکدیگر پیشی می گیرند .

- ۱- م. الکافی : ۳ / ۳۲۴ / ۱۳ ، ثواب الأعمال : ۵۶ / ۱ ، بشاره المصطفی : ۱۹۳ کلها عن محمد بن أبي حمزه عن أبيه .
- ۲- أمالی الطوسی : ۶۷۹ / ۱۴۴۱ ، تنبيه الخواطر : ۸۳ / ۲ کلاهما عن خلاد أبي علي .
- ۳- الکافی : ۴ / ۴۹ / ۱۵ .
- ۴- التهذيب : ۲ / ۸۳ / ۳۰۷ عن أبي بصير .
- ۵- التهذيب : ۲ / ۷۶ / ۲۸۲ ، الاستبصار : ۱ / ۳۲۳ / ۱۲۰۴ ، عوالی اللآلی : ۳ / ۹۲ / ۹۷ وفيه «الأفضل سبع» .
- ۶- التهذيب : ۲ / ۷۷ / ۲۸۸ ، الاستبصار : ۱ / ۳۲۴ / ۱۲۱۲ .
- ۷- الکافی : ۳ / ۳۲۲ / ۵ ، التهذيب : ۲ / ۲۹۹ / ۱۲۰۶ عن عبد الله بن سنان .
- ۸- در نقل عوالی اللآلی چنین آمده است: هفت بار افضل است .

سَمَاعَهُ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ هَلْ نَزَلَ فِي الْقُرْآنِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا» (۱). فَقُلْتُ: كَيْفَ حِدُّ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؟ فَقَالَ: أَمَّا مَا يُجْزِيكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ تَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ ثَلَاثًا، وَمَنْ كَانَ يَقْوَى عَلَى أَنْ يُطَوِّلَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ فَلْيُطَوِّلْ مَا اسْتَطَاعَ يَكُونُ ذَلِكَ فِي تَسْبِيحِ اللَّهِ وَتَحْمِيدِهِ وَتَمْجِيدِهِ وَالِدُّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ، فَإِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى رَبِّهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَأَمَّا الْإِمَامُ فَإِنَّهُ إِذَا قَامَ بِالنَّاسِ فَلَا- يَتَبَغَى أَنْ يُطَوِّلَ بِهِمْ فَإِنَّ فِي النَّاسِ الضَّعِيفَ وَمَنْ لَهُ الْحَاجَةُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ خَفَّ بِهِ (۲).

زُرَّارَه: إِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ فِي الصَّلَاةِ جَمَعَتْ بَيْنَ قَدَمَيْهَا وَلَا تَفَرِّجُ بَيْنَهُمَا وَتَضُمُّ يَدَيْهَا إِلَى صِدْرِهَا لِمَكَانِ تَدْيِيهَا، فَإِذَا رَكَعَتْ وَضَعَتْ يَدَيْهَا فَوْقَ رُكْبَتَيْهَا عَلَى فِخْذَيْهَا لِثَلَاثَ تَطَاطُئٍ كَثِيرًا فَتَرْفَعُ عَجِيزَتَهَا، فَإِذَا جَلَسَتْ فَعَلَى إِيَّتَيْهَا لَيْسَ كَمَا يَقْعُدُ الرَّجُلُ، وَإِذَا سَقَطَتْ لِلْسُّجُودِ يَدَا تِ الْقُعُودِ بِالرُّكْبَتَيْنِ قَبْلَ الْيَدَيْنِ، ثُمَّ تَسْجُدُ لِأُطْنِ الْأَرْضِ، فَإِذَا كَانَتْ فِي مَجْلُوسَتِهَا ضَمَّتْ فِخْذَيْهَا وَرَفَعَتْ رُكْبَتَيْهَا مِنَ الْأَرْضِ، وَإِذَا نَهَضَتْ انْسَلَّتْ انْسِلَالًا لَا تَرْفَعُ عَجِيزَتَهَا أَوْلَا (۳).

الإمام الرضا عليه السلام: هَبَانِ قَالَ: فَلِمَ جُعِلَ التَّسْبِيحُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ؟ قِيلَ: لِإِعْلَالِ، مِنْهَا أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ مَعَ خُضُوعِهِ وَخُشُوعِهِ وَتَعَبُّدِهِ وَتَوَرُّعِهِ وَاسْتِكَانَتِهِ وَتَذَلُّلِهِ وَتَوَاضُّعِهِ وَتَقَرُّبِهِ إِلَى رَبِّهِ مُقَدِّسًا لَهُ مُمَجِّدًا مُسَبِّحًا مُعَظَّمًا شَاكِرًا لِخَالِقِهِ وَرَازِقِهِ، وَلَيْسَتَعْمَلِ التَّسْبِيحَ وَالتَّحْمِيدَ كَمَا اسْتَعْمَلَ التَّكْبِيرَ وَالتَّهْلِيلَ، وَلَيْشَغَلَ قَلْبَهُ وَذَهَنَهُ بِذِكْرِ اللَّهِ وَلَمْ يَذْهَبَ بِهِ الْفِكْرُ وَالْأَمَانِيُّ غَيْرَ اللَّهِ (۴).

سماعه: از ایشان (۵) پرسیدم آیا رکوع و سجود در قرآن نازل شده است؟ فرمود: بلی، گفته خدای عز و جل: «ای ایمان آورندگان، رکوع و سجود کنید». پس گفتم: حد رکوع و سجود چیست؟ فرمود: آنچه از رکوع کفایت می کند، سه تسبیح است. می گویی: سبحان الله، سبحان الله، تا سه بار و هر کس که توان طول دادن رکوع و سجودش را دارد، آن دو را تا آنجا که می تواند با تسبیح و ستایش و بزرگداشت خداوند و دعا و زاری طول بدهد که بنده در سجده از هر وقت دیگر به پروردگارش نزدیکتر است. و اما امام هنگامی که برای مردم اقامه جماعت می کند، سزاوار نیست که نماز را با آنان طول بدهد؛ زیرا در میان مردم، اشخاص ناتوان و گرفتار هستند؛ همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که با مردم نماز می خواند بر آنان سبک می گرفت (۶).

زراره: هرگاه زن به نماز می ایستد، دو پایش را کنار هم می نهد و میان آن دو فاصله نمی دهد و دستانش را به سبب پستانهایش به سینه می چسباند و در رکوع بالای زانوانش و بر رانش می نهد تا زیاد خم نشود و سرینش بالا بیاید. در نشستن بر سرین بنشیند و نه آنگونه که مرد می نشیند و هنگامی که به سجده می رود زانوانش را پیش از دستانش بر زمین می گذارد و سپس چسبیده به زمین سجده می کند، در نشستن رانهایش را به هم می چسباند و زانوانش را از زمین بلند می کند و هنگام برخاستن نرم و آهسته برمی خیزد و نخست سرینش را بلند نمی کند.

۱- الحج: ۷۷.

۲- م. التهذیب: ۲ / ۷۷ / ۲۸۷، الاستبصار: ۱ / ۳۲۴ / ۱۲۱۱ صدره إلى: «سبحان الله ثلاثا».

۳- الکافی: ۳ / ۳۳۵ / ۲، التهذیب: ۲ / ۹۴ / ۳۵۰ کلاهما مضمر.

- ۴- علل الشرائع : ۲۶۰ / ۹ ، عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۲ / ۱۰۷ نحوه وفيه كما هو الأصح «فَلَمْ يُجْعَلِ التَّسْبِيحُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ؟» كلاهما عن الفضل بن شاذان .
- ۵- دانشمندان حدیث شناس به اینگونه احادیث «مضمّر» می گویند، زیرا راوی، گوینده سخن را با ضمیر یاد کرده است. تحقیقات گسترده، گوینده برخی از این احادیث را معین کرده است که در اینجا به احتمال فراوان امام صادق علیه السلام می باشد .
- ۶- «استبصار» فقط از ابتدای حدیث تا «سه بار سبحان الله» را آورده است.

ص: ۷۶

راجع: الحديث ۳۸۱ و ۳۸۶ و ۴۸۲.

امام رضا علیه السلام: اگر گفته شود: چرا تسبیح و رکوع و سجود واجب شده است؟ گفته می شود به چند علت، از جمله اینکه بنده با افتادگی و فروتنی و بندگی و پرهیز و خواری و سرشکستگی و تواضع و نزدیکی به پروردگارش، به تمجید و تقدیس و بزرگداشت و سپاسگزاری آفریننده و روزی دهنده اش می پردازد، و برای اینکه تسبیح و سپاسگزاری نیز بکند، همانگونه که تکبیر و تهلیل کرده است و همچنین دل و ذهنش را به یاد خدا مشغول دارد و فکر و خیال و آرزوهایش، او را به سوی غیر خدا نکشاند.

(۱).

۱- در «عیون اخبار الرضا علیه السلام» چنین آمده است: «چرا تسبیح در رکوع و سجود واجب شده است؟» و این درست تر می نماید.

الفصل الثامن عشر : آداب القيام من السجود

فصل هیجدهم : آداب برخاستن از سجده

الفصل الثامن عشر: آداب القيام من السجود الأصحُّ بنُ نباته: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَعَدَ حَتَّى يَطْمَئِنَّ ثُمَّ يَقُولُ (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا سَجَدَ الرَّجُلُ ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَنْهَضَ فَلَا يَعْجِزْ (۲) بِيَدَيْهِ فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَبْسُطُ كَفَّيْهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَضَعَ مَقْعَدَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ (۳).

الإمام الكاظم عليه السلام: إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنْ آخِرِ سَجْدَتِكَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ فَاجْلِسْ جَلْسَةً، ثُمَّ بَادِرْ بِرُكْبَتِكَ إِلَى الْأَرْضِ قَبْلَ يَدَيْكَ، وَابْسُطْ يَدَيْكَ بَسْطًا وَاتَّكِ عَلَيْهِمَا، ثُمَّ قُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ وَقَارُ الْمَرْءِ الْمُؤْمِنِ الْخَاشِعِ لِرَبِّهِ (۴).

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا نَهَضَ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ قَالَ: بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَقُومُ وَأَقْعُدُ (۵).

عنه عليه السلام: إِذَا قُمْتَ مِنَ السُّجُودِ قُلْتَ: «اللَّهُمَّ رَبِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَقُومُ وَأَقْعُدُ» وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ: «وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ» (۶).

فصل هیجدهم: آداب برخاستن از سجدها صبیغ بن نباته: امیر مؤمنان علیه السلام هر گاه سر از سجده بلند می کرد، می نشست تا آرام گیرد، سپس برمی خاست.

امام صادق علیه السلام: هر گاه مردی سجده کرد و خواست برخیزد، با همه دستش بر زمین تکیه نکند، بلکه (فقط) کف دستانش را بر زمین بگسترده بی آنکه نشیمنگاهش را بر زمین نهد (۷).

امام کاظم علیه السلام: هنگامی که سر از سجده دومت در نماز برداشتی، پیش از برخاستن اندکی بنشین، سپس زانوانت را پیش از دستانت بر زمین بگذار و دستانت را باز کن و با تکیه به هر دو برخیز که این وقار مرد مؤمن فروتن در برابر پروردگارش است.

امام صادق علیه السلام: هر گاه علی علیه السلام از دو رکعت اول بر می خاست، می گفت: با توانایی و نیروی تو بر می خیزم و می نشینم (۸).

هر گاه از سجده برمی خیزی و می ایستی، بگو: «خدایا، پروردگارم با توانایی و نیروی تو بر می خیزم و می نشینم» و اگر خواستی بگو: «و رکوع و سجود می کنم».

۱- م. التهذیب: ۲ / ۳۱۴ / ۱۲۷۷.

۲- عَجَزَ الشَّيْءُ يَعْنِيهِ عَجْزًا، وَاعْتَجَنَهُ: اعْتَمَدَ عَلَيْهِ بِجُمُعِهِ يَغْمِزُهُ، وَالْعَاجِزُ مِنَ الرِّجَالِ: الْمُعْتَمِدُ عَلَى الْأَرْضِ بِجُمُعِهِ إِذَا أَرَادَ

النهوض من كبر أو بُدِن (لسان العرب : ۱۳ / ۲۷۷) .

۳- .الكافي : ۳ / ۳۳۶ / ۶ ، التهذيب : ۲ / ۳۰۳ / ۱۲۲۳ كلاهما عن الحلبي .

۴- .الأصول الستة عشر (أصل زيد النرسي) : ۵۳ .

۵- .التهذيب : ۲ / ۸۸ / ۳۲۷ ، الاستبصار : ۱ / ۳۳۸ / ۱۲۶۸ كلاهما عن رفاعه بن موسى ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۶۴ وفيه «عن علي عليه السلام أنه كان يقول إذا نهض من السجود للقيام . . .» .

۶- .التهذيب : ۲ / ۸۶ / ۳۲۰ عن عبدالله بن سنان .

۷- .يعني چون پیران و ناتوانان برنخیزد .

۸- .م در «استبصار» چنین آمده است: «على عليه السلام هرگاه از سجده بر می خاست و می ایستاد ، می گفت ...» .

ص: ۷۸

عنه عليه السلام: إِذَا قُمْتَ مِنَ الرَّكْعَةِ فَاعْتَمِدْ عَلَى كَفِّكَ وَقُلْ: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ» فَإِنَّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ (۱).

راجع: الحديث ۲۶۰ و ۲۷۷.

هر گاه پس از پایان رکعتی برمی خیزی ، بر کف دستانت تکیه کن و بگو: «با توانایی خداوند و نیروی او بر می خیزم و می نشینم»، که علی علیه السلام اینگونه می کرد .

۱- الکافی: ۳ / ۳۳۸ / ۱۰ عن أبي بكر الحضرمي .

الفصل التاسع عشر : القنوت وآدابه

فصل نوزدهم : قنوت وآداب آن

الفصل التاسع عشر: القنوت وآدابُها البراء بن عازب: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ لَا يُصَلِّي صَلَاةً مَكْتُوبَةً إِلَّا قَنَتَ فِيهَا (۱).

الإمام الباقر عليه السلام: القنوتُ في كُلِّ الصَّلَوَاتِ (۲).

عنه عليه السلام: القنوتُ في كُلِّ رَكَعَتَيْنِ ، فِي التَّطَوُّعِ وَالْفَرِيضَةِ (۳).

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ تَرَكَ الْقُنُوتَ رَغْبَةً عَنْهُ فَلَا صَلَاةَ لَهُ (۴).

صَفْوَانُ الْجَمَّالِ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيَّامًا ، فَكَانَ يَقْنُتُ فِي كُلِّ صَلَاةٍ يُجَهِّرُ فِيهَا وَلَا يُجَهِّرُ فِيهَا (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: القنوتُ في الفريضة الدعاء ، وفي الوتر الاستغفار (۶).

رسول الله صلى الله عليه وآله: أطولُكم قنوتًا في دار الدنيا أطولُكم راحةً يومَ القيامةِ في الموقفِ (۷).

عنه صلى الله عليه وآله: طولُ القنوتِ في الصَّلاةِ يُخَفِّفُ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ (۸).

عنه صلى الله عليه وآله لَمَّا سَأَلَهُ أَبُو ذَرٍّ: أَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ : طولُ القنوتِ (۹).

فصل نوزدهم: قنوت وآداب آنبراء بن عازب: پیامبر صلى الله عليه وآله نماز واجب نمی گزارد، جز اینکه در آن قنوت می خواند.

امام باقر علیه السلام: قنوت در هر نمازی (مشروع) است.

قنوت در هر دو رکعت هست، واجب باشد یا مستحب.

امام صادق علیه السلام: هر کس از روی بی میلی قنوت را ترک کند، نمازی برای او نیست.

صفوان جمال: چند روز پشت سر امام صادق علیه السلام نماز گزاردم. در همه نمازها قنوت می خواند، هم آن هایی که بلند و هم نمازهایی که آهسته می خواند.

امام صادق علیه السلام: قنوت در نماز واجب، دعا و در وتر، استغفار است.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: آن که قنوتش را در دنیا بیشتر طول دهد، در توقفگاه روز قیامت آسوده تر است.

طول دادن قنوت در نماز، سختی های مرگ را کاهش می دهد.

هنگامی که ابوذر پرسید کدام نماز برتر است ؟ :نمازی که قنوتش طولانی باشد .

.

- ۱- .السنن الکبری : ۲/۲۸۳/۳۰۹۲ ، سنن الدارقطنی : ۲/۳۷/۴ ، المعجم الأوسط : ۹ / ۱۷۳ / ۹۴۵۰ .
- ۲- .التهذیب : ۲/۹۰/۳۳۶ ، الاستبصار : ۱/۳۳۹/۱۲۷۷ ، الفقیه : ۱/۳۱۶/۹۳۵ و ص ۴۹۲/۱۴۱۴ کلّها عن زراره .
- ۳- .التهذیب : ۲/۹۰/۳۳۶ ، الاستبصار : ۱/۳۳۹/۱۲۷۷ ، الفقیه : ۱/۳۱۶/۹۳۴ و ص ۴۹۲ / ۱۴۱۳ ، الکافی : ۳ / ۳۴۰ / ۱۵ مضمرّا کلّها عن محمّد بن مسلم و ص ۳۳۹ / ۵ عن عبدالرحمن بن الحجاج قریب منه .
- ۴- .الکافی : ۳ / ۳۳۹ / ۶ ، التهذیب : ۲ / ۹۰ / ۳۳۵ ، الاستبصار : ۱ / ۳۳۹ / ۱۲۷۶ کلّها عن وهب .
- ۵- .الکافی : ۳/۳۳۹/۲ ، التهذیب : ۲/۸۹/۳۲۹ ، الاستبصار : ۱/۳۳۸/۱۲۷۰ ، الفقیه : ۱/۳۱۸/۹۴۳ .
- ۶- .الکافی : ۳ / ۳۴۰ / ۹ عن عبدالرحمن بن أبی عبدالله ، الفقیه : ۱ / ۴۹۱ / ۱۴۱۱ .
- ۷- .الفقیه : ۱ / ۴۸۷ / ۱۴۰۳ ، أمالی الصدوق : ۷ / ۴۱۱ ، ثواب الأعمال : ۵۵ / ۱ کلاهما عن أبی ذرّ ، الدعوات : ۲۵۴ / ۷۲۰ .
- ۸- .تاریخ أصبهان : ۱ / ۱۲۴ عن أبی هریره .
- ۹- .الخصال : ۵۲۳ / ۱۳ ، معانی الأخبار : ۳۳۳ / ۱ عن أبی ذرّ ؛ صحیح مسلم : ۱ / ۵۲۰ / ۱۶۵ ، سنن الترمذی : ۲ / ۲۲۹ / ۳۸۷ ، سنن ابن ماجه : ۱ / ۴۵۶ / ۱۴۲۱ کلّها عن جابر .

ص: ۸۰

عنهم عليهم السلام: أَفْضَلُ الصَّلَاةِ مَا طَالَ قُنُوتُهَا (۱).

الإمام الباقر عليه السلام: القنوت كله جِهَارٌ (۲).

إسماعيل بن الفضل: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقُنُوتِ وَمَائِقَالٍ فِيهِ ، فَقَالَ : مَا قَضَى اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ ، وَلَا أَعْلَمُ لَهُ شَيْئًا مُوقَّتًا (۳).

الإمام الصادق عليه السلام: يُجْزِئُكَ فِي الْقُنُوتِ «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۴).

أبو بكر بن أبي سَمَالٍ: صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَجَرَ ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ قِرَاءَتِهِ فِي الثَّانِيَةِ جَهَرَ بِصَوْتِهِ نَحْوًا مِمَّا كَانَ يَقْرَأُ وَقَالَ : «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (۵).

القاضي النُّعْمَانُ: رُوِيَنا عن أهل البيت صلوات الله عليهم في الدعاء في قنوت الفجر وجوها كثيرة ، ومن أحسن ما فيها وكله حسن أن تقول : اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَغْفِرُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَلَا نَكْفُرُكَ ، وَنَخْشَعُ لَكَ وَنَحْتَئِجُ مِمَّنْ يَكْفُرُكَ ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ ، نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخْشَى عَذَابَكَ ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَافِرِينَ مُلْحِقٌ ، اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَالْجَاهِلِينَ لِأُولِيائِكَ الْأَيِّمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الطَّاهِرِينَ ، وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَبَأْسَكَ وَغَضَبَكَ وَعَذَابَكَ ، اللَّهُمَّ عَذِّبْ كُفْرَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، وَأَصْلِحْ يَا رَبِّ ذَاتَ بَيْنِهِمْ وَأَلْفَ كَلِمَتِهِمْ وَتَبَّتْ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَالْحِكْمَةُ ، وَتَبَّتْهُمْ عَلَى مِلَّةِ نَبِيِّكَ وَانْصَرُّهُمْ عَلَى عِدْوِكَ وَعَدُوِّهِمْ ، اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيْمَنْ هَدَيْتَ وَتَوَلَّنِي فِيْمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيْمَا أَعْطَيْتَ وَعَافِنِي فِيْمَنْ عَافَيْتَ وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ ، وَلَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَهُ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَهُ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَقِينَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ (۶) .

برترین نماز ، آن است که قنوتش طولانی باشد .

همه قنوتها ، با صدای بلند خوانده می شود .

اسماعیل بن فضل: از امام صادق علیه السلام درباره قنوت و آنچه در آن گفته می شود، پرسیدم. حضرت فرمود: هر آنچه خداوند بر زبانت جاری کرد و برای آن چیز خاصی نمی دانم .

امام صادق علیه السلام: کافی است در قنوت بگویی: «خدایا ما را بیامرز و بر ما رحمت آور و به ما عافیت ده و از ما در دنیا و آخرت درگذر که تو بر هر کار توانایی» .

ابو بکر بن ابی سَمَال: نماز صبح را پشت سر امام صادق علیه السلام خواندم، هنگامی که در رکعت دوم، قرائتش را تمام کرد با صدایی نزدیک به بلندی صدای قرائتش گفت: «خدایا ما را بیامرز و بر ما رحمت آور و به ما عافیت ده و از ما در دنیا و آخرت

در گذر که تو بر هر کار توانایی» .

قاضی نعمان: دعا‌های گوناگونی برای قنوت نماز صبح، از اهل بیت دروودهای خداوند بر ایشان باد به ما رسیده است. این دعاها همگی زیبا هستند و از زیباترین آن‌ها این است که بگویی : خدایا ما از تو یاری می‌جوییم و آمرزش می‌خواهیم و نیکی‌هایت را سپاس می‌گوییم و کفران نمی‌کنیم. برای فروتنی می‌کنیم و از آن که به تو کفر می‌ورزد، دوری می‌گزینیم. خدایا فقط تو را می‌پرستیم و برای تو نماز می‌گزاریم و سجده می‌کنیم و به خدمت تو شتابانیم. به رحمت امید داریم و از عذابت هراسانیم که بی‌گمان به کافران می‌رسد. خدایا کافران و منافقان و منکران اولیایت پیشوایان پاک‌خاندان پیامبرت را عذاب کن و بر آنان کیفر و سختی و خشم و عذابت را فرو فرست. خدایا کافران اهل کتاب و مشرکان را مجازات کن. خدایا مردان و زنان مؤمن را بیمارز و میان آنان را اصلاح کن و با هم الفتشان ده و ایمان و حکمت را در دل‌هایشان بنشان و آن‌ها را بر دین پیامبرت ثابت بدار و در برابر دشمنان تو و خودشان یاریشان کن. خدایا مرا همراه با آنان که ره نمودی ره بنما و سرپرستیم را همچون آنان که سرپرستیشان را پذیرفتی بپذیر و در آنچه به من بخشیده‌ای برکت ده و در میان آنان که عافیت داده‌ای، عافیتم بخش و از قضای سوء خود، حفظم کن که تو حکم می‌رانی و بر تو حکمی نمی‌رود و آن که تو دوستش داری، خوار نمی‌شود و آن که تو دشمنش داری سربلند نمی‌گردد. تو مبارک و بزرگی، جز تو خدایی نیست، از تو آمرزش می‌خواهم و به تو باز می‌گردم و نیکویی را از تو ای پروردگار من، در دنیا و آخرت می‌طلبم و از تو می‌خواهم که با رحمت ما را از عذاب جهنم حفظ کنی (۷).

۱- البحار : ۸۵ / ۲۰۶ / ۲۲ نقلاً عن الذکری .

۲- الفقیه : ۱ / ۳۱۸ / ۹۴۴ ، السرائر : ۳ / ۵۸۶ کلاهما عن زراره .

۳- الکافی : ۳ / ۳۴۰ / ۸ ، التهذیب : ۲ / ۳۱۴ / ۱۲۸۱ .

۴- الکافی : ۳ / ۳۴۰ / ۱۲ ، التهذیب : ۲ / ۸۷ / ۳۲۲ کلاهما عن سعد بن أبی خلف .

۵- الفقیه : ۱ / ۴۰۰ / ۱۱۸۹ .

۶- دعائم الإسلام : ۱ / ۲۰۶ ؛ مصنف ابن أبی شیبہ : ۲ / ۲۱۳ / ۳ عن عبد الملك بن سويد الكاهلي عن الإمام علي عليه السلام في قنوت الفجر إلى قوله : «إنّ عذابك بالكافرين ملحق» .

۷- در مصنف ابن ابی شیبہ این دعا را به حضرت علی نسبت داده و آن را تا «عذابت به کافران می‌رسد» نقل کرده است .

ص: ۸۱

..

الفصل العشرون : التشهد وآدابه

فصل بیستم : تشهد و آداب آن

الفصل العشرون: التَّشَهُّدُ وَآدَابُهُ سُورَةُ بَنِ كَلِيبٍ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَدْنَى مَا يُجْزَى مِنَ التَّشَهُّدِ؟ فَقَالَ: الشَّهَادَتَانِ (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَرَكَ ذَلِكَ مُتَعَمِّدًا، فَلَا صَلَاةَ لَهُ (۲).

عنه عليه السلام: مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءُ الزَّكَاةِ كَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ، وَمَنْ صَامَ وَلَمْ يُؤَدِّهَا فَلَا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا، وَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَرَكَ ذَلِكَ مُتَعَمِّدًا فَلَا صَلَاةَ لَهُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَدَأَ بِهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ، فَقَالَ: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (۳)(۴).

عنه عليه السلام: التَّشَهُّدُ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ: عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّشَهُّدُ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ (۵).

فصل بیستم: تشهد و آداب آنسوره بن کلب: از امام باقر علیه السلام کمترین چیزی را که از تشهد کفایت می کند پرسیدم، فرمود: شهادتین (۶).

امام صادق علیه السلام: هر کس نماز بگذارد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات نفرستد و آن را از روی قصد ترک کند، نمازی ندارد.

تمام کننده روزه، پرداختن زکات (فطریه) است، همچون صلوات بر پیامبر علیه السلام که تمام کننده نماز است. هر کس روزه بگیرد و زکات را از روی قصد نپردازد، روزه ای ندارد و هر کس نماز بگذارد و از روی قصد صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله نفرستد، نمازی ندارد. همانا خداوند تعالی پیش از نماز به آن (زکات) پرداخته و فرموده است: «بی گمان رستگار شد کسی که زکات داد و نام پروردگارش را یاد کرده نماز گزارد».

تشهد در (پایان) دو رکعت نخست چنین است: سپاس مخصوص خداست، گواهی می دهم که جز خدای یگانه خدایی نیست، همتایی ندارد و گواهی می دهم که محمد بنده و پیامبر اوست. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و شفاعتش را در حق امتش بپذیر و درجه اش را رفیع کن.

۱- الکافی: ۳ / ۳۳۷، التهذیب: ۲ / ۱۰۱ / ۳۷۵.

۲- عوالی اللآلی: ۲ / ۳۸ / ۹۵ عن أبي بصير.

۳- الأعلی: ۱۴ و ۱۵.

۴- التهذیب: ۲ / ۱۵۹ / ۶۲۵ و ج ۴ / ۱۰۸ / ۳۱۴، الاستبصار: ۱ / ۳۴۳ / ۱۲۹۲ کلّها عن زراره.

۵- التهذيب : ۲ / ۹۲ / ۳۴۴ عن عبد الملك بن عمرو الأحول .

۶- شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر .

ص: ۸۳

مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي نَصْرٍ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، التَّشَهُّدُ الَّذِي فِي الثَّانِيهِ يُجْزَى أَنْ أَقُولَهُ فِي الرَّابِعَةِ؟ قَالَ: نَعْ (۱).

راجع: الحديث ۴۸۰.

محمد بن ابی نصر: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، همان تشهد رکعت دوم را در رکعت چهارم بگویم کفایت می کند؟ فرمود: بلی.

۱- م. التهذيب: ۲ / ۱۰۱ / ۳۷۷، الاستبصار: ۱ / ۳۴۲ / ۱۲۸۷.

الفصل الحادی والعشرون : التسليم وآدابه

فصل بیست و یکم : سلام و آداب آن

الفصل الحادی والعشرون: التَّسْلِيمُ وَآدَابُهَا لِإِمَامٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كُنْتَ فِي صَفٍّ فَسَلِّمْ تَسْلِيمَةً عَنْ يَمِينِكَ وَتَسْلِيمَةً عَنْ يَسَارِكَ لِأَنَّ عَنْ يَسَارِكَ مَنْ يُسَلِّمُ عَلَيْكَ، وَإِذَا كُنْتَ إِمَامًا فَسَلِّمْ تَسْلِيمَةً وَأَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ (۱).

المُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَجِبَ التَّسْلِيمُ فِي الصَّلَاةِ، قَالَ: لِأَنَّهُ تَحْلِيلُ الصَّلَاةِ، قُلْتُ: فَلَا يَلِيَّ عَلَيْهِ يَسَلِّمُ عَلَى الْيَمِينِ وَلَا يُسَلِّمُ عَلَى الْيَسَارِ؟ قَالَ: لِأَنَّ الْمَلَكَ الْمُوَكَّلَ الَّذِي يَكْتُبُ الْحَسَنَاتِ عَلَى الْيَمِينِ وَالَّذِي يَكْتُبُ السَّيِّئَاتِ عَلَى الْيَسَارِ، وَالصَّلَاةُ حَسَنَاتٌ لَيْسَ فِيهَا سَيِّئَاتٌ فَلِهَذَا يُسَلِّمُ عَلَى الْيَمِينِ دُونَ الْيَسَارِ. قُلْتُ: فَلِمَ لَا يُقَالُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ، وَالْمَلَكُ عَلَى الْيَمِينِ وَاحِدٌ وَلَكِنْ يُقَالُ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؟ قَالَ: لِيَكُونَ قَدْ سَلِّمَ عَلَيْهِ وَعَلَى مَنْ عَلَى الْيَسَارِ وَفَضَّلُ صَاحِبِ الْيَمِينِ عَلَيْهِ بِالْإِيمَاءِ إِلَيْهِ... قُلْتُ: فَلِمَ يُسَلِّمُ الْمَأْمُومُ ثَلَاثًا؟ قَالَ: تَكُونُ وَاحِدَةً رَدًّا عَلَى الْإِمَامِ وَتَكُونُ عَلَيْهِ وَعَلَى مَلَكِيهِ، وَتَكُونُ الثَّانِيَّةُ عَلَى مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَالْمَلَكَيْنِ الْمُوَكَّلَيْنِ بِهِ، وَتَكُونُ الثَّالِثَةُ عَلَى مَنْ عَلَى يَسَارِهِ وَمَلَكِيهِ الْمُوَكَّلَيْنِ بِهِ، وَمَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى يَسَارِهِ أَحَدٌ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَى يَسَارِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ يَمِينُهُ إِلَى الْحَائِطِ وَيَسَارُهُ إِلَى مُصَلٍّ مَعَهُ خَلْفَ الْإِمَامِ فَيَسَلِّمُ عَلَى يَسَارِهِ. قُلْتُ: فَتَسْلِيمُ الْإِمَامِ عَلَى مَنْ يَقَعُ؟ قَالَ: عَلَى مَلَكِيهِ وَالْمَأْمُومِينَ، يَقُولُ لِمَلَائِكَتِهِ: أَكْتُبَا سَلَامَةَ صَلَاتِي لِمَا يُفْسِدُهَا، وَيَقُولُ لِمَنْ خَلْفَهُ، سَلِّمْتُمْ وَأَمْنْتُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (۲).

فصل بیست و یکم: سلام و آداب آن امام صادق علیه السلام: هنگامی که در صف (نماز جماعت) هستی، سلامی بر طرف راست و سلامی بر طرف چپ بده؛ زیرا از سمت چپ کسی بر تو سلام می کند. و اگر امام بودی یک سلام رو به قبله بده.

مفضل بن عمر: از امام صادق علیه السلام حکمت واجب شدن سلام را در نماز پرسیدم، فرمود: چون پایان دادن به نماز (و محرمات در هنگام انجام آن) است. گفتم: به چه علت بر سمت راست سلام می دهد و بر چپ نمی دهد؟ فرمود: چون فرشته ای که بر نوشتن نیکوییها گمارده شده، در سمت راست و آن که بدیها را می نویسد در سمت چپ است و نماز نیکوست و بدی در آن نیست. از این رو بر سمت راست سلام می دهد و نه چپ. گفتم: چرا گفته نمی شود سلام بر تو و به جایش گفته می شود سلام بر شما و حال آنکه فرشته سمت راست یک نفر است؟ فرمود: چون هم بر او و هم بر هر کس که در سمت چپ است سلام می دهد و فرشته سمت راست را با (اختصاص) اشاره به او برتری داده است ... گفتم: چرا مأموم سه سلام می دهد؟ فرمود: یکی، جواب سلام امام جماعت است که برای او و دو فرشته اش می باشد و سلام دوم بر آنان که سمت راست اویند و نیز دو فرشته گمارده شده بر او و سلام سوم بر آنان که سمت چپ اویند و نیز دو فرشته گمارده شده بر او و آن که در سمت چپش کسی نیست بر سمت چپش سلام نمی دهد، مگر اینکه سمت راستش دیوار و چپش به طرف مأمومی باشد که پشت سر امام است. پس در این حالت بر سمت چپش سلام می دهد. گفتم: پس امام بر چه کسی سلام می دهد؟ فرمود: بر دو فرشته اش و مأمومان. به فرشتگان می گوید: به سلامت ماندن نماز را از آنچه تباهش می کند، بنویسید و به نماز گزاران پشت سرش می گوید: از عذاب خدای عز و جل در سلامت و امان ماندید.

۱- الکافی : ۳ / ۳۳۸ / ۷ عن أبي بصير .

۲- علل الشرائع : ۱ / ۳۵۹ .

ص: ۸۵

راجع : الحديث ۲۴۱ و ۴۸۳ ۴۸۱ .

.

الفصل الثانی والعشرون : جوامع آداب الصلاه

فصل بیست و دوم : کلیات آداب نماز

الفصل الثانی والعشرون: جوامع آداب الصلاه علی بن یحیی بن خلاد عن أبيه عن عمه: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ، فَدَخَلَ رَجُلٌ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْمُقُهُ (۱) فِي صَلَاتِهِ، فَرَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ، فَرَجَعَ فَصَلَّى، ثُمَّ جَاءَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْمُقُهُ ثُمَّ قَالَ: ارْجِعْ فَصَلِّ فَإِنَّكَ لَمْ تُصَلِّ، حَتَّى كَانَ عِنْدَ الثَّالِثَةِ أَوْ الرَّابِعَةِ فَقَالَ: وَالَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ لَقَدْ جَهِدْتُ وَحَرَصْتُ فَأَرِنِي وَعَلَّمْنِي. قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُصَلِّيَ فَتَوَضَّأْ فَأَحْسِنْ وُضوءَكَ، ثُمَّ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ فَكَبِّرْ، ثُمَّ اقْرَأْ، ثُمَّ ارْكَعْ حَتَّى تَطْمِئِنَّ رَاكِعًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَعْتَدِلَ قَائِمًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمِئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ حَتَّى تَطْمِئِنَّ قَاعِدًا، ثُمَّ اسْجُدْ حَتَّى تَطْمِئِنَّ سَاجِدًا، ثُمَّ ارْفَعْ، فَإِذَا أَتَمَمْتَ صَلَاتَكَ عَلَى هَذَا فَقَدْ تَمَّتْ، وَمَا انْتَقَصَتْ مِنْ هَذَا فَإِنَّمَا تَنْتَقِضُ مِنْ صَلَاتِكَ (۲).

فصل بیست و دوم: آداب کلی نماز علی بن یحیی بن خلاد از طریق پدرش از عموی خود نقل می کند: با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بودم، مردی داخل شد و دو رکعت نماز خواند، سپس نزد پیامبر آمد و سلام کرد، پیامبر که او را هنگام نماز زیر نظر داشت، پس از جواب سلام به وی گفت: بازگرد و نماز بخوان که نماز نخوانده ای (واین کار تکرار شد) تا اینکه در نوبت سوم یا چهارم، آن مرد گفت: سوگند به آن که کتاب را بر تو فرو فرستاد، کوشش بسیار کردم و شوقم فزون گشته است، به من نشان ده و آگاهم کن. حضرت فرمود: هر گاه خواستی نماز بخوانی وضویی نیکو بساز. سپس رو به قبله کن و تکبیر بگو و پس از قرائت به رکوع برو تا اینکه در رکوع آرام گیری. سپس بلند شو تا اینکه راست بایستی. سپس به سجده برو تا اینکه در سجده آرام گیری. سپس برخیز تا اینکه آرام بنشینی. سپس به سجده برو تا اینکه آرام گیری. سپس برخیز. پس اگر نمازت را اینگونه به پایان بردی تمام است و آنچه از این ها کم کردی، از نمازت کم گذارده ای.

۱- رَمَقَهُ يَرْمُقُهُ رَمَقًا وَرَمَقَهُ: نَظَرَ إِلَيْهِ، وَرَمَقْتُهُ بِبَصَرِي وَرَمَقْتُهُ إِذَا أَتْبَعْتَهُ بَصْرَكَ تَتَعَهَّدُهُ وَتَنْظُرُ إِلَيْهِ وَتَرْقُبُهُ (لسان العرب: ۱۰ / ۱۲۶)

۲- سنن النسائي: ۳ / ۶۰ و ص ۵۹ نحوه، مسند ابن حنبل: ۷ / ۱۹ / ۱۹۰۱۹، سنن الترمذی: ۲ / ۱۰۰ / ۳۰۲ عن رفاعه بن رافع نحوه.

مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَطَاءٍ: سَمِعْتُ أَبَا حُمَيْدٍ السَّاعِدِيَّ فِي عَشْرِهِ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْهُمْ أَبُو قَتَادَةَ، قَالَ أَبُو حُمَيْدٍ: أَنَا أَعْلَمُكُمْ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالُوا: فَلِمَ؟ فَقَالَ: مَا كُنْتُ بِأَكْثَرِنَا لَهُ تَبَعًا وَلَا أَقْدَمِنَا لَهُ صُحْبَةً، قَالَ: بَلَى، قَالُوا: فَمَاعِزُ. قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ بِهِمَا مَنْكِبَيْهِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ حَتَّى يَقْرَأَ كُلَّ عَظْمٍ فِي مَوْضِعِهِ مُعْتَدِلًا، ثُمَّ يَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ فَيَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ بِهِمَا مَنْكِبَيْهِ، ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَضَعُ رَاحَتَيْهِ عَلَى رُكْبَتَيْهِ، ثُمَّ يَعْتَدِلُ فَلَا يُصَبُّ رَأْسَهُ وَلَا يَقْنَعُ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَقُولُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ [بِهِمَا] مَنْكِبَيْهِ مُعْتَدِلًا، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ يَهْوِي إِلَى الْأَرْضِ فَيُجَافِي يَدَيْهِ عَنْ جَنْبَيْهِ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَيُثْنِي رِجْلَهُ الْيُسْرَى فَيَقْعُدُ عَلَيْهَا، وَيَفْتَحُ أَصَابِعَ رِجْلَيْهِ إِذَا سَجَدَ، وَيَسْجُدُ ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ، وَيَرْفَعُ [رَأْسَهُ] وَيُثْنِي رِجْلَهُ الْيُسْرَى فَيَقْعُدُ عَلَيْهَا حَتَّى يَرْجِعَ كُلَّ عَظْمٍ إِلَى مَوْضِعِهِ، ثُمَّ يَصْنَعُ فِي الْأُخْرَى مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ إِذَا قَامَ مِنَ الرَّكَعَتَيْنِ كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِيَ بِهِمَا مَنْكِبَيْهِ كَمَا كَبَّرَ عِنْدَ افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ، ثُمَّ يَصْنَعُ ذَلِكَ فِي بَقِيَّةِ صَلَاتِهِ، حَتَّى إِذَا كَانَتْ السَّجْدَةُ الَّتِي فِيهَا التَّسْلِيمُ أَخَّرَ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَقَعَدَ مُتَوَرِّكًا عَلَى شَقِّهِ الْأَيْسَرِ، قَالُوا: صَدَقْتَ، هَكَذَا كَانَ يُصَلِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (۱).

الإمام زين العابدين عليه السلام: حَقُّ الصَّلَاةِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنْتَ فِيهَا قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ قُمْتَ مَقَامَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ الْحَقِيرِ الرَّاجِبِ الرَّاهِبِ الرَّاجِي الْخَائِفِ الْمُسْتَكِينِ الْمُتَضَرِّعِ الْمُعْظَمِ لِمَنْ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَالْوَقَارِ، وَتَقَبَّلَ عَلَيْهَا بِقَلْبِكَ وَتَقِيَّمَهَا بِحُدُودِهَا وَحَقُوقِهَا (۲).

محمد بن عمرو بن عطاء: شنیدم ابوحمید ساعدی در میان ده نفر از اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که از جمله آنان ابوقتاده بود، گفت: من از همه شما به نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داناترم. گفتند: چطور؟ به خدا سوگند تو نه بیشتر از ما با پیامبر بوده ای و نه پیشتر. گفت: چرا، گفتند: عرضه کن. گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که به نماز می ایستاد دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد سپس تکبیر می گفت تا اینکه هر استخوان در جای خودش راست می شد و پس از آن به قرائت می پرداخت. سپس تکبیر می گفت و دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد. سپس رکوع می کرد و کف دستانش را بر زانوانش می نهاد. سپس خود را کشیده و صاف می کرد بی آنکه سرش را پایین اندازد و یا کج کند و هنگامی که سر از رکوع برمی داشت می گفت: خداوند به کسی که او را می ستاید، گوش می دهد. سپس دستانش را تا برابر شانه هایش کشیده و راست بالا می آورد و تکبیر می گفت. سپس به زمین می افتاد و دستانش را از پهلوهایش دور می نمود. سپس سر بر می داشت و پای چپش را خم کرده بر آن می نشست. در سجده، انگشتان پایش را باز می نمود و پس از سجده تکبیر می گفت و برمی خاست و پای چپش را خم کرده رویش می نشست، تا هر استخوانی به جای خود باز گردد. سپس در سجده دیگر نیز چنین می کرد. هنگام برخاستن از هر دو رکعت تکبیر می گفت و دستانش را تا برابر شانه هایش بالا می آورد همانگونه که در آغاز نماز می کرد. در بقیه نماز هم این ها را انجام می داد تا اینکه در سجده ای که پس از آن سلام نماز بود، پای چپش را عقب می کشید و بر سرین و طرف چپ بدنش می نشست. (اصحاب) گفتند: راست گفتی. اینگونه نماز می خواند.

امام سجاد علیه السلام: حق نماز آن است که بدانی در آمدن بر خداوند عز و جلاست و تو در پیشگاه خداوند عز و جل ایستاده ای. پس اگر این را دانستی، همچون بنده ای خوار و کوچک، خواهان و هراسان، امیدوار و ترسان، بیچاره و گریان، با وقار و اطمینان به بزرگداشت همو که در برابرش ایستاده ای، می پردازی و با دلت به او رو میآوری و نماز را با حدود و حقوقش برپا می داری (۳).

۱- سنن أبی داود : ۱ / ۱۹۴ / ۷۳۰ ، السنن الکبری : ۲ / ۱۰۵ / ۲۵۱۷ .

۲- الفقیه : ۲ / ۶۱۹ / ۳۲۱۴ ، الخصال : ۵۶۶ / ۱ کلاهما عن ثابت بن دینار ، تحف العقول : ۲۵۸ وفيه « . . . المتضرع المعظم من قام بَيْنَ يَدَيْهِ بِالسُّكُونِ وَالْإِطْرَاقِ وَخُشُوعِ الْأَطْرَافِ وَلِينِ الْجَنَاحِ وَحُسْنِ الْمُنَاجَاةِ لَهُ فِي نَفْسِهِ وَالطَّلَبِ إِلَيْهِ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُكَ وَاسْتَهْلَكَتْهَا ذُنُوبُكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ » .

۳- در تحف العقول چنین آمده است: «با سکون و سکوت و فروتنی و نرمی با او راز و نیاز می کنی و از او می خواهی که تو را از بند خطا و هلاکت گناهانت رها کند ، که جز خدا، قدرتی نیست.

الإمام الباقر عليه السلام: إذا قُمتَ في الصلاة فلا تُلصِقَ قدَمَكَ بالأخرى، دَع بَيْنَهُمَا فَصْلًا، إصْبَعًا أَقْلَ ذَلِكَ إلى شِبْرِ أَكْثَرِهِ، واسدِلْ مَنْكَبَيْكَ وأرسل يَدَيْكَ، ولا تُشَبِّكْ أصابعَكَ ولتكونا على فِجْذَيْكَ قُبَالَه رُكْبَتَيْكَ وليُكنْ نَظْرُكَ إلى مَوْضِعِ سُجُودِكَ. فإذا رَكَعْتَ فَصُفِّ في رُكُوعِكَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ، تَجَعِّلْ بَيْنَهُمَا قَدْرَ شِبْرِ، وتُمْكِنُ راحَتَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ وتَضَعْ يَدَكَ اليمنى على رُكْبَتِكَ اليمنى قَبْلَ اليسرى، وبلِّغْ أطرافَ أصابعِكَ عَيْنَ الرُّكْبَةِ، وفرِّجْ أصابعَكَ إذا وَضَعْتَهَا على رُكْبَتَيْكَ، فإذا وَصَلْتَ أطرافَ أصابعِكَ في رُكُوعِكَ إلى رُكْبَتَيْكَ أَجْزَأَكَ ذَلِكُ، وأحِبُّ إِلَيَّ أَنْ تُمْكِنَ كَفَيْكَ مِنْ رُكْبَتَيْكَ فتَجَعِّلْ أصابعَكَ في عَيْنِ الرُّكْبَةِ وتُفَرِّجْ بَيْنَهُمَا، وأقمْ صُلْبَكَ ومُدَّ عُنُقَكَ، وليُكنْ نَظْرُكَ إلى ما بَيْنَ قَدَمَيْكَ. فإذا أَرَدْتَ أَنْ تَسْجُدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وخِرَّ ساجدًا، وابدأ بِيَدَيْكَ فَضَّعْهُمَا على الأرضِ قَبْلَ رُكْبَتَيْكَ، تَضَعْهُمَا مَعًا، ولا تَفْتَرِشْ ذِرَاعَيْكَ افْتِرَاشَ السُّبُعِ ذِرَاعِيهِ، ولا تَضَعْ ذِرَاعَيْكَ على رُكْبَتَيْكَ وَفِجْذَيْكَ وَلَكِنْ تَجَنَّبْ بِمِرْفَقَيْكَ، ولا تُلصِقْ كَفَيْكَ بِرُكْبَتَيْكَ، ولا تُدْنِيهما مِنْ وَجْهِكَ بَيْنَ ذَلِكَ حِيَالَ مَنْكَبَيْكَ، ولا تَجْعَلْهُمَا بَيْنَ يَدَي رُكْبَتَيْكَ وَلَكِنْ تُحَرِّفْهُمَا عَنْ ذَلِكَ شَيْئًا، وابسُطْهُمَا على الأرضِ بَسْطًا واقْبِضْهُمَا إِلَيْكَ قَبْضًا، وإنْ كَانَ تَحْتَهُمَا ثَوْبٌ فَلَا يَضُرُّكَ، وإنْ أَفْضَيْتَ بِهِمَا إلى الأرضِ فَهُوَ أَفْضَلُ، ولا تُفَرِّجَنَّ بَيْنَ أصابعِكَ في سُجُودِكَ وَلَكِنْ ضُمَّهُنَّ جَمِيعًا. وإذا قَعَدْتَ في تَشَهُّدِكَ فَالْصِقْ رُكْبَتَيْكَ بالأرضِ وفرِّجْ بَيْنَهُمَا شَيْئًا، وليُكنْ ظَاهِرُ قَدَمِكَ اليسرى على الأرضِ وظَاهِرُ قَدَمِكَ اليمنى على باطنِ قَدَمِكَ اليسرى وإِلَيْتَاكَ على الأرضِ وطَرَفُ إِبْهَامِكَ اليمنى على الأرضِ، وإِيَّاكَ والقُعودَ على قَدَمَيْكَ فَتَتَأَذَى بِذَلِكَ، ولا تُكُنْ قَاعِدًا على الأرضِ فَتَكُونَ إِنَّمَا قَعَدَ بَعْضُكَ على بَعْضٍ فَلَا تَصْبِرْ لِلتَّشَهُّدِ والدُّعَاءِ (۱).

امام باقر علیه السلام: هنگامی که در نماز می ایستی، پاهایت را به هم نجسبان و میانشان فاصله ای به اندازه حد اقل یک انگشت و حد اکثر یک وجب بده و شانه هایت را فرو انداز و دستانت را رها کن و انگشتانت را درهم نیلویز بلکه بر رانهایت و در راستای زانوانت باشند و نگاهت به سجده گاهت باشد. هنگامی که رکوع می کنی دو پایت را در یک ردیف بگذار و میانشان فاصله ای به اندازه یک وجب می دهی و زانوانت را در کف دستانت بگیر و دست راستت را بر زانوی راستت و پیش از دست چپت می نهی و با سر انگشتانت برآمدگی زانویت را نیک در بر گیر و هنگامی که آن ها را بر زانوانت نهادی از هم بازشان کن. اگر سر انگشتانت را در رکوع به زانوانت رساندی کفایت می کند ولی من بیشتر دوست دارم زانوانت را در کف دستانت بگیری و انگشتانت را بر برآمدگی زانوانت بنهی و آن ها را از هم باز کنی. کمرت را راست نگه دار و نگاهت به میان قدمهایت باشد. هنگامی که خواستی به سجده بروی دستانت را به تکبیر بلند کن و به سجده بیفت و دستانت را با هم و پیش از زانوانت بر زمین بنه و ساعدهای دستانت را چون درندگان بر زمین نگستران و بر زانوان و رانهایت نیز مگذار بلکه با آرنجهایت بال بساز و کف دستانت را به زانوانت نجسبان و به صورتت نیز نزدیک مگردان، بلکه میان آن دو و در راستای شانه هایت باشد، نه روبروی زانوانت بلکه اندکی از آن ها انحراف داشته باشد. دستانت را کاملاً بر زمین بگستران و (پس از سجده) به سوی خود باز گردان و اگر زیر آن ها پارچه ای بود اشکالی ندارد، گر چه به زمین رساندنشان بهتر است و در سجده، انگشتانت را از هم باز مکن، بلکه به هم بجسبان. هنگامی که برای تشهد نشستی، زانوانت را به زمین بجسبان و کمی میانشان را باز کن و باید روی پای چپت بر زمین باشد و روی پای راستت بر کف پای چپت قرار گیرد و سرینت و نیز سر انگشت شست پای راستت بر زمین باشد و هیچگاه بر هر دو پایت منشین که به تو آزار می رساند و نیز با (نشیمنگاه) بر زمین منشین تا بخشی از بدنت بر بخشی دیگر قرار گیرد و نتوانی برای تشهد و دعا صبر کنی.

۱- .الكافی : ۳ / ۳۳۴ / ۱ ، التهذیب : ۲ / ۸۳ / ۳۰۸ كلاهما عن زراره .

إبراهيم بن هاشم عن حماد بن عيسى: قال لى أبو عبد الله عليه السلام يوماً: يا حمادُ، تُحسِنُ أن تُصَلِّيَ؟ قال: فَقُلْتُ: يا سيدي، أنا أَحْفَظُ كِتَابَ حَرِيزٍ فِي الصَّلَاةِ. فَقَالَ: لَا عَلَيْكَ يَا حَمَادُ قُمْ فَصَلِّ. قَالَ: فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْقِبْلَةِ فَاسْتَفْتَحْتُ الصَّلَاةَ فَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ. فَقَالَ: يَا حَمَادُ، لَا تُحسِنُ أَنْ تُصَلِّيَ، مَا أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ يَأْتِي عَلَيْهِ سِتُّونَ سِنَّةً، أَوْ سَبْعُونَ سِنَّةً فَلَا يُقِيمُ صَلَاةً وَاحِدَةً بِحُدُودِهَا تَامَةً! قَالَ حَمَادُ: فَأَصَابَنِي فِي نَفْسِي الذُّلُّ، فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فَعَلَمَنِي الصَّلَاةَ. فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ مُنْتَصِبًا، فَأَرْسَلَ يَدَيْهِ جَمِيعًا عَلَى فِخْذَيْهِ، قَدْ ضَمَّ أَصَابِعَهُ وَقَرَّبَ بَيْنَ قَدَمَيْهِ حَتَّى كَانَ بَيْنَهُمَا قَدَرُ ثَلَاثِ أَصَابِعٍ مُنْفَرِجَاتٍ، وَاسْتَقْبَلَ بِأَصَابِعِ رِجْلَيْهِ جَمِيعًا الْقِبْلَةَ لَمْ يُحَرِّفْهُمَا عَنِ الْقِبْلَةِ، وَقَالَ بِخُشُوعٍ: اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ قَرَأَ الْحَمْدَ بِتَرْتِيلٍ وَقُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، ثُمَّ صَبَرَ هُنَيْئَةً بِقَدَرٍ مَا يَتَنَفَّسُ وَهُوَ قَائِمٌ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ وَقَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ وَهُوَ قَائِمٌ، ثُمَّ رَكَعَ وَمَلَأَ كَفَّيْهِ مِنْ رُكْبَتَيْهِ مُنْفَرِجَاتٍ، وَرَدَّ رُكْبَتَيْهِ إِلَى خَلْفِهِ حَتَّى اسْتَوَى ظَهْرُهُ، حَتَّى لَوْ صُبَّ عَلَيْهِ قَطْرَةٌ مِنْ مَاءٍ أَوْ دُهْنٍ لَمْ تَزَلْ لِاسْتِوَاءِ ظَهْرِهِ، وَمَدَّ عُنُقَهُ، وَغَمَضَ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ سَبَّحَ ثَلَاثًا بِتَرْتِيلٍ فَقَالَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، ثُمَّ اسْتَوَى قَائِمًا، فَلَمَّا اسْتَمَكَّنَ مِنَ الْقِيَامِ قَالَ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، ثُمَّ كَبَّرَ وَهُوَ قَائِمٌ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ، ثُمَّ سَجَدَ، وَبَسَطَ كَفَّيْهِ مَضْمُومَتَيِ الْأَصَابِعِ بَيْنَ يَدَيِ رُكْبَتَيْهِ حِيَالَ وَجْهِهِ فَقَالَ: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَلَمْ يَضَعْ شَيْئًا مِنْ جَسَدِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ، وَسَجَدَ عَلَى ثَمَانِيَةِ أَعْظُمٍ: الْكَفَّيْنِ وَالرُّكْبَتَيْنِ وَأَنَامِلِ إِبْهَامِي الرَّجْلَيْنِ وَالْجَبْهَةِ وَالْأَنْفِ وَقَالَ: سَبَّحَهُ مِنْهَا فَرَضٌ يُسَجَّدُ عَلَيْهَا وَهِيَ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (۱) وَهِيَ الْجَبْهَةُ وَالْكَفَّانِ وَالرُّكْبَتَانِ وَالْإِبْهَامَانِ، وَوَضَعَ الْأَنْفَ عَلَى الْأَرْضِ سِنَّةً، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ، فَلَمَّا اسْتَوَى جَالِسًا قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ. ثُمَّ قَعَدَ عَلَى فَخِذِهِ الْأَيْسَرِ، وَقَدْ وَضَعَ ظَاهِرَ قَدَمِهِ الْأَيْمَنِ عَلَى بَطْنِ قَدَمِهِ الْأَيْسَرِ وَقَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، ثُمَّ كَبَّرَ وَهُوَ جَالِسٌ وَسَجَدَ السَّجْدَةَ الثَّانِيَةَ وَقَالَ كَمَا قَالَ فِي الْأُولَى، وَلَمْ يَضَعْ شَيْئًا مِنْ بَدَنِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ فِي رُكُوعٍ وَلَا سُجُودٍ وَكَانَ مُجَنِّحًا، وَلَمْ يَضَعْ ذِرَاعِيهِ عَلَى الْأَرْضِ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ عَلَى هَذَا وَيَدَاهُ مَضْمُومَتَا الْأَصَابِعِ وَهُوَ جَالِسٌ فِي الشَّهَادَةِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الشَّهَادَةِ سَلَّمَ. فَقَالَ: يَا حَمَادُ، هَكَذَا صَلِّ (۲).

ابراهيم بن هاشم از حماد بن عيسى: روزی امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای حماد، آیا می توانی خوب نماز بخوانی؟ به امام عرض کردم: ای سرور من! کتاب حرز را که درباره نماز است در حافظه دارم. حضرت فرمود: عیبی ندارد، ای حماد! برخیز و نماز بخوان. حماد گوید: در برابر حضرت پیاخاستم و رو به قبله نماز را شروع کردم به رکوع رفتم و سجده کردم. آن گاه امام فرمود: ای حماد! نیکو نماز نمی خوانی! چه قدر زشت است فردی از شما شصت یا هفتاد سال بر او بگذرد و یک نماز با آداب و حدود کامل نخواند! حماد گوید: در خود احساس خواری کردم و به امام گفتم: فدایت شوم، نماز را به من بیاموز. پس امام برخاست، رو به قبله ایستاد و هر دو دستش را بر روی ران خویش نهاد، در حالی که انگشتانش را بسته بود و دو پای خود را نزدیک هم قرار داد به گونه ای که بین دو پایش به اندازه سه انگشت باز فاصله بود و انگشتان پا را رو به قبله داشت و آن ها را از قبله منحرف نساخت و با فروتنی تکبیر گفت. سپس حمد و قل هو الله احد را شمرده خواند. آن گاه به اندازه یک نفس در همان حال ایستادن درنگ کرد. سپس دو دست خود را تا رو بروی صورت بالا آورد و در همان حال ایستادن تکبیر گفت. آن گاه به رکوع رفت و با دستانی که انگشتانش باز بود، زانوی خود را گرفت و زانو را به عقب داد تا پشت حضرت کاملاً صاف شد، به گونه ای که به سبب صافی پشت و کشیدگی گردن، اگر قطره ای آب یا روغن بر پشت حضرت ریخته می شد، از جایش تکان نمی خورد. دو چشمش را بست؛ سپس سه بار شمرده فرمود: «سبحان ربی العظیم و بحمده». آن گاه راست ایستاد و چون استقرار کامل پیدا کرد، فرمود: «سمع الله لمن حمده». سپس در حال ایستاده تکبیر گفت و دست ها را تا رو به روی صورت بالا آورد. آن گاه سجده کرد و دست ها را در حالی که انگشتانش کنار هم و بدون فاصله بود، در جلوی زانو و برابر صورت نهاد و سه بار گفت: «سبحان ربی الاعلی و

بحمد» و هیچ جای بدن را بر جای دیگر بدن در حالت سجده قرار نداد و بر هشت استخوان سجده کرد : دو کف دست، دو زانو، دو انگشت شست پا، پیشانی و بینی و فرمود: لازم است سجده بر هفت تایی این ها قرار گیرد و این همان است که خداوند در قرآن فرموده است که: «و همانا سجده گاهها برای خداست پس در کنار خداوند هیچ کس را مخوان» و این هفت جا، پیشانی و دو کف دست و دو زانو و دو شست پاست و نهادن بینی بر زمین مستحب است. سپس امام سر از سجده برداشت و چون درست به حالت نشسته درآمد تکبیر گفت. آن گاه بر ران چپ نشست و روی پای راست را بر کف پای چپ قرار داد و فرمود: «استغفر الله ربی و اتوب الیه». سپس در حال نشسته تکبیر گفت و سجده دوم را به جای آورد و در سجده دوم مانند سجده اول رفتار کرد و در حال رکوع و سجود هیچ جای بدن را بر جای دیگر آن نگذاشت و در حال سجده دست ها را چون دو بال باز می کرد و ساعد را بر زمین نمی گذاشت. این چنین امام دو رکعت نماز گزارد و انگشتان دو دست حضرت در حال تشهد بسته بود و چون از تشهد فارغ شد، سلام داد و فرمود: ای حماد! اینگونه نماز بخوان!

۱- الجن : ۱۸ .

۲- الکافی : ۳ / ۳۱۱ / ۸ ، الفقیه : ۱ / ۳۰۰ / ۹۱۵ ، أمالی الصدوق : ۳۳۷ / ۱۳ .

ص: ۹۰

..

ص: ۹۱

راجع : الحديث ۳۶۹ .

.

الفصل الثالث والعشرون : ما لا ينبغي للمصلي

۱ / ۲۳ حبس البول والغائط

فصل بیست و سوم : آنچه شایسته نماز گزار نیست

۲۳ / ۱ نگهداری بول و غائط

الفصل الثالث والعشرون: ما لا ينبغي للمصلي ۱ / ۲۳ حبس البول والغائط رسول الله صلى الله عليه وآله: لا يأتي أحدكم الصلاة وهو حاقن (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: إذا أقيمت الصلاة ووجد أحدكم الخلاء فليدأ بالخلاء (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: لا يحل لرجل يؤمن بالله واليوم الآخر أن يصلي وهو حقن حتى يتخفف (۳).

عنه صلى الله عليه وآله: لا يصل الرجل وهو زناء ۴.

عنه صلى الله عليه وآله: لا يصلين أحدكم وبه أحد العقدین یعنی البول والغائط (۴).

الإمام الصادق عليه السلام: لا صلاة لحاقن، ولا لحاقب، ولا لحاذق والحاقن الذي به البول، والحاقب الذي به الغائط... (۵).

فصل بیست و سوم: آنچه برای نماز گزار شایسته نیست ۱/۲۳ نگهداری بول و غائط پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کسی از شما در حالی که پیشابش را نگه داشته است، به نماز نیاید.

هرگاه نماز برپا می شود و کسی از شما نیاز به دستشویی دارد، نخست به آنجا برود.

روا نیست مردی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد، در حالی که پیشابش را نگه داشته، نماز بخواند تا آنگاه که خود را سبک کند.

کسی که در تنگنای پیشاب است، نماز نخواند.

کسی از شما در آن حال که بول و غائطش انبوه شده است، نماز نخواند.

امام صادق علیه السلام: برای «حاقن»، «حاقب» و «حاذق» نمازی نیست. «حاقن» کسی است که بول خود را نگه داشته و «حاقب» کسی است که غائطش را نگه داشته است...

- ۱- مسند ابن حنبل : ۸ / ۲۷۱ / ۲۲۱۴ و ص ۲۹۱ / ۲۲۳۰۴ ، التاريخ الكبير : ۸ / ۳۴۱ ، سنن ابن ماجه : ۱ / ۲۰۲ / ۶۱۷ ولفظه «نهى رسول الله صلى الله عليه و آله أن يصلى الرجل وهو حاقن» ، المعجم الكبير : ۸ / ۱۰۵ / ۷۵۰۷ وزاد فى آخره «حتى يخفف» كلّها عن أبى أمامه .
- ۲- سنن الترمذی : ۱ / ۲۶۳ / ۱۴۲ ، سنن أبى داود : ۱ / ۲۲ / ۸۸ ، سنن الدارمى : ۱ / ۳۵۴ / ۱۳۹۹ ، مسند ابن حنبل : ۵ / ۴۰۴ / ۱۵۹۵۹ و ص ۵۲۲ / ۱۶۴۰۰ ، المستدرک على الصحيحين : ۱ / ۲۷۳ / ۵۹۷ كلّها عن عبدالله بن الأرقم .
- ۳- سنن أبى داود : ۱ / ۲۳ / ۹۱ ، المستدرک على الصحيحين : ۱ / ۲۷۴ / ۵۹۸ كلاهما عن أبى هريره .
- ۴- معانى الأخبار : ۱۶۴ / ۱ عن عيسى بن عبدالله العمرى عن آبائه عن الإمام على عليه السلام .
- ۵- معانى الأخبار : ۲۳۷ / ۱ ، أمالى الصدوق : ۳۳۷ / ۱۲ كلاهما عن إسحاق بن عمار .

ص: ۹۳

۲ / ۲۳ الصلاة إلى غير ستره

۳ / ۲۳ فرقه الأصابع

۲۳ / ۲ نماز بدون پوشش روبرو

۲۳ / ۳ شکستن انگشتان

۲ / ۲۳ الصلاة إلى غير ستره رسول الله صلى الله عليه وآله: الصلاة إلى غير ستره من الجفاء ، ومن صلى في فلاة فليجعل بين يديه مثل مؤخره الرجل (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: إذا صلى أحدكم فليصل إلى ستره ، وليدن منها (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: من استطاع منكم أن لا يحول بينه وبين قبلته أحد فليفعل (۳).

عنه صلى الله عليه وآله: إذا قام أحدكم في الصلاة إلى ستره فليدن منها ، فإن الشيطان يمر بينه وبينها (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: ليستتر أحدكم في الصلاة بالخط بين يديه وبالحجر وبما وجد من شيء مع أن المؤمن لا يقطع صلاته شيء (۵).

ابن أبي عوف: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل ، هل يقطع صلاته شيء مما يمر بين يديه ؟ فقال : لا يقطع صلاة المؤمن شيء ، ولكن ادرؤوا ما استطعت (۶).

۳ / ۲۳ فرقه الأصابع (۷) الإمام الصادق عليه السلام: إن النبي صلى الله عليه وآله سمع خلفه فرقه فرقه رجل أصابعه في صلاته ، فلما انصرف قال النبي صلى الله عليه وآله : أما إنه حطه من صلاته (۸).

محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام: سألت عن الرجل يلتفت في الصلاة ؟ قال : لا ، ولا ينقض أصابعه (۹).

۲۳/۲ نماز بدون پوشش روبرو (۱۰) پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نماز بدون پیش رو نهادن چیزی، جفا و بی وفایی است. کسی که در بیابان نماز می خواند باید پیش رویش چیزی همچون دنباله جهاز شتر بنهد.

هرگاه یکی از شما نماز می خواند، رو به پوشش و نزدیک به آن بخواند.

هر یک از شما ، می تواند کاری کند که کسی میان او و قبله اش فاصله نشود ، پس چنین کند.

هرگاه یکی از شما ، در نماز به سمت پوششی می ایستد، به آن نزدیک گردد و گر نه شیطان از میان او و آن پوشش می گذرد (۱۱).

هر یک از شما در نماز، با خط کشی جلویش، سنگ و یا هر چه یافت برای خود پوششی بسازد، اگر چه چیزی نماز مؤمن را قطع نمی کند.

ابن ابی یعفور: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا اگر چیزی از جلوی انسان بگذرد، نماز را قطع و باطل می کند. فرمود: خیر، چیزی نماز مؤمن را قطع نمی کند، ولی هر اندازه می توانید، (آن را) دور کنید.

۳/۲۳ شکستن انگشتان امام صادق علیه السلام: پیامبر در پشت خود صدای انگشتان کسی که در نماز آن ها را می فشرد شنید، پس از آنکه نمازش را تمام کرد، حضرت فرمود: آگاه باشید، نصیب او از نماز همان است.

محمد بن مسلم: از امام باقر علیه السلام پرسیدم انسان در نماز به این سو و آن سو توجه می کند؟ فرمود: خیر و انگشتانش را نیز نمی شکند.

- ۱- دعائم الإسلام: ۱ / ۱۵۰، الجعفریات: ۴۲ عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام إلى قوله: «من الجفاء».
- ۲- سنن أبي داود: ۱/۱۸۶/۶۹۸، سنن ابن ماجه: ۱ / ۳۰۷ / ۹۵۴، السنن الكبرى: ۲ / ۳۷۸ / ۳۴۴۶ کلها عن أبي سعيد، المستدرک علی الصحیحین: ۱ / ۳۸۱ / ۹۲۲ عن سهل بن أبي حثمه.
- ۳- سنن أبي داود: ۱ / ۱۸۶ / ۶۹۹، مسند ابن حنبل: ۴ / ۱۶۵ / ۱۱۷۸۰ کلاهما عن أبي سعيد.
- ۴- دعائم الإسلام: ۱ / ۱۵۰؛ سنن أبي داود: ۱ / ۱۸۵ / ۶۹۵، سنن النسائي: ۲ / ۶۲، مسند ابن حنبل: ۵ / ۴۴۵ / ۱۶۰۹۰ کلها عن سهل بن أبي حثمه وفيها: «فَلَيْدَنْ مِنْهَا لَا يَقْطَعُ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ».
- ۵- تاریخ دمشق: ۸ / ۲۹۱، تاریخ جرجان: ۶۰۵ کلاهما عن أنس.
- ۶- م. الکافی: ۳ / ۲۹۷ و ۳ / ۳۶۵، التهذيب: ۲ / ۳۲۳ / ۱۳۲۲ کلاهما عن الحلبي وص ۳۲۲ / ۱۳۱۸.
- ۷- فَرْقَعَهُ الْأَصَابِعَ: غَمَزُهَا حَتَّى يُسْمَعَ لِمَفَاصِلِهَا صَوْتُ (النهاية: ۳ / ۴۴۰).
- ۸- الکافی: ۳ / ۳۶۵ / ۸ عن مسمع أبي سيار.
- ۹- الکافی: ۳ / ۳۶۶ / ۱۲، التهذيب: ۲ / ۱۹۹ / ۷۸۱.
- ۱۰- منظور از پوشش در اینجا، لزوما پرده و دیوار نیست، بلکه هر آنچه که حریم و مرزی برای نمازگزار پدید آورد کافی است همچون عصا و سنگ و ...
- ۱۱- عبارت مسند ابن حنبل چنین است: «بدان نزدیک گردد، [تا] شیطان نمازش را قطع نکند».

ص: ۹۴

۴ / ۲۳ العتب

۵ / ۲۳ الالتفات

۲۳ / ۴ بازی کردن

۲۳ / ۵ به این سو و آن سو روی گرداندن

۴ / ۲۳ العتب رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام : يا علي ، كره الله عز وجل لأمتي العتب في الصلاة (۱) .

عنه صلى الله عليه وآله : إن الله تبارك وتعالى كره لي ست خصال وكرهتهن للأوصياء من ولدي وأتباعهم من بعدى : العتب في الصلاة ... (۲) .

أنس بن مالك : إن رسول الله صلى الله عليه وآله رأى رجلاً يحرك الحصى وهو في الصلاة ، فلما انصرف قال للرجل : هو خطأك من صلاتك (۳) .

الإمام علي عليه السلام : لا يعتب الرجل في صلاته يلحيته ولا بما يشغله عن صلاته (۴) .

راجع : الحديث ۲۲۷ و ۲۲۸ .

۵ / ۲۳ الالتفات رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تلتفتوا في صلاتكم فإنه لا صلاة للمتلف (۵) .

عنه صلى الله عليه وآله : إياك والالتفات في الصلاة ، فإن الالتفات في الصلاة هلكه ، فإن كان لابد ففي التطوع لا في الفريضة (۶) .

عنه صلى الله عليه وآله في بيان كلام يحيى عليه السلام لبني إسرائيل : إن الله أمركم بالصلاة ، فإذا صليتم فلا تلتفتوا ، فإن الله ينصب وجهه لوجه عبده في صلاته ما لم يلتفت (۷) .

۲۳/۴ بازی کردن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله ای علی ، خداوند عز و جل بازی کردن در نماز را برای امت من ، نپسندیده است (۸)

همانا خداوند تبارک و تعالی شش خصلت را برای من نپسندیده و من نیز آن ها را برای جانشینان از نسلم و پیروانشان نپسندیده ام : بازی کردن در نماز ... (۹) .

انس بن مالک: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله مردی را دید که در نماز، سنگریزه ها را تکان می دهد . پس از آنکه نمازش را تمام کرد، حضرت به آن مرد فرمود: نصیب تو از نماز همان است.

امام علی علیه السلام: مرد، در نماز با ریشش و آنچه او را از نمازش به خود مشغول می دارد، بازی نمی کند.

۵/۲۳ به این سو و آن سو روی گرداندن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نمازتان به این سو و آن سو روی نگردانید، که چنین کسی نمازی ندارد.

مبادا در نماز، به این سو و آن سو روی گردانید، که روی گرداندن در نماز، هلاکت است. اگر چاره ای نیست در نماز مستحب، و نه در واجب، انجام گیرد.

۱- الفقیه: ۴ / ۳۵۷ / ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ۳/۳۰۰/۲ عن الحسن بن أبي الحسن الفارسی عن حماد بن محمد عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، أمالي الصدوق: ۲۴۸/۳ عن عبد الله بن الحسين عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و آلهم لفظهما: «إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ أَيْتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصْلَةً وَنَهَاكُمْ عَنْهَا كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ...».

۲- أمالی الصدوق: ۳ / ۶۰، فضائل الأشهر الثلاثة: ۷۷ / ۶۰ كلاهما عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الفقیه: ۱ / ۱۸۸ / ۵۷۵، الخصال: ۳۲۷ / ۱۹ عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آلهم وفيه «كرههن» مكان «كرهتهن».

۳- مسند أبي يعلى: ۴ / ۱۱۸ / ۴۰۰۰.

۴- الخصال: ۶۲۰ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

۵- المعجم الأوسط: ۲ / ۲۹۴ / ۲۰۲۱، مجمع الزوائد: ۲ / ۲۳۳ / ۲۴۲۹ وفيه «لا صلاة لملتفت» كلاهما عن عبد الله بن سلام.

۶- سنن الترمذی: ۲ / ۴۸۴ / ۵۸۹ عن أنس.

۷- سنن الترمذی: ۵ / ۱۴۸ / ۲۸۶۳، مسند ابن حنبل: ۶ / ۹۰ / ۱۷۱۷۰، المستدرک علی الصحیحین: ۱ / ۵۸۳ / ۱۵۳۴ نحوه وکلهما عن الحارث الأشعری.

۸- در «کافی» و «امالی صدوق» متن روایت چنین است: «ای امت، خداوند بیست و چهار خصلت را برای شما نپسندیده و شما را از آن ها باز داشته است، بازی کردن در نماز...».

۹- در «خصال» به جای «من نیز آن ها را نپسندیده ام» آمده است: «و خدا برای آنان نیز نپسندیده است».

ص: ۹۵

عنه صلى الله عليه و آله: لَا يَزَالُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مُقْبِلًا عَلَى الْعَبْدِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ ، فَإِذَا التَّفَتَ انْصَرَفَ عَنْهُ (۱) .

عنه صلى الله عليه و آله: مَا التَّفَتَ عَبْدٌ قَطُّ فِي صَلَاتِهِ إِلَّا قَالَ لَهُ رَبُّهُ : أَيْنَ تَلْتَفِتُ [يَا] ابْنَ آدَمَ ، أَنَا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا تَلْتَفِتُ إِلَيْهِ (۲) .

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ (۳) .

الإمام علي عليه السلام: الْإِلْتِفَاتُ فِي الصَّلَاةِ اخْتِلَاسٌ مِنَ الشَّيْطَانِ ، فَإِيَّاكُمْ وَالْإِلْتِفَاتَ فِي الصَّلَاةِ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُقْبِلُ عَلَى الْعَبْدِ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ ، فَإِذَا التَّفَتَ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : يَا بَنَ آدَمَ ، عَمَّنْ تَلْتَفِتُ ؟ ثَلَاثًا فَإِذَا التَّفَتَ الرَّابِعَةَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ (۴) .

الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا اسْتَفْتَحَ الْعَبْدُ صَلَاتَهُ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ وَوَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يَلْتَقِطُ الْقُرْآنَ مِنْ فِيهِ التَّقَاطُ ، فَإِنْ أَعْرَضَ الْعَبْدُ عَنْ صَلَاتِهِ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْهُ وَوَكَّلَهُ إِلَى الْمَلَكِ ، وَإِنْ أَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ بِكُلِّهِ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ حَتَّى تُرْفَعَ صَلَاتُهُ كَامِلَةً ، وَإِنْ سَهَا فِيهَا أَوْ غَفَلَ أَوْ شَغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِهَا رُفِعَ مِنْ صَلَاتِهِ بِقَدَرِ مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا ، وَلَا يُعْطَى الْقَلْبُ الْغَافِلُ شَيْئًا (۵) .

عنه عليه السلام في قَوْلِهِ تَعَالَى : «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (۶) : فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (۷) : قُمْ فِي الصَّلَاةِ وَلَا تَلْتَفِتْ يَمِينًا وَلَا شِمَالًا (۸) .

در توضیح گفتار یحیی به بنی اسرائیل : خداوند شما را به نماز فرمان داده است، پس هرگاه نماز می خوانید به این سو و آن روی نگردانید ، که خدا در نماز رو به چهره بنده اش می کند تا آنگاه که او روی گرداند.

پیوسته خدای عز و جل در نماز رو به بنده اش دارد ، تا آنگاه که روی نگردانده است. پس اگر روی گرداند، خدا نیز روی می گرداند.

هیچگاه بنده در نمازش روی نمی گرداند ، جز اینکه پروردگارش به او می گوید: ای فرزند آدم، به کجا رو می کنی؟ من برای تو از آنچه بدان روی آورده ای، بهترم.

هر کس در نماز از روی قصد به آن که در چپ و راستش هست، پی ببرد، نمازی ندارد.

امام علی علیه السلام: روی گرداندن در نماز، ربودنی از شیطان است. پس مبدا در نماز به این سو و آن سو روی گردانید ، که خداوند تبارک و تعالی، هنگام به نماز ایستادن بنده، به او روی می آورد و آنگاه که روی گرداند ، خداوند تبارک و تعالی می گوید: ای فرزند آدم، از چه کسی روی می گردانی؟ تا سه بار پس در بار چهارم خداوند از او روی می گرداند ۹ .

امام صادق علیه السلام: هنگامی که بنده نماز را آغاز می کند، خداوند با روی کریمانه اش به او روی می آورد و فرشته ای را بر او می گمارد ، تا قرآن را کامل و تمام از لبش برچیند. پس اگر بنده از نمازش روی گرداند، خداوند نیز روی می گرداند و او را به همان فرشته می سپارد و اگر در همه نمازش، به آن متوجه باشد، خداوند با روی کریمانه اش به او رو میکند تا آنکه نمازش کامل و تمام بالا رود. و اگر در آن دچار فراموشی یا غفلت گردید یا سرگرم به چیزی جز خدا شد، از نمازش، همان اندازه بالا می رود که به خدا روی آورده است و به دل غافل هیچ چیز، بخشیده نمی شود.

درباره گفته خداوند تعالی: «پاکدلانه روی به دین داشته باش»: در نماز بایست و به راست و چپ روی مگردان.

.

- ۱- سنن أبی داود: ۱ / ۲۳۹ / ۹۰۹، سنن النسائی: ۳ / ۸، سنن الدارمی: ۱ / ۳۵۲ / ۱۳۹۵، مسند ابن حنبل: ۸ / ۱۱۹ / ۲۱۵۶۴، المستدرک علی الصحیحین: ۱ / ۳۶۱ / ۸۶۲ کلّها عن أبی ذرّ وفی الأربعة الأخیره: «فإذا صرف وجهه» مکان «فإذا التفت».
- ۲- شعب الإيمان: ۳ / ۱۳۸ / ۳۱۲۷ عن أبی هریره.
- ۳- عوالی اللآلی: ۱ / ۳۲۴ / ۶۴ عن معاذ بن جبل.
- ۴- قرب الإسناد: ۱۵۰ / ۵۴۶ عن أبی البختری عن أبیه، ثواب الأعمال: ۲۷۳ / ۱ عن داود بن حصین عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه من دون صدر الروایه.
- ۵- مکارم الأخلاق: ۲ / ۶۶ / ۲۱۶۴.
- ۶- الروم: ۳۰.
- ۷- تفسیر القمّی: ۲ / ۱۵۵ عن الفضیل بن یسار وربعی بن عبد الله.
- ۸- در نقل «ثواب الأعمال» آغاز روایت نیامده است.

ص: ۹۶

۶ / ۲۳ الکسل

۲۳ / ۶ سستی کردن

ابنُ اَبی جُمهور: وَرَدَ فِي الْخَبَرِ: إِذَا أَحْرَمَ الْعَبْدُ بِالصَّلَاةِ جَاءَهُ الشَّيْطَانُ فَيَقُولُ: أَذْكَرَ كَذَا، أَذْكَرَ كَذَا، حَتَّى يَصِلَ الرَّجُلُ إِلَى أَنَّهُ لَمْ يَدْرِ كَمْ صَلَّى (۱).

راجع: الفصل ۱۳ / ۱۳ و ۱۳ / ۱۴ و ۲۳ / ۱۱ و ۲۷ / ۶؛ والحديث ۳۲۵ و ۵۷۰.

۶ / ۲۳ الکسل کتاب: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاوُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (۲).

«وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ» (۳).

أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ: دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (الْمَسْجِدَ) فَإِذَا حَبْلٌ مَمْدُودٌ بَيْنَ السَّارِيَتَيْنِ (۴)، فَقَالَ: مَا هَذَا الْحَبْلُ؟ قَالُوا: هَذَا حَبْلٌ لَزَيْنَبَ، فَإِذَا فَتَرَتْ تَعَلَّقَتْ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا، حُلُوهُ لِيُصَلَّ أَحَدُكُمْ نَشَاطَهُ، فَإِذَا فَتَرَ فَلْيَقْعُدْ (۵).

الإمام علي عليه السلام: تَكَاسَلُ الْمَرْءِ فِي الصَّلَاةِ مِنْ ضَعْفِ الْإِيمَانِ (۶).

الإمام الباقر عليه السلام: لَا تَقُمْ إِلَى الصَّلَاةِ مُتَكَاسِلًا وَلَا مُتَنَاعِسًا وَلَا مُتَثَقِّلًا فَإِنَّهَا مِنْ خِلَالِ النَّفَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ نَهَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَقُومُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَهُمْ سِيَّكَارَى يَعْنِي سَيَّكَرُ النَّوْمِ وَقَالَ لِلْمُنَافِقِينَ: «وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاوُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (۷).

ابن ابی جمهور: در روایت چنین آمده است: هرگاه بنده به نماز می ایستد و کارهایی را در آن هنگام بر خود حرام می گرداند، شیطان نزد وی می آید و می گوید: این را بیاد آر، آن را به یاد آر، تا به آنجا می رسد که نمی داند چند رکعت خوانده است.

۲۳/۶ سستی کردن «منافقان، با خدا نیرنگ می کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ می کند و چون به نماز ایستند، به سستی برخیزند، با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.»

«و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاقهای آنان نشد، جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند و جز با سستی نماز به جای نمی آورند و جز با کراهت انفاق نمی کنند.»

انس بن مالک: پیامبر داخل مسجد شد و با طنابی کشیده شده میان دو ستون روبرو شد. فرمود: این طناب برای چیست؟ گفتند: این طناب زینب است، هرگاه سست می شود بدان می آویزد. پس پیامبر فرمود: نه، آن را باز کنید. هر یک از شما تا آنگاه که نشاط دارد، نماز بخواند و هنگامی که سست شد بنشیند (۸).

امام علی علیه السلام: سستی کردن انسان در نماز از سستی ایمان است.

امام باقر علیه السلام: سست و خواب آلود و سنگین به نماز نیست که این ها از خوی منافقان است. همانا خداوند سبحان، مؤمنان را از ایستادن به نماز در حالت مستی یعنی مستی خواب باز داشته و در وصف منافقان گفته است: «و چون به نماز ایستند، به سستی برخیزند، با مردم ریا می کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند.» (۹).

۱- عوالی اللآلی : ۱ / ۴۰۹ / ۷۵ .

۲- النساء : ۱۴۲ .

۳- التوبه : ۵۴ .

۴- الساریه : الأسطوانه (النهايه : ۲ / ۳۶۵) .

۵- صحیح البخاری : ۱/۳۸۶/۱۰۹۹، صحیح مسلم : ۱/۵۴۲/۲۱۹، سنن أبی داود : ۲ / ۳۴ / ۱۳۱۲، وفیه «فقال رسول الله صلى الله عليه وآله : لَتَصِلَنَّ مَا أَطَاقَتْ فَمَاذَا أُعِيتَ فَلَتَجْلِسَ»، سنن ابن ماجه : ۱/۴۳۶/۱۳۷۱، مسند ابن حنبل : ۴ / ۲۰۳ / ۱۱۹۸۶، السنن الکبری : ۳ / ۲۶ / ۴۷۳۹ .

۶- الاثنا عشریه : ۲۰ .

۷- الکافی : ۳ / ۲۹۹ / ۱، تفسیر العیاشی : ۱ / ۲۴۲ / ۱۳۴، إلی قوله «یعنی سکر النوم» کلاهما عن زراره .

۸- در سنن ابی داود چنین آمده است: «پس پیامبر خدا فرمود: تا آنگاه که توان دارد نماز بخواند و هرگاه ناتوان شد، بنشیند».

۹- در تفسیر عیاشی، فقط تا «مستی خواب» آمده است و گفته خداوند درباره منافقان را ندارد.

ص: ۹۷

۷ / ۲۳ التَّائِبُ

۸ / ۲۳ النعاس

۲۳ / ۷ خمیازه کشیدن

۲۳ / ۸ خواب آلود بودن

۷ / ۲۳ التَّائِبُ (۱) رسول الله صلى الله عليه وآله: إِيَّاكُمْ وَشِدَّةَ التَّائِبِ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا عَوَّةُ (۲) الشَّيْطَانِ، وَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعُطَّاسَ وَيَكْرَهُ التَّائِبَ فِي الصَّلَاةِ (۳).

أبو أمامة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَكْرَهُ التَّائِبَ فِي الصَّلَاةِ (۴).

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا تَتَّوَبَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَكْظَمْ مَا اسْتَطَاعَ (۵).

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا تَتَّأَبَّ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ رَدَّهَا بِيَمِينِهِ (۶).

۸ / ۲۳ النُّعَاسُ الكتاب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (۷).

زَيْدُ الشَّحَّامُ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»؟ فَقَالَ: سَكْرُ النَّوْ (۸).

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي صَلَاتِهِ فَلْيَنْصَرِفْ وَلْيَرْقُدْ (۹).

الإمام علي عليه السلام: إِذَا غَلَبَتْ عَيْنُكَ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاقْطَعْ الصَّلَاةَ وَنَمْ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّكَ أَنْ تَدْعُو عَلَى نَفْسِكَ (۱۰).

۷/۲۳ خمیازه کشیدن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مبادا در نماز زیاد خمیازه بکشید، که صدای شیطان است. همانا خداوند عطسه را دوست و خمیازه را در نماز ناپسند دارد (۱۱).

ابو امامه: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله، خمیازه را در نماز ناپسند می داشت.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هرگاه یکی از شما در نماز دچار خمیازه شد، تا آنجا که می تواند آن را فرو خورد (۱۲).

امام علی علیه السلام: هرگاه پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در نماز دچار خمیازه میشد، با دست راستش جلوی آن را می گرفت.

۲۳/۸ خواب آلود بودن «ای ایمان آورندگان، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنگاه که بدانید چه می گوئید».

زید شحّام: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: معنای گفته خدای عز و جل در آیه «در حال مستی به نماز نزدیک نشوید» چیست؟ فرمود: مستی خواب (۱۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه یکی از شما در نمازش خواب آلود شد، آن را رها کند و بخوابد (۱۴).

امام علی علیه السلام: هرگاه در نماز، خواب بر چشم غلبه کرد، نماز را قطع کن و بخواب که تو نمی دانی، شاید بر ضد خودت دعا میکنی.

- ۱- التَّائِبُ: فتره تعتری الشخص فیفتح عندها فاه (مجمع البحرين: ۱ / ۳۰۵).
- ۲- العَوَّه: الصوت وأصلها عویه بالياء فادغم (كما فی هامش المصدر).
- ۳- دعائم الإسلام: ۱ / ۱۷۴ عن الإمام علی علیه السلام، الجعفریات: ۴۱ عن إسماعیل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام قوله: «إِنَّ اللَّهَ...».
- ۴- المعجم الكبير: ۸ / ۱۳۱ / ۵۷۹۸.
- ۵- صحيح مسلم: ۴ / ۲۲۹۳ / ۵۹، مسند ابن حنبل: ۴ / ۷۵ / ۱۱۳۲۳ وفيه «فَلْيَضَعْ يَدَهُ عَلَى فِيهِ» مكان «فليكظم ما استطاع»، السنن الكبرى: ۲ / ۴۱۱ / ۳۵۷۷ كلها عن أبي سعيد.
- ۶- دعائم الإسلام: ۱ / ۱۷۵، الجعفریات: ۳۶ عن إسماعیل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- ۷- النساء: ۴۳.
- ۸- م. الكافي: ۳ / ۳۷۱ / ۱۵، التهذيب: ۳ / ۲۵۸ / ۷۲۲، الفقيه: ۱ / ۴۷۹ / ۱۳۸۶ عن زكريّا النّقاّض عن الإمام الباقر عليه السلام وفيه «مِنْهُ سَكْرُ النَّوْمِ».
- ۹- سنن النسائي: ۱ / ۲۱۶، مسند ابن حنبل: ۴ / ۳۰۱ / ۱۲۵۲۲ وفيه «فَلْيَنْصَرِفْ فَلْيَنْصَرِفْ حَتَّى يَعْلَمَ مَا يَقُولُ»، مسند أبي يعلى: ۳ / ۱۹۲ / ۲۷۹۲ وفيه «فَلْيَنْصَرِفْ حَتَّى يَعْقِلَ مَا يَقُولُ» وح ۲۷۹۳ وفيه «فَلْيَنْصَرِفْ حَتَّى يَعْلَمَ مَا يَفْعَلُ» كلها عن أنس.
- ۱۰- علل الشرائع: ۳۵۳ / ۱، الخصال: ۶۲۹ / ۱۰ كلاهما عن أبي بصير والأخير عن محمد بن مسلم أيضا عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- ۱۱- در نقل جعفریات، حدیث از «همانا خداوند» آغاز شده است و بخش نخست آن نیامده است.
- ۱۲- در مسند ابن حنبل به جای عبارت «تا آنجا که می تواند خود را نگه دارد»، عبارت «پس دستش را بر دهانش بنهد» آمده است.
- ۱۳- در نقل فقیه دارد: «از جمله، مستی خواب».
- ۱۴- در نقل مسند ابن حنبل چنین آمده است: «پس رها کند و بخوابد تا آنگاه که می داند چه می گوید» و در یک نقل مسند ابی یعلی آمده است «پس رها کند، تا آنگاه که می فهمد چه می گوید» و در نقل دیگرش آمده است «پس رها کند، تا آنگاه که می داند چه می کند».

ص: ۹۸

۹ / ۲۳ العجله

۱۰ / ۲۳ غمض العين

۲۳ / ۹ شتاب ورزیدن

۲۳ / ۱۰ چشم بستن

الْحَلْبِي: سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» قَالَ: لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى يَعْنِي سَكْرَ النَّوْمِ، يَقُولُ: وَبِكُمْ نِعَاسٌ يَمْنَعُكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ فِي رُكُوعِكُمْ وَسُجُودِكُمْ وَتَكْبِيرِكُمْ، وَلَيْسَ كَمَا يَصِفُ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ يَزَعَمُونَ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَسْكُرُونَ مِنَ الشَّرَابِ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يَشْرَبُ مُسْكِرًا وَلَا يَسْكُرُ (۱).

۹ / ۲۳ الْعَجَلَهَا إِمَامُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي الصَّلَاةِ فَخَفَّفَ صَلَاتَهُ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: أَمَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ قِضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدٍ غَيْرِي؟! أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ قِضَاءَ حَوَائِجِهِ بِيَدِي؟! (۲).

عنه عليه السلام لِمَنْ قَالَ لَهُ: الرَّجُلُ تَكُونُ لَهُ الْحَاجَةُ يَخَافُ فَوْتَهَا أُيْخَفُفُ الصَّلَاةُ؟: أَوَلَا يَعْلَمُ أَنَّ حَاجَتَهُ إِلَى الَّذِي يُصَلِّي إِلَيْهِ؟! (۳).

۱۰ / ۲۳ غَمَضُ الْعَيْنِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلَا يُغْمِضُ عَيْنَهُ (۴).

الإمام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى أَنْ يَغْمِضَ الرَّجُلُ عَيْنَهُ فِي الصَّلَاةِ (۵).

حلبی: از او علیه السلام درباره گفته خدا پرسیدم: «ای ایمان آورندگان، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا آنگاه که بدانید چه می گوئید». فرمود: در حال مستی به نماز نزدیک نشوید؛ یعنی مستی خواب. خداوند می گوید: خواب آلود هستید و این شما را از اینکه بدانید در رکوع و سجود و تکبیرتان چه می گوئید، باز می دارد، نه آنچنان که بسیاری از مردم خیال می پندارند که مؤمنان از شراب مست می شوند و حال آنکه مؤمن چیز مست کننده نمی نوشد و مست نمیکند.

۹/۲۳ شتاب ورزیدن امام صادق علیه السلام: هرگاه بنده به نماز ایستد و نمازش را مختصر کند، خداوند تبارک و تعالی به فرشتگانش می گوید: آیا به بنده من نمی نگرید؟ گویا بر آوردن نیازهایش را به دست غیر من می بیند! آیا نمی داند که بر آوردن نیازهایش به دست من است؟

به کسی که گفت: (گاه) انسان نیازی دارد که می ترسد فوت شود، آیا نماز را مختصر کند؟: آیا نمی داند که نیازش به هموست که به سویش نماز می گزارد؟

۱۰/۲۳ چشم بستن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما به نماز ایستاد، چشمانش را نبندد.

امام علی علیه السلام: همانا پیامبر از چشم بستن مرد در نماز، نهی کرد.

- ۱- تفسیر العیاشی : ۱ / ۲۴۲ / ۱۳۷ .
- ۲- الکافی : ۳ / ۲۶۹ / ۱۰ ، التهذیب : ۲ / ۲۴۰ / ۹۵۰ ، فلاح السائل : ۱۶۰ کلّها عن هشام بن سالم .
- ۳- ربیع الأبرار : ۲ / ۱۴۹ .
- ۴- المعجم الكبير : ۱۱ / ۲۹ / ۱۰۹۵۶ ، المعجم الأوسط : ۲ / ۳۵۶ / ۲۲۱۸ ، المعجم الصغير : ۱ / ۱۷ کلّها عن ابن عباس .
- ۵- التهذیب : ۲ / ۳۱۴ / ۱۲۸۰ عن مسمع ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۷۵ کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام .

۱۱ / ۲۳ الصلاة فيما يلي من الأماكن

۲۳ / ۱۱ نماز خواندن در مکانهایی که ذکرشان می آید

۱۱ / ۲۳ الصلاة فيما يلي من الأماكن رسول الله صلى الله عليه وآله: الأرض كلها مسجدٌ إلا المقبرة والحما (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: ليس ينبغي أن يكون في البيت شيء يشغل المصلّي (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: ثلاثة لا يتقبل الله عز وجل لهم بالحفظ... رجلٌ صلى على قارعه الطريق (۳).

ابن عمر: إن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى أن يصلي في سبعة مواطن: في المزبلة، والمجزرة (۴)، والمقبرة، وقارعه الطريق، وفي الحمام، و [في] معاطن الإبل (۵)، وفوق [ظهر] بيت الله (۶).

عبدالله بن عطاء: سار (أبو جعفر عليه السلام) وسرت حتى إذا بلغنا موضعا آخر قلت له: الصلاة جعلت فداك، فقال: هذا وادي النمل لا يصلي فيه، حتى إذا بلغنا موضعا آخر قلت له مثل ذلك، فقال: هذه الأرض ماله لا يصلي فيها (۷).

الإمام الصادق عليه السلام: عشره مواضع لا يصلي فيها: الطين والماء والحما والقبور ومسائر الطريق وقرى النمل ومعاطن الإبل ومجرى الماء والسبخ والتلج (۸).

عنه عليه السلام: لا يصلي في بيت فيه خمر أو مسكر (۹).

عنه عليه السلام: لا تصل في بيت فيه خمر ولا مسكر لأن الملائكة لا تدخله (۱۰).

۱۱/۲۳ نماز خواندن در مکانهایی که ذکرشان می آید پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: همه زمین مسجد است، جز مقبره و حما (۱۱).

شایسته نیست در اتاق چیزی باشد، که نماز گزار را مشغول دارد (۱۲).

سه کس هستند که خداوند عز و جل نگهداری آنان را نپذیرفته است: ... کسی که در میان جاده نماز می گزارد.

ابن عمر: همانا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از نماز خواندن در هفت مکان، نهی کرد: در جایگاه زباله، قربانگاه، مقبره، میان راه، در حمام، جای باش شتران و پشت بام خانه خدا.

عبدالله بن عطاء: امام باقر علیه السلام حرکت کرد و من نیز با ایشان روانه شدم، تا اینکه به جایی دیگر رسیدیم. به ایشان گفتم: نماز، فدایت شوم. فرمود: اینجا لانه مورچگان است، در آن نماز خوانده نمی شود به جایی دیگر رسیدیم. همانگونه گفتم، فرمود: اینجا شوره زار است، در آن نماز خوانده نمی شود (۱۳).

امام صادق علیه السلام: ده مکان است که در آن ها نماز خوانده نمی شود: گل، آب، حمام، گورستان، راهی که در آن رفت و

آمد می شود، لانه مورچگان، جای باش شتران، راه آب، شوره زار و یخ و برف.

در اتاقی که شراب یا مست کننده دیگری باشد، نماز خوانده نمی شود.

در اتاقی که در آن شراب یا مست کننده دیگری هست، نماز نخوان؛ زیرا فرشتگان داخل آن نمی شوند.

۱- م. سنن الترمذی: ۲ / ۱۳۱ / ۳۱۷، سنن أبی داود: ۱ / ۱۳۳ / ۴۹۲، سنن ابن ماجه: ۱ / ۲۴۶ / ۷۴۵، سنن الدارمی: ۱ / ۳۴۴ / ۱۳۶۲، مسند ابن حنبل: ۴ / ۱۶۵ / ۱۱۷۸۴ و فيه «كَلَّ الْأَرْضَ مَسْجِدَ وَطُحُورٍ إِلَّا...»، المستدرک علی الصحیحین: ۱ / ۳۸۱ / ۹۱۹ کلّها عن أبی سعید .

۲- سنن أبی داود: ۲ / ۲۱۵ / ۲۰۳۰، مسند ابن حنبل: ۹ / ۶۸ / ۲۳۲۸۱، المعجم الكبير: ۹ / ۶۲ / ۸۳۹۶ کلّها عن عثمان بن طلحه، التاريخ الكبير: ۶ / ۲۱۱ عن أمّ عثمان بنت سفیان وفيه «يلهي» مكان «يشغل» .

۳- الخصال: ۱۴۱ / ۱۶۱ عن محمد بن الحسين بإسناده رفعه .

۴- المجزرة: الموضع الذي تُنحر فيه الإبل وتُذبح فيه البقر والشاء (النهاية: ۱ / ۲۶۷) .

۵- العَطَنَ لِلإِبِلِ كَالْوَطَنِ لِلنَّاسِ، وقد غلب على مَبَرِّكها حول الحوض، والمَعَطَنَ كذلك (لسان العرب: ۱۳ / ۲۸۶) .

۶- سنن الترمذی: ۲ / ۱۷۸ / ۳۴۶، سنن ابن ماجه: ۱ / ۲۴۶ / ۷۴۶ .

۷- الكافي: ۸ / ۲۷۶ / ۴۱۷، المحاسن: ۲ / ۹۲ / ۱۲۴۳ وفيه «لا نصلّي فيه... لا نصلّي فيها» مكان «لا يُصلّي فيه... لا يُصلّي فيها» .

۸- الكافي: ۳ / ۳۹۰ / ۱۲، الاستبصار: ۱ / ۳۹۴ / ۱۵۰۴، الخصال: ۴۳۴ / ۲۱ کلّها عن عبدالله بن الفضل عمّن حدّثه، الفقيه: ۱ / ۲۴۱ / ۷۲۵، المحاسن: ۱ / ۷۷ / ۳۹ عن محمد بن أبی عمير عمّن رواه و ج ۲ / ۱۱۵ / ۱۳۱۹ عن عبدالله بن الفضل عن أبيه .

۹- الكافي: ۲۴ / ۳۹۲ / ۳، التهذيب: ۲ / ۸۶۴ / ۲۲۰ كلاهما عن عمّار الساباطی، الفقيه: ۱ / ۷۴۳ / ۲۴۶ وفيه «لا يجوز الصلاة في بيت فيه

خمر محصورة في آنية» .

۱۰- التهذيب: ۱ / ۲۷۸ / ۸۱۷، و ج ۲ / ۱۱۶ / ۵۰۲، الاستبصار: ۱ / ۱۸۹ / ۶۶۰ کلّها عن عمّار الساباطی .

۱۱- م. نقل مسند ابن حنبل چنین است: «همه زمین مسجد و پاک کننده است جز...» .

۱۲- در تاریخ کبیر به جای «مشغول دارد» «سرگرم سازد» آمده است .

۱۳- در نقل محاسن به جای «نماز خوانده نمی شود... نماز خوانده نمی شود» آمده است «نماز نمی خوانیم... نماز نمی خوانیم» .

ص: ۱۰۰

المُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ؟ فَقَالَ: لَا، اجْتَنِبُوا الطَّرِيقَ (۱).

مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضِيلِ (۲): قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ طَرِيقٍ يَوْطَأُ وَيُتَطَرَّقُ كَانَتْ فِيهِ جَادَةٌ أَوْ لَمْ تَكُنْ لَا يَتَّبِعِي الصَّلَاةَ فِيهِ، قُلْتُ: فَأَيْنَ أَصَلَّى؟ قَالَ: يَمَنَّهُ وَيَسْرَهُ (۳).

معلى بن خنيس: از امام صادق علیه السلام درباره نماز بر روی جاده پرسیدم. فرمود: نه، از راه، دور شوید.

محمد بن فضیل (۴): امام رضا علیه السلام فرمود: هر راهی که بر آن گام گذاشته و رفت و آمد می شود، بزرگراه باشد یا نباشد، نماز در آن شایسته نیست. گفتم: پس کجا نماز بگزارم؟ فرمود: در چپ و راست آن.

۱- المحاسن: ۲ / ۱۱۳ / ۱۳۱۱.

۲- فی نسخه الکافی التي بأيدينا «محمد بن الفضل» ولكن صححناه لما ذكره المحقق الخوئي رحمه الله في معجم رجاله بما يلي: في الطبعة القديمة والمرآة محمد بن الفضيل وهو الصحيح الموافق للتهذيب الجزء ۲ باب ما يجوز الصلاة فيه من اللباس والمكان الحديث ۸۶۶ والوافي والوسائل أيضا.

۳- الكافي: ۳ / ۳۸۹ / ۸، التهذيب: ۲ / ۲۲۰ / ۸۶۶، الفقيه: ۱ / ۲۴۳ / ۷۲۸.

۴- در نسخه ای از «کافی» که در دسترس ماست «محمد بن فضل» آمده است. اما با توجه به تحقیق آیت الله خویی ره در کتابش «معجم رجال الحديث» که می فرماید: در نسخه قدیمی کافی و شرح آن «مرآة العقول» و نیز نقل «تهذيب الاحكام»، محمد بن فضیل آمده است، آن را تصحیح کردیم.

الفصل الرابع والعشرون : جوامع ما لا ينبغي للمصلّي

فصل بیست و چهارم : کلیات آنچه شایسته نماز گزار نیست

الفصل الرابع والعشرون: جوامع ما لا ينبغي للمصليّ الإمام على عليه السلام: لا يقومن أحدكم في الصلاة متكاسلاً ولا ناعساً ولا يفكرن في نفسه فإنه بين يدي ربه عز وجل ، وإنما للعبد من صلاته ما أقبل عليه منها بقلبه (۱).

الإمام الباقر عليه السلام: إذا قُمتَ في الصلاة فعليك بالإقبال على صلاتك، فإنما يحسب لك منها ما أقبلت عليه ، ولا تعبث فيها بيدك ولا برأسك ولا بليحتيك ، ولا تحدث نفسك ، ولا تتشاءب ، ولا تتمطّ (۲) ، ولا تكفر (۳) فإنما يفعل ذلك المجوس ، ولا تلثم (۴) ولا تحتفّز (۵) [ولا-] تُفرّج كما يُفرّج البعير ، ولا تُقع (۶) على قدميك ، ولا تفتّرش ذراعيك ، ولا تُفرّق أصابعك ، فإن ذلك كله نقصان من الصلاة (۷).

القاضي النعمان عن الإمام الصادق عليه السلام: أنه كره الثأوب والتمطى في الصلاة ، والثأوب إنما يعتریان عن الكسل ، فهو منهى عن أن يتعمّد أو يستعمل ، والثأوب شيء يعترى عن غير تعمّد ، فمن اعتراه ولم يملكه فليمسك يده على فيه ويردّه ولا يثنه ولا يمدّه (۸).

فصل بیست و چهارم: کلیات آنچه برای نماز گزار شایسته نیست امام علی علیه السلام: هیچیک از شما، سست و خواب آلود به نماز نایستد و به خود نیندیشد که همانا در پیشگاه پروردگار عز و جل می باشد. و برای بنده از نمازش تنها آنچه با دلش به آن توجه داشته، می ماند.

امام باقر علیه السلام: هنگامی که در نماز ایستاده ای به نمازت توجه کن ، که تنها آنچه بدان توجه داری برای حساب می شود و در آن با دست و سر و ریش بازی نکن ، با خود سخن مگو، خمیازه مکش و دستان و سینه ات را کشیده و باز مکن ، دستان را بر هم مگذار که این کار مجوس است (۹). بر دهانت چیزی مبنده، خود را جمع نکن ، بلکه باز کن همانگونه که شتر باز می کند، بر کف پاهایت منشین و ساعدهایت را بر زمین مگستران ، انگشتان را مشکن ، که همه این ها کم گذاشتن از نماز است.

قاضي نعمان از امام صادق علیه السلام: ایشان خمیازه و دستها را کشیدن و سینه باز کردن را در نماز ناپسند می شمرد (۱۰). خمیازه و دست و سینه باز کردن به جهت کسالت عارض می شوند و قصد آن و انجامش نهی شده است و خمیازه بی قصد هم می آید. پس هر کس به آن گرفتار شد و نتوانست خود را ننگه دارد ، دستش را بر روی دهانش بگذارد و جلوی آن را بگیرد و آن را تکرار نکند و طول ندهد.

.

۱- الخصال: ۶۱۳ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول: ۱۰۳ نحوه .

۲- مصدره التمثي من «المطو» وهو الممد (مجمع البحرين: ۴ / ۲۱۱) والظاهر أن المقصود هنا: مدّ اليدين .

۳- التكفير في الصلاة: هو الانحناء الكثير حاله القيام قبل الركوع ، قال في النهاية: والتكفير أيضا وضع إحدى اليدين على الأخرى

(مجمع البحرین : ۴ / ۵۴) .

۴- التلثم : شدّ الفمّ بالثام (النهايه : ۴ / ۲۳۱) ، واللاثام : ما كان على الفمّ من النقاب (لسان العرب : ۱۲ / ۵۳۳) .

۵- أى لا- تتضامّ فى سجودك بل تتخوّى كما يتخوّى البعير الضامر ، وهكذا عكس المرأه فإنّها تَحْتَفِزُ فى سجودها ولا- تتخوّى (مجمع البحرین : ۱ / ۵۳۷) ، وراجع : النهايه : ۱ / ۴۰۷ .

۶- الإقعاء : أن يضع إلیّته على عقبیه بین السجّدتین (مجمع البحرین : ۳ / ۵۳۳) .

۷- الکافی : ۳ / ۲۹۹ ، ۱ ، علل الشرائع : ۳۵۸ / ۱ کلاهما عن زراره .

۸- دعائم الإسلام : ۱ / ۱۷۴ .

۹- در متن حدیث «لا تکفّر» آمده است که به دو معناست : گذاشتن دستی بر دست دیگر و خم کردن بدن هنگام ایستادن پیش از رکوع .

۱۰- ظاهراً قاضی نعمان، مضمون حدیث را به زبان خود نقل کرده است.

ص: ۱۰۲

الإمام الصادق عليه السلام: إذا قُمتَ في الصَّلاةِ فاعلم أنَّكَ بينَ يَدَيِ اللَّهِ ، فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فاعلم أنَّه يَراكَ ، فَأَقْبِلْ قَبْلَ صَلَاتِكَ ، وَلَا تَمْتَحِطْ (۱) وَلَا تَبْزُقْ (۲) ، وَلَا تَنْقُضْ أَصَابِعَكَ وَلَا تَوَزَّكْ (۳) فَإِنْ قَوْمًا قَدْ عُدُّوا بِنَقْضِ الْأَصَابِعِ وَالتَّوَزُّكِ فِي الصَّلاةِ (۴) .

فقه الرضا عليه السلام: إذا أزدت أن تقوم إلى الصَّلاةِ ، فلا تقوم إليها متكاسلاً ولا مُتَناعِساً ولا مُسْتَعَجِلاً ولا مُتَلَاهِياً ، ولكن تأتينا على السُّكُونِ والوقارِ والتَّؤدَّةِ ، وَعَلَيْكَ الْخُشُوعُ والخُضُوعُ ، مُتَوَاضِعاً لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ مُتَخَاشِعاً ، عَلَيْكَ خَشْيَةُ وَسِيمَاءِ الْخَوْفِ ، رَاجِئاً خَائِفاً بِالطَّمَأْنِينَةِ عَلَى الْوَجَلِ وَالْحَذَرِ ، فِقْفَ بَيْنَ يَدَيْهِ كَالْعَبْدِ الْآبِقِ الْمُذْنِبِ بَيْنَ يَدَيِ مَوْلَاهُ ، فَصَفَّ قَدَمَيْكَ وَانْصَبَ نَفْسَكَ وَلَا تَلْتَفِتْ يَمِيناً وَشِمَالاً ، وَتَحَسَّبْ كَمَا أَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَراكَ ، وَلَا تَعْبَثْ بِلَحْيَتِكَ وَلَا بِشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِكَ ، وَلَا تُفَرِّقْ أَصَابِعَكَ وَلَا تُحَكَّ بَدَنَكَ ، وَلَا تَوَلَّعْ بِأَنفِكَ وَلَا بِثَوْبِكَ ، وَلَا تَصَلِّ وَأَنْتَ مُتَلَتِّمٌ . وَلَا يَجُوزُ لِلنِّسَاءِ الصَّلاةُ وَهُنَّ مُتَنَقِّبَاتٌ ، وَيَكُونُ بَصْرُكَ فِي مَوْضِعِ سُجُودِكَ مَا دُمْتَ قَائِماً ، وَأُظْهِرْ عَلَيْكَ الْجَزَعَ وَالْهَلَعَ وَالْخَوْفَ ، وَارْغَبْ مَعَ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عِزِّ وَجَلِّ ، وَلَا تَتَكَبَّرْ عَلَى إِحْدَى رِجْلَيْكَ وَمَرَّةً عَلَى الْأُخْرَى ، وَصَلِّ صِلَاةً مُؤَدَّعَةً تَرَى أَنَّكَ لَا تُصَلِّي أَبَداً ، وَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ . وَلَا تَعْبَثْ بِشَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ ، وَلَا تُحَدِّثْ بِنَفْسِكَ (۵) ، وَأَفْرِغْ قَلْبَكَ ، وَلِيَكُنْ شُغْلُكَ فِي صِلَاتِكَ ، وَأَرْسِلْ يَدَيْكَ أَلْصِقْهَا بِفَخْذَيْكَ . فَإِذَا افْتَتَحْتَ الصَّلاةَ فَكَبِّرْ ، وَارْفَعْ يَدَيْكَ بِحِذَاءِ أُذُنَيْكَ ، وَلَا تُجَاوِزْ بِإِبْهَامَيْكَ حِذَاءِ أُذُنَيْكَ ، وَلَا تَرْفَعْ يَدَيْكَ فِي الْمَكْتُوبَةِ حَتَّى تُجَاوِزَ بِهِمَا رَأْسَكَ ، وَلَا بِأَسْ بِذَلِكَ فِي النَّافِلَةِ وَالْوَتْرِ . فَإِذَا رَكَعْتَ فَأَلْقِمْ رُكْبَتَيْكَ رَاحَتَيْكَ ، وَتَفَرَّجْ بَيْنَ أَصَابِعِكَ ، وَاقْبُضْ عَلَيْهِمَا . وَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَانْصَبْ قَائِماً حَتَّى تَرْجِعَ مَفَاصِدَ لُكْ كُلِّهَا إِلَى الْمَكَانِ . ثُمَّ اسْجُدْ وَضِعْ جَبِينَكَ عَلَى الْأَرْضِ ، وَأَرْغِمْ عَلَى رَاحَتَيْكَ ، وَاضْمُمْ أَصَابِعَكَ ، وَضَعْهُمَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ . وَإِذَا جَلَسْتَ فَلَا تَجْلِسْ عَلَى يَمِينِكَ ، لَكِنْ انْصَبْ يَمِينَكَ واقْعُدْ عَلَى الْيَسَارِ ، وَلَا تَضَعْ يَدَكَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ ، لَكِنْ أَرْسِلْهُمَا إِرْسَالاً ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَكْفِيرُ أَهْلِ الْكِتَابِ . وَلَا تَمْتَطِ فِي صَلَاتِكَ ، وَلَا تَتَجَشَّأْ ، وَامْنَعْهُمَا بِجَهْدِكَ وَطَاقَتِكَ ، فَإِذَا عَطَسْتَ فَقُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ ، وَلَا تَطَأْ مَوْضِعَ سُجُودِكَ ، وَلَا تَتَقَدَّمْهُ مَرَّةً وَلَا تَتَأَخَّرْ أُخْرَى . وَلَا تُصَلِّ وَبِكَ شَيْءٌ مِنَ الْأَخْبَثِينَ ، وَإِنْ كُنْتَ فِي الصَّلاةِ فَوَحِدَتْ غَمراً فَانْصَرِفْ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَيْئاً تَصْبِرُ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِ إِضْرَارٍ بِالصَّلاةِ . وَأَقْبِلْ عَلَى اللَّهِ بِجَمِيعِ الْقَلْبِ وَبِوَجْهِكَ حَتَّى يَقْبِلَ اللَّهُ عَلَيْكَ . وَأَسْبِغِ الْوُضُوءَ ، وَعَفِّرْ جَبِينَكَ فِي التُّرَابِ ، وَإِذَا أَقْبَلْتَ عَلَى صِلَاتِكَ أَقْبِلْ اللَّهُ عَلَيْكَ بِوَجْهِهِ ، فَإِذَا أَعْرَضْتَ أَعْرَضَ اللَّهُ عَنْكَ (۶) .

امام صادق عليه السلام: هنگامی که به نماز ایستادی بدان که در پیشگاه خداوندی و اگر او را نمی بینی، بدان که او تو را می بیند. پس به نمازت توجه کن و آب بینی و دهان مینداز و انگشتانت را نشکن و هنگام ایستادن دستانت را بر پشت قرار مده (۷)، که گروهی به جهت انگشت شکستن و دست بر پشت نهادن، کفر شدند .

در فقه الرضا آمده است: هرگاه خواستی به نماز برخیزی، سست و خواب آلود و شتابان و بازی کنان بر نمی خیزی، بلکه آن را با آرامش و وقار و درنگ به جا می آوری و فروتن و افتاده باش، فروتن و افتاده برای خدای عز و جل با هاله ای از بیم و هراس، امیدوار و بیمناک، همراه با آرامش و ترس و احتیاط. پس در پیشگاه او همچون بنده گناهکار فراری در پیش اربابش بایست. پاهایت را در یک ردیف قرار ده و خود را راست نگه دار و به راست و چپ روی مگردان گویا که او را می بینی که اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند. با ریش و هیچیک از اندامت بازی مکن و انگشتانت را مشکن و بدنت را مخاران و به بینی و یا لباس مشغول مشو و در حالی که بر دهانت چیزی بسته ای، نماز مخوان. و برای زنان جایز نیست که با نقاب نماز بخوانند. هنگام ایستادن، دیده ات به سجده گاهت باشد و اظهار بی تابی و بی قراری و ترس کن و با این حالت به سوی خدای عز و جل، اشتیاق نشان بده

و سنگینیت را گاه بر این پا و گاه بر دیگری مینداز و همچون کسی که آخرین نمازش را می خواند، نماز بگزار ، گویا می بینی که دیگر هرگز نماز نمی خوانی. بدان که در پیشگاه (خدای) جباری، با هیچ چیز بازی ممکن و به خود فرو مرو و دلت را خالی ساز و به نمازت مشغول باش و دستانت را رها کن و بر رانهایت بنه. به هنگام آغاز نماز، تکبیر بگو و دستانت را تا روبروی گوشه‌های بالا ببر و انگشتان شست را از برابر گوشه‌های مگدران و در نماز واجب دستانت را آن اندازه بالا میاور تا از سرت بگذرد، گرچه در نماز مستحب و وتر اشکالی ندارد. هنگامی که رکوع کردی برآمدگی زانوانت را با کف دستانت در بر گیر و انگشتانت را از هم باز کن و پس از سر بر داشتن از رکوع، راست بایست تا همه مفصلها به جای خود برگردند. سپس سجده کن و پیشانیت را بر زمین بنه و کف دستانت را بر خاک بگذار و انگشتانت را به هم بچسبان و آن ها را رو به قبله قرار بده، هنگام نشستن بر سمت راست بدنت منشین، بلکه آن را بلند کن و بر سرینت بنشین و در نمازت، خمیازه مکش، آروغ مز و با تمام سعی و توان، از آن دو مانع شو. و هنگامی که عطسه کردی بگو: سپاس مخصوص خداوند است و بر سجده گاهت پا مگذار و پس و پیش مرو و در حالی که یکی از دو پلیدیها (بول و غائط) در تو هست، نماز مخوان و اگر در نماز فشاری احساس کردی، نماز را رها کن، مگر اینکه بتوانی بر آن صبر کنی بدون اینکه به نمازت زیانی برساند. و با همه دلت به خداوند روی آور تا خداوند به تو روی آورد. و وضو را کامل بگیر و پیشانی را بر خاک بمال ، هنگامی که به نمازت روی آوری، خداوند به تو روی می آورد و هنگامی که روی گردانی، خدا نیز از تو روی می گرداند.

۱- مَخَطُ الْمَخَاطِ : رماءٌ من أنفه ، وهو : السائل من الأنف كاللعاب من الفم (تاج العروس : ۱۰ / ۴۰۸) .

۲- التَّبْرُقُّ والتَّبْصُقُّ لغتان في التَّبْرُقِّ والتَّبْصُقِّ (لسان العرب : ۱۰ / ۱۹) .

۳- التَّوَرُّكُ في الصلاة ضربان : سِنَّه ، وهو أن يجلس على ورکه الأيسر ويُخْرِجَ رجله جميعاً من تحته ، ويجعل رجله اليسرى على الأرض وظاهر قدمه اليمنى إلى باطن قدمه اليسرى ويفضى بمقعده إلى الأرض . . . ومكروه ، وهو أن يضع يديه على ورکه في الصلاة وهو قائم ، وقد نهى عنه بقوله (الحديث . . .) . والورك بالفتح والكسر ، ككتف : ما فوق الفخذ (مجمع البحرين : ۴ / ۴۹۱) .

۴- التهذيب : ۲ / ۳۲۵ / ۱۳۳۲ عن أبي بصير .

۵- كذا ، والظاهر أنَّ الصواب «نفسك» (كما في هامش المصدر) .

۶- فقه الرضا عليه السلام : ۱۰۱ .

۷- در متن حدیث «لا تورک» آمده است. تورک دو گونه است ، یکی مستحب و دیگری مکروه است: گونه مستحب چنین است که بر سرین چپ می نشیند و هر دو پایش را از زیر خود ، خارج می سازد، پای چپ را بر زمین و روی پای راست را بر کف پای چپ می نهد و نشمینگاهش را به زمین می رساند و تورک مکروه آن است که در حالت ایستادن در نماز، دستانش را بر سرین خود بگذارد که از آن در حدیث نهی شده است. ورک به بالای ران گفته می شود: «سرین».

ص: ۱۰۳

..

ص: ۱۰۴

..

ص: ۱۰۵

الفصل الخامس والعشرون : التحذير من الاستخفاف بالصلاه

فصل بیست و پنجم : بیم دادن از سبک شمردن نماز

الفصل الخامس والعشرون: التحذير من الاستخفاف بالصلاه الكتاب: «وإذا ناديتُم إلى الصلاه اتخذوها هُزُوا ولعباً ذلك بأنهم قوم لا يعقلون» (۱).

رسول الله صلى الله عليه و آله : لا ينال شفاعتي من استخف بصلاته ، ولا يرد على الحوض لا والله (۲).

عنه صلى الله عليه و آله : عشرون خصله تورث الفقر : ... الاستخفاف بالصلاه (۳).

عنه صلى الله عليه و آله لا يثبت فاطمه عليها السلام لهما قالت له : يا أبتاه ، ما لمن تهاون بصلاته من الرجال والنساء ؟ : يا فاطمه ، من تهاون بصلاته من الرجال والنساء ابتلاه الله بخمس عشرة خصله : ست منها في دار الدنيا ، وثلاث عند موته ، وثلاث في قبره ، وثلاث في القيامة إذا خرج من قبره . فأما اللواتي تضيئ في دار الدنيا : فالأولى يرفع الله البركة من عمره ، ويرفع الله البركة من رزقه ، ويمحو الله عز وجل سيماء الصيالحين من وجهه ، وكل عمل يعمل لا يؤجر عليه ، ولا يرتفع دعاؤه إلى السماء ، والسادسه ليس له حظ في دعاء الصيالحين . وأما اللواتي تضيئ عند موته فأولهن أنه يموت ذليلاً ، والثانيه يموت جائعاً ، والثالثه يموت عطشاناً ؛ فلو سقي من أنهار الدنيا لم يرو عطشه . وأما اللواتي تضيئ في قبره : فأولهن يوكل الله به ملكاً يزعه في قبره ، والثانيه يضيق عليه قبره ، والثالثه تكون الظلمه في قبره . وأما اللواتي تضيئ يوم القيامة إذا خرج من قبره : فأولهن أن يوكل الله به ملكاً يسحب على وجهه والخلائق ينظرون إليه ، والثانيه يحاسب حساباً شديداً ، والثالثه لا ينظر الله إليه ولا يزكيه وله عذاب ألي (۴).

فصل بیست و پنجم: بیم دادن از سبک شمردن نماز قرآن: «و هنگامی که (با اذان، مردم را) به نماز می خوانید، آن را به مسخره و بازی می گیرند، زیرا آنان مردمی نابخردند.»

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله : به خدا سوگند، شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی رسد و در کنار حوض (کوثر) نزد من نمی آید.

بیست خصلت فقر می آورد: و سبک شمردن نماز .

در پاسخ دخترش فاطمه که پرسیده بود: ای پدر مردان و زنانی که نمازشان را سبک می شمردند چه (جزایی) دارند؟ فرمود: ای فاطمه، هر کس از مردان یا زنان نمازش را سبک بشمرد ، خداوند او را به پانزده خصلت مبتلا می کند: شش خصلت در دنیا، سه خصلت هنگام مرگش، سه خصلت در گورش و سه خصلت در قیامت هنگامی که از گورش بیرون می آید. اما آنچه در دنیا به او می رسد: خداوند برکت را از عمرش بر می دارد و نیز از روزیش ، سیمای صالحان را از چهره اش می زداید، به هر عملی که انجام میدهد پاداشی داده نمی شود، دعایش به آسمان نمی رود و ششم اینکه برای او در دعای صالحان نصیبی نیست. و اما آنچه هنگام مرگش به او می رسد نخستین آن ها این است که خوار می میرد، دوم گرسنه می میرد و سوم، تشنه می میرد، پس اگر از نهرهای دنیا به او بنوشانند، سیراب نمی شود. و اما آنچه در گورش به او می رسد: نخستین آن ها این است که خداوند فرشته ای می گمارد

تا او را در گورش آشفته سازد، دوّم اینکه گورش را بر او تنگ می کند و سوّم اینکه گورش تاریک است. و اما آنچه روز قیامت هنگام بیرون آمدن از گورش به او می رسد: نخستین آن ها این است که خداوند فرشته ای می گمارد تا او را با صورت (روی زمین) بکشد در حالی که مردم به او می نگرند، دوّم اینکه بازخواست سختی می شود و سوّم اینکه خداوند به او نمی نگرد و پاکش نمی سازد و عذابی دردناک دارد.

۱- المائدة : ۵۸ .

۲- الکافی : ۶ / ۴۰۰ / ۱۹ ، التهذیب : ۹ / ۱۰۶ / ۴۵۷ کلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، المحاسن : ۱ / ۱۵۹ /

۲۲۳ عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، روضه الواعظین : ۳۴۹ .

۳- جامع الأخبار : ۳۴۳ / ۹۵۱ .

۴- م فلاح السائل : ۲۲ .

ص: ۱۰۶

الإمام الباقر عليه السلام: لا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ ، فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: وَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ خَمْسُونَ سَنَةً وَمَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً فَأَيُّ شَيْءٍ أَشَدُّ مِنْ هَذَا؟! وَاللَّهِ إِنَّكُمْ لَتَعْرِفُونَ مِنْ جِيرَانِكُمْ وَأَصْحَابِكُمْ مَنْ لَوْ كَانَ يُصَلِّي لِيُعْضَتَكُمْ مَا قَبِلَهَا مِنْهُ لاسْتِخْفَافِهِ بِهَا ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَقْبَلُ إِلَّا الْحَسَنَ ، فَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُسْتَخَفُّ بِهِ! (۲).

أبو بصير: دَخَلْتُ عَلَى أُمِّ حَمِيدَةَ أُعْزِبُهَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَكَتُ وَبَكَتُ لِبُكَائِهَا ، ثُمَّ قَالَتْ : يَا أَبَا مُحَمَّدٍ ، لَوْ رَأَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْمَوْتِ لَرَأَيْتَ عَجَبًا ، فَتَحَّ عَيْنِيهِ ثُمَّ قَالَ : اجْمَعُوا إِلَيَّ كُلُّ مَنْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ قَرَابَةٌ ، قَالَتْ : فَلَمْ تَتْرُكْ أَحَدًا إِلَّا جَمَعْنَاهُ ، قَالَتْ : فَتَنَظَّرَ إِلَيْهِمْ ثُمَّ قَالَ : إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخَفًّا بِالصَّلَاةِ (۳).

امام باقر عليه السلام: نمازت را سبک مشمار که همانا پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رحلتش فرمود: هر کس نماز را سبک بشمارد از من نیست (۴).

امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند بر شخص، پنجاه سال می گذرد حال آن که خداوند ، یک نماز از او نپذیرفته است. چه چیز از این سخت تر است؟ به خدا سوگند، شما از همسایگان و همراهانتان کسانی را می شناسید که اگر برای برخی از شما نماز گزارده بود، آن را به خاطر سبک شمردنش نمی پذیرفت. همانا خدای عز و جل جز نیکو نمی پذیرد . پس چگونه آنچه را که سبک شمرده شده بپذیرد؟

ابوبصیر: بر اُمِّ حَمِيدَةَ (همسر امام صادق) وارد گشتم تا او را به جهت رحلت ابو عبدالله امام صادق علیه السلام تسلیت دهم . پس او گریست و من نیز از گریه او گریستم . سپس گفت: ای ابو محمد (۵) ، اگر ابو عبدالله علیه السلام را هنگام مرگ می دیدی، به شگفت می آمدی؛ چشمانش را باز کرد و سپس فرمود: هر کس را میان من و او پیوند خویشاوندی است، گرد آورید. (ام حَمِيدَةَ) گفت: هیچکس را رها نکردیم مگر اینکه گرد آوردیم. پس به آن ها نگریست، سپس فرمود: همانا شفاعت ما به سبک شمارنده نماز نمی رسد (۶).

۱- .الكافی : ۳ / ۲۶۹ / ۷ ، علل الشرائع : ۳۵۶ / ۱ وزاد فی آخره : «ولا- یرد علی الحوض لا-والله» كلاهما عن زراره ، الفقیه : ۱ / ۲۰۶ / ۶۱۷ ، عوالی اللآلی : ۱ / ۳۲۰ / ۴۸ وج ۳ / ۶۵ / ۴ وفی الثلاثه الاخیره «رسول الله صلی الله علیه و آله : لیس منی من استخفَّ بصلاته ، لا یرد علی الحوض لا والله» .

۲- .الكافی : ۳ / ۲۶۹ / ۹ ، التهذیب : ۲ / ۲۴۰ / ۹۴۹ ، فلاح السائل : ۱۶۰ کلها عن العیص بن القاسم .

۳- .أمالی الصدوق : ۳۹۱ / ۱۰ ، ثواب الأعمال : ۲۷۲ / ۱ ، المحاسن : ۱ / ۱۵۹ / ۲۲۵ ، فلاح السائل : ۱۲۷ ، روضه الواعظین : ۳۴۹ ، الفقیه : ۱ / ۲۰۶ / ۶۱۸ وفیه ذیل من «إن شفاعتنا» .

۴- .در «علل الشرائع» در انتهای حدیث است: «به خدا سوگند در کنار حوض (کوثر) نزد من نمی آید» و در «الفقیه»، «عوالی اللثالی» چنین آمده است: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس نماز را سبک بشمارد، از من نیست، به خدا سوگند در کنار

حوض (کوثر) نزد من نمی آید».

۵- .کنیه ابوبصیر بوده است.

۶- در «الفقیه» تنها بخش پایانی روایت یعنی گفته امام صادق علیه السلامز «همانا شفاعت ما» آمده است.

ص: ۱۰۷

..

الفصل السادس والعشرون : التذير من تضييع الصلاة

فصل بیست و ششم : بیم دادن از تباه کردن نماز

الفصل السادس والعشرون: التَّحذِيرُ مِنْ تَضْيِيعِ الصَّلَاةِ الْكِتَابُ: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (۱).

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا» (۲).

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَّتِي عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ يُصَلُّونَ وَلَكِنَّهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ، فَكَانَ لَهُمُ الْوَيْلُ، وَالْوَيْلُ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»، وَصِنْفٌ يُصَلُّونَ أحيانًا، وَلَا يُصَلُّونَ أحيانًا، فَكَانَ لَهُمُ الْعَذَابُ، وَالْعَذَابُ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا» وَصِنْفٌ لَا يُصَلُّونَ أَبَدًا فَكَانَ لَهُمْ سَقَرٌ، وَسَقَرٌ اسْمٌ دَرَكَهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (۳) وَصِنْفٌ يُصَلُّونَ أَبَدًا وَهُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (۴)(۵).

فصل بیست و ششم: بیم دادن از تباه کردن نماز قرآن: «پس وای بر نماز گزاران. آنان که از نمازشان غافلند».

«آنگاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند، و به زودی (سزای) گمراهی (خود) را خواهند دید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اَمَّت من چهار دسته اند: دسته ای نماز می گزارند ولی در نمازشان غافلند، برای اینان «ویل» است و «ویل» نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند تعالی فرموده است: «پس وای بر نماز گزاران. آنان که از نمازشان غافلند». و دسته ای گاه نماز می خوانند و گاه نمی خوانند، برای اینان «غی» است و «غی» نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند تعالی گفته است: «آنگاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند، و به زودی (سزای) گمراهی (خود) را خواهند دید». و دستهای هیچگاه نماز نمی خوانند، برای اینان «سقر» است و «سقر» نام طبقه ای از طبقات دوزخ است. خداوند تعالی گفته است: «چه چیز شما را به سقر درآورد؟ گفتند از نماز گزاران نبودیم». و دسته ای همیشه نماز می خوانند و در نمازشان نیز فروتنند. خداوند تبارک و تعالی گفته است: «بی گمان مؤمنان رستگار شدند. آنان که در نمازشان فروتنند».

۱- الماعون: ۴ و ۵.

۲- مریم: ۵۹.

۳- المدثر: ۴۲ و ۴۳.

۴- المؤمنون: ۱ و ۲.

۵- الاثنا عشریه: ۱۵۸.

ص: ۱۰۹

مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَّيْلِ: سَأَلْتُ عَبْدًا صَالِحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» قَالَ: هُوَ التَّضْيِيعُ (۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا- يَزَالُ الشَّيْطَانُ ذَعْرًا مِنَ الْمُؤْمِنِ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ، فَإِذَا ضَاعَ يَعْنِي تَجَرَّأَ عَلَيْهِ فَأَدْخَلَهُ فِي الْعِظَائِ (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: لا- تُضَيِّعُوا صَلَاتَكُمْ فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَاتَهُ حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَهَامَانَ، وَكَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُتَنَفِّقِينَ، فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَى صَلَاتِهِ وَأَدَاءِ شُنِّهِ نَبِيِّهِ (۳).

عنه صلى الله عليه وآله: ما مِنْ مُصَلٍّ إِلَّا وَمَلَكَ عَنْ يَمِينِهِ، وَمَلَكَ عَنْ يَسَارِهِ، فَإِنْ أَتَمَّهَا عَرَجَا بِهَا، وَإِنْ لَمْ يُتِمَّهَا ضَرَبَا بِهَا وَجْهَهُ (۴).

الإمام الباقر عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَلَا سُجُودَهُ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَقَرْتُ كَنْفَرِ الْغُرَابِ، لَئِنْ مَاتَ هَذَا وَهَكَذَا صَلَاتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: أَبْصَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا يَنْقُرُ بِصِلَاتِهِ فَقَالَ: مُنْذُ كَمْ صَلَّيْتَ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: مُنْذُ كَذَا وَكَذَا، فَقَالَ: مِثْلُكَ عِنْدَ اللَّهِ كَمِثْلِ الْغُرَابِ إِذَا مَا نَقَرَ، لَوْ مِتُّ مِتُّ عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ أَسْرَقَ النَّاسُ مَنْ سَرَقَ صَلَاتَهُ (۶).

رسول الله صلى الله عليه وآله: لا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا (۷).

محمّد بن فضیل: از عبدی صالح (امام کاظم علیه السلام) درباره گفته خدای عز و جل پرسیدم: «کسانی که از نمازشان غافلند»، فرمود: منظور تباه کردن است.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پیوسته، شیطان از انسان با ایمان، هراسان است تا هنگامی که بر نمازهای پنجگانه مواظبت ورزد. پس هرگاه آن‌ها را تباه کند بر او جرأت می‌یابد و او را در گناهان بزرگ وارد می‌کند.

نمازتان را تباه نکنید که هر کس نمازش را تباه کند، با قارون و هامان محشور می‌شود و سزاوار است که خداوند او را همراه با منافقان وارد آتش کند. پس وای بر کسی که بر نمازش و انجام سنت پیامبرش مواظبت نورزیده است.

هیچ نمازگزاری نیست، جز اینکه فرشته‌ای بر سمت راست او و فرشته‌ای بر سمت چپش قرار دارد. پس اگر نماز را تمام بیاورد، آن را بالا می‌برند و اگر تمام نیاورده باشد، آن را به صورتش می‌زنند.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در مسجد نشسته بود که مردی داخل شد و به نماز ایستاد، ولی رکوع و سجودش را تمام به جا نیاورد. پس حضرت فرمود: همچون نوک زدن کلاغ نوک زد (تند و شتابان)، اگر این مرد بمیرد و نمازش اینگونه باشد بر غیر آیین من مرده است.

امام صادق علیه السلام: علی بن ایطالب علیه السلام مردی را دید که در نمازش نوک می زند (تند و شتابان خم می شود و بر می خیزد) پس گفت: چه مدت است اینگونه نماز می خوانی؟ مرد گفت: از فلان زمان. پس حضرت فرمود: مثال تو نزد خداوند مثال نوک زدن کلاغ است. اگر تو مرده بودی بر غیر دین ابوالقاسم محمد صلی الله علیه و آله می مردی. سپس علی علیه السلام فرمود: دزدترین مردم کسی است، که از نمازش می دزدد.

۱- الکافی: ۳ / ۲۶۸ / ۵، التهذیب: ۲ / ۲۳۹ / ۹۴۷.

۲- م الکافی: ۳ / ۲۶۹ / ۸ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، التهذیب: ۲ / ۲۳۶ / ۹۳۳ عن یحیی الکاهلی، أمالی الصدوق: ۳۹۱ / ۹، ثواب الأعمال: ۲۷۴ / ۳، المحاسن: ۱ / ۱۶۲ / ۲۳۳ کلّها نحوه والثلاثة الأخیره عن السکونی عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۲۸ / ۲۱، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۸۴ / ۹ کلاهما عن أحمد بن عامر الطائی عن الرضا عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام علیه و آله، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۳۳.

۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۳۱ / ۴۶، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ۱۵۲ / ۹۱ کلاهما عن أحمد بن عامر الطائی عن الرضا عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، جامع الأخبار: ۱۸۶ / ۴۵۹.

۴- الجامع الصغير: ۲ / ۵۲۵ / ۸۱۱۱، الترغیب والترهیب: ۱ / ۳۳۸ / ۱۵ کلاهما عن عمر.

۵- الکافی: ۳ / ۲۶۸ / ۶، التهذیب: ۲ / ۲۳۹ / ۹۴۸، أمالی الصدوق: ۳۹۱ / ۸، ثواب الأعمال: ۲۷۳ / ۱، المحاسن: ۱ / ۱۵۹ / ۲۲۲ کلّها عن زراره، روضه الواعظین: ۳۴۹.

۶- المحاسن: ۱ / ۱۶۲ / ۲۳۲ عن عبدالله بن میمون القدّاح، روضه الواعظین: ۳۴۹.

۷- الجعفریات: ۳۶ عن إسماعیل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه علیهم السلام، جامع الأحادیث للقمی: ۱۳۵؛ المعجم الأوسط: ۵ / ۱۲۹ / ۴۸۶۳ و ج ۷ / ۳۳۱ / ۷۶۴۵ کلاهما عن أنس ولفظه «لا تُقْبَلُ صَلَاةُ رَجُلٍ لَا يُتِمُّ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ».

ص: ۱۱۰

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ لَمْ يُتِمَّ وُضوءَهُ وَرُكوعَهُ وَسُجودَهُ وَخُشوعَهُ فَصَلَاتُهُ خِدَاجٌ (۱)(۲).

أبو قتاده: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَسْوَأُ النَّاسِ سَرِقَةً الَّذِي يَسْرِقُ صَلَاتَهُ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ يَسْرِقُ صَلَاتَهُ؟ قَالَ: لَا يُتِمُّ رُكوعَهَا وَلَا سُجودَهَا (۳).

عنه صلى الله عليه و آله: إِذَا صَلَّيَ أَحَدُكُمْ الْمَكْتُوبَةَ فَلَمْ يُتِمَّ رُكوعَهَا وَسُجودَهَا وَتَكْبِيرَهَا وَالتَّضَرُّعَ فِيهَا كَانَ كَمِثْلِ التَّاجِرِ لَا يَشْفُ لَهُ حَتَّى بَقِيَ رَأْسُ الْمَالِ (۴).

عنه صلى الله عليه و آله: مَثَلُ الَّذِي لَا يُتِمُّ صَلَاتَهُ كَمَثَلِ الْحُبْلَى حَمَلَتْ حَتَّى إِذَا دَنَا نَفْسُهَا أَسْقَطَتْ، فَلَا حَمْلَ وَلَا هِيَ ذَاتُ وَلَدٍ (۵).

عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ إِضَاعَةَ الصَّلَوَاتِ (۶).

الإمام علي عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِ الدَّجَالِ: إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَأَضَاعُوا الْأَمَانَةَ ... (۷).

الإمام الصادق عليه السلام: الصَّلَاةُ وَكُلُّ بِهَا مَلَكٌ لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ غَيْرُهَا، فَإِذَا فُرِغَ مِنْهَا قَبَضَهَا ثُمَّ صَعَدَ بِهَا، فَإِنْ كَانَتْ مِمَّا تُقْبَلُ قُبِلَتْ، وَإِنْ كَانَتْ مِمَّا لَا- تُقْبَلُ قِيلَ لَهُ: رُدَّهَا عَلَى عَبْدِي، فَيَنْزِلُ بِهَا حَتَّى يَضْرِبَ بِهَا وَجْهَهُ، ثُمَّ يَقُولُ: أَفْ لَكَ مَا يَزَالُ لَكَ عَمَلٌ يَعْنِينِي (۸)(۹).

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: کسی که رکوع و سجودش را تمام به جا نمی آورد، نمازی ندارد (۱۰).

هر کس وضو و رکوع و سجودش را تمام به جا نیاورد، نمازش ناقص است.

ابو قتاده: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بدترین دزد آن است که از نمازش می دزدد. گفتند: ای پیامبر خدا صلى الله عليه و آله، چگونه از نمازش می دزدد؟ فرمود: رکوع و سجودش را تمام به جا نمی آورد.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هرگاه یکی از شما نماز واجبش را بخواند، ولی رکوع و سجود و تکبیر و دعای آن را، تمام به جا نیاورد، همچون بازرگانی است که سود نمی برد تا اینکه تنها سرمایه اش باقی می ماند.

کسی که نمازش را تمام به جا نمی آورد، همچون زن بارداری است که در نزدیکی زاییدن، بچه اش می افتد. پس نه باردار است و نه مادر شده است.

از نشانه های نزدیکی قیامت، تباه کردن نمازهاست.

امام علی علیه السلام هنگامی که از او نشانه های طغیان دجال پرسیده شد: هنگامی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را تباه کنند.

امام صادق علیه السلام: فرشته ای بر نماز گمارده شده است که کار دیگری غیر از آن ندارد. پس هنگامی که تمام می شود آن را می گیرد و بالا می برد. پس اگر از پذیرفتنی ها باشد، پذیرفته می شود و اگر از آن ها باشد که پذیرفته نمی شود، به او گفته می

شود، آن را به بنده ام بازگردان. پس آن را پایین می آورد تا به صورتش بزند. سپس می گوید: اف بر تو، پیوسته عمل تو مرا به زحمت می اندازد (۱۱).

- ۱- الخداج : أخذ ج فلان أمره إذا لم يحكمه ، قال الأصمعيّ : الخداج النقصان ، وأصل ذلك من خداج الناقه إذا ولدت ولدا ناقص الخلق أو لغير تمام (لسان العرب : ۲ / ۲۴۸) .
- ۲- دعائم الإسلام : ۱ / ۱۰۰ عن الإمام عليّ عليه السلام و ص ۱۳۶ .
- ۳- سنن الدارمی : ۱ / ۳۲۴ / ۱۳۰۲ ، مسند ابن حنبل : ۸ / ۳۸۶ / ۲۲۷۰۵ ، المستدرک علی الصحیحین : ۱ / ۳۵۳ / ۸۳۵ ، تاریخ بغداد : ۸ / ۲۲۷ ، السنن الکبری : ۲ / ۵۳۹ / ۳۹۹۶ ، الموطأ : ۱ / ۱۶۷ / ۷۲ عن النعمان بن مرّه ، مسند إسحاق بن راهويه : ۱ / ۳۷۴ / ۳۹۱ ، المعجم الأوسط : ۵ / ۵۹ / ۴۶۶۵ كلاهما عن أبي هريره .
- ۴- مسند إسحاق بن راهويه : ۱ / ۳۷۴ / ۳۹۰ عن أبي هريره .
- ۵- السنن الکبری : ۲ / ۵۴۲ / ۴۰۰۵ عن صالح بن سويد عن الإمام عليّ عليه السلام ؛ دعائم الإسلام : ۱ / ۱۳۶ عن الإمام عليّ عليه السلام .
- ۶- تفسير القمّي : ۲ / ۳۰۴ عن عبدالله بن عباس .
- ۷- کمال الدين : ۵۲۵ / ۱ ، الخرائج والجرائح : ۳ / ۱۱۳۳ ، مختصر بصائر الدرجات : ۳۰ کلّها عن النزّال بن سبره .
- ۸- يعينني: العناء بالفتح والمدّ: التعب والنصب (مجمع البحرين : ۳ / ۲۶۴) ، والعنت : الوقوع في أمرٍ شاقٍّ (أيضا : ۲۵۷) .
- ۹- الکافی : ۳ / ۴۸۸ / ۱۰ عن هارون بن خارجه ، ثواب الأعمال : ۲۷۳ / ۲ عن وفيه «يعتني» مكان «يعينني» ، المحاسن : ۱ / ۱۶۱ / ۲۳۱ عن أبي بصير .
- ۱۰- در نقل «المعجم الأوسط» آمده است: «نماز کسی که رکوع و سجود را کامل به جا نمی آورد، پذیرفته نمی شود».
- ۱۱- در «ثواب الاعمال» به جای «يعينني» «يعتني» آمده است که تقریبا همین معنا را دارد.

الفصل السابع والعشرون : آثار الصلاة

۱ / ۲۷ ذهاب السيئات

فصل بیست و هفتم : آثار نماز

۲۷ / ۱ از میان رفتن بدیها

الفصل السابع والعشرون: آثار الصلاة ۱ / ۲۷ ذهاب السيئات الكتاب: «وأقيم الصلاة طرفي النهار وزلفاً من الليل إن الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين» (۱).

أبو عثمان: كنت مع سليمان تحت شجره فأخذ منها غصناً يابساً فهزه حتى تحات ورقه، قال: أما تسألني لم أفعل هذا؟ قلت له: لم فعلته؟ قال: هكذا فعل بي رسول الله صلى الله عليه وآله ثم قال: إن المسلم إذا توضأ فأحسن الوضوء وصلى الخمس تحات ذنوبه كما تحات هذا الورق، ثم قال: «وأقيم الصلاة طرفي النهار وزلفاً من الليل ... ذلك ذكرى للذاكرين» (۲).

ابن مسعود: إن رجلاً أصاب من امرأه قبله، فأتى النبي صلى الله عليه وآله فأخبره، فأنزل الله: «أقيم الصلاة طرفي النهار وزلفاً من الليل إن الحسنات يذهبن السيئات» فقال الرجل: يا رسول الله، ألي هذا؟ قال: لجميع أمتي كله (۳).

فصل بیست و هفتم: آثار نماز ۱/۲۷ از میان رفتن بدیها قرآن: «و در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز بر پا دار، زیرا خویبها؛ بدیها را از میان می برد. این پندی برای پندگیرندگان است.»

ابو عثمان: با سلمان زیر درختی بودیم که شاخه خشکی را از آن گرفته و تکان داد، تا اینکه برگهایش ریخت و گفت: آیا نمی پرسی چرا اینگونه می کنم؟ گفتم: چرا کردی؟ گفت: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله برایم اینگونه کرد و سپس فرمود: همانا مسلمان هر گاه وضویی نیکو گرفت و نمازهای پنجگانه را خواند، گناهانش می ریزد همانگونه که این برگها ریخت. سپس گفت: «و در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز بر پا دار، زیرا خویبها، بدیها را از میان می برد. این پندی برای پندگیرندگان است.»

ابن مسعود: مردی از زنی بوسه ای رבוده بود. پس نزد پیامبر آمد و به او خبر داد. سپس خداوند این آیه را فرو فرستاد: «و در دو طرف روز (اول و آخر آن) و نخستین ساعات شب نماز بر پا دار؛ زیرا خویبها، بدیها را از میان می برد». پس آن مرد گفت: ای پیامبر خدا، آیا این مخصوص من است؟ فرمود: برای همه ائمت، تمام آنان.

۱- هود: ۱۱۴.

۲- سنن الدارمی: ۱/۱۹۴/۷۲۰، مسند ابن حنبل: ۹/۱۷۸/۲۳۷۶۸، المعجم الكبير: ۶/۲۵۷/۶۱۵۱؛ أمالی الطوسی: ۱۶۷ / ۲۸۱ نحوه، مجمع البیان: ۵ / ۳۰۷.

۳- م. صحیح البخاری : ۱/۱۹۷/۵۰۳، صحیح مسلم : ۴/۲۱۱۵/۳۹، سنن الترمذی : ۵ / ۲۹۱ / ۳۱۱۴، سنن ابن ماجه : ۲ / ۱۴۲۱ / ۴۲۵۴.

ص: ۱۱۲

رسول الله صلى الله عليه و آله :الصلوات كفارات لما بينهنَّ ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ : «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (۱).

أبو أيوب الأنصاري :إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ يَقُولُ : إِنَّ كُلَّ صَلَاةٍ تَحُطُّ مَا بَيْنَ يَدَيْهَا مِنْ خَطِيئَةٍ (۲).

أبو ذرٍّ قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَمَا تَوْبَةُ الرَّجُلِ الَّذِي يَكْذِبُ مُتَعَمِّدًا ؟ قَالَ : الْإِسْتِغْفَارُ وَالصَّلَاةُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ ذَلِكَ (۳).

رسول الله صلى الله عليه و آله :مَنْ تَوَضَّأَ كَمَا أُمِرَ وَصَلَّى كَمَا أُمِرَ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ عَمَلٍ (۴).

عنه صلى الله عليه و آله :الصلوات الخمس والجمعة إلى الجمعة كفارات لما بينهنَّ ما لم تُغش الكبائر (۵).

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الْمُسْلِمَ لَيُصِلِّي وَخَطَايَاهُ مَوْضُوعَةٌ عَلَى رَأْسِهِ ، فَكُلَّمَا سَجَدَ تَحَاثَّتْ ، فَيَفْرُغُ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ صَلَاتِهِ وَقَدْ تَحَاثَّتْ خَطَايَاهُ (۶).

عنه صلى الله عليه و آله :مَا مِنْ حَافِظَيْنِ يَرْفَعَانِ إِلَى اللَّهِ بِصَلَاةٍ رَجُلٍ مَعَ صِلَاةٍ إِلَّا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : أُشْهِدُكُمَا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لِعَبْدِي مَا بَيْنَهُمَا (۷).

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ لَيُصِلِّي الصَّلَاةَ يُرِيدُ بِهَا وَجَهَ اللَّهِ فَتَهَافُتْ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يَتَهَافُتْ هَذَا الْوَرَقُ عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ (۸).

عنه صلى الله عليه و آله :إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ وَأَتَى الْمَسْجِدَ لَا يُرِيدُ إِلَّا الصَّلَاةَ لَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّ عَنْهُ خَطِيئَتُهُ (۹).

عنه صلى الله عليه و آله :مَا مِنْ صِلَاةٍ يَحْضُرُ وَقْتُهَا إِلَّا نَادَى مَلَكٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ : أَيُّهَا النَّاسُ ، قَوْمُوا إِلَى نيرانِكُمْ الَّتِي أَوْقَدْتُمُوهَا عَلَى ظُهُورِكُمْ فَأَطْفِئُوهَا بِصَلَاتِكُمْ (۱۰).

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :نمازها، پوشاننده آنچه در میان آن هاست، می باشند ؛ چون خداوند عز و جل گفته است: «همانا خوبیه‌ها، بدیه‌ها را از میان می برند» (۱۱).

ابو ایوب انصاری:پیامبر همواره می گفت: هر نماز، خطاهای پیش از خود را می زداید.

ابوذر:عرض کردم: ای پیامبر خدا، توبه مردی که از روی قصد دروغ می گوید چیست؟ فرمود: آمرزش خواستن و نمازهای پنجگانه که آن را می شوید.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر کس وضو بگیرد آنگونه که فرمان داده شده و نماز بخواند آنگونه که فرمان یافته، هر چه پیشتر کرده آمرزیده می شود.

نمازهای پنجگانه و نماز جمعه تا جمعه، پوشاننده آنچه در میان آن هاست، می باشند تا آنگاه که گناهان بزرگ را در بر نگیرد.

نداشته باشد.

همانا مسلمان نماز می‌گزارد در حالی که خطاهایش بر سرش نهاده شده است . پس هرگاه سجده می‌کند فرو می‌ریزد و از نماز فارغ می‌شود ، در حالی که خطاهایش ریخته است.

هیچگاه دو فرشته نگهبان، نماز انسان را با نماز دیگرش به سوی خدا نمی‌برند ، جز اینکه خدای تبارک و تعالی (به آن دو فرشته) می‌گوید: شما را گواه می‌گیرم که میان آن دو نماز را بر بنده ام آمرزیدم.

همانا گناهان بنده مسلمان در حال نماز خالصانه فرو می‌ریزد ، همانگونه که این برگ از این درخت فرو می‌ریزد.

هرگاه یکی از شما وضویی نیکو بگیرد و فقط برای نماز به مسجد بیاید، هیچ گامی بر نمی‌دارد ، جز اینکه خداوند در برابر آن او را یک درجه بالا می‌برد و خطایی را از او می‌زداید.

وقت هیچ نمازی در نمی‌رسد ، جز اینکه فرشته ای در پیشگاه خداوند فریاد بر می‌آورد: ای مردم، به سوی آتشیایی که بر پشت خود افروخته اید، برخیزید و با نمازهایتان آن ها را خاموش سازید.

- ۱- المعجم الكبير : ۳ / ۲۹۸ / ۳۴۶۰ عن أبي مالك الأشعرى ، الزهد لابن المبارك : ۳۱۷ / ۹۰۷ عن أبي هريره ؛ دعائم الإسلام : ۱ / ۱۳۵ وفيه «كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا اجْتَنَبَ الْكَبَائِرُ . . .» ، إرشاد القلوب : ۴۱۲ نحوه كلاهما عن الإمام علي عليه السلام .
- ۲- مسند ابن حنبل : ۹ / ۱۳۲ / ۲۳۵۶۲ ، حليه الأولياء : ۵ / ۱۹۰ .
- ۳- أمالي الطوسي : ۵۳۷ / ۱۱۶۲ ، مكارم الأخلاق : ۲ / ۳۷۸ / ۲۶۶۱ ، تنبيه الخواطر : ۲ / ۶۴ .
- ۴- سنن ابن ماجه : ۱ / ۴۴۷ / ۱۳۹۶ ، سنن النسائي : ۱ / ۹۱ ، سنن الدارمي : ۱ / ۱۹۳ / ۷۱۸ ، مسند ابن حنبل : ۹ / ۱۵۱ / ۲۳۶۵۶ ، المعجم الكبير : ۴ / ۱۵۷ / ۳۹۹۴ كلها عن أبي أيوب الأنصاري وعقبه بن عامر .
- ۵- سنن الترمذی : ۱ / ۴۱۸ / ۲۱۴ ، مسند ابن حنبل : ۳ / ۲۸۲ / ۸۷۲۳ كلاهما عن أبي هريره ، حليه الأولياء : ۹ / ۲۵۰ عن أنس نحوه ، إحياء علوم الدين : ۱ / ۲۲۳ ؛ إرشاد القلوب : ۴۱۲ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام .
- ۶- تاريخ بغداد : ۱۴ / ۳۱۳ / ۷۶۳۴ ، المعجم الكبير : ۶ / ۲۵۰ / ۶۱۲۵ كلاهما عن سلمان الفارسي .
- ۷- شعب الإيمان : ۳ / ۴۵ / ۲۸۲۱ عن أنس .
- ۸- مسند ابن حنبل : ۸ / ۱۳۳ / ۲۱۶۱۲ عن أبي ذر .
- ۹- صحيح البخاري : ۱/۱۸۱/۴۶۵ ، صحيح مسلم : ۱ / ۴۵۹ / ۲۷۲ ، سنن الترمذی : ۲/۴۹۹ / ۶۰۳ ، سنن ابن ماجه : ۱ / ۲۵۴ / ۷۷۴ ، حليه الأولياء : ۷ / ۲۰۲ كلها عن أبي هريره .
- ۱۰- م. التهذيب : ۲ / ۲۳۸ / ۹۴۴ ، أمالي الصدوق : ۳ / ۴۰۱ ، ثواب الأعمال : ۵۷ / ۱ كلها عن عبدالله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام ، الفقيه : ۱ / ۲۰۸ / ۶۲۴ ؛ المعجم الأوسط : ۹ / ۱۷۳ / ۹۴۵۲ عن أنس نحوه ، حليه الأولياء : ۳ / ۴۲ عن ابن سيرين نحوه .
- ۱۱- در دعائم الاسلام چنین آمده است: «پوشاننده آنچه در میان آن هاست ، تا آنگاه که از گناهان بزرگ دوری گزیند...».

ص: ۱۱۳

عنه صلى الله عليه و آله :يُبْعَثُ مُنَادٍ عِنْدَ حَضْرِهِ كُلِّ صَلَاةٍ يَقُولُ : يَا بَنَى آدَمَ ، قوموا فَأَطِئُوا عَنْكُمْ مَا أَوْقَدْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ ، فَيَقُومُونَ فَيَتَطَهَّرُونَ وَتَسْقُطُ خَطَايَاهُمْ مِنْ أَعْيُنِهِمْ ، وَيَصِلُونَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ مَا بَيْنَهُمَا ، ثُمَّ يوقِدُونَ فيما بَيْنَ ذَلِكَ ، فَإِذَا كَانَ عِنْدَ صَلَاةِ الْاُولَى نَادَى : يَا بَنَى آدَمَ ، قوموا فَأَطِئُوا مَا أَوْقَدْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ ، فَيَقُومُونَ فَيَتَطَهَّرُونَ وَيُصَلُّونَ فَيَغْفِرُ لَهُمْ مَا بَيْنَهُمَا ، فَإِذَا حَضَرَتِ الْعَصْرُ فَمِثْلُ ذَلِكَ ، فَإِذَا حَضَرَتِ الْمَغْرِبُ فَمِثْلُ ذَلِكَ ، فَإِذَا حَضَرَتِ الْعَتَمَةُ فَمِثْلُ ذَلِكَ ، فَيَنَامُونَ وَقَدْ غُفِرَ لَهُ (۱) .

عنه صلى الله عليه و آله :تَحْتَرِقُونَ إِذَا صَلَّيْتُمُ الْفَجْرَ غَسَلْتَهَا ، ثُمَّ تَحْتَرِقُونَ تَحْتَرِقُونَ إِذَا صَلَّيْتُمُ الظُّهْرَ غَسَلْتَهَا ، ثُمَّ تَحْتَرِقُونَ تَحْتَرِقُونَ إِذَا صَلَّيْتُمُ الْعَصْرَ غَسَلْتَهَا ، ثُمَّ تَحْتَرِقُونَ تَحْتَرِقُونَ إِذَا صَلَّيْتُمُ الْمَغْرِبَ غَسَلْتَهَا ، ثُمَّ تَحْتَرِقُونَ تَحْتَرِقُونَ إِذَا صَلَّيْتُمُ الْعِشَاءَ غَسَلْتَهَا ، ثُمَّ تَنَامُونَ فَلَا يُكْتَبُ عَلَيْكُمْ شَيْءٌ حَتَّى تَسْتَقِظُوا (۲) .

عنه صلى الله عليه و آله فى ذِكْرِ ثَوَابِ الصَّلَاةِ : إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَتَوَجَّهْتَ وَقَرَأْتَ أُمَّ الْكِتَابِ وَمَا تَيَسَّرَ لَكَ مِنَ السُّورِ ثُمَّ رَكَعْتَ فَأَتَمَمْتَ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا وَتَشَهَّدْتَ وَسَلَّمْتَ غُفِرَ لَكَ كُلُّ ذَنْبٍ فيما بَيْنَكَ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدَّمْتَهَا إِلَى الصَّلَاةِ الْمُؤَخَّرَةِ ، فَهَذَا لَكَ فى صَلَاتِكَ (۳) .

الْقُطْبُ الرَّائِدِى : رَأَى (رَسُولُ اللَّهِ) صلى الله عليه و آله رَجُلًا يَقُولُ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلَا أُرَاكَ تَفْعَلُ ، فَقَالَ صلى الله عليه و آله لَهُ : لِمَ تَسُوءُ ظَنِّكَ ؟ قَالَ : إِنِّى أَذْنَبْتُ فِى الْجَاهِلِيَّةِ وَالْإِسْلَامِ ، فَقَالَ صلى الله عليه و آله : أَمَا مَا أَذْنَبْتَ فِى الْجَاهِلِيَّةِ فَقَدْ مَحَاهُ الْإِيمَانُ ، وَمَا فَعَلْتَ فِى الْإِسْلَامِ الصَّلَاةَ إِلَى الصَّلَاةِ كَفَّارَةً لِمَا بَيْنَهُمَا (۴) .

در وقت هر نماز، منادی بر می خیزد و می گوید: ای پسران آدم، برخیزید و آنچه را بر خود افروخته اید، خاموش کنید . پس بر می خیزند و طهارت می سازند و خطاهای پیش رویشان فرو می ریزد و نماز می خوانند و آنچه در میان آن دو بوده آمرزیده می شود . سپس در این میان آتش می افروزند (گناه می کنند) پس هنگام نماز نخستین فریاد بر می آورد: ای فرزندان آدم، برخیزید و آنچه بر خود افروخته اید، خاموش کنید . پس بر می خیزند، طهارت می سازند و نماز می خوانند و آنچه در میان آن دو بوده ، آمرزیده می شود و هنگام نماز عصر، همینگونه است و نیز هنگام نماز مغرب و نماز عشاء. پس در حالی که آمرزیده شده اند، می خوابند.

می سوزید، پس هنگامی که نماز صبح می خوانید بر آن آب می ریزید . سپس می سوزید و می سوزید ، پس هنگامی که نماز ظهر می خوانید بر آن آب می ریزید. سپس می سوزید و می سوزید ، پس هنگامی که نماز عصر می خوانید بر آن آب می ریزید. سپس می سوزید و می سوزید، پس هنگامی که نماز مغرب می خوانید بر آن آب می ریزید . سپس می سوزید و می سوزید، پس هنگامی که نماز عشاء می خوانید بر آن آب می ریزید. سپس می خوابید و بر شما چیزی نوشته نمی شود تا اینکه بیدار شوید.

در بیان پاداش نماز : هنگامی که به نماز می ایستی و رو به قبله می کنی و ام الكتاب (سوره حمد) را و هر سوره ای که می توانی، می خوانی سپس خم می شوی و رکوع و سجود را تمام به جا می آوری و تشهد و سلام می گویی ، همه گناهاست از نمازی که آوردی تا نماز پس از آن ، آمرزیده می شود . این است آنچه در نمازت به دست می آوری.

قطب راوندی: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله مردی را دید که می گوید: خدایا ، مرا بیامرزد و نمی بینم که بیامری. پس حضرت به او فرمود: چرا بدگمانی؟ گفت: چون من در دوران جاهلیت و اسلام گناه کرده ام. حضرت فرمود: اما گناهایی که در جاهلیت کرده

ای، ایمان آن‌ها را زدود و آنچه در اسلام انجام داده‌ای، نماز تا نماز، کفاره میان آن دوست.

.

۱- م. المعجم الكبير : ۱۰ / ۱۴۱ / ۱۰۲۵۲ عن ابن مسعود .

۲- تاریخ بغداد : ۴ / ۳۰۵ / ۲۰۹۱ ، المعجم الأوسط : ۲ / ۳۵۸ / ۲۲۲۴ ، المعجم الصغير : ۱ / ۴۷ نحوه کلّها عن ابن مسعود .

۳- الفقيه : ۲ / ۲۰۲ / ۲۱۳۸ ، أمالی الصدوق : ۴۴۱ / ۲۲ کلاهما عن محمد بن قیس ، الخرائج والجرائح : ۲ / ۵۱۵ / ۲۶ کلّها عن الإمام الباقر علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله .

۴- مستدرک الوسائل : ۳ / ۱۶ / ۲۹۰۰ و ص ۳۰۹۴ / ۹۱ نقلاً عن لبّ اللباب .

ص: ۱۱۴

۲ / ۲۷ طهاره النفس

۲ / ۲۷ پاکی جان

الإمام على عليه السلام: مَنْ أَتَى الصَّلَاةَ عَارِفًا بِحَقِّهَا غُفِرَ لَهُ (۱).

عنه عليه السلام: ما أَهَمَّنِي ذَنْبٌ أَمِهَلْتُ بَعْدَهُ حَتَّى أَصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ (۲).

راجع: الحديث ۱۲۸ و ۲۱۷.

۲ / ۲۷ طهاره النفس رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ وَهُوَ النَّهْرُ عَلَى بَابٍ أُخِذَ كُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ ، يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ ، فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ مَعَ الْغَسْلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ ، وَلَمْ تَبْقَ الذُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ (۳).

الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ كَانَ عَلَى بَابِ دَارٍ أُخِذَ كُمْ نَهْرٌ فَاغْتَسَلَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ أَكَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ مِنَ الدَّرَنِ شَيْءٌ؟ قُلْنَا (۴): لَا ، قَالَ: فَإِنَّ مَثَلُ الصَّلَاةِ كَمَثَلِ النَّهْرِ الْجَارِي كُلَّمَا صُلِيَ صَلَاةٌ كَفَرَتْ مَا بَيْنَهُمَا مِنَ الذُّنُوبِ (۵).

رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّلَاةُ الْخَمْسُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهَا ، أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ مُغْتَسَلٌ بَيْنَ مَنْزِلِهِ وَمُعْتَمَلِهِ خَمْسَهُ أَنْهَارٍ ، فَإِذَا انْطَلَقَ إِلَى مُعْتَمَلِهِ عَمِلَ فِيهِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَصَابَهُ الْوَسْخُ وَالْعَرَقُ ، فَكُلَّمَا مَرَّ بِنَهْرٍ اغْتَسَلَ مَا كَانَ ذَلِكَ يُبْقَى مِنْ دَرَنِهِ؟ وَكَذَلِكَ الصَّلَاةُ كُلَّمَا عَمِلَ خَطِيئَةً أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ صَلَّى وَدَعَا وَاسْتَغْفَرَ غُفِرَ لَهُ مَا كَانَ فِيهِ (۶).

امام علی علیه السلام: هر کس نماز را با آگاهی از حقیقتش به جا بیاورد آمرزیده می شود.

گناهی که مهلت یابم پس از آن دو رکعت نماز بخوانم، مرا اندیشناک نمی کند.

۲/۲۷ پاکی جانپایمبر خدا صلى الله عليه وآله: مثال نماز در میان شما ، مثال جوی آبی است که بر خانه یکی از شما روز و شب روان باشد و او پنج بار خود را در آن بشوید. پس (همانگونه که) هیچ چرکی با پنج بار شستن باقی نمی ماند ، گناهان نیز با پنج بار نماز خواندن ، باقی نمی مانند.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود: اگر بر در خانه یکی از شما، جویی باشد و هر روز پنج بار خود را در آن بشوید، در تن وی چرکی باقی می ماند؟ گفتیم: (۷) نه . فرمود: پس همانا مثال نماز، مثال همان جوی روان است که هرگاه نماز می گزارد ، آنچه گناه میان آن دو (نماز) است پاک می کند.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نمازهای پنجگانه کفاره میان آنان است . اگر مردی میان منزل و محل کارش ، پنج جوی آب برای شست و شوی خویش داشته باشد و هر گاه به محل کارش برود و در آن کار کند و عرق بریزد به این جویها می رود و خود را پاکیزه می سازد ، آیا از چرک و کثیفی وی چیزی می ماند ؟ نمازهای پنجگانه نیز چنین است ، هر گاه خطایی از او سرزند یا آنچه

خدا خواهد بشود ، نماز بگزارد و دعا کند و آمرزش بطلبد ، هر چه در اوست آمرزیده گردد .

.

۱- الخصال: ۶۲۸/۱۰ عن أبيبصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ۱۱۷.

۲- نهج البلاغه: الحکمه ۲۹۹ ، غرر الحکم: ۹۶۶۲ ، الدعوات: ۲۸۷ / ۱۲۰ .

۳- الفقيه: ۱ / ۲۱۱ / ۶۴۰ ، أمالی المفید: ۱۸۹ / ۱۶ عن جابر ؛ صحیح مسلم: ۱ / ۴۶۳ / ۲۸۴ عن جابر نحوه .

۴- الظاهر أن الصحيح: «قالوا: لا» .

۵- التهذيب: ۲ / ۲۳۷ / ۹۳۸ عن أبي بصير ، عوالی الآلی: ۱ / ۱۰۹ / ۱۲ عن أبي هريره نحوه ؛ صحیح مسلم: ۱ / ۴۶۲ / ۲۸۳ ،

سنن النسائي: ۱ / ۲۳۱ كلاهما عن أبي هريره ، سنن ابن ماجه: ۱ / ۴۴۷ / ۱۳۹۷ ، مسند ابن حنبل: ۱ / ۱۵۶ / ۵۱۸ كلاهما عن عثمان كلّهما نحوه .

۶- كنز العمال: ۷ / ۳۱۰ / ۱۹۰۲۷ عن معجم الأوسط .

۷- گویا درست چنین باشد: «گفتند: نه».

ص: ۱۱۵

الإمام على عليه السلام: الصَّلَاةُ صَابُونُ الْخَطَايَا (۱).

عنه عليه السلام فى كلام له يوصى فيه أصحابه بالصَّلاة: وإِنَّهَا لَتُحْتِ الذُّنُوبَ حَتَّ الْوَرَقِ، وَتُطْلِقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِّقِ، وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِالحَمِّ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجُلِ، فَهُوَ يَغْتَسِلُ مِنْهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ، فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ (۲).

أبو حمزة الثمالي: سَمِعْتُ أَحَدَهُمَا يَقُولُ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ فَقَالَ: أَيُّ آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَرْجَى عِنْدَكُمْ؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» (۳) قَالَ: حَسَنَةٌ وَلَيْسَتْ إِيَّاهَا، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (۴) قَالَ: حَسَنَةٌ وَلَيْسَتْ إِيَّاهَا، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: «الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ» (۵) قَالَ: حَسَنَةٌ وَلَيْسَتْ إِيَّاهَا، قَالَ: ثُمَّ أَحْجَمَ النَّاسُ، فَقَالَ: مَا لَكُمْ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ؟ قَالُوا: لَا وَاللَّهِ مَا عِنْدَنَا شَيْءٌ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: أَرْجَى آيَةٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ» (۶) وَقَرَأَ الْآيَةَ كُلَّهَا، وَقَالَ: يَا عَلِيُّ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَقُومُ إِلَى وَضُوئِهِ فَتَسَاقُطُ عَنْ جَوَارِحِهِ الذُّنُوبُ، فَإِذَا اسْتَقْبَلَ [اللَّهُ] بِوَجْهِهِ وَقَلْبِهِ لَمْ يَنْفَتِلْ عَنْ صَلَاتِهِ وَعَلَيْهِ مِنْ ذُنُوبِهِ شَيْءٌ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، فَإِنْ أَصَابَ شَيْئًا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ، حَتَّى عَدَّ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ، ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ، إِنَّمَا مَنَزَلَةُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ لِأُمَّتِي كَنَهْرٍ جَارٍ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ، فَمَا ظَنَّ أَحَدُكُمْ لَوْ كَانَ فِيَجَسَّ بِهِ دَرَنٌ ثُمَّ اغْتَسَلَ فَيَذَلِكَ النَّهْرِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فِي الْيَوْمِ، أَكَانَ يَبْقَى فِي جَسَدِهِ دَرَنٌ؟ فَكَذَلِكَ وَاللَّهِ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ لِأُمَّتِي (۷).

امام على عليه السلام: نماز، صابون خطاهاست.

در گفتاری که در آن یارانش را به نماز سفارش می کرد: و همانا نماز، گناهان را چون برگ فرو می ریزد و آن ها را می گشاید آن گونه که بند از کسی بگشایند و پیامبر خدا صلى الله عليه وآله، آن را به چشمه آب گرم که بر در خانه مرد روان باشد، تشبیه کرد که شبانه روز، پنج بار خود را در آن بشوید، دیگر چرکی بر تن وی نخواهد ماند.

ابوحمره ثمالی: از یکی از دو (امام باقر یا امام صادق) شنیدم که می فرماید: حضرت علی علیه السلام به مردم رو کرد و گفت: امیدوار کننده ترین آیه در کتاب خدا کدام است؟ برخی گفتند: «بی گمان خداوند شرک و ورزیدن به خود را نمی بخشد و پائین تر از آن را برای هر که بخواهد می بخشد». فرمود: نیکوست ولی آن نیست. برخی گفتند: «ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید». فرمود: نیکوست ولی آن نیست. برخی گفتند: «آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان آمرزش می خواهند». فرمود: نیکوست ولی آن نیست. پس مردم، از سخن باز ایستادند و حضرت فرمود: ای مردم مسلمان، شما را چه می شود؟ گفتند: نه، به خدا سوگند، چیزی نمی دانیم. فرمود: شنیدم پیامبر خدا صلى الله عليه وآله می گوید: امیدوار کننده ترین آیه در کتاب خدا این است: «در دو طرف روز و نخستین ساعات شب نماز برپا دار» و همه آیه را قرائت کرد و گفت: ای علی، سوگند به کسی که مرا به حق، مژده دهنده و ترساننده برانگیخت؛ همانا یکی از شما به وضو بر می خیزد، پس گناهانش از اندامش فرو می ریزد و هنگامی که با برون و درون به خدا رو کند، از نمازش باز نمی گردد، جز آنکه از گناهانش چیزی بر او نمانده است؛ همانگونه که مادرش او را زاده بوده. پس اگر به

گناهی میان دو نماز گرفتار آمد برایش چنین است تا اینکه هر پنج نماز را شمرد و سپس گفت: ای علی، جایگاه نمازهای پنجگانه برای امتم چون جویی است که بر در خانه یکی از شما روان باشد، پس چه گمان می برید اگر یکی از شما در تنش چرکی باشد و در آن جوی پنج بار در روز خود را بشوید، آیا در تن وی چرکی می ماند؟ به خدا سوگند، نمازهای پنجگانه برای امتم نیز همینگونه است.

۱- شرح نهج البلاغه : ۵۹۸ / ۳۱۳ / ۲۰ .

۲- نهج البلاغه : الخطبه ۱۹۹ .

۳- النساء : ۴۸ و ۱۱۶ .

۴- الزمر : ۵۳ .

۵- آل عمران : ۱۳۵ .

۶- هود : ۱۱۴ .

۷- تفسیر العیاشی : ۲ / ۱۶۱ / ۷۴ ، مجمع البیان : ۵ / ۳۰۷ ، عوالی اللآلی : ۲ / ۲۴ / ۵۴ .

ص: ۱۱۶

۳ / ۲۷ طرد الشیطان

۴ / ۲۷ المنع من الفحشاء والمنکر

۲۷ / ۳ راندن شیطان

۲۷ / ۴ بازداشتن از کار زشت و ناپسند

۳ / ۲۷ طَرَدُ الشَّيْطَانِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الصَّلَاةُ تُسَوِّدُ وَجْهَ الشَّيْطَانِ (۱).

الإمام على عليه السلام: الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ (۲).

عنه عليه السلام: الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ وَمِدْحَرَةُ الشَّيْطَانِ (۳).

الإمام الصادق عليه السلام: مَلَكَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانُ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيُلْقِنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ (۴).

۴ / ۲۷ الْمَنْعُ مِنَ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ الْكِتَابُ: «أَتْلُ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَبِذِكْرِ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (۵).

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا (۶).

عنه صلى الله عليه وآله: لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يُطِيعِ الصَّلَاةَ، وَطَاعَةُ الصَّلَاةِ أَنْ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (۷).

عمران بن حصين: سَيَّلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» قَالَ: مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ (۸).

۳/۲۷ راندن شیطان پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نماز، چهره شیطان را سیاه می کند.

امام علی علیه السلام: نماز، پناهگاهی در برابر حمله های شیطان است.

نماز، پناهگاه رحمان و وسیله راندن شیطان است.

امام صادق علیه السلام: فرشته مرگ، شیطان را از مواظبت کننده بر نماز، دور می کند و در آن حال سخت (جان کندن) گواهی بر یکتایی خداوند و رسالت محمد صلى الله عليه وآله را به او تلقین می کند.

۴/۲۷ بازداشتن از کار زشت و ناپسند قرآن: «آنچه از کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز بر پا دار که همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و بی گمان یاد خدا بزرگتر است و خداوند می داند چه می کنی.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر کس نمازش او را از کار زشت و ناپسند باز ندارد، جز دوری از خدا نیفزاید.

کسی که از نماز فرمان نبرد، نمازی ندارد و فرمان بردن از نماز، خودداری از کار زشت و ناپسند است.

.

۱- الفردوس : ۲ / ۴۰۵ / ۳۷۹۹ عن ابن عمر .

۲- غرر الحکم : ۲۲۱۲ .

۳- غرر الحکم : ۲۲۱۳ .

۴- الفقیه : ۱ / ۱۳۷ / ۳۶۹ .

۵- العنکیوت : ۴۵ .

۶- المعجم الکبیر : ۱۱ / ۴۶ / ۱۱۰۲۵ ، مسند الشهاب : ۱ / ۳۰۵ / ۵۰۹ ، تفسیر ابن کثیر : ۶ / ۲۹۰ ، تفسیر الطبری : ۱۱ / الجزء ۲۰ /

۱۵۵ کلّها عن ابن عباس ؛ مجمع البیان : ۸ / ۴۴۷ عن أنس .

۷- تفسیر الطبری : ۱۱ / الجزء ۲۰ / ۱۵۵ ، تفسیر ابن کثیر : ۶ / ۲۹۰ ، الدرّ المثور : ۶ / ۴۶۵ کلّها عن ابن مسعود ؛ مجمع البیان : ۸ /

۴۴۷ عن ابن مسعود .

۸- تفسیر ابن کثیر : ۶ / ۲۹۰ ، الدرّ المثور : ۶ / ۴۶۵ نقلاً عن ابن أیحاتم وابن مردویه عن عمران بن حصین .

ص: ۱۱۷

۵ / ۲۷ الاستقامه

۲۷ / ۵ بایداری

أنس: إِنَّ فَتًى مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَرْتَكِبُ الْفَوَاحِشَ ، فَوُصِفَ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا (۱) .

أبو هريره: جاء رجلٌ إلى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : إِنَّ فُلَانًا يُصَلِّي بِاللَّيْلِ فَإِذَا أَصْبَحَ سَرَقَ ، قَالَ : إِنَّهُ سَيَنْهَاهُ مَا يَقُولُ (۲) .

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ، فَيَقْدِرَ مَا مَنَعَتْهُ مِنْهُ قَبِلَتْ مِنْهُ (۳) .

عنه عليه السلام: الصَّلَاةُ حُجْرَةُ اللَّهِ ، وَذَلِكَ أَنَّهَا تَحْجِزُ الْمُصَلِّيَ عَنِ الْمَعَاصِي مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (۴) .

عنه عليه السلام: اعْلَمْ أَنَّ الصَّلَاةَ حُجْرَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ ، فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ مَا أَدْرَكَكَ مِنْ نَفْعِ صَلَاتِهِ فَلْيَنْظُرْ ، فَإِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ حَاجَزَةً عَنِ الْفَوَاحِشِ وَالْمُنْكَرِ فَإِنَّمَا أَدْرَكَكَ مِنْ نَفْعِهَا بِقَدْرِ مَا احْتَجَزَ (۵) .

راجع: الحديث ۱۳۶ .

۵ / ۲۷ الاستقامه الكتاب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (۶) .

حَدِّيقَهُ : كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا حَزَبَهُ (۷) أَمَرَ صَلَّى (۸) .

عمران بن حصین: درباره گفته خدا: «همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد» از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیده شد. فرمود: هر کس، نمازش او را از کار زشت و ناپسند باز ندارد، نمازی ندارد.

انس: جوانی از انصار همراه پیامبر نماز می گزارد و کارهای زشت هم می کرد. این مطلب را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفتند. فرمود: روزی، نمازش او را باز می دارد (۹) .

ابو هریره: مردی نزد پیامبر آمد و گفت: همانا فلانی در شب نماز می خواند و صبح، دزدی می کند. فرمود: آنچه می گوید (نمازش) بزودی او را باز می دارد.

امام صادق علیه السلام: هر کس دوست دارد بداند آیا نمازش پذیرفته شده است یا نه، پس بنگرد آیا نمازش، او را از کار زشت و ناپسند باز داشته است، یا نه. پس به هر اندازه که او را باز داشته، از او پذیرفته شده است.

نماز، بازدارنده ای الهی است؛ زیرا نماز گزار را تا آنگاه که در نماز است از گناهان باز می دارد. خدای عز و جل می فرماید:

«همانا نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد» .

بدان که نماز بازدارنده ای برای خدا در زمین است، پس هر کس دوست دارد بداند چه اندازه از نمازش سود برده ، پس بنگرد اگر نمازش او را از کارهای زشت و ناپسند باز داشته، به همان اندازه که او را بازداشته، سود جسته است.

۲۷/۵ پایداری «ای کسانی که ایمان آورده اید، از شکیبایی و نماز یاری جوید؛ که خدا با شکیبایان است.»

حذیفه: هرگاه به پیامبر صلی الله علیه و آله غم و اندوهی می رسید، نماز می خواند (۱۰).

- ۱- .مجمع البیان : ۴۴۷ / ۸ عن أنس ، البحار : ۱۹۸ / ۸۲ وزاد فی آخره «فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ تَابَ» .
- ۲- .مسند ابن حنبل : ۳ / ۴۵۷ / ۹۷۸۵ ، تفسیر ابن کثیر : ۶ / ۲۹۰ عن جابر .
- ۳- .مجمع البیان : ۴۴۷ / ۸ .
- ۴- .التوحید : ۴ / ۱۶۶ .
- ۵- .معانی الأخبار : ۲۳۷ / ۱ عن یونس بن ظبیان .
- ۶- .البقره : ۱۵۳ ، وراجع : البقره : ۴۵ .
- ۷- .فی الحدیث : کان إذا حزبه أمر صلی ، أی إذا نزل به مهمّ أو أصابه غمّ (لسان العرب : ۱ / ۳۰۹) .
- ۸- .سنن أبی داود : ۲ / ۳۵ / ۱۳۱۹ ، مسند ابن حنبل : ۹ / ۸۵ / ۲۳۳۵۹ ؛ مجمع البیان : ۱ / ۲۱۷ وفيه «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ اسْتَعَانَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ» .
- ۹- .در بحار افزوده است: «طولی نکشید که توبه کرد».
- ۱۰- .در مجمع البیان چنین آمده است : «هرگاه پیامبر از چیزی اندوهگین می شد، از نماز و روزه یاری می جست».

ص: ۱۱۸

۶ / ۲۷ نزول الرحمة

۲۷ / ۶ فرو آمدن رحمت

يُوسُفُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا نَزَلَ بِأَهْلِهِ شِدَّةَ أَمْرِهِمْ بِالصَّلَاةِ، ثُمَّ قَرَأَ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (۱).

الإمام الصادق عليه السلام: كان عليّ عليه السلام إذا هالته شَيْءٌ فَرَزَعَ إِلَى الصَّلَاةِ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (۲).

عنه عليه السلام: ما يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ وَيَرْكَعَ رَكَعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهِمَا أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (۳).

۶ / ۲۷ نزول الرَّحْمَةِ أَبُو حَمْزَةَ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ فِي صَلَاتِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَوْ قَالَ: أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ، وَأَظْلَتِ الرَّحْمَةُ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ، وَالْمَلَائِكَةُ تَحْفُهُ مِنْ حَوْلِهِ إِلَى أَفْقِ السَّمَاءِ، وَكُلُّ بِهِ مَلَكًا قَائِمًا عَلَى رَأْسِهِ يَقُولُ لَهُ: أَيُّهَا الْمُصَلِّي لَوْ تَعْلَمُ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ وَمَنْ تُنَاجِي مَا التَفَتَ وَلَا زُلْتَ مِنْ مَوْضِعِكَ أَبَدًا (۴).

رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أبا ذَرٍّ، ما مِنْ مُؤْمِنٍ يَقُومُ إِلَى الصَّلَاةِ إِلَّا تَنَازَرَتْ عَلَيْهِ الْبُرُ ما بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرْشِ، وَكُلُّ بِهِ مَلَكٌ يُنَادِي: يَا بَنَ آدَمَ، لَوْ تَعْلَمُ مَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ وَمَنْ تُنَاجِي ما سَمِعْتَ وَلَا التَفَتَ (۵).

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ فِي صَلَاتِهِ ذَرَّ الْبُرَّ عَلَى رَأْسِهِ حَتَّى يَرْكَعَ، فَإِذَا رَكَعَ عَلَنَتْهُ رَحْمَةُ اللَّهِ حَتَّى يَسْجُدَ، وَالسَّاجِدُ يَسْجُدُ عَلَى قَدَمَيَّ اللَّهِ تَعَالَى، فَلْيَسْأَلْ وَلْيَرْغَبْ (۶).

یوسف بن عبدالله بن سلام: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه به خانواده اش سختی می رسید، آنان را به نماز فرمان می داد و سپس این آیه را قرائت می کرد: «و خانواده ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن».

امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام هرگاه از چیزی بیمناک می گردید، از نماز کمک می جست و سپس این آیه را تلاوت می کرد: «و از شکیبایی و نماز یاری جوید».

چه چیز مانع می شود هرگاه بر یکی از شما اندوهی از اندوههای دنیا رسید، وضو بگیرد سپس به مسجد برود و دو رکعت نماز بخواند و خدا در آن بخواند؟ آیا نشنیده ای که خداوند می گوید: «و از شکیبایی و نماز یاری جوید»؟

۶/۲۷ فرو آمدن رحمت ابو حمزه از امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که بنده مؤمن در نمازش می ایستد، خداوند به او می نگرد یا فرمود: خدا به او روی می آورد تا آنگاه که باز گردد و سایه رحمت را از بالای سرش تا کرانه آسمان بر او می گسترد و فرشتگان، اطرافش را تا کرانه آسمان می گیرند و فرشته ای بر بالای سرش گمارده می شود که به او می گوید: ای نمازگزار، اگر می دانستی چه کسی به تو می نگرد و با چه کسی مناجات می کنی، روی نمی گرداندی و هرگز از اینجا نمی رفتی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابوذر، هیچ مؤمنی به نماز نمی ایستد، جز اینکه از او تا عرش او را در بر می گیرد و فرشته ای بر او گمارده می شود که فریاد برمی آورد: ای پسر آدم، اگر می دانستیچه در نمازت به دست می آوری و با که مناجات می کنی، نه ملول می گشتی و نه روی می گرداندی.

هنگامی که بنده در نماز می ایستد، نیکی و احسان بر سرش پاشیده می شود، تا آنگاه که رکوع کند. پس هنگامی که رکوع کرد، رحمت الهی او را بالا می برد تا سجده کند و سجده کننده بر درگاه خداوند تعالی سجده می کند، پس درخواست کند و اشتیاق نشان دهد.

- ۱- مسکن الفؤاد: ۵۶، والآیه: ۱۳۲ من سوره طه.
- ۲- الکافی: ۳ / ۴۸۰ / ۱ عن أبي بصير، والآیه ۴۵ من سوره البقره.
- ۳- تفسیر العیاشی: ۱ / ۴۳ / ۳۹ عن مسمع، مجمع البیان: ۱ / ۲۱۷.
- ۴- الکافی: ۳ / ۲۶۵ / ۵، فلاح السائل: ۱۶۰.
- ۵- أمالی الطوسی: ۵۲۹ / ۱۱۶۲، مکارم الأخلاق: ۲ / ۳۶۶ / ۲۶۶۱ كلاهما عن أبي ذرّ، تنبيه الخواطر: ۲ / ۵۴، عدّه الداعی: ۱۴۲.
- ۶- الجامع الصغير: ۱ / ۱۲۱ / ۷۸۷ عن أبي عمّار مرسلًا.

ص: ۱۱۹

۷ / ۲۷ إجابة الدعاء

۲۷ / پذیرش دعا

عنه صلى الله عليه وآله [لِلْمُصَلِّي] ثَلَاثُ خِصَالٍ : تَتَنَاضَرُ الرَّحْمَةُ عَلَيْهِ مِنْ قَدَمِهِ إِلَى عَنَانِ السَّمَاءِ ، وَتَحُفُّ بِهِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى أَعْنَانِ السَّمَاءِ ، وَيُنَادِي مُنَادٍ : لَوْ عَلِمَ الْمُتَنَاجِي مَنْ يُنَاجِي مَا انْفَتَلَ (۱) .

عنه صلى الله عليه وآله : لَا تَزَالُ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَى الْعَبْدِ مَا دَامَ فِي مُصَلَّاهُ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ مَا لَمْ يَقُمْ أَوْ يُحْدِثْ ، تَقُولُ : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ (۲) .

الإمام علي عليه السلام : الصَّلَاةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ (۳) .

عنه عليه السلام : إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إبليسُ يَنْظُرُ إِلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ (۴) .

عنه عليه السلام : لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ (۵) .

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ ضَيْفَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ... رَجُلٌ كَانَ فِي صَلَاتِهِ فَهُوَ فِي كَنْفِ اللَّهِ حَتَّى يَنْصَرِفَ (۶) .

راجع : الحديث ۵۵۵ .

۷ / ۲۷ إجابة الدعاء رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ (۷) .

عنه صلى الله عليه وآله : تُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَيُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ : ... عِنْدَ إِقَامَةِ الصَّلَاةِ (۸) .

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ صَلَّى صَلَاةً لَا يَعْزِضُ عَلَى قَلْبِهِ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا ، لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ (۹) .

[آن که در نماز است] سه ویژگی دارد: رحمت الهی او را از کف پایش تا کرانه آسمان در بر می گیرد و فرشتگان از روی سرش تا کرانه های آسمان گرداگرد او را می گیرند و فریاد کننده ای ندا در می دهد: اگر مناجات کننده می دانست با چه کسی مناجات می کند، باز نمی گشت.

فرشتگان پیوسته بر بنده درود می فرستند ، تا آنگاه که در نماز گاهش نماز می خواند و برنخاسته یا حدثی از او سرزنده است ، فرشتگان می گویند: خدایا او را بیامرز و بر او رحمت آور.

امام علی علیه السلام: نماز ، رحمت را فرو می آورد.

هنگامی که انسان به نماز می ایستد، ابلیس پیش می آید و حسودانه به او می نگرد، چون می بیند رحمت الهی او را در بر گرفته است .

اگر نمازگزار می دانست چگونه شکوه الهی او را در برگرفته است، سربرداشتن از سجده را خوش نمی داشت.

امام صادق علیه السلام: همانا مهمان خداوند عز و جل ... مردی است که در نماز است، او در پناه رحمت خداست تا آنگاه که نمازش را به پایان برد.

۷/۲۷ پذیرش دعایمبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازی واجب بگذارد، نزد خداوند یک دعای پذیرفته دارد.

چهار هنگام درهای آسمان گشوده می شود و دعاء پذیرفته می گردد: ... هنگام برپا کردن نماز.

هر کس نمازی بخواند که در آن چیزی از چاره اندیشی های دنیا را بر دل نگذرانند، هیچ چیز از خدا نمیخواهد، جز اینکه به او می بخشد.

۱- مصنف عبدالرزاق: ۱ / ۴۹ / ۱۵۰ عن الحسن؛ الفقيه: ۱ / ۲۱۰ / ۶۳۶ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، ثواب الأعمال: ۵۷ / ۳ عن جميل عن الإمام الصادق عليه السلام، روضه الواعظين: ۳۴۸ عن الإمام الباقر عليه السلام كلها نحوه.

۲- سنن الدارمی: ۱ / ۳۴۸ / ۱۳۷۹ عن أبي هريره.

۳- غرر الحكم: ۲۲۱۴.

۴- الخصال: ۶۳۲ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ۱۲۲.

۵- الخصال: ۶۳۲ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ۱۲۲، غرر الحكم: ۷۵۹۲.

۶- الخصال: ۱۲۷ / ۱۲۷ عن عباد بن صهيب.

۷- أمالي المفيد: ۱۱۸ / ۱ عن محمد بن عبد الله بن علي العلوي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ۲ / ۲۸ / ۲۲ عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الجعفریات: ۲۲۲ عن إسماعيل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، تنبيه الخواطر: ۲ / ۷۶ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مشكاة الأنوار: ۱۱۲.

۸- المعجم الكبير: ۸ / ۱۶۹ / ۷۷۱۳، أمالي الشجرى: ۱ / ۲۲۴ كلاهما عن أبي أمامه.

۹- تنبيه الخواطر: ۲ / ۱۱۶؛ الزهد لابن المبارك: ۴۰۲ / ۱۱۴۳ نحوه، أسد الغابه: ۳ / ۳۶ كلاهما عن صله بن أشيم نحوه.

ص: ۱۲۰

۸ / ۲۷ الوصول إلى كل خير

۹ / ۲۷ التقرب إلى الله تعالى

۱۰ / ۲۷ دخول الجنة

۲۷ / ۸ رسیدن به هر خوبی

۲۷ / ۹ تقرب به خداوند متعال

۲۷ / ۱۰ ورود به بهشت

راجع : الحديث ۲۴ .

۸ / ۲۷ الوصول إلى كل خير رسول الله صلى الله عليه وآله : الصلاة مفتاح كل خير (۱) .

عنه صلى الله عليه وآله : لا تزال أمتي بخير ما تحابوا ، وأقاموا الصلاة . . . ، فإن لم يفعلوا ابتلوا بالسنين والجذب (۲) .

۹ / ۲۷ التقرب إلى الله تعالى رسول الله صلى الله عليه وآله : إن الصلاة قربان المؤمن (۳) .

عنه صلى الله عليه وآله : الصلاة قربان كل تقى (۴) .

الإمام على عليه السلام : إن الزكاة جعلت مع الصلاة قرباناً لأهل الإسلام (۵) .

عنه عليه السلام : الصلاة أفضل القربتين (۶) .

الإمام الصادق عليه السلام لأبي خنيفة بعد قوله للإمام عليه السلام : يا أبا عبد الله ، ما أصبرك على الصلاة : يا نعمان ، أما علمت أن الصلاة قربان كل تقى (۷) .

۱۰ / ۲۷ دخول الجنة رسول الله صلى الله عليه وآله : مفتاح الجنة الصلاة (۸) .

عنه صلى الله عليه وآله : قال الله عز وجل : إن لعبدى على عهدنا إن أقام الصلاة لوقتها أن لا أعذبه وأن أدخله الجنة بغير حساب (۹) .

۲۷/۸ رسیدن به هر خوبییامبر خدا صلى الله عليه وآله : نماز ، کلید هر خوبی است.

همواره اتم در خیر و خوبی هستند ، تا آنگاه که با یکدیگر دوست باشند و نماز را بر پا دارند ... پس اگر چنین نکنند به قحطی و خشکسالی گرفتار می شوند.

۲۷/۹ تقرب به خداوند تعالیامبر خدا صلى الله عليه وآله : همانا نماز ، وسیله تقرب شخص با ایمان است.

نماز، وسیله تقرّب هر شخص با تقوا است.

امام علی علیه السلام: همانا زکات به همراه نماز، وسیله تقرّب مسلمانان قرار داده شده است.

نماز، برترین تقرّب است.

امام صادق علیه السلام پس از آنکه ابوحنیفه به ایشان گفت: ای ابو عبدالله، چقدر بر نماز شکیبایی می ورزی: ای نعمان، آیا نمی دانستی که نماز، وسیله تقرّب هر شخص با تقوا است؟

۱۰/۲۷ ورود به بهشتیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کلید بهشت، نماز است.

خدای عز و جل فرمود: برای بنده ام تعهد کرده ام، اگر نماز را در وقتش برپا دارد، کیفرش ندهم و او را بی محاسبه وارد بهشت گردانم.

.

۱- الفردوس: ۲ / ۴۰۴ / ۳۷۹۶ عن ابن عباس .

۲- أُمّالی الطوسی: ۶۴۷ / ۱۳۴۰ عن محمد بن صدقه عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام .

۳- الجامع الصغير: ۱ / ۳۱۴ / ۲۰۵۵ عن أنس .

۴- الجعفریات: ۳۲ عن إسماعیل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ۳ / ۲۶۵ / ۶ عن محمد بن الفضیل عن الرضا علیه السلام، الفقيه: ۴ / ۴۱۶ / ۵۹۰۴ عن زراره عن الإمام الصادق علیه السلام، نهج البلاغه: الحکمه ۱۳۶؛ مسند الشهاب: ۱ / ۱۸۱ / ۲۶۵ عن عبدالله بن الزبير عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله .

۵- م. الكافي: ۵ / ۳۷ / ۱ عن عقيل الخزاعي، نهج البلاغه: الخطبه ۱۹۹ .

۶- غرر الحکم: ۱۶۸۲ .

۷- نشر الدرّ: ۱ / ۳۵۶، كشف الغمّه: ۲ / ۴۱۹ .

۸- سنن الترمذی: ۱ / ۱۰ / ۴، مسند ابن حنبل: ۵ / ۱۰۳ / ۱۴۶۶۸، شعب الإيمان: ۳ / ۴ / ۲۷۱۱ و ۲۷۱۲ کلّها عن جابر بن عبدالله؛ عوالی اللآلی: ۱ / ۳۲۲ / ۵۶ .

۹- کنز العمال: ۷ / ۳۱۲ / ۱۹۰۳۶ نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن عائشه .

ص: ۱۲۱

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ ، وَمَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ يُعَذِّبْهُ (۱) .

عنه عليه السلام: يُؤْتَى بِالشَّيْخِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ ظَاهِرَةً مِمَّا يَلِي النَّاسَ لَا يَرَى إِلَّا مَسَاوِي ، فَيَطُولُ ذَلِكَ عَلَيْهِ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ ، أَتَأْمُرُنِي إِلَى النَّارِ ؟ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ : يَا شَيْخُ إِنِّي أَسْتَحْيِي أَنْ أُعَذِّبَكَ وَقَدْ كُنْتَ تُصَلِّي لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا ، اذْهَبُوا بِعَبْدِي إِلَى الْجَنَّةِ (۲) .

مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَةٌ ، فَيَقَالُ لَهُ : أَذْكَرُ أَوْ تَذْكَرُ ، هَلْ لَكَ مِنْ حَسَنَةٍ ؟ قَالَ : فَيَتَذَكَّرُ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ ، مَا لِي مِنْ حَسَنَةٍ إِلَّا أَنَّ فُلَانًا عَبْدَكَ الْمُؤْمِنَ مَرَّ بِي فَطَلَبْتُ مِنْهُ مَاءً فَأَعْطَانِي مَاءً فَتَوَضَّأْتُ بِهِ وَصَلَّيْتُ لَكَ ، قَالَ : فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : قَدْ غَفَرْتُ لَكَ ، أَدْخِلُوا عَبْدِي الْجَنَّةَ (۳) .

راجع: الحديث ۸۳ و ۹۸ و ۱۱۲ و ۱۲۸ .

امام صادق علیه السلام: خداوند از هر کس یک نماز را بپذیرد، عذابش نمی کند، از هر کس یک کار نیک بپذیرد، کیفرش نمی دهد.

روز قیامت، پیرمرد را می آورند و نامه عملش را آشکارا و پیش روی مردم به او می دهند در حالی که جز بدی در آن نمی بیند، پس بر او گران می آید و می گوید: ای پروردگار من، آیا فرمان می دهی مرا به دوزخ برند؟ پس خدای بزرگ جل جلاله می گوید: ای پیر، من شرم می کنم تو را کیفر دهم و حال آنکه تو در دنیا برای من نماز میگزاردی. بنده ام را به بهشت ببرید.

محمد بن عمران از امام صادق علیه السلام: بندهای را روز قیامت می آورند که هیچ کار نیکی ندارد. پس به او گفته شود: یاد کن یا به یاد آر، آیا کار نیکی داری؟ پس به یاد می آورد و می گوید: ای پروردگار من، کار نیکی نکرده ام جز اینکه فلان بنده با ایمانت بر من گذشت، از او آب خواستم و او به من داد. پس با آن وضو گرفتم و برای تو نماز گزاردم. (امام صادق) فرمود: پس پروردگار تبارک و تعالی می فرماید: همانا تو را آمرزیدم، بنده ام را وارد بهشت کنید.

۱- الکافی: ۳ / ۲۶۶ / ۱۱ ، التهذیب: ۲ / ۲۳۸ / ۹۴۳ کلاهما عن حفص بن البختري ، الفقيه: ۱ / ۲۱۱ / ۶۴۱ .

۲- الخصال: ۵۴۶ / ۲۶ عن خالد القلانسي ، مشكاة الأنوار: ۱۷۰ .

۳- الخصال: ۲۴ / ۸۶ .

الفصل الثامن والعشرون : جوامع آثار الصلاة

فصل بیست و هشتم : کلیات آثار نماز

الفصل الثامن والعشرون: جوامع آثار الصلاة رسول الله صلى الله عليه وآله ما من عبد اهتم بمواقيت الصلاة ومواضع الشمس إلا ضمنت له الروح عند الموت وانقطع الهموم والأحزان والنجا من النار (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: الصلاة من شرائع الدين، وفيها مرضاة الرب عز وجل، وهى منهاج الأنبياء، وللمصلى حب الملائكة، وهدى وإيمان، ونور المعرفة، وبركة فى الرزق، وراحة للبدن، وكرامة للشيطان، وسلاح على الكافر، وإجابة للدعاء، وقبول للأعمال، وزاد للمؤمن من الدنيا إلى الآخرة، وسفيع بينه وبين ملك الموت، وأنس فى قبره، وفراش تحت جنبه، وجواب لمنكر ونكير، وتكون صلاه العبد عند المحشر تاجا على رأسه، ونورا على وجهه، ولباسا على بدنه، وسترا بينه وبين النار، وحججه بينه وبين الرب جل جلاله، ونجاة لبدنه من النار، وجوازاً على الصراط، ومفتاحاً للجنة، ومهوراً لحوار العين، وثمناً للجنة. بالصلاة يبلغ العبد إلى الدرجه العليا، لأن الصلاة تسبيح وتهليل وتحميد وتكبير وتمجيد وتقديس وقول ودعوة (۲).

فصل بیست و هشتم: آثار اساسی نماز پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ بنده ای به وقتهای نماز و جایگاههای خورشید، اهتمام نمی ورزد، جز اینکه برای او راحتی هنگام مرگ قطع پریشانی ها و اندوهها و نجات از آتش را ضمانت می کنم.

نماز از آیینهای دین است، در آن خشنودی پروردگار عز و جلاست، راه روشن پیامبر است و نماز گزار محبت فرشتگان را با خود دارد. هدایت و ایمان، نور معرفت، برکت در روزی، آسایش تن، ناپسندی برای شیطان، سلاحی برابر کافر، پذیرش دعا، قبولی اعمال، توشه مؤمن از دنیا به سوی آخرت، شفیع میان او و فرشته مرگ، انس او در گورش، فرش زیرش و پاسخ منکر و نکیر است. و نماز بنده هنگام محشر، تاجی بر سر اوست و نوری بر چهره اش، پوششش کالبدش، پرده ای میان او و آتش، حجتی میان او و پروردگار بزرگ و با شکوهش، نجات تنش از آتش، برگه عبور از صراط، کلیدی برای بهشت، مهریه حورالعین و بهای بهشت است. بنده با نماز در فراز می آید، زیرا نماز تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله گفتن و گواهی به یکتایی خدا) و سپاس و بزرگداشت و مدح و تنزیه و سخن گفتن (با خدا) و دعاست.

۱- .أمالی المفید : ۱۳۶ / ۵ عن سويد بن غفله عن الإمام علی علیه السلام .

۲- .الخصال : ۵۲۲ / ۱۱ عن ضميره بن حبيب .

ص: ۱۲۳

عنه صلى الله عليه و آله :الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ ، وفيها عَشْرُ خِصَالٍ : زَيْنُ الْوَجْهِ ، وَنُورُ الْقَلْبِ ، وَرَاحَةُ الْيَدَيْنِ ، وَأَنْسُ الْقُبُورِ ، وَمُنْزِلُ الرَّحْمَةِ ، وَمِصْبَاحُ السَّمَاءِ ، وَثِقُلُ الْمِيزَانِ ، وَمَرْضَاةُ الرَّبِّ ، وَتَمَنُّ الْجَنَّةِ ، وَحِجَابٌ مِنَ النَّارِ ، وَمَنْ أَقَامَهَا فَقَدْ أَقَامَ الدِّينَ ، وَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ هَدَمَ الدِّينَ (۱) .

عنه صلى الله عليه و آله : إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَكًا يُسَمَّى سَخَائِلَ يَأْخُذُ الْبَرَوَاتِ لِلْمُصَلِّينَ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ ، فَإِذَا أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا صَلَاةَ الْفَجْرِ أَخَذَ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً لَهُمْ مَكْتُوبٌ فِيهَا : أَنَا اللَّهُ الْبَاقِي ، عِبَادِي وَإِمَائِي فِي حِرْزِي جَعَلْتُكُمْ ، وَفِي حِفْظِي وَتَحْتِ كَفْيِي صَيَّرْتُكُمْ ، وَعِزَّتِي لَا تَحْذِلُكُمْ وَأَنْتُمْ مَغْفُورٌ لَكُمْ ذُنُوبُكُمْ إِلَى الظُّهْرِ . فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الظُّهْرِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً الثَّانِيَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا : أَنَا اللَّهُ الْقَادِرُ ، عِبَادِي وَإِمَائِي بَدَّلْتُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ ، وَغَفَرْتُ لَكُمْ السَّيِّئَاتِ ، وَأَحْلَلْتُكُمْ بِرِضَائِي عَنْكُمْ دَارَ الْجَلَالِ . فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الْعَصْرِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً الثَّالِثَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا : أَنَا اللَّهُ الْجَلِيلُ جَلَّ ذِكْرِي وَعَظُمَ سُلْطَانِي ، عِبِيدِي وَإِمَائِي حَرَّمْتُ أَبْدَانَكُمْ عَلَى النَّارِ ، وَأَسْكَنْتُكُمْ مَسَاكِنَ الْأَبْرَارِ ، وَدَفَعْتُ عَنْكُمْ بِرَحْمَتِي شَرَّ الْأَشْرَارِ . فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً الرَّابِعَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا : أَنَا اللَّهُ الْجَبَّارُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ ، عِبِيدِي وَإِمَائِي صَعَدَ مَلَائِكَتِي مِنْ عِنْدِكُمْ بِالرُّضَا ، وَحَقَّقَ عَلَيَّ أَنْ أَرْضِيَكُمْ وَأُعْطِيَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُتَيْتَكُمْ . فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الْعِشَاءِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا أَخَذَ مِنَ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ لَهُمُ الْبَرَاءَةُ الْخَامِسَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا : إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرِي وَلَا رَبَّ سِوَايَ ، عِبَادِي وَإِمَائِي فِي بُيُوتِكُمْ تَطَهَّرْتُمْ ، وَإِلَى بُيُوتِي مَشَيْتُمْ ، وَفِي ذِكْرِي خُضُوتُمْ ، وَحَقَّقِي عَرَفْتُمْ ، وَفَرَأَيْتُمْ ، أَشْهَدُكُمْ يَا سَخَائِلُ وَسَائِرَ مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ رَضِيتُ عَنْهُمْ . فَيُنَادِي سَخَائِلُ بِثَلَاثِ أَصْوَاتٍ كُلُّ لَيْلَةٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ : يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ غَفَرَ لِلْمُصَلِّينَ الْمُؤَحِّدِينَ ، فَلَا يَبْقَى مَلَكٌ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ إِلَّا اسْتَغْفَرَ لِلْمُصَلِّينَ وَدَعَا لَهُمْ بِالْمُدَاوَمَةِ عَلَى ذِكْرِكَ ، فَمَنْ رَزَقَ صَلَاةَ اللَّيْلِ مِنْ عَبْدٍ أَوْ أَمَةٍ قَامَ لِلَّهِ عِزَّ وَجَلَّ مُخْلِصًا فَتَوْضُّعًا وَضَوْءًا سَابِعًا وَصَلَّى لِلَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بِتَيْهِ صَادِقَةٍ وَقَلْبٍ سَلِيمٍ وَبَدَنٍ خَاشِعٍ وَعَيْنٍ دَامِعَةٍ جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلْفَهُ تِسْعَةَ صُفُوفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ ، فِي كُلِّ صَفٍّ مَا لَا يُحْصَى عَدَدُهُمْ إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ، أَحَدُ طَرَفِي كُلِّ صَفٍّ بِالْمَشْرِقِ وَالْآخَرُ بِالْمَغْرِبِ ، فَإِذَا فَرَّغَ كُتِبَ لَهُ بِعَدَدِهِمْ دَرَجَاتٌ (۲) .

نماز ستون دین و در آن ده ویژگی است: زینت چهره، نور دل، آسایش تن، انس گورها، فروآورنده رحمت، چراغ آسمان، سنگینی میزان، خشنودی پروردگار، بهای بهشت و پرده ای از آتش است. هر کس آن را بر پا کند، دین را بر پا داشته و هر کس آن را رها کند، دین را نابود کرده است.

خداوند فرشته ای به نام سخائیل دارد که برای نماز گزاران هنگام هر نماز براتهایی از پروردگار بزرگ جهانیان می گیرد. پس هنگامی که مؤمنان صبح بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز صبح را می خوانند، براتی را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: من خدای جاویدم . بندگان من ، شما را در پناه خود قرار دادم و در سایه حمایت و نگاهبانی خودم در آوردم . به عزتم سوگند، شما را فرو نمی گذارم و گناهانتان تا ظهر آمرزیده شده است . پس هنگام ظهر که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برای آنان برات دوم را از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: من خدای توانایم . بندگان من ، بدیهایتان را به نیکی تبدیل کردم و گناهان کوچکتان را آمرزیدم و به سبب خشنودیم از شما، در منزلگه شکوه جایتان دادم. پس هنگام عصر که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برات سوم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: من خدای بزرگم . یادم با شکوه و قدرتم بسیار است. بندگان من ، کالبدهایتان را بر آتش حرام

کردم و شما را در جایگاه نیکان، نشاندم و با رحمتم تبهکاری تبهکاران را از شما دور کردم. پس هنگام مغرب که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برات چهارم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: من خداوند چیره، بزرگ و والايم . بندگان من ، فرشتگانم از نزد شما با خشنودی بالا آمدند . بر خود واجب کردم که شما را خشنود سازم و روز قیامت، آرزویتان را برآورده سازم. پس هنگام عشاء که بر می خیزند و وضو می گیرند و نماز می خوانند، برات پنجم را برای آنان از خدای عز و جل می گیرد که در آن نوشته شده است: همانا من خداوندم، نه خدایی غیر از من هست و نه پروردگاری جز من. بندگان من ، در خانه های خود طهارت ساختید و به سوی خانه های من گام برداشتید و به یاد من فرو رفتید و حق مرا شناختید و واجباتم را انجام دادید . ای سخائیل و دیگر فرشتگانم، شما را گواه می گیرم که من از آنان خشنود شدم. پس سخائیل هر شب، پس از نماز عشاء، سه بار فریاد سر می دهد: ای فرشتگان خداوند، همانا خداوند تبارک و تعالی نمازگزاران یکتا پرست را آمرزید . پس هیچ فرشته ای در آسمانهای هفتگانه نمی ماند جز اینکه برای نمازگزاران آمرزش می طلبد و برای مداومتشان بر این کار دعا می کند. هر کس مرد یا زن نماز شب روزیش شود و فقط برای خدای عز و جل برخیزد، وضویی کامل بگیرد و برای خدای عز و جل با نیتی راست و دلی پیراسته و تنی افتاده و چشمی گریان، نماز بگذارد، خداوند تبارک و تعالی، پشت سر او، نه صف از فرشتگان قرار می دهد که تعداد فرشتگان هر صف را جز خدای تبارک و تعالی نمی داند، یک طرف صف در شرق و طرف دیگرش در غرب است و هنگامی که (از نمازش) فارغ شد، برای وی به عدد این فرشتگان، درجه نوشته می شود.

۱- . الاثنا عشریة : ۳۲۷ .

۲- . أُمَالِی الصَّدُوق : ۶۴ / ۲ ، فَلَاح السَّائِل : ۱۸۹ کَلاهِمَا عَنِ ابْنِ عَبَّاس .

ص: ۱۲۴

..

ص: ۱۲۵

الفصل التاسع والعشرون : آثار ترك الصلاة

۱ / ۲۹ غضب الله تعالى

۲ / ۲۹ حبط العمل

فصل بیست و نهم : آثار نماز نخواندن

۱ / ۲۹ : خشم خدای متعال

۲ / ۲۹ تباه شدن عمل

الفصل التاسع والعشرون: آثار ترك الصلاة ۱ / ۲۹ غَضَبُ اللَّهِ تَعَالَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ لِقَى اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبًا (۱).

۲ / ۲۹ حَبَطَ الْعَمَلُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ (۲).

زراره: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» (۳) قَالَ: تَرَكَ الْعَمَلَ الَّذِي أَقَرَّ بِهِ، مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَتْرَكَ الصَّلَاةَ مِنْ غَيْرِ سُقْمٍ وَلَا شُغْلٍ (۴).

فصل بیست و نهم: آثار نماز نخواندن ۱/۲۹ خشم خدای تعالی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نمازی را نخواند، خداوند را می بیند که بر او خشمناک است.

۲/۲۹ تباه شدن عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نماز را از روی قصد ترک کند، خداوند عملش را تباه می کند (۵).

زراره: از امام صادق درباره این گفته خدای عز و جل پرسیدم: «هر کس به (ارکان) ایمان کفر ورزد، بی گمان عملش تباه است»، فرمود: ترک کردن کاری که بدان اقرار دارد که از آن جمله، ترک نماز بی هیچ بیماری و گرفتاری است.

۱- المعجم الكبير: ۱۱ / ۲۳۴ / ۱۱۷۸۲، ذخائر العقبی: ۲۳۴؛ عوالی اللآلی: ۱ / ۱۲۶ / ۶۴ کلّها عن ابن عباس .

۲- الترغیب والترهیب: ۱ / ۳۸۵ / ۱۸ عن عمر، صحیح البخاری: ۱ / ۲۰۳ / ۵۲۸، سنن النسائی: ۱ / ۲۳۶، مسند ابن حنبل: ۹ / ۱۲ / ۲۳۰۲۰ وفي الثلاثة «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ...» کلّها عن بریده؛ جامع الأخبار: ۱۸۵ / ۴۵۶ نحوه .

۳- المائدة: ۵ .

۴- الکافی: ۲ / ۳۸۴ / ۵ وفي هامشه «في بعض النسخ: عن عبيد بن زرارہ»، المحاسن: ۱ / ۱۵۸ / ۲۲۱ نحوه، تفسیر العیاشی: ۱ / ۲۹۶ / ۴۱ کلاهما عن عبيد بن زرارہ .

۵- در صحیح بخاری و سنن نسایی و مسند ابن حنبل چنین آمده است: «هر کس نماز عصر را ترک کند...».

ص: ۱۲۶

۳ / ۲۹ الکفر

۲۹ / ۳ کفر

۳ / ۲۹ الکفر رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ جَهَارًا (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: الْعَهْدُ الَّذِي بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمُ الصَّلَاةُ، فَمَنْ تَرَكَهَا فَقَدْ كَفَرَ (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: لَا دِينَ لِمَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ (۳).

عنه صلى الله عليه وآله: لَا سَهْمَ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ لَا صَلَاةَ لَهُ (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: مَا بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَاةِ (۵).

عنه صلى الله عليه وآله: بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْكُفْرِ تَرْكُ الصَّلَاةِ (۶).

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ لَا يَرْجُو ثَوَابَهَا وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا، فَلَا أُبَالِي أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا (۷).

عنه صلى الله عليه وآله: مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ الْكَافِرِ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيَهَا (۸).

الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي، فَقَالَ: لَا تَدَعْ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا، فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ مِلَّةُ الْإِسْلَامِ (۹).

رسول الله صلى الله عليه وآله: فِي وَصِيَّتِهِ لِمُعَاذٍ: لَا تَتْرُكَنَّ صَلَاةَ مَكْتُوبَةٍ مُتَعَمِّدًا، فَإِنَّ مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ مَكْتُوبَةٍ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللَّهِ (۱۰).

الإمام الصادق عليه السلام لِمَنْ سَأَلَهُ عَنِ الْكَبَائِرِ: تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ شَيْئًا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِئَ مِنْ ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَذِمَّةِ رَسُولِهِ (۱۱).

۳/۲۹ کفر پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس نماز را عمدًا ترک کند، آشکارا کفر ورزیده است (۱۲).

پیمان میان ما و آنان، نماز است. پس هر کس آن را ترک کند، کافر شده است.

کسی که نماز نمی‌گذارد، دین ندارد.

کسی که نماز نمی‌گذارد، بهره‌ای از دین ندارد (۱۳).

(مرز) میان کفر و ایمان، جز ترک نماز نیست.

(مرز) میان بنده و کفر، ترک نماز است (۱۴).

هر کس نماز را ترک کند و به پاداش آن امید نورزد و از عذاب نهراسد، اهمیت نمی‌دهم که یهودی، مسیحی و یا مجوس بمیرد.

میان مسلمان و کفر، جز این نیست که نماز واجب را از روی قصد ترک کند و یا به جهت سبک شمردن آن را نخواند.

امام صادق علیه السلام: مردی نزد پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا، مرا سفارش کن. فرمود: نماز را از روی قصد وامگذار که هر کس آن را از روی قصد ترک کند، دین اسلام از او وا رهیده است. (مسلمان نیست) (۱۵).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به معاذ: هرگز نماز واجب را از روی قصد ترک مکن، که هر کس نماز واجب را از روی قصد ترک کند، خداوند تعهدی در برابر او ندارد (۱۶).

امام صادق علیه السلام به کسی که از گناهان بزرگ پرسیده بود: ترک کردن نماز از روی قصد یا هر آنچه خدای عز و جل واجب کرده است؛ زیرا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس نماز را از روی قصد ترک کند، از پیمان خداوند عز و جلو پیمان پیامبرش، بیرون رفته است.

- ۱- المعجم الأوسط: ۳ / ۳۴۳ / ۳۳۴۸ عن أنس؛ عوالی اللآلی: ۲ / ۲۲۴ / ۳۶ من دون قوله: «جهارا».
- ۲- سنن الترمذی: ۵ / ۱۳ / ۲۶۲۱، سنن ابن ماجه: ۱ / ۳۴۲ / ۱۰۷۹، سنن النسائی: ۱ / ۲۳۱، المستدرک علی الصحیحین: ۱ / ۴۸ / ۱۱، سنن الدارقطنی: ۲ / ۵۲ / ۲ کلها عن بریده.
- ۳- المعجم الأوسط: ۲ / ۳۸۳ / ۲۲۹۲، المعجم الصغیر: ۱ / ۶۱ کلاهما عن ابن عمر.
- ۴- الترغیب والترهیب: ۱ / ۳۸۰ / ۶ نقلاً عن البزار عن أبي هريره؛ دعائم الإسلام: ۱ / ۱۳۳ عن الإمام علی علیه السلام ولفظه «لا حَظَّ فِي الْإِسْلَامِ لِمَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ».
- ۵- ثواب الأعمال: ۲ / ۲۷۵ عن عبدالله بن میمون عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام عن جابر.
- ۶- سنن الترمذی: ۵ / ۱۳ / ۲۶۲۰، سنن ابن ماجه: ۱ / ۳۴۲ / ۱۰۷۸، سنن أبی داود: ۴ / ۲۱۹ / ۴۶۷۸، صحیح مسلم: ۱ / ۸۸ / ۱۳۴ وفيه «بَيِّنَ الرَّجُلُ وَبَيَّنَ الشُّرْكَ وَالْكَفْرَ...» کلها عن جابر؛ جامع الأخبار: ۱۸۶ / ۴۵۷.
- ۷- جامع الأخبار: ۱۸۶ / ۴۶۲.
- ۸- ثواب الأعمال: ۱ / ۲۷۵، المحاسن: ۱ / ۱۶۰ / ۲۲۸ کلاهما عن برید بن معاویه العجلی عن الإمام الباقر علیه السلام.
- ۹- م. الکافی: ۳ / ۴۸۸ / ۱۱ عن القدّاح؛ الترغیب والترهیب: ۱ / ۳۷۹ / ۳ عن عباده بن الصامت، وفيه «... لا تَتْرُكُوا الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدِينَ، فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْمِلَّةِ».
- ۱۰- مسند ابن حنبل: ۸ / ۲۵۰ / ۲۲۱۳۶ عن معاذ، المستدرک علی الصحیحین: ۴ / ۴۴ / ۶۸۳۰ عن أمیمة وزاد فی آخره «وَذَمَّهُ رَسُولُهُ».
- ۱۱- الفقیه: ۳ / ۵۶۳ / ۴۹۳۲، علل الشرائع: ۱ / ۳۹۲، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱ / ۲۸۷ کلها عن عبدالعظیم الحسنی عن الإمام الجواد عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق علیهم السلام.

- ۱۲- در عوالمی اللآلی قید «آشکارا» نیست.
- ۱۳- متن دعائم الاسلام چنین است: «کسی که نماز را ترک کند نصیبی از اسلام ندارد».
- ۱۴- در صحیح مسلم چنین آمده است: «میان مرد و شرک و کفر...».
- ۱۵- در الترغیب و الترہیب چنین آمده است: «از روی قصد نماز را ترک نکنید، که هر کس آن را از روی قصد ترک کند، از دین خارج شده است».
- ۱۶- در المستدرک علی الصحیحین در انتهای حدیث افزوده است: «و پیامبرش نیز تعہدی ندارد».

ص: ۱۲۷

الإمام على عليه السلام: الفرق بين المؤمن والكافر الصلاة، فمن تركها وادّعى الإيمان كذّبه فعله، وكان عليه شاهد من نفسه (۱).

الإمام الصادق عليه السلام وقد سُئِلَ: ما بال الزّاني لا تُسمّيه كافراً وتارك الصلاة قد سمّيته كافراً؟ وما الحجّة في ذلك؟: لأنّ الزّاني وما أشبهه إنّما يفعل ذلك لِمَكانِ الشّهوة لأنّها تغلبه، وتارك الصلاة لا يتركها إلاّ استخفافاً بها (۲).

راجع: الحديث ۴۵۷.

امام علی علیه السلام: تفاوت میان مؤمن و کافر، نماز است. پس هر کس آن را ترک کند و ادعای ایمان کند، عملش او را تکذیب می کند و گواهی از خودش بر خود اوست.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش: چگونه زناکار را کافر نمی نامید و ترک کننده نماز را کافر می نامید و دلیل آن چیست؟: چون زناکار و مانند آن، به جهت غلبه شهوت آن را انجام می دهد و ترک کننده نماز فقط از روی سبک شمردن، آن را ترک می کند.

۱- شرح نهج البلاغه: ۲۰ / ۲۹۵ / ۳۸۰.

۲- الکافی: ۲ / ۳۸۶ / ۹، الفقیه: ۱ / ۲۰۶ / ۶۱۶، علل الشرائع: ۳۳۹ / ۱ کلّها عن مسعدة بن صدقه، قرب الإسناد: ۴۷ / ۱۵۴.

ص: ۱۲۸

الفصل الثلاثون : عقاب تارك الصلاة

فصل سی ام : کیفر ترک کننده نماز

الفصل الثلاثون: عِقَابُ تَارِكِ الصَّلَاةِ الْكِتَابُ: «فِي جَنَائِثٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنْ الْمُصَلِّينَ» (۱).

«فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى * وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى * ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى * أُولَى لَكَ فَأُولَى * ثُمَّ أُولَى لَكَ فَأُولَى» (۲).

«وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ * وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» (۳).

رسول الله صلى الله عليه وآله: أُمْتُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ: ... صَنَفٌ لَا يُصَلُّونَ أَبَدًا، فَكَانَ لَهُمْ سَقَرٌ، وَسَقَرُ اسْمٌ دَرَكُهُ مِنْ دَرَكَاتِ جَهَنَّمَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ تَرَكَ صَلَاةً مُتَعَمِّدًا كُتِبَ اسْمُهُ عَلَى بَابِ النَّارِ فَيَمْنُ يَدْخُلُهَا (۵).

الإمام الباقر عليه السلام لَمَّا ذُكِرَ عِنْدَهُ رَجُلٌ فَقِيلَ: انْهَتْكَ سِتْرُهُ وَارْتَكَبَ الْمَحَارِمَ وَاسْتَخَفَّ بِالْفَرَائِضِ حَتَّى إِنَّهُ تَرَكَ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ، وَكَانَ مُتَكِنًا فَاسْتَوَى جَالِسًا: سُبْحَانَ اللَّهِ! تَرَكَ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ؟! إِنَّ تَرَكَ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ عِنْدَ اللَّهِ عَظَى (۶).

فصل سی ام: کیفر ترک کننده نماز قرآن: «در میان باغها. از یکدیگر می پرسند، در باره مجرمان: چه چیز شما را در آتش درآورد؟ گویند: از نماز گزاران نبودیم.»

«او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند، بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد. سپس به سوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم بر می داشت! (با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر! سپس عذاب الهی برای تو شایسته تر است، شایسته تر!»

«وای بر تکذیب کنندگان در آن روز. و چون به آنان گفته شود: رکوع کنید، به رکوع نمی روند.»

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: امت من چهار دسته اند: ... دسته ای هیچگاه نماز نمی خوانند، پس برای اینان «سقر» است و «سقر» نام طبقهای از طبقات دوزخ است. خداوند تعالی گفته است: «چه چیز شما را به سقر درآورد؟ گفتند: از نماز گزاران نبودیم.»

هر کس نماز را از روی قصد ترک کند، نامش را بر سر در دوزخ جزو وارد شوندگان به آن، می نویسند.

امام باقر علیه السلام نزد ایشان سخن از مردی به میان آمد و گفته شد: پرده دری کرده، مرتکب محرمات گشته، واجبات را سبک شمرده و حتی نماز واجب را ترک کرده است. امام که تکیه داده بودند، راست نشست و فرمود: سبحان الله، نماز واجب را ترک کرده است؟ همانا ترک نماز واجب، نزد خداوند، بزرگ و گران است.

.

- ۱- .المَدَّثَر : ۴۳ ۴۰ .
- ۲- .القیامه : ۳۵ ۳۱ .
- ۳- .المرسلات : ۴۷ و ۴۸ .
- ۴- .الاثنا عشریه : ۱۵۸ ، راجع : الحدیث ۳۷۶ .
- ۵- .حلیه الأولیاء : ۲۵۴ / ۷ عن أبی سعید .
- ۶- م. دعائم الإسلام : ۱ / ۶۳ .

ص: ۱۲۹

..

ص: ۱۳۰

الفصل الحادی والثلاثون : تأویل الصلاه

فصل سی و یکم : حقیقت نماز

الفصل الحادی والثلاثون: تأویل الصلاه أحمد بن عبد الله: بَيْنَمَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَارًا بِفَنَاءِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ إِذْ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ يُصَلِّي فَاستَحَسَنَ صَلَاتَهُ، فَقَالَ: يَا هَذَا الرَّجُلُ، تَعْرِفُ تَأْوِيلَ صَلَاتِكَ؟ قَالَ الرَّجُلُ: يَا بَنَ عَمِّ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، وَهَلْ لِلصَّلَاةِ تَأْوِيلٌ غَيْرَ التَّعْبُدِ؟! قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْلَمَ يَا هَذَا الرَّجُلُ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا بَعَثَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَمْرِ مِنَ الْأُمُورِ إِلَّا وَلَهُ مُتَشَابِهٌ وَتَأْوِيلٌ وَتَنْزِيلٌ، وَكُلَّ ذَلِكَ عَلَى التَّعْبُدِ، فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ تَأْوِيلَ صَلَاتِهِ فَصَلَاتُهُ كُلُّهَا خِدَاعٌ نَاقِصَةٌ غَيْرُ تَامَّةٍ (۱).

الصدوق: سَأَلَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: يَا بَنَ عَمِّ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى، مَا مَعْنَى رَفْعِ يَدَيْكَ فِي التَّكْبِيرِ الْأُولَى؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعْنَاهُ اللَّهُ أَكْبَرُ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، لَا يَلْمَسُ بِالْأَخْمَاسِ وَلَا يُدْرِكُ بِالْحَوَاسِّ (۲).

أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّاهِبِ: قَالَ رَجُلٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنَ عَمِّ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، مَا مَعْنَى السَّجْدَةِ الْأُولَى؟ فَقَالَ: تَأْوِيلُهُ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ مِنْهَا خَلَقْتَنِي يَعْنِي مِنَ الْأَرْضِ وَرَفَعْتَ رَأْسَكَ: وَمِنْهَا أَخْرَجْتَنَا، وَالسَّجْدَةُ الثَّانِيَّةُ: وَإِلَيْهَا تُعِيدُنَا، وَرَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الثَّانِيَةِ: وَمِنْهَا تُخْرِجُنَا تَارَةً أُخْرَى، قَالَ الرَّجُلُ: مَا مَعْنَى رَفْعِ رِجْلِكَ الْيَمْنَى وَطَرَحِكَ الْيَسْرَى فِي التَّشَهُدِ؟ قَالَ: تَأْوِيلُهُ، اللَّهُمَّ أُمِّتِ الْبَاطِلَ وَأَقِمِ الْحَقَّ (۳).

فصل سی و یکم: حقیقت نماز احمد بن عبدالله: امیر مؤمنان هنگام عبور از صحن «بیت الله الحرام»، نگاهش به مردی افتاد که نیکو نماز می خواند. پس فرمود: ای مرد، حقیقت نمازت را می شناسی؟ مرد گفت: ای پسر عموی بهترین آفریده خدا، آیا نماز حقیقتی جز عبودیت دارد؟ علی علیه السلام فرمود: بدان ای مرد، همانا خداوند تبارک و تعالی پیامبرش را به کاری از کارها برنیانگیخته جز اینکه متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه این ها بر اساس عبودیت است. پس هر کس حقیقت نماز را نشناسد، همه نمازهایش، ناقص و ناتمام است.

شیخ صدوق: مردی از امیر مؤمنان پرسید: ای پسر عموی بهترین آفریده خداوند متعال، معنای بالا بردن دستهای در تکبیر نخست چیست؟ فرمود: معنایش این است: خدا بزرگتر، یکتا و بی همتاست، مانند ندارد، با دست لمس نمی شود و حواس پنجگانه، او را در نمی یابد.

احمد بن علی راهب: مردی به امیر مؤمنان عرض کرد: ای پسر عموی بهترین آفریده خدا، معنی سجده نخست، چیست؟ فرمود: حقیقتش این است: خدایا همانا تو مرا از آن یعنی از زمین آفریدی و (معنای) سر برداشتن: و ما را از آن خارج کردی و (معنای) سجده دوم: و به آن باز می گردانی و (معنای) سر برداشتن از سجده دوم: و بار دیگر ما را از آن خارج می کنی. آن مرد گفت: (معنای) بلند کردن پای راست و افکندن پای چپ در تشهد چیست؟ فرمود: حقیقتش این است: خدایا، باطل را بمیران و حق را بر پادار (۴).

- ۱- علل الشرائع : ۴۵ / ۵۹۸ .
- ۲- الفقيه : ۱ / ۳۰۶ / ۹۲۱ ، علل الشرائع : ۱ / ۳۲۰ عن أحمد بن عبد الله قريب منه .
- ۳- علل الشرائع : ۴ / ۳۳۶ ، الفقيه : ۱ / ۳۲۰ / ۹۴۵ وفيه من قوله : «ما معنى رفع رجلك اليمنى . . .» .
- ۴- در «الفقيه» حدیث از «معنای بلند کردن پای راست ...» آغاز می گردد.

ص: ۱۳۱

الإمام على عليه السلام فى معنى قول الإمام : السَّلامُ عَلَيْكُمْ : إِنَّ الإِمَامَ يُتَرَجَّمُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَيَقُولُ فى تَرْجَمَتِهِ لِأَهْلِ الْجَمَاعَةِ : أَمَانٌ لَكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱) .

جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ : كُنْتُ مَعَ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَى رَجُلًا قَائِمًا يُصَلِّي فَقَالَ لَهُ : يَا هَذَا ، أَتَعْرِفُ تَأْوِيلَ الصَّلَاةِ ؟ فَقَالَ : يَا مَوْلَايَ ، وَهَلْ لِلصَّلَاةِ تَأْوِيلٌ غَيْرُ الْعِبَادَةِ ؟ فَقَالَ : إِي وَالَّذِى بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنَّبُوءِ ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا بِأَمْرٍ مِنَ الْأُمُورِ إِلَّا وَلَهُ تَشَابُهُ وَتَأْوِيلٌ وَتَنْزِيلٌ ، وَكُلُّ ذَلِكَ يُدُلُّ عَلَى التَّعْبُدِ ، فَقَالَ لَهُ : عَلَّمَنِى مَا هُوَ يَا مَوْلَايَ ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : تَأْوِيلُ تَكْبِيرِكَ الْأُولَى إِلَى إِحْرَامِكَ أَنْ تُخْطِرَ فى نَفْسِكَ إِذَا قُلْتَ : اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يَوْصِفَ بِقِيَامٍ أَوْ قُعُودٍ ، وَفِي الثَّانِيَةِ : أَنْ يَوْصِفَ بِحَرَكَةٍ أَوْ جُمُودٍ ، وَفِي الثَّلَاثَةِ : أَنْ يَوْصِفَ بِجِسْمٍ أَوْ يُشَبَّهَ بِشَيْءٍ أَوْ يُقَاسَ بِقِيَاسٍ ، وَتُخْطِرُ فى الرَّابِعَةِ : أَنْ تَحِلَّهَ الْأَعْرَاضُ أَوْ تَوَلِمَهُ الْأَمْرَاضُ ، وَتُخْطِرُ فى الْخَامِسَةِ : أَنْ يَوْصِفَ بِجَوْهَرٍ أَوْ بِعَرَضٍ أَوْ يَحِلَّ شَيْئًا أَوْ يَحِلَّ فِيهِ شَيْءٌ ، وَتُخْطِرُ فى السَّادِسَةِ : أَنْ يَجُوزَ عَلَيْهِ مَا يَجُوزُ عَلَى الْمُحَدَّثِينَ مِنَ الزَّوَالِ وَالْإِنْتِقَالِ وَالتَّغْيِيرِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ ، وَتُخْطِرُ فى السَّابِعَةِ : أَنْ تَحِلَّهَ الْحَوَاسُ الْخَمْسُ . ثُمَّ تَأْوِيلُ مِدَّةِ عُقُوبِكَ فى الرُّكُوعِ تُخْطِرُ فى نَفْسِكَ : آمَنْتُ بِكَ وَلَوْ ضُرِبَتْ عُقْبَى . ثُمَّ تَأْوِيلُ رَفْعِ رَأْسِكَ مِنَ الرُّكُوعِ إِذَا قُلْتَ «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» تَأْوِيلُهُ : الَّذِى أَخْرَجَنِي مِنَ الْعَدَمِ إِلَى الْوُجُودِ ، وَتَأْوِيلُ السَّجْدَةِ الْأُولَى أَنْ تُخْطِرَ فى نَفْسِكَ وَأَنْتَ سَاجِدٌ : مِنْهَا خَلَقْتَنِي ، وَرَفَعَ رَأْسَكَ تَأْوِيلُهُ : وَمِنْهَا أَخْرَجْتَنِي ، وَالسَّجْدَةُ الثَّانِيَةُ : وَفِيهَا تُعِيدُنِي ، وَرَفَعَ رَأْسَكَ تُخْطِرُ بِقَلْبِكَ : وَمِنْهَا تُخْرِجُنِي تَارَةً أُخْرَى . وَتَأْوِيلُ قُعُودِكَ عَلَى جَانِبِكَ الْأَيْسَرِ وَرَفَعَ رِجْلَكَ الْيُمْنَى وَطَرَحَكَ عَلَى الْيُسْرَى تُخْطِرُ بِقَلْبِكَ : اللَّهُمَّ إِنِّى أَقَمْتُ الْحَقَّ وَأَمْتُ الْبَاطِلَ . وَتَأْوِيلُ تَشْهَدِكَ : تَجْدِيدُ الْإِيمَانِ وَمُعَاوَدَةُ الْإِسْلَامِ وَالْإِقْرَارُ بِالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ ، وَتَأْوِيلُ قِرَاءَةِ التَّحِيَّاتِ : تَمْجِيدُ الرَّبِّ سُبْحَانَهُ ، وَتَعْظِيمُهُ عَمَّا قَالَ الظَّالِمُونَ وَنَعْتَهُ الْمُلْحِدُونَ ، وَتَأْوِيلُ قَوْلِكَ «السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» تَرْحُمُ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ ، فَمَعْنَاهَا : هَذِهِ أَمَانٌ لَكُمْ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ . ثُمَّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ لَمْ يَعْلَمْ تَأْوِيلَ صَلَاتِهِ هَكَذَا فَهِيَ خِدَاجٌ أَوْ نَاقِصَةٌ (۲) .

امام علی علیه السلام در معنای گفته امام جماعت: السلام عليكم: همانا امام، گفته خدا را تفسیر می کند و در ترجمه آن به جماعت نماز گزار می گوید (این نماز) امانی برای شما از عذاب خدا در روز قیامت، است .

جابر بن عبدالله انصاری: با مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام بودم که مردی را دید به نماز ایستاده است . پس به او فرمود: ای مرد، آیا حقیقت نماز را می دانی؟ عرض کرد: ای مولای من، آیا نماز حقیقتی غیر از عبادت دارد؟ پس فرمود: آری. سوگند به کسی که محمد را به نبوت برانگیخت هیچ پیامبری را به کاری از کارها برنیانگیخته ، جز اینکه متشابه و تأویل و تنزیل دارد و همه این ها بر عبادت، دلالت می کنند . پس آن مرد عرض کرد: ای مولای من مرا از آن آگاه کن. حضرت فرمود: حقیقت (هفت) تکبیر آغازین تو که با آن کارهایی را بر خود حرام می کنی این است : هنگامی که الله اکبر نخست را می گویی ، در دلت بگذرانی: خدا بزرگتر از آن است که به برخاستن و نشستن توصیف شود. و در تکبیر دوم ، به حرکت و سکون و در سوم، به جسم بودن یا تشبیه به چیزی کردن یا با چیزی مقایسه کردن توصیف شود و در تکبیر چهارم در دلت می گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که حالتهای گوناگون بر او عارض شود یا بیماریها او را بیازارد و در تکبیر پنجم در دلت می گذرانی: (خدا بزرگتر از آن است) که به جوهر و عرض بودن توصیف شود ، تا در چیزی حلول کند یا چیزی در او حلول کند. در تکبیر ششم در دلت می گذرانی : (خدا بزرگتر از آن است) که هر چه بر موجودات حادث روا بدانی ؛ چون نابودی و جابجایی و دگرگونی از حالتی به حالتی، بر او نیز روا داری. و در تکبیر هفتم، اینکه حواس پنجگانه او را دریابد. پس حقیقت کشیدن گردن در کوع آن است که در دلت بگذرانی:

به تو ایمان آوردم ، حتی اگر گردنم را بزنی. و در سر برداشتن از رکوع هنگامی که می گویی: «خدا به آن که او را می ستاید، گوش می دهد، سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است» ، حقیقتش این است: کسی که مرا از عدم به وجود آورد و حقیقت سجده نخست آن است که در حال سجده در دلت بگذرانی: مرا از آن (زمین) آفریدی و حقیقت سر برداشتن: و مرا از آن خارج کردی و سجده دوم: و مرا به آن باز می گردانی و در سر برداشتن (دوم) به دلت می گذرانی: و بار دیگر مرا از آن خارج می کنی. و حقیقت نشستن بر سمت چپ و بلند کردن پای راست و افکندن آن بر پای چپ این است که به دلت می گذرانی: خدایا همانا من حق را بر پا کردم و باطل را میراندم. و حقیقت تشهد: نو کردن ایمان و بازگشت به اسلام و اقرار به خیزش پس از مرگ است و حقیقت سلام دادن: بزرگداشت پروردگار سبحان و بزرگ دانستن او از هر چه ستمکاران می گویند و کجروان توصیف می کنند. و حقیقت گفتن: «سلام بر شما و نیز رحمت و برکات خداوند» ترحم از خداوند سبحان است، یعنی: این (نماز) امانی برای شما از کیفر روز قیامت است. سپس امیرمؤمنان فرمود: اگر کسی حقیقت نماز را اینگونه نداند، نمازش ناقص است.

۱- الفقیه : ۱ / ۳۲۰ / ۹۴۵ .

۲- البحار : ۸۴ / ۲۵۳ / ۵۲ . قال المجلسی رحمه الله : وجدت بخط الشيخ محمد بن علی الجبعی نقلاً من خط الشيخ الشهيد قدس الله روحهما قال : «روی جابر . . .» .

ص: ۱۳۲

الإمام الصادق عليه السلام: مَعْنَى السَّلَامِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَعْنَى الْأَمَانِ ، أَيْ مَنْ أَدَّى أَمْرَ اللَّهِ وَتَنَبَّأَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَاضِعًا لَهُ خَاشِعًا مِنْهُ فَلَهُ الْأَمَانُ مِنَ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَبِرَاءَةٍ مِنْ عَذَابِ الْآخِرَةِ (۱) .

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيُّ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى التَّسْلِيمِ فِي الصَّلَاةِ ، فَقَالَ : التَّسْلِيمُ عَلَامَةُ الْأَمْنِ وَتَحْلِيلُ الصَّلَاةِ ، قُلْتُ : وَكَيْفَ ذَلِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ ؟ قَالَ : كَانَ النَّاسُ فِيمَا مَضَى إِذَا سَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَارِدُوا أَمْنًا شَرُّهُ وَكَانُوا إِذَا رَدُّوا عَلَيْهِ أَمِنْ شَرِّهِمْ ، فَإِنْ لَمْ يُسَلِّمْ لَمْ يَأْمَنُوهُ وَإِنْ لَمْ يَرُدُّوا عَلَى الْمُسَلِّمِ لَمْ يَأْمَنْهُمْ ، وَذَلِكَ خُلِقَ فِي الْعَرَبِ ، فَجُعِلَ التَّسْلِيمُ عَلَامَةً لِلْخُرُوجِ مِنَ الصَّلَاةِ وَتَحْلِيلًا لِلْكَلامِ وَأَمْنًا مِنْ أَنْ يَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ مَا يُفْسِدُهَا . وَالسَّلَامُ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ وَقِيعٌ مِنَ الْمُصِطَلَى عَلَى مَلَكَی اللَّهِ الْمُؤَكَّلَيْنِ بِهِ (۲) .

۱- مصباح الشریعه : ۱۱۹ .

۲- معانی الأخبار : ۱۷۶ / ۱ .

ص: ۱۳۳

راجع: الحديث ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۳۰۶.

امام صادق علیه السلام: معنای سلام در پایان هر نماز، همان معنای امان است؛ یعنی هر کس فرمان خدا و سنت پیامبرش را با فروتنی و افتادگی در برابر او، انجام دهد، از بلای دنیا در امان و از کیفر آخرت رهیده است.

عبدالله بن فضل هاشمی: از امام صادق علیه السلام معنای سلام دادن در نماز را پرسیدم، فرمود: نشانه امان و پایان یافتن نماز است. گفتم: فدایت شوم این چگونه است؟ فرمود: در میان مردمان گذشته، هرگاه شخص تازه وارد بر آنان سلام می داد، خود را از بدیش در امان می دیدند و اگر جواب سلام او را می دادند، او نیز خود را در امان می دید. پس اگر سلام نمی داد، خود را در امان نمی دیدند و اگر جواب سلام را بر سلام دهنده، رد نمی کردند، او خود را در امان نمی دید و این خوی عرب بود. پس سلام دادن نشانه بیرون رفتن از نماز و حلال کردن گفتار است و امانی برای نماز از آنچه به آن وارد شده و تباهش میکند. سلام نامی از نامهای خداوند عز و جل است و آن از نماز گزار بر دو فرشته خدا که بر او گمارده شده اند، داده می شود.

ص: ۱۳۴

الفصل الثانی والثلاثون : موجبات قبول الصلاه

فصل سی و دوم : اسباب پذیرش نماز

الفصل الثانی والثلاثون: موجبات قبول الصلاه رسول الله صلى الله عليه وآله: الصلاه خلف رجل ورع مقبولة (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: لو صليتم حتى تكونوا كأوتاد [ر] وصمتم حتى تكونوا كالخنايا (۲) لم يقبل الله منكم إلا بورع حاجز (۳).

الإمام على عليه السلام: لا تجوز صلاة امرئ حتى يطهر خمس جوارحه: الوجه، واليدين، والرأس، والرجلين بالماء، والقلب بالتوبه (۴).

أبو حازم قال: رجل لزين العابدين عليه السلام... ما سبب قبولها (الصلاه)؟ قال: ولايتنا والبراءة من أعدائنا (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: قال الله تبارك وتعالى: إنما أقبل الصلاه ممن تواضع لعظمتي، ويكف نفسه عن الشهوات من أجل، ويقطع نهاره بذكرى، ولا يتعاطم على خلقى، ويطعم الجائع، ويكسو العارى، ويرحم المصاب، ويؤوى الغريب، فذلك يشرق نوره مثل الشمس، وأجعل له في الظلمات نوراً وفي الجهالة علماً، وأكلأه بعزتي، وأستحفظه بملائكتي، يدعوني فائيه، ويسألني فأعطيه، فمثل ذلك عندي كمثال جنات الفردوس، لا تبيس ثمارها، ولا تتغير عن حالها (۶).

فصل سی و دوم: اسباب پذیرش نماز پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: نماز پشت سر مرد پرهیزکار، پذیرفته است.

اگر نماز می خواندید تا چون میخ (یا زه کمان) می شدید و روزه می گرفتید تا چون کمان می شدید، خداوند از شما نمی پذیرفت جز با ورعی بازدارنده (از گناه).

امام علی علیه السلام: جایز نیست انسان نماز بخواند، تا اینکه پنج عضو را: صورت و دو دست و سر و دوپایش را با آب و دل را با توبه بشوید.

مردی به امام سجاد علیه السلام عرض کرد: ... چه چیز سبب پذیرش نماز است؟ فرمود: ولایت ما و براءت از دشمنانمان.

امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی گفته است: نماز را تنها از کسی می پذیرم که در برابر بزرگی من سر فرود آورد و خود را به خاطر من از شهوتها نگه دارد و روزش را با یاد من سپری کند و بر آفریده های من بزرگی نکند، گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند، بر مصیبت زده رحم آورد و غریب را پناه دهد. پس نور این شخص چون خورشید می درخشد و برایش در تاریکیها، نور و در نادانیها، دانایی، قرار می دهد. با عزتم او را نگاه می دارم و با فرشتگانم از او نگهداری می کنم. مرا می خواند، پاسخش می دهم از من درخواست می کند، می دهم. حکایت او نزد من حکایت باغهای بهشت است، که میوه هایش خشک و حالش دگرگون نمی گردد.

- ۱- الفردوس : ۲ / ۴۰۵ / ۳۸۰۲ عن البراء بن عازب .
- ۲- جمع حَيَّه أو حَيَّي : وهما القوس ، فعيل بمعنى مفعول ؛ لأنها مَحْتِيه أى معطوفه (النهايه : ۱ / ۴۵۴) .
- ۳- عدّه الداعى : ۱۴۰ .
- ۴- جامع الأخبار : ۱۶۵ / ۳۹۵ .
- ۵- المناقب لابن شهر آشوب : ۴ / ۱۳۱ .
- ۶- المحاسن : ۱ / ۷۹ / ۴۴ و ص ۴۵۸ / ۱۰۵۹ كلاهما عن ابن القدّاح والثانى عنه عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، تحف العقول : ۳۰۶ .

ص: ۱۳۵

عنه عليه السلام في بيان ما ناجى الله عز وجل به موسى عليه السلام : يا موسى ، لا أقبلُ الصَّلَاةَ إِلَّا لِمَنْ تَوَاضَعَ لِعَظَمَتِي ، وَأَلَزَمَ قَلْبُهُ خَوْفِي ، وَقَطَعَ نَهَارَهُ بِذِكْرِي ، وَلَمْ يَبْتَ مُصِرًّا عَلَى الْخَطِيئَةِ ، وَعَرَفَ حَقَّ أَوْلِيَائِي وَأَحِبَّائِي (۱) .

راجع : الفصل ۷ و ۹ و ۱۳ و ۲۲ .

در بیان آنچه خداوند در مناجات موسی به او فرمود: ای موسی، نماز را نمی پذیرم جز از کسی که در برابر بزرگی من سر فرود آورده، ترس از مرا همنشین دلش ساخته، روزش را با یاد من سپری کرده، شبش را با پافشاری بر خطا به روز نبرده و حق اولیا و دوستان من را شناخته است .

۱- .معانی الأخبار : ۵۴ / ۱ ، أمالی الصدوق : ۵۳۰ / ۲ ، تفسیر القمّی : ۱ / ۲۴۳ کلّها عن حفص بن غیاث النخعی .

الفصل الثالث والثلاثون : موانع قبول الصلاة

فصل سی و سوم : موانع پذیرش نماز

الفصل الثالث والثلاثون: موانع قبول الصلاة رسول الله صلى الله عليه وآله: خَمْسَةٌ لَيْسَ لَهُمْ صَلَاةٌ: امْرَأَةٌ سَيَّخَطَ عَلَيْهَا زَوْجُهَا... وَمُصَارِمٌ لَا يَتَكَلَّمُ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَمُدْمِنٌ خَمِرٍ، وَإِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ لَا تَرْفَعُ صَلَاتَهُمْ فَوْقَ رُؤُوسِهِمْ شَيْئًا: رَجُلٌ أُمَّ قَوْمًا وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، وَامْرَأَةٌ بَاتَتْ وَزَوْجُهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ، وَأَخْوَانٌ مُتَّصِرَانِ (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ شَرِبَ خَمْرًا حَتَّى يَسْكُرَ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا (۳).

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ (۴).

عنه صلى الله عليه وآله: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ أَنْ يَا أَخَا الْمُرْسَلِينَ يَا أَخَا الْمُنْذِرِينَ، أَنْذِرَ قَوْمَكَ لَا يَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بُيُوتِي وَلَا أَحَدٍ مِنْ عِبَادِي عِنْدَ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَظْلَمَةٌ فَإِنِّي أَلْعَنُهُ مَا دَامَ قَائِمًا يُصَلِّي بَيْنَ يَدَيَّ حَتَّى يَرُدَّ تِلْكَ الْمَظْلَمَةَ (۵).

فصل سی و سوم: موانع پذیرش نماز پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پنج نفر نمازی ندارند: زنی که شوهرش بر او خشمگین است... و شخصی که با برادرش قطع رابطه کرده و بیش از سه روز با او گفتگو نکند و آن که پیوسته شراب می نوشد و امام گروهی که برای آنان نماز می خواند و حال آنکه او را دوست ندارند.

نماز سه نفر، از بالای سرشان، یک وجب هم بالا نمی رود: مردی که امام جماعت گروهی شده است، حال آن که از او ناخشنودند، زنی که شب را به روز می برد و حال آنکه شوهرش بر او خشمگین است و دو برادر از هم جدا شده.

خدا تا چهل روز نماز آن که را شراب می نوشد تا مست شود نمی پذیرد (۶).

خدای متعال، تا چهل شبانه روز نماز و روزه غیبت کننده از مرد یا زن مسلمان را نمی پذیرد، مگر اینکه غیبت شونده از او درگذرد.

خداوند به من وحی کرد که ای از تبار رسولان و بیم دهندگان، قومت را بترسان، از اینکه به خانه ای از خانه های من در آیند در حالی که چیزی از بندگانم به ستم نزد آن ها باشد که پیوسته او را در طول ایستادن به نماز در پیشگاهم، لعنت می کنم تا آنگاه که آنچه را به ستم گرفته باز گرداند.

- ۲- سنن ابن ماجه : ۱ / ۳۱۱ / ۹۷۱ ، الفردوس : ۲ / ۹۷ / ۲۵۱۸ نحوه و كلاهما عن ابن عباس .
- ۳- الكافي : ۶ / ۴۰۱ / ۱۰ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، التهذيب : ۹ / ۱۰۷ / ۴۶۵ عن سماعة عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه ، جامع الأخبار : ۴۲۱ / ۱۱۶۸ نحوه وزاد في آخره «وإن تاب تاب الله عليه» ؛ سنن الترمذی : ۴ / ۲۹۰ / ۱۸۶۲ ، مسند ابن حنبل : ۲ / ۵۸۹ / ۶۶۵۵ كلاهما عن عبدالله بن عمر و ج ۸ / ۱۱۸ / ۲۱۵۵۸ عن أبي ذرٍّ مع زياده في الثلاثه الأخيره في من يعود إلى شربه .
- ۴- جامع الأخبار : ۴۱۲ / ۱۱۴۱ .
- ۵- عدّه الداعی : ۱۲۹ ، تنبيه الخواطر : ۱ / ۵۳ عن حذیفه .
- ۶- در جامع الأخبار افزوده است: «و اگر باز گردد، خدا هم به سوی او باز می گردد».

ص: ۱۳۷

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ اشْتَرَى ثَوْبًا بِعَشْرَةِ دَرَاهِمَ وَفِيهِ دِرْهَمٌ حَرَامٌ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً مَا دَامَ عَلَيْهِ (۱).

الإمام على عليه السلام : أَنْظِرْ فِيمَا تُصَلِّي ، وَعَلَى مَا تُصَلِّي ، إِنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ وَجْهِهِ وَحِلَّهُ فَلَا قَبُولَ (۲).

رسول الله صلى الله عليه و آله : لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ صَلَاةَ رَجُلٍ لَا يُؤَدِّي الزَّكَاةَ حَتَّى يَجْمَعَهُمَا ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَمَعَهُمَا ، فَلَا تُفَرِّقُوا بَيْنَهُمَا (۳).

الإمام الباقر عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ : «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (۴). فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ (۵).

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظَرَ مَاقَتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً (۶).

عنه عليه السلام : أَيُّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا (۷).

فيما أوحى الله تعالى إلى داود عليه السلام : لَرُبَّمَا صَلَّى الْعَبْدُ فَأَضْرَبَ بِهَا وَجْهَهُ وَأَحْجَبَ عَنِّي صَوْتَهُ ، أَتَدْرِي مَنْ ذَلِكَ يَا دَاوُدُ؟ ذَلِكَ الَّذِي يُكْثِرُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى حَرَمِ الْمُؤْمِنِينَ بِعَيْنِ الْفِسْقِ ، وَذَلِكَ الَّذِي حَدَّثَتْهُ نَفْسُهُ لَوْ وَلِيَ أَمْرًا لَضَرَبَ فِيهِ الْأَعْنَاقَ ظُلْمًا (۸).

راجع : الفصل ۲۳ - ۲۶ ؛ والحديث ۱۶۴ و ۲۲۰ و ۲۵۸ و ۲۶۷ و ۲۸۸.

هر کس جامه ای به ده دینار بخرد و یک درهمش حرام باشد، خداوند تا هنگامی که در بر اوست، نمازش را نمی پذیرد.

امام علی علیه السلام : بنگر در چه نماز می خوانی و بر چه نماز می گزاری، اگر از راه و طریقه حلالش نباشد، پذیرشی نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل نماز کسی را که زکات نپردازد ، نمی پذیرد تا آنگاه که میان هر دو جمع کند، که خداوند عز و جل آن دو را جمع کرده است، پس میان آن دو جدایی میندازد.

امام باقر علیه السلام : همانا خداوند عز و جل ، نماز را با زکات همراه کرده است و گفته : «نماز بر پادارید و زکات پردازید» (۹). پس هر کس نماز برپا دارد و زکات ندهد، نماز را هم بر پا نکرده است.

امام صادق علیه السلام : کسی که به پدر و مادرش کینه توزانه بنگرد، حتی اگر بر او ستمکار باشند، خداوند نمازی را از او نمی پذیرد.

هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوشبو کند، نمازش پذیرفته نمی شود تا آنگاه که از آن بوی خوش غسل کند همچون غسل جنابت.

در آنچه خداوند متعال به داود وحی کرد: بسا که بنده نماز می گزارد و آن را به صورتش می زنم و از شنیدن صدایش، خودداری می کنم . ای داود ، آیا می دانی آن چه کسی است؟ آن کسی است که با چشم ناپاک به حرم مؤمنان، فراوان می نگرد و نیز کسی

که با خود گفته است اگر حاکم می شد به خاطر آن و به ستم گردن می زد.

.

- ۱- مسند ابن حنبل: ۲ / ۴۱۷ / ۵۷۳۶، تاریخ بغداد: ۱۴ / ۲۱، الجامع الصغير: ۲ / ۵۷۱ / ۸۴۴۴ کلها عن ابن عمر .
- ۲- تحف العقول: ۱۷۴ .
- ۳- الفردوس: ۵ / ۱۳۳ / ۷۷۲۵، حلیه الأولیاء: ۹ / ۲۵۰ کلاهما عن أنس .
- ۴- البقره: ۴۳، وفي سبعة موارد أخرى من القرآن الكريم .
- ۵- الکافی: ۳ / ۵۰۶ / ۲۳، الفقیه: ۲ / ۱۰ / ۱۵۸۴ کلاهما عن معروف بن خربوذ .
- ۶- الکافی: ۲ / ۳۴۹ / ۵، تنبيه الخواطر: ۲ / ۲۰۸ کلاهما عن سيف بن عميره، مشکاه الأنوار: ۱۶۴ .
- ۷- الکافی: ۵ / ۵۰۷ / ۲ عن سعد بن أبي عمرو الجلاب، الفقیه: ۳ / ۴۴۰ / ۴۵۲۱ .
- ۸- عدّه الداعی: ۳۲ .
- ۹- در هفت جای دیگر قرآن کریم نیز این همراهی به چشم می خورد.

ص: ۱۳۸

الفصل الرابع والثلاثون : فضل الذكر والدعاء بعد الصلاة

فصل سی و چهارم : فضیلت ذکر و دعا پس از نماز

الفصل الرابع والثلاثون: فَضْلُ الذِّكْرِ والدُّعَاءِ بَعْدَ الصَّلَاةِ الإمام الباقر عليه السلام في قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «إِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (۱) في قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «إِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (۲) : إِذَا قَضَيْتَ الصَّلَاةَ بَعْدَ أَنْ تُسَلِّمَ وَأَنْتَ جَالِسٌ فَانصَبْ فِي الدُّعَاءِ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ فَارْغَبْ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَتَقَبَّلَهَا مِنْكَ (۳) .

الإمام الصادق عليه السلام في قَوْلِ اللَّهِ عز و جل : «إِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» : الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ إِيَّاكَ أَنْ تَدْعُهُ ، فَإِنَّ فَضْلَهُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ كَفَضْلِ الْفَرِيضَةِ عَلَى النَّافِلَةِ (۴) .

رسول الله صلى الله عليه و آله : مَنْ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ مِنَ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ سَتَرَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ (۵) .

عنه صلى الله عليه و آله : مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ ثُمَّ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ (۶) .

عُمَرُ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعَثَ بَعَثًا قَبِيلَ نَجْدٍ فَعَنِمُوا غَنَائِمَ كَثِيرَةً فَأَسْرَعُوا الرَّجْعَةَ ، فَقَالَ رَجُلٌ مِمَّنْ لَمْ يَخْرُجْ : مَا رَأَيْنَا بَعَثًا أَسْرَعَ رَجْعَةً وَلَا أَفْضَلَ غَنِيمَةً مِنْ هَذَا الْبَعْثِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : أَلَا أُدْلِكُمْ عَلَى قَوْمٍ أَفْضَلَ غَنِيمَةً وَأَسْرَعَ رَجْعَةً ؟ قَوْمٌ شَهِدُوا صَلَاةَ الصُّبْحِ ثُمَّ جَلَسُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ حَتَّى طَلَعَتْ عَلَيْهِمُ الشَّمْسُ ، فَأُولَئِكَ أَسْرَعُ رَجْعَةً وَأَفْضَلُ غَنِيمَةً ۷ .

فصل سی و چهارم: فضیلت ذکر و دعا پس از نماز امام باقر علیه السلام درباره گفته خداوند تبارک و تعالی : «پس چون فراغت یافتی (در دعا) بکوش و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور: هنگامی که پس از سلام دادن، نماز را تمام کردی و هنوز نشسته ای، به دعا برای دنیا و آخرت پرداز و هنگامی که از دعا فارغ شدی به خداوند تبارک و تعالی التماس کن ، تا آن را از تو بپذیرد.

امام صادق علیه السلام در گفته خدای عز و جل : «پس چون فراغت یافتی (در دعا) بکوش و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور: مبادا که دعای پس از نماز واجب را وانهی ، که فضیلت آن پس از نماز واجب همچون فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب است.

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله :هر کس از نماز صبح تا طلوع خورشید در نماز گاهش بنشیند، خداوند او را از آتش حفظ می کند.

هر کس نماز صبح بگذارد و سپس به ذکر خدا بنشیند تا خورشید طلوع کند، بهشت برایش واجب می شود.

عمر: همانا پیامبر لشگری را به سوی «نجد» فرستاد . پس غنایم زیادی به چنگ آورده زود بازگشتند. مردی که با آنان نرفته بود گفت: ما گروهی ندیده بودیم که چنین سریع و با این همه غنیمت بازگردند. پس پیامبر فرمود: آیا شما را به گروهی راهنمایی نکنم که بازگشتشان سریعتر و غنیمتشان بیشتر است؟ گروهی که در نماز صبح حاضر می شوند و سپس به ذکر خداوند مینشینند تا آنگاه که خورشید بر آنان طلوع کند. پس اینان، بازگشتشان سریعتر و غنیمتشان بیشتر است.

- ۱- الشرح : ۷ و ۸ .
- ۲- قرب الإسناد : ۲۲ / ۷ عن مسعده بن صدقه عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ۳- دعائم الإسلام : ۱ / ۱۶۶ .
- ۴- التهذيب : ۲ / ۱۳۹ / ۵۴۲ مرسلاً و ص ۳۲۱ / ۱۳۱۰ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام الحسن عليهم السلام ،
الفقيه : ۱ / ۵۰۴ / ۱۴۵۲ ، مكارم الأخلاق : ۲ / ۷۳ / ۲۱۷۸ ، عوالي اللآلي : ۱ / ۳۳۲ / ۸۸ عن الإمام الحسن عليه السلام .
- ۵- مسند أبي يعلى : ۲ / ۱۷۸ / ۱۴۸۵ ، إتحاف الساده : ۵ / ۱۲۸ كلاهما عن سهل بن معاذ عن أبيه .
- ۶- سنن الترمذی : ۵ / ۵۵۹ / ۳۵۶۱ ، الترغيب والترهيب : ۱ / ۲۹۷ / ۱۰ ، مشكاه المصابيح : ۱ / ۳۰۹ / ۹۷۷ .

ص: ۱۳۹

جَابِرُ بْنُ سَمُرَةَ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ حَسَنًا (۱).

الإمام علي عليه السلام: التَّعْقِيبُ بَعْدَ الْغَدَاةِ وَبَعْدَ الْعَصْرِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (۲).

الإمام الباقر عليه السلام: الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ تَنَفُّلاً (۳).

الإمام الصادق عليه السلام: مَا عَالَجَ النَّاسُ شَيْئًا أَشَدَّ مِنَ التَّعْقِيبِ (۴).

عنه عليه السلام: التَّعْقِيبُ أَبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْبِلَادِ (۵).

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ ، فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي أَدْبَارِ الصَّلَوَاتِ (۶).

عنه عليه السلام: مَنْ صَلَّى صَلَاةً فَرِيضَةً وَعَقَّبَ إِلَى أُخْرَى فَهُوَ ضَيْفُ اللَّهِ ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكْرِمَ ضَيْفَهُ (۷).

جابر بن سمره: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه نماز صبح می گزارد ، در نماز گاهش می نشست تا خورشید، نیک در آید.

امام علی علیه السلام: ذکر و دعاء پس از نماز صبح و عصر ، روزی را افزون می کند.

امام باقر علیه السلام: دعا کردن پس از نماز واجب، برتر از نماز مستحبی خواندن است (۸).

امام صادق علیه السلام: مردم به چیزی سخت تر (یا سودمندتر) از ذکر و دعای پس از نماز ، نپرداخته اند .

برای روزی جستن، دعای پس از نماز (۹) ، کاراتر از سفر به شهرهاست (۱۰).

خداوند عز و جل ، نمازهای پنجگانه (۱۱) را در بهترین زمانها بر شما واجب کرده است . پس پیوسته در پی نمازها، دعا کنید .

هر کس نمازی واجب بگزارد و تا نماز دیگری به ذکر و دعا پردازد، مهمان خداست و بر خداوند سزد که مهمانش را گرامی بدارد.

۱- صحیح مسلم : ۱ / ۴۶۴ / ۲۸۷ ، سنن النسائی : ۳ / ۸۰ ، مسند ابن حنبل : ۷ / ۴۳۲ / ۲۱۰۰۲ و ص ۴۴۱ / ۲۱۰۵۹ ، السنن الکبری : ۲ / ۲۶۴ / ۳۰۲۱ .

۲- الخصال : ۵۰۴ / ۲ عن سعید بن علاقه .

۳- الکافی : ۳ / ۳۴۲ / ۵ ، التهذیب : ۲ / ۱۰۳ / ۳۸۹ ، الفقیه : ۱ / ۳۲۸ وزاد فی آخره «وبذلک جرت السنّه» کلّها عن زراره ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۶۶ .

۴- التهذیب : ۲ / ۱۰۴ / ۳۹۳ عن عبدالله بن محمد .

- ۵- التهذيب : ۲ / ۱۰۴ / ۳۹۱ عن الوليد بن صبيح وزاد في آخره «يعنى بالتعقيب الدعاء بعقب الصلاه» ولعله من الشيخ رحمه اللهو ص ۱۳۸ / ۵۳۹ ، الفقيه : ۱ / ۳۲۹ / ۹۶۶ وفيهما «الجلوس بعد صلاه الغدا في التعقيب والدعاء حتى تطلع الشمس . . .» ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۷۰ وفيه «التعقيب بعد صلاه الفجر أبلغ . . .» ، عوالي اللآلى : ۱ / ۳۳۲ / ۸۶ وفيه «التعقيب بعد الصلاه . . .» .
- ۶- الخصال : ۲۷۸ / ۲۳ عن حماد بن عيسى ، تفسير القمى : ۱ / ۶۷ وليس فيه «الخمس» .
- ۷- الكافي : ۳ / ۳۴۱ / ۳ ، التهذيب : ۲ / ۱۰۳ / ۳۸۸ ، المحاسن : ۱ / ۱۲۳ / ۱۳۶ كلها عن منصور بن يونس عن ذكره ، عوالي اللآلى : ۱ / ۳۳۲ / ۸۷ .
- ۸- در «الفقيه» در پایان روایت افزوده است و «سنت نیز بر این جاری است».
- ۹- ترجمه تعقیب به دعای پس از نماز بر اساس آنچه در آخر نقل «تهذیب» آمده است صورت گرفت. گویا آنچه در آخر حدیث آمده بیانی از شیخ طوسی مؤلف «تهذیب» باشد .
- ۱۰- در نقلی دیگر از «تهذیب» و نیز نقل «الفقيه» چنین آمده است: «به تعقیب و دعا نشستن پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب ...» و در نقل «دعائم الاسلام» آمده است: «ذکر و دعای پس از نماز صبح رساتر...».
- ۱۱- تفسیر قمی قید «پنجگانه» را ندارد.

ص: ۱۴۰

الفصل الخامس والثلاثون : ما ينبغي بعد الصلاة

۱ / ۳۵ التكبیر ثلاثاً

فصل سی و پنجم: آنچه پس از نماز می سزد

۳۵ / ۱ سه بار تکبیر گفتن

الفصل الخامس والثلاثون: ما ينبغي بعد الصلاة ۱ / ۳۵ التكبیر ثلاثاً الإمام الباقر عليه السلام: إذا سلمت فارفع يديك بالتكبیر ثلاثاً (۱).

المفضّل بن عمر: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: لأى عله يكبر المصلّى بعد التسليم ثلاثاً يرفع بها يديه؟ فقال: لأنّ النّبىّ صلى الله عليه وآله لما فتح مكه صلى بأصحابه الظهر عند الحجر الأسود، فلما سلّم رفع يديه وكبر ثلاثاً وقال: لا إله إلا الله وحده وحده، أنجز وعده، ونصر عبده، وأعزّ جنده، وغلب الأحزاب وحده، فله المملك وله الحمد، يحيى ويميت، وهو على كلّ شىء قدير، ثمّ أقبل على أصحابه فقال: لا تدعوا هذا التكبير، وهذا التكبير فى دبر كلّ صلاه مكتوبه، فإنّ من فعل ذلك بعد التسليم وقال هذا القول، كان قد أدى ما يجب عليه من شكر الله تعالى ذكره على تقويّه الإسلام وجنده (۲).

فصل سی و پنجم: آنچه پس از نماز می سزد ۱ / ۳۵ سه بار تکبیر گفتن امام باقر عليه السلام: هنگامی که سلام دادی، دستانت را سه بار به تکبیر بلند کن.

مفضّل بن عمر: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: به چه علت نماز گزار پس از سلام دادن، سه بار تکبیر می گوید و همراه آن دستانش را بلند می کند؟ فرمود: چون پیامبر هنگام فتح مکه نماز ظهر را با اصحابش نزد «حجر الاسود» خواند و هنگامی که سلام داد، سه بار دستانش را به تکبیر بلند کرد و گفت: هیچ خدایی جز خداوند نیست، خداوند یگانه یگانه یگانه، به وعده اش وفا کرده، بنده اش را یاری رسانده و لشگرش را عزیز داشته و به تنهایی بر همه دسته ها غلبه نموده است. پس مالکیت برای او و سپاس مخصوص به اوست. زنده می کند و می میراند و او بر همه کار تواناست. سپس به اصحابش روی کرد و فرمود: این تکبیر، در پی هر نماز واجب است و هر کس آن را پس از سلام دادن، انجام دهد و این گفته را بگوید، شکر خداوند یادش بلند باد را که به سبب تقویت اسلام و لشکر آن، بر او واجب شده، به جا آورده است.

۱- مستدرک الوسائل: ۵ / ۵۲ / ۵۳۴۳ نقلاً عن فلاح السائل عن زراره ونسخته المطبوعه خاليه منها .

۲- مستدرک الوسائل: ۵ / ۵۲ / ۵۳۴۲ نقلاً عن فلاح السائل ونسخته المطبوعه خاليه منها .

ص: ۱۴۱

۲ / ۳۵ قراءه آیه الكرسي

۳ / ۳۵ قراءه التوحيد

۴ / ۳۵ الصلاه على النبي وآله عليهم السلام

۳۵ / ۲ آیه الكرسي خواندن

۳۵ / ۳ سوره توحيد خواندن

۳۵ / ۴ درود فرستادن بر پیامبر و خاندانش

۳۵ / ۲ قراءه آیه الكرسي رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ آيَةِ الْكَرْسِيِّ فِي دُبُرِ [ال] صَلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ، فَإِنَّهُ لَا يُحَافِظُ عَلَيْهَا إِلَّا نَبِيٌّ، أَوْ صَدِيقٌ، أَوْ شَهِيدٌ (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكَرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ لَمْ يَحُلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ دُخُولِ الْجَنَّةِ إِلَّا الْمَوْتُ (۲).

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكَرْسِيِّ فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ كَانَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ إِلَى الصَّلَاةِ الْآخِرَى (۳).

۳۵ / ۳ قراءه التوحيد رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ التَّوْحِيدَ دُبُرَ كُلِّ فَرِيضَةٍ عَشْرًا زَوَّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ (۴).

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَقْرَأَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَغُفِرَ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ وَمَا وَلَدَا (۵).

۳۵ / ۴ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَيَسْأَلِ اللَّهَ الْجَنَّةَ، وَيَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ، وَيَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ (۶).

۳۵ / ۲ آیه الكرسي خواندن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: ای علی، پیوسته در پی نماز واجب، «آیه الكرسي» را بخوان که جز پیامبر، درستکار و شهید بر آن مواظبت نمی ورزد.

کسی که در پی هر نماز واجب «آیه الكرسي» بخواند، تنها فاصله میان او تا در آمدن به بهشت، مرگ است.

کسی که در پی نماز واجب، «آیه الكرسي» می خواند، تا نماز دیگر در پناه خداست.

۳۵ / ۳ سوره توحيد خواندن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس سوره توحيد را ده مرتبه در پی هر نماز واجب بخواند، خداوند حوریه های بهشتی را به همسریش در می آورد (۷).

امام صادق عليه السلام: هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد، «قل هو الله احد» خواندن را در پی نماز واجب وانگذازد که هر کس آن را بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت را برایش فراهم می آورد و افزون بر او، پدر و مادر و فرزندان آن دو را می آمرزد.

۴ / ۳۵ درود فرستادن بر پیامبر و خاندانش امام علی علیه السلام: هرگاه که بنده از نمازش فارغ شود، بر پیامبر درود فرستد و بهشت را از خداوند بخواهد و از آتش به خدا پناه ببرد و بخواهد که حوریه های بهشتی را به همسریش درآورد.

- ۱- قرب الإسناد: ۱۱۸ / ۴۱۵ عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۶۸.
- ۲- عمل اليوم والليله: ۴۸ / ۱۲۴، المعجم الكبير: ۸ / ۱۱۴ / ۷۵۳۲، إتحاف الساده: ۵ / ۹۸ کلّها عن أبي أُمّامه؛ مكارم الأخلاق: ۲۰۹۹ / ۲ / ۴۳ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، جامع الأخبار: ۱۲۵ / ۲۴۲.
- ۳- المعجم الكبير: ۳ / ۸۴ / ۲۷۳۳ عن عبد الله بن حسن بن حسن عن أبيه عن جدّه عليه السلام، الترغيب والترهيب: ۲ / ۴۵۳ / ۷ عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله.
- ۴- مستدرک الوسائل: ۵ / ۱۰۵ / ۵۴۴۴ نقلاً عن البلد الأمين ونسخته المطبوعه خاليه منها؛ كنز العمال: ۱ / ۵۹۹ / ۲۷۳۲ عن ابن عباس وفيه «أوجب الله له رِضوانَهُ وَمَغْفِرَتَهُ» مكان «زَوَّجَهُ...».
- ۵- الكافي: ۲ / ۶۲۲ / ۱۱، ثواب الأعمال: ۴ / ۱۵۶، عدّه الداعي: ۲۷۹ کلّها عن أبي بكر الحضرمي، الدعوات: ۲۱۶ / ۵۸۳ عن الإمام الصادق عليه السلام، أعلام الدين: ۳۸۶.
- ۶- الخصال: ۱۰ / ۶۳۰ عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ۸۵ نحوه.
- ۷- مستدرک الوسائل این حدیث را از البلد الامین نقل کرده و حال آنکه در نسخه چاپی آن، موجود نیست، در نقل كنز العمال نیز به جای عبارت «از حوریه ها به همسریش...» آمده است: «خداوند رضوان و آمرزشش را برای او واجب می کند».

ص: ۱۴۲

۵ / ۳۵ تسبیح فاطمه علیها السلام

۶ / ۳۵ الاستغفار

۳۵ / ۵ تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام

۳۵ / ۶ استغفار کردن

۵ / ۳۵ تسبیح فاطمه علیها السلام امام الصادق علیه السلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يَتَنَبَّأَ رَجُلِيهِ مِنْ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ و [ل] يَبْدَأُ بِالتَّكْبِيرِ (۱).

عنه عليه السلام: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةِ أَلْفِ رَكَعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ (۲).

أَبُو الدَّرْدَاءِ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ذَهَبَ الْأَغْنِيَاءُ بِالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، نُصِيْلِي وَيُصِيْلُونِ، وَنُصُومِي وَيُصُومُونَ، وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا تَتَصَدَّقُ، قَالَ: أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى شَيْءٍ إِنْ أَنْتَ فَعَلْتَهُ لَمْ يَسْبِقْكَ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَكَ وَلَمْ يَدْرِكْكَ أَحَدٌ بَعْدَكَ إِلَّا مَنْ فَعَلَ الَّذِي تَفْعَلُ دُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ: ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَسْبِيحَةً، وَثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ تَحْمِيدَةً، وَأَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً (۳).

۶ / ۳۵ الاستغفار رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ دُبُرُ كُلِّ صَلَاةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ (۴).

ثُوبَان: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ اسْتَغْفَرَ ثَلَاثًا وَقَالَ: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ تَبَارَكَذَا الْجَلَالُ وَالْإِكْرَامُ (۵).

۵ / ۳۵ تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام امام صادق علیه السلام: کسی که پس از نماز واجب در پی کار دیگر نرفته، تسبیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید، خداوند او را می آمرزد و باید (تسبیحات را) با الله اکبر آغاز کند.

تسبیحات فاطمه در هر روز و در پی هر نماز، نزد من محبوب تر از هزار رکعت نماز در هر روز است.

ابودرداء: نزد پیامبر خدا صلى الله عليه وآله آمدم و گفتم: ای پیامبر خدا، ثروتمندان، دنیا و آخرت را بردند، نماز می خوانیم و می خوانند، روزه می گیریم و می گیرند، صدقه می دهند و ما نمی دهیم. فرمود: آیا تو را به چیزی راهنمایی نکنم که اگر انجام دهی هیچکس پیش از تو به آن پیشی نگرفته و هیچکس هم از این پس، به تو نمی رسد جز کسی که همچون تو کند؟ در پی هر نماز، سی و سه بار سبحان الله، سی و سه بار الحمد لله و سی و چهار بار الله اکبر می گویی.

۶ / ۳۵ استغفار کردن پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گناهان کسی که در پی هر نماز سه بار استغفار کند و بگوید: «از خدایی که جز او خدایی نیست و زنده و پاینده است، آمرزش می طلبم و به سویش باز می گردم» آمرزیده می شود.

ثوبان: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله هر گاه نمازش را به پایان می برد، سه بار استغفار می کرد و می گفت: «خدایا تو سلام هستی

و سلام از توس، مبارکی ای شکوهمند گرامی.»

- ۱- الکافی: ۳ / ۳۴۲ / ۶، التهذیب: ۲ / ۱۰۵ / ۳۹۵، ثواب الأعمال: ۴ / ۱۹۶، عوالی اللآلی: ۱ / ۳۳۲ / ۹۰ کلّها عن ابن سنان، الفقیه: ۱ / ۳۲۰ / ۹۴۶، قرب الإسناد: ۴ / ۱۱ وفيه «قبل أن يثنى رجله بعد انصرافه من صلاه الغداه».
- ۲- م. الکافی: ۳ / ۳۴۳ / ۱۵، التهذیب: ۲ / ۱۰۵ / ۳۹۹، ثواب الأعمال: ۳ / ۱۹۶، مکارم الأخلاق: ۲ / ۲۹ / ۲۰۶۲، فلاح السائل: ۱۳۵ کلّها عن أبي خالد القمّاط، تنبيه الخواطر: ۱ / ۳۰۱، كشف الغمّة: ۲ / ۹۷، عوالی اللآلی: ۱ / ۳۳۳ / ۹۱ عن الإمام الباقر عليه السلام.
- ۳- مسند ابن حنبل: ۸ / ۱۶۶ / ۲۱۷۶۸، الزهد لابن المبارك: ۴۰۷ / ۱۱۵۹.
- ۴- الجامع الصغير: ۲ / ۵۶۷ / ۸۴۱۷، عمل اليوم والليله: ۵۳ / ۱۳۷ كلاهما عن البراء.
- ۵- م. صحيح مسلم: ۱ / ۴۱۴ / ۵۹۱، سنن الترمذی: ۲ / ۹۸ / ۳۰۰، سنن ابن ماجه: ۱ / ۳۰۰ / ۹۲۸، سنن النسائی: ۳ / ۶۸، سنن الدارمی: ۱ / ۳۳۱ / ۱۳۲۲، مسند ابن حنبل: ۸ / ۳۲۱ / ۲۲۴۲۸ و ص ۳۲۹ / ۲۲۴۷۱، السنن الكبرى: ۲ / ۲۶۰ / ۳۰۰۶.

ص: ۱۴۳

۷ / ۳۵ سجده الشکر

۳۵ / ۷ سجده شکر گزاردن

۷ / ۳۵ سجده الشکر الإمام الصادق علیه السلام: سَجَدَهُ الشُّكْرِ وَاجِبُهُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، تُتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَتُعْجِبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ، وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ: يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى قُرْبَتِي وَأَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ، مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، رَحِمْتُكَ، ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى: ثُمَّ مَاذَا لَهُ؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، جَنَّتِكَ، فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى: ثُمَّ مَاذَا؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، كَفَّيْنَاهُ مُهِمَّهُ، فَيَقُولُ الرَّبُّ: ثُمَّ مَاذَا؟ فَلَا- يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا- قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: يَا مَلَائِكَتِي، ثُمَّ مَاذَا؟ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، لَا عِلْمَ لَنَا، فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: لِأَشْكُرَنَّهُ كَمَا شَكَرَنِي، وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي، وَارِيهِ رَحْمَتِي (۱).

عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى مَا وَفَّقَ الْعَبْدَ مِنْ أَدَاءِ فَرِيضِهِ، وَأَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ: شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. قُلْتُ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ: شُكْرًا لِلَّهِ؟ قَالَ: يَقُولُ: هَذِهِ السَّجْدَةُ مَنَى شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَأَدَاءِ فَرِيضِهِ، وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ، فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ (۲).

۷ / ۳۵ سجده شکر گزاردن امام صادق علیه السلام: سجده شکر بر هر مسلمان واجب است، با آن نمازت را کامل می کنی، پروردگارت را خشنود می سازی و فرشتگان را به شگفتی می آوری. همانا آنگاه که بنده نماز خواند و سپس سجده شکر گزارد، پروردگار متعال پرده از میان او و فرشتگان بر می گیرد و می گوید: ای فرشتگان من به بنده ام بنگرید که با عبادتش به من تقرّب جست و پیمانم را به پایان برد. سپس برای من به خاطر شکر نعمتهایی که به او بخشیده ام، سجده کرد. فرشتگانم، چه چیزی برای اوست؟ پس فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، رحمت تو. سپس پروردگار می گوید: دیگر چه؟ و فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، بهشت تو. پس پروردگار متعال می گوید: دیگر چه؟ و فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، حل مشکلاتش. پس پروردگار می گوید: دیگر چه؟ و هیچ چیز از نیکیها نمی ماند، جز اینکه فرشتگان می گویند. سپس خداوند تعالی می گوید: ای فرشتگان من دیگر چه؟ و فرشتگان می گویند: ای پروردگار ما، هیچ نمی دانیم. پس خداوند متعال می گوید: از او قدردانی می کنم همانگونه که او مرا سپاس گزارد و با فضل و بخشش به او روی می کنم و رحمتم را بدو نشان می دهم.

علی بن حسن بن علی بن فضال از امام رضا علیه السلام: سجده شکر گزاردن پس از نماز واجب در برابر توفیقی است که خداوند یادش بلند باد به بنده داده تا واجبش را انجام دهد. و کمترین چیزی که از گفتار در آن کفایت می کند این است که سه مرتبه «شکرا لله» گفته شود. گفتم: معنای این گفته: «شکرا لله» چیست؟ فرمود: می گوید: این سجده از من است برای سپاسگزاری از خداوند که مرا توفیق خدمت و انجام واجبش داد و شکر سبب افزونی است. پس اگر در نماز کوتاهی کرده با این سجده، آن را کامل می کند.

- ۱- التهذیب : ۲ / ۱۱۰ / ۴۱۵ ، الفقیه : ۱ / ۳۳۳ / ۹۷۹ ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۳۸ / ۲۰۸۶ کلّها عن مرّام .
- ۲- علل الشرائع : ۱ / ۳۶۰ ، الفقیه : ۱ / ۳۳۳ / ۹۷۸ عن أبی الحسن الأسدی عن الإمام الصادق علیه السلاموفیه صدره إلى قوله : «ثلاث مرّات» مع تفاوت فی اللفظ .

ص: ۱۴۴

۸ / ۳۵ تعفیر الخَدین

۳۵ / ۸ گونه برخاک نهادن

الطَّبْرَسِيُّ: فِي كِتَابِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَمِيرِيِّ إِلَى الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، سَأَلَ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ : فَإِنْ بَعْضُ أَصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهَا بِدْعَةٌ ، فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَسْجُدَهَا الرَّجُلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ؟ وَإِنْ جَازَ فَقَدْ صَيَّاهُ الْمَغْرِبِ هِيَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَوْ بَعْدَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتِ النَّافِلَةِ؟ فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبُهَا ، وَلَمْ يَقُلْ : إِنَّ هَذِهِ السَّجْدَةَ بِدْعَةٌ ، إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحَدِّثَ فِي دِينِ اللَّهِ بِدْعَةً . فَأَمَّا الْخَبَرُ الْمَرْوِيُّ فِيهَا بَعْدَ صَيَّاهِ الْمَغْرِبِ وَالْاِخْتِلَافُ فِي أَنَّهَا بَعْدَ الثَّلَاثِ أَوْ بَعْدَ الْأَرْبَعِ فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ ، وَالسَّجْدَةَ دُعَاءً وَتَسْبِيحًا . فَالْأَفْضَلُ أَنْ يَكُونَ بَعْدَ الْفَرَضِ ، فَإِنْ جُعِلَتْ بَعْدَ النَّوَافِلِ أَيْضًا جَازَ (۱) .

۸ / ۳۵ تعفیر الخَدینا لِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَانَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَلَّى لَمْ يَنْفَتِلْ (۲) حَتَّى يُلِصِقَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ بِالْأَرْضِ وَخَدَّهُ الْأَيْسَرَ بِالْأَرْضِ (۳) .

عنه عليه السلام : أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَا مُوسَى ، أَتَدْرِي لِمَ اصْطَفَيْتُكَ بِكَلَامِي دُونَ خَلْقِي ؟ قَالَ : يَا رَبِّ ، وَلِمَ ذَاكَ ؟ قَالَ : فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ يَا مُوسَى ، إِنِّي قَلَبْتُ عِبَادِي ظَهْرًا لِيُطِنَ فَلَمْ أَجِدْ فِيهِمْ أَحَدًا أَذِلَّ لِي نَفْسًا مِنْكَ . يَا مُوسَى ، إِنَّكَ إِذَا صَلَّيْتَ وَضَعْتَ خَدَّكَ عَلَى التُّرَابِ أَوْ قَالَ : عَلَى الْأَرْضِ (۴) .

طبرسی: محمد بن عبدالله حمیری در نامه ای به امام مهدی (عج) از سجده شکر پس از نماز واجب پرسید و اینگونه نوشت: برخی از یاران آن را بدعت می دانند، آیا جایز است ، انسان این سجده را پس از نماز واجب بگذارد؟ و اگر جایز است در نماز مغرب پس از خود نماز است یا پس از آنکه چهار رکعت نماز نافله مغرب را هم خواند؟ امام پاسخ داد: سجده شکر از لازمتین و ضروری ترین سنتها است و هیچکس آن را بدعت نخوانده، مگر کسی که خود در پی بدعتگذاری در دین است. و اما روایتی که سجده شکر پس از نماز مغرب و اختلاف در زمان انجام آن را مطرح می کند که آیا پس از سه رکعت مغرب یا پس از چهار رکعت نافله آن است، (پاسخش این است) برتری دعا و تسبیح پس از نمازهای واجب، بر دعا پس از نمازهای نافله، مانند برتری خود نمازهای واجب بر نافله است و سجده شکر، گونه ای دعا و تسبیح است. پس بهتر است، پس از نماز واجب باشد. گرچه انجامش پس از نمازهای نافله نیز جایز است.

۸ / ۳۵ گونه برخاک نهادنامام صادق علیه السلام :موسی بن عمران علیه السلام هرگاه نماز می گزارد، تا گونه راست و چپش را به زمین نمی چسباند ، در پی کار دیگری نمی رفت .

خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که ای موسی، آیا می دانی از میان آفریده هایم چرا تو را به هم صحبتی ام برگزیدم؟ گفت: ای پروردگار من، به چه سبب ؟ پس خداوند تبارک و تعالی به او وحی کرد که ای موسی: من درون و برون بندگانم را واری کردم . پس هیچکس را نیافتم که خود را برای من بیش از تو خوار سازد، ای موسی، تو هرگاه نماز می گزاری، گونه ات را بر خاک یا گفت : بر زمین می نهی.

- ۱- الاحتجاج : ۲ / ۵۷۶ .
- ۲- انفتلَ فلان عن صلاته : أى انصرفَ (لسان العرب : ۱۱ / ۵۱۴) .
- ۳- التهذيب : ۲ / ۱۱۰ / ۴۱۴ ، الفقيه : ۱ / ۳۳۲ / ۹۷۴ ، علل الشرائع : ۵۷ / ۲ کلّها عن إسحاق بن عمار ، مشکاه الأنوار : ۲۲۸ .
- ۴- الکافی : ۲ / ۱۲۳ / ۷ عن علی بن یقطین عمّن رواه ، الفقيه : ۱ / ۳۳۲ / ۹۷۵ عن الإمام الباقر علیه السلام ، علل الشرائع : ۱ / ۵۶ / ۱ عن علی بن یقطین عن رجل عن الإمام الباقر علیه السلام .

الفصل السادس والثلاثون : ما روى من الأدعية فى تعقيب الصلاة

فصل سى و ششم : دعاهاى روايت شده در پى نماز

الفصل السادس والثلاثون: ما روى من الأدعية فى تعقيب الصلاة إمام الجواد عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ وَبِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي فَأَحْيِنِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَكَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضَا، وَالْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا يَنْقُطُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ، وَبَرَكَهَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَيْشِ، وَبَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَلَهْذِهِ الْمَنْظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَشَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْكَ وَلِقَائِكَ، مِنْ غَيْرِ ضَرَاءٍ مُضْطَرِّهِ وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلِّهِ، اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزَيْنَةِ الْإِيمَانِ وَاجْعَلْنَا هَذَاهُ مَهْدِيَيْنِ، اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ الرَّشَادِ وَالثَّبَاتِ فِي الْأَمْرِ وَالرُّشْدِ، وَأَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عَافِيَتِكَ وَأَدَاءَ حَقِّكَ، وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا وَلِسَانًا صَادِقًا، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا تَعَلَّمْتُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَعَلَّمْتُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعَلَّمْتُ، فَإِنَّكَ تَعَلَّمْتَ وَلَا نَعَلَّمُ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ (۱).

فصل سى و ششم: دعاهاى روايت شده در پى نماز امام جواد عليه السلام: هرگاه پیامبر صلى الله عليه و آله از نمازش فارغ مى شد مى گفت: خدايا، آنچه را کرده و مى کنم، نهان و آشکار کرده ام، اسراف بر خود را و آنچه را که تو بهتر از من مى دانی، بر من بیامرز. خدايا تو پیش از همه و پس از همه هستی، جز تو خدایی نیست. به دانایی بر نهان و به توانایی بر همه خلقت سوگند، تا آنگاه که زندگی را برایم بهتر مى دانی، مرا زنده نگاه دار و آنگاه که مرگ را برایم بهتر مى دانی، مرا بمیران. خدايا، همانا من بیم از تو را در نهان و آشکار، سخن حق را در خشم و خشنودی و میانه روی را در تنگدستی و توانگری، از تو مى خواهم. نعمتی تمام ناشدنی و روشنی چشمی ناگسستنی را از تو مى خواهم. خشنودی به حکم تو، مرگی مبارک پس از زندگی و زندگانی آرام پس از مرگ، لذت نگاه به تو و شوق دیدارت و ملاقات تو بی رنجی گزنده و فتنه ای گمراه کننده را، از تو مى خواهم. خدايا، ما را به زینت ایمان، مزین کن و راهنما و راهیافته قرار ده. خدايا، ما را در میان آنان که ره نمودی، ره بنما. خدايا، همانا من اراده قوی بر یافتن راه راست و و پایداری در کار و استواری در راه حق را از تو مى خواهم. سپاسگزاری نعمت را، سلامتی کامل و ادای حقت را مى خواهم. ای پروردگار من، دلی پیراسته و زبانی راستگو از تو مى خواهم. از آنچه که مى دانی آمرزش مى طلبم و نیکوترین آنچه که مى دانی از تو مى خواهم و از بدی آنچه مى دانی به تو پناه مى برم، که تو مى دانی و ما نمی دانیم و تو به نهانها بسیار دانایی (۲).

۱- الکافی : ۲ / ۵۴۸ / ۶ ، الفقیه : ۱ / ۳۲۷ / ۹۶۰ کلاهما عن محمد بن الفرج ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۳۱ / ۲۰۶۹ ؛ سنن أبی داود : ۲ / ۸۳ / ۱۵۰۹ ، السنن الکبری : ۲ / ۲۶۴ / ۳۰۱۸ کلاهما عن عبيد الله بن أبی رافع عن الإمام علی عليه السلام عنه صلى الله عليه و آلهالی قوله «لا إله إلا أنت» .

۲- در نقل سنن ابی داود و السنن الکبری تنها تا «جز تو خدایی نیست» آمده است.

ص: ۱۴۶

أبو أيوب الأنصاري: ما صَلَّيْتُ وَرَاءَ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا سَمِعْتُهُ حِينَ يَنْصَرِفُ مِنْ صَلَاتِهِ يَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي أخطائي وَذُنُوبِي كُلَّهَا، اللَّهُمَّ أَنْعِمْنِي وَأَحِنِّي وَارْزُقْنِي، وَاهْدِنِي لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَالْأَخْلَاقِ، فَإِنَّهُ لَا يَهْدِي لِصَالِحِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَصْرِفُ عَنْ سَيِّئِهَا إِلَّا أَنْتَ (۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله علي عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَحْفَظَ كُلَّ مَا تَسْمَعُ وَتَقْرَأُ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي ذُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ وَهُوَ: سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِالْوَانِ الْعَذَابِ، سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصَرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲).

الأصْبَغُ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا وَقَدْ خَلَصَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا يَخْلُصُ الذَّهَبُ الَّذِي لَا كَدَرَ فِيهِ وَلَيْسَ أَحَدٌ يُطَالِبُهُ بِمَظْلَمَةٍ فَلْيَقْرَأْ فِي ذُبْرِ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ نِسْبَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ يَبْسُطُ يَدَيْهِ وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ، يَا وَاهِبَ الْعَطَايَا يَا مُطْلِقَ الْأَسَارِ يَا فَكَّالَكَ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا، وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ سَالِمًا، وَاجْعَلْ دُعَائِي أَوَّلَهُ فَلَا حِجَابَ وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلَاحًا، إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا مِنَ الْمُخْتَبَاتِ مِمَّا عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَمَرَنِي أَنْ أُعَلِّمَهُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (۳).

ابو ایوب انصاری: در پشت سر پیامبران صلی الله علیه و آله نماز نگزاردم، جز اینکه هرگاه نمازش را به پایان می برد، می شنیدم که می گوید: خدایا همه خطاها و گناهانم را ببامرز، خدایا نعمت را بر من ارزانی دار، مرا زنده بدار و روزیم ده و به کارها و خوبیهای شایسته رهنمونم کن که جز تو به شایسته های آن دو (کارها و خوبیها) ره نمی نماید و جز تو از زشتیهای آن دو، باز نمی دارد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام: هرگاه خواستی هر چه را می شنوی و می خوانی به یاد بسپاری، این دعا را در پی هر نماز بخوان: پاک و منزّه است آن که به مردمان مملکتش تجاوز نمی کند. پاک و منزّه است آن که ساکنان زمین را کیفرهای گونه گونه نمیدهد، پاک و منزّه است آن مهربان و بخششگر. خدایا، در دل من نور و بینش و فهم و دانایی، قرار ده، که تو بر هر کار توانایی.

اصبغ از امام علی علیه السلام: هر کس دوست دارد از دنیا برود در حالی که از گناهانش پاک شده آنگونه که زر ناب از تیرگیها پاک می گردد و هیچکس چیزی به ستم برده را از او مطالبه نکند، در پی هر یک از نمازهای پنجگانه، تبار نامه خداوند؛ قل هو الله احد، را دوازده مرتبه بخواند. سپس دستانش را بگشاید و بگوید: خدایا به نام پنهان، پوشیده، پاک، پاکیزه و خجسته ات از تو می خواهم. به نام بزرگ و چیرگی همیشگی از تو می خواهم. ای بخشنده عطاها، ای آزاد کننده اسیران، ای رهایی دهنده مردم از آتش، بر محمد و خاندان او درود فرست، از آتش رهاییم ده، آسوده از دنیا ببر و به سلامت وارد بهشت گردان. آغاز دعایم را رستگاری، میان آن را کامیابی و پایان آن را نیکویی قرار ده، که تنها تو به نهانها بسیار دانایی. سپس فرمود: این از امور نهانی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من آموخت و فرمان داد آن را به حسن و حسین نیز بیاموز (۴).

- ۱- المستدرک على الصحيحين : ۳ / ۵۲۳ / ۵۹۴۲ ، المعجم الكبير : ۸ / ۲۰۰ / ۷۸۱۱ عن أبى أمامه قريب منه .
- ۲- فلاح السائل : ۱۶۸ ، عدّه الداعى : ۵۴ ، مصباح الكفعمى : ۱۹۸ .
- ۳- معانى الأخبار : ۱۴۰ / ۱ ، فلاح السائل : ۱۶۶ وفيه «المُسْتَجَاب» مكان «المَخَيَّات» كلاهما عن الأصغ بن نباته ، التهذيب : ۲ / ۱۰۸ / ۴۱۰ ، الفقيه : ۱ / ۳۲۴ / ۹۴۹ كلاهما مرسلًا .
- ۴- م. در نقل فلاح السائل به جای «رازها» «پذیرفته» دارد. یعنی دعای مستجاب نه دعای پنهان.

ص: ۱۴۷

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ لِأَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ: أَرَأَيْتُمْ لَوْ جَمَعْتُمْ مَا عِنْدَكُمْ مِنَ الثَّيَابِ وَالْأَنِيَةِ ثُمَّ وَضَعْتُمْ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ أَكُنْتُمْ تَرَوْنَهُ يَبْلُغُ السَّمَاءَ؟ قَالُوا: لَا. يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ أَصْلُهُ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعُهُ فِي السَّمَاءِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: يَقُولُ أَحَدُكُمْ إِذَا فَرَّغَ مِنْ صِيَلَاتِهِ الْفَرِيضَةِ: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً، فَإِنَّ أَصْلَهُنَّ فِي الْأَرْضِ وَفَرْعُهُنَّ فِي السَّمَاءِ، وَهُنَّ يَدْفَعْنَ الْهَدَمَ وَالْحَرَقَ وَالْغَرَقَ وَالتَّرْدَى فِي الْبُيْرِ وَأَكْلَ السَّيِّئِ وَمِيتَةَ السَّوَاءِ وَالْبَلِيَّةَ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى الْعَبْدِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَهُنَّ الْبَاقِيَّاتُ (۱).

رسول الله صلى الله عليه وآله: تقول في دُبرِ كُلِّ صَلَاةٍ: اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ (۲).

الإمام علي عليه السلام من دُعَائِهِ بَعْدَ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ: اللَّهُمَّ لَكَ صِلَيْتُ، وَفِي صِيَلَاتِي مَا قَدْ عَلِمْتَ مِنَ التَّقْصَانِ وَالْعَجَلِ وَالسَّهْوِ وَالْغَفْلَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالنَّسْيَانِ وَالزَّيَاءِ وَالشُّمْعَةِ وَالشُّكَّ وَالْمِدَافَعَةَ وَالزَّيْبَ وَالْعُجْبَ وَالْفِكْرَ وَالتَّلَبُّثَ عَنْ إِقَامَةِ كَمَالِ فَرِيضَتِكَ، فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُحَوِّلَ نُقْصَانَهَا تَمَامًا، وَعَجَلَتِي فِيهَا تَثْبُتًا وَتَمَكُّنًا، وَسَهْوِي تَقِظًا، وَغَفْلَتِي مُوَاطَبَةً، وَكَسَلِي نَشَاطًا، وَفَتْرَتِي قَرَّةً، وَنَسْيَانِي مُحَافَظَةً، وَمِدَافَعَتِي مُرَابَظَةً، وَرِيَاءِي إِخْلَاصًا، وَشِمْعَتِي تَسْتُرًا، وَشَكِّي يَقِينًا، وَرَيْبِي نِيَانًا، وَفِكْرِي خُشُوعًا، وَتَحْجِيرِي خُضُوعًا، فَإِنِّي لَكَ صِلَيْتُ، وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَإِيَّاكَ قَصِدْتُ، فَاجْعَلْ لِي فِي صِيَلَاتِي وَدُعَائِي رَحْمَةً وَبَرَكَهً تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي، وَتُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَتُزَكِّي بِهَا عَمَلِي، وَتَحُطُّ بِهَا وَزْرِي، اللَّهُمَّ احْطُطْ بِهَا عَنِّي ثَقْلِي، وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا تَقْطَعُ عَنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي فَرِيضَةً مِنَ الصَّلَوَاتِ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا، يَا اللَّهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۳).

امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه وآله روزی به اصحابش فرمود: آیا اگر هر چه لباس و ظرف دارید گردآورید و روی هم بنهید، فکر می کنید به آسمان برسد؟ گفتند: نه ای پیامبر خدا، فرمود: آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که ریشه اش در زمین و شاخه اش در آسمان باشد؟ گفتند: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: هر یک از شما که از نماز واجبش فارغ شد، سی بار بگوید: «و خدا پاک و منزّه است، سپاس برای خداست و جز خداوند، هیچ خدایی نیست و خدا بزرگتر است». همانا ریشه این ها در زمین و شاخه آن ها در آسمان است. آن ها خرابی، آتش، غرق شدن، در چاه افتادن، خوراک درنده شدن، مرگ بد و بلای آسمانی را که در آن روز بر بنده فرود می آید، دفع می کنند و آن ها ماندگارند.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: در پی هر نماز می گویی: خدایا از نزد خود مرا ره بنما و از فضل و بخششت بر من فرو ریز و از رحمت بر من بگستر و از برکتهایت، بر من فرو فرست.

امام علی علیه السلام از دعای ایشان پس از نماز واجب: خدایا، برای تو نماز گزاردم و حال آنکه می دانی در نمازم، نقص و شتاب و فراموشی و غفلت و کسالت و سستی و از یاد بردن و ریا و خودنمایی و شک و دوری و گمان و عجب و اندیشه کردن و فرو گذاشتن از کمال واجب، می باشد. ای خدای من، از تو می خواهم بر پیامبر و خاندانش درود فرستی و نقص نماز را به تمام، و شتابم را در آن به تأمل و استواری و فراموشی ام را به بیداری و غفلتم را به مواظبت و کسالتم را به نشاط و سستی ام را به پایداری و از یاد بردنم را به یادداشتن و دوریم را به کشش و ارتباط و ریایم را به اخلاص و خودنمایی ام را به پوشاندن و شکم را به یقین و

گمانم را به حجت و اندیشه ام را به فروتنی و تحیر و فروماندنم را به فرمانبرداری ، تبدیل فرمایی . همانا برای تو نماز گزاردم و به تو روی کردم و به تو ایمان آوردم و تو را قصد کردم . پس در نماز و دعایم ، رحمت و برکت قرار ده که زشتیهایم را بپوشاند و جایگاهم را گرامی دارد و رویم را سفید گرداند و عملم را پاکیزه کند و بار گناهم را سبک گرداند. خدایا ، با آن سنگینی ام را سبک گردان و آنچه را نزد توست بهتر از آنچه از من می بُری ، قرار ده. سپاس خداوندی که واجبی را از من ادا کرد که از نمازهای واجب و نوشته شده بر مؤمنان بود . ای خداوند، ای بخشنده ترین بخشنده گان.

- ۱- . ثواب الأعمال : ۲۶ / ۴ ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۷۶ / ۲۱۸۷ ، التهذیب : ۲ / ۱۰۷ / ۴۰۶ نحوه ، فلاح السائل : ۱۶۵ نحوه کلّها عن أبي بصير ، أعلام الدين : ۳۵۹ ، عوالی اللّالی : ۱ / ۳۵۰ / ۲ .
- ۲- . التهذیب : ۲ / ۱۰۷ / ۴۰۴ ، أمالی الصدوق : ۵ / ۵۵ ، ثواب الأعمال : ۱۹۱ / ۱ کلّها عن سلام المکی عن الإمام الباقر علیه السلام ، الفقیه : ۱ / ۳۲۴ / ۹۵۱ ، مکارم الأخلاق : ۲ / ۳۳ / ۲۰۷۴ کلاهما عن الإمام الباقر علیه السلام .
- ۳- . البحار : ۸۶ / ۵۴ / ۶۰ عن الكتاب العتیق .

ص: ۱۴۸

عنه عليه السلام: من أراد أن يُكْتَالَ لَهُ بِالْمِكْيَالِ الْأَوْفَى فَلْيَقُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صِيْلَةٍ: سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱).

الإمام الباقر عليه السلام: أَقْلُ مَا يُجْزِيكَ مِنَ الدُّعَاءِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَنْ تَقُولَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهَا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ الْفَرِيضَةِ: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَظِيمَ الْجَلِيلَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ، وَأَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَمِّنَ لِعَظَمَتِهِ كُلَّ شَيْءٍ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ» حُفَّ بِجَنَاحٍ مِنْ أَجْنَحِهِ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحُفِظَ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ (۳).

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می خواهد پیمانه اش را تمام گیرند، پس در پی هر نماز بگوید: پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگار عزت، از آنچه می گویند و سلام بر پیامبران و سپاسمخصوص پروردگار جهانیان است.

امام باقر علیه السلام: کمترین چیزی که از دعا، پس از (نماز) واجب کفایت می کند، این است که بگویی: خدایا، همانا من هر نیکی را که به آن آگاهی داری، از تو می خواهم و از هر بدی که به آن دانایی، به تو پناه می برم. خدایا، همانا من آسایش در همه کارهایم را از تو می خواهم و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت به تو پناه می بر (۴).

امام صادق علیه السلام: هر کس در پی نماز واجب بگوید: «خود و خانواده و فرزندانم و هر کس که نگهداریش با من است را، به خدای بزرگ و شکوهمند می سپارم و به خدایی که همه چیز در برابر بزرگیش وحشت زده و ترسان و خوار است، خود و خانواده، دارایی، فرزندان و هر کس را که نگهداریش با من است می سپارم». با بالی از بالهای جبرئیل در میان گرفته می شود و خود و خانواده و داراییش حفظ می شود.

۱- قرب الإسناد: ۳۳ / ۱۰۷ عن بکر بن محمّد عن الإمام الصادق عليه السلام، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۶۷؛ كنز العمال: ۲ / ۶۳۹ / ۴۹۶۲ نقلًا عن مصنف عبدالرزاق.

۲- الكافي: ۳ / ۳۴۳ / ۱۶، التهذيب: ۲ / ۱۰۸ / ۴۰۷ كلاهما عن زراره، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۷۰، الفقيه: ۱ / ۳۲۳ / ۹۴۸، معانی الأخبار: ۳۹۴ / ۴۶ عن أحمد بن محمد بن محمد بن عيسى، مكارم الأخلاق: ۲ / ۳۲ / ۲۰۷۲ الثلاثة الأخيرة عن الإمام الصادق عليه السلام مع زياده الصلاة على النبي وآله في صدر الدعاء.

۳- الكافي: ۲ / ۵۷۳ / ۱۲ عن أبي الجارود.

۴- م. الفقيه، «معانی الاخبار و مکارم الاخلاق»، در آغاز حدیث، صلوات بر پیامبر و خاندانش را نیز دارند.

ص: ۱۴۹

عنه علیه السلام: دُعَاءٌ يُدْعَى بِهِ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ تُصَلِّيَهَا، فَإِنْ كَانَ بِكَ دَاءٌ مِنْ سُقْمٍ وَوَجَعٍ فَإِذَا قَضَيْتَ صَلَاتَكَ فَامْسَحْ بِيَدِكَ عَلَى مَوْضِعِ شُجُودِكَ مِنَ الْأَرْضِ وَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَمِرٌ بِيَدِكَ عَلَى مَوْضِعِ وَجَعِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ تَقُولُ: يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا، وَارْزُقْنِي كَذَا وَكَذَا، وَعَافِنِي مِنْ كَذَا وَكَذَا (۱).

عنه علیه السلام لِمَنْ قَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ شَيْعَتَكَ تَقُولُ: إِنَّ الْإِيمَانَ مُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ، فَعَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا قُلْتُهُ اسْتَكَمَلْتُ الْإِيمَانَ: قُلْ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ: رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِالْكَعْبَةِ قِبْلَةً، وَبِعَلِيِّ وَلِيًّا وَإِمَامًا، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي رَضِيتُ بِهِمْ أَئِمَّةً، فَارْضِنِي لَهُمْ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲).

عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ: كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ رَأَيْتَ يَا سَيِّدِي أَنْ تُعَلِّمَنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي دُبُرِ صَلَوَاتِي يَجْمَعُ اللَّهُ لِي بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقُولُ: أَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا (۳).

دعایی است که در پی هر نماز خوانده می شود. پس اگر بیماری و رنج و دردی داری، هرگاه نمازت را به پایان بردی، هفت بار با دست سجده گاهت را مسح کن و این دعا را بخوان و دستت را بر جای درد بکش و بگو: «ای کسی که زمین را بر آب و هوا را با آسمان نگه داشت و برای خود زیباترین نامها را انتخاب کرد، بر محمد و خاندانش درود فرست و برای من اینگونه و آنگونه کن و این و آن را روزیم ده و از فلان و بهمان سلامتی ام بخش.

خطاب به کسی که گفت: فدایت شوم، پیروان تو می گویند: همانا ایمان دو گونه است: ماندگار و نماندنی. پس چیزی به من بیاموز که اگر آن را بگویم، ایمانم کامل شود، فرمود: در پی هر نماز واجب بگو: خشنودم به اینکه، خداوند، پروردگار؛ محمد، پیامبر؛ اسلام، دین؛ قرآن، کتاب؛ کعبه، قبله؛ علی ولی و امام باشد. و به امام بودن حسن و حسین و امامان (صلوات الله علیهم) خشنودم. پس آنان را نیز از من خشنود کن که تو بر هر کار توانایی.

علی بن مهزیار: محمد بن ابراهیم به ابوالحسن علیه السلام (۴) نوشت: ای سرور من، اگر صلاح می بینی، دعایی به من بیاموز که اگر در پی نمازهایم بخوانم خداوند برای من نیکی دنیا و آخرت را گرد آورد. پس امام علیه السلام نوشت: می گویی: از بدی دنیا و آخرت و بدی همه دردها، به روی کریمانه ات و عزت زوال ناپذیرت، پناه می برم.

۱- .الکافی: ۳ / ۳۴۴ / ۲۳، التهذيب: ۲ / ۱۱۲ / ۴۱۹ کلاهما عن أحمد بن محمد رفعه .

۲- .التهذيب: ۲ / ۱۰۹ / ۴۱۲ عن محمد بن سليمان الديلمي، الکافی: ۲ / ۵۴۸ / ۶ عن محمد بن الفرّج عن الإمام الجواد عليه السلام صدره مع اختلاف .

۳- .الکافی: ۳ / ۳۴۶ / ۲۸ .

۴- .به احتمال فراوان، منظور امام هادی علیه السلامی باشد.

ص: ۱۵۰

الفصل السابع والثلاثون : فضل انتظار الصلاة

فصل سی و هفتم : فضیلت انتظار نماز

الفصل السابع والثلاثون: فَضْلُ انْتِظَارِ الصَّلَاةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَنْ تَزَالُوا بِخَيْرٍ مَا انْتَضَرْتُمُ الصَّلَاةَ (۱).

عنه صلى الله عليه و آله: انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ كَنْزٌ مِنْ كُنُوزِ الْجَنَّةِ (۲).

عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ كَانَ فِي الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ فَهُوَ فِي الصَّلَاةِ (۳).

عنه صلى الله عليه و آله: الْقَاعِدُ فِي الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ كَالْقَانِتِ، وَيُكْتَبُ مِنَ الْمُصَلِّينَ حَتَّى يَرْجَعَ إِلَى بَيْتِهِ (۴).

أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى شَيْءٍ يُكَفِّرُ اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَيَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ؟ قِيلَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ، وَكَثْرَةُ الْخُطَى إِلَى هَذِهِ الْمَسَاجِدِ، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ انْتِظَارَ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحْدِثْ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا يُحْدِثُ؟ قَالَ: الْاِغْتِيَابُ (۶).

فصل سی و هفتم: فضیلت انتظار نماز پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: تا نماز را انتظار می کشید، از نیکی جدایی ندارید.

انتظار کشیدن نماز پس از نماز، گنجی از گنجهای بهشت است.

هر کس در مسجد، نماز را انتظار می کشد، در نماز است.

آن که در مسجد به انتظار نماز نشسته است، همچون عبادت کننده است و تا آنگاه که به خانه اش باز گردد جزو نماز گزاران نوشته می شود.

ابو سعید خدری: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله گفت: آیا شما را به چیزی راهنمایی نکنم که خدا خطاها را با آن می پوشاند و بر نیکیها می افزاید؟ گفته شد: چرا، ای پیامبر خدا. فرمود: وضوی کامل گرفتن با همه سختیها و فراوان گام برداشتن به سوی این مسجدها و انتظار کشیدن نماز پس از نماز (۷).

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلى الله عليه و آله فرمود: به انتظار نماز نشستن در مسجد، عبادت است تا آنگاه که حدیثی از او سر نزنند. گفته شد: ای پیامبر خدا، چگونه حدیثی؟ فرمود: غیبت کردن (۸).

- ۲- التهذيب : ۲ / ۲۳۷ / ۹۳۷ عن عيسى بن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام .
- ۳- سنن النسائي : ۲ / ۵۶ ، مسند ابن حنبل : ۸ / ۴۲۸ / ۲۲۸۷۵ ، المعجم الكبير : ۶ / ۲۰۳ / ۶۰۱۲ كلّها عن سهل الساعدي .
- ۴- مسند ابن حنبل : ۶ / ۱۵۰ / ۱۷۴۶۶ ، تاريخ بغداد : ۲ / ۲۲۹ كلاهما عن عقبه بن عامر .
- ۵- أمالي الصدوق : ۲۶۴ / ۱۰ ، روضه الواعظين : ۳۶۶ ؛ سنن النسائي : ۱ / ۸۹ ، مسند ابن حنبل : ۳ / ۱۶۷ / ۸۰۲۷ ، السنن الكبرى : ۱ / ۱۳۳ / ۳۸۶ الثلاثة الأخيره عن أبي هريره وفي آخرها «فذلكم الرباط ، فذلكم الرباط ، فذلكم الرباط» ، سنن الدارمي : ۱ / ۱۸۸ / ۷۰۱ عن أبي سعيد .
- ۶- الكافي : ۲ / ۳۵۷ / ۱ ، أمالي الصدوق : ۳۴۲ / ۱۱ كلاهما عن السكوني ، تحف العقول : ۴۷ ، روضه الواعظين : ۵۱۵ ؛ صحيح البخاري : ۱ / ۷۶ / ۱۷۴ عن أبي هريره عنه صلى الله عليه و آله وفيه «لا يزال العبد في صلاه ما كان في المسجد ينتظر الصلاه ما لم يحدث» .
- ۷- در سنن نسائي، مسند ابن حنبل و السنن الكبرى، در پایان حدیث این عبارت را آورده اند: «این ارتباط داشتن است، این ارتباط داشتن است، این ارتباط داشتن است».
- ۸- در صحیح بخاری چنین آمده است: «بنده ای که در مسجد، انتظار نماز را می کشد، پیوسته در نماز است تا آنگاه که حدیثی از او سر نزنند».

ص: ۱۵۱

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَا مِنْكُمْ أَحَدٌ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُتَطَهِّرًا فَيَصِلُ إِلَى الصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَةِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ يَقْعُدُ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ الْآخَرَى إِلَّا وَالْمَلَائِكَةُ تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ (۱).

عنه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام: يَا عَلِيُّ، ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ، وَثَلَاثُ مُهْلِكَاتٍ وَثَلَاثُ مُنْجِيَّاتٍ، فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَإِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي السَّبَرَاتِ (۲)، وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ ... (۳).

عُثْمَانُ بْنُ مَطْعُونٍ: قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ أَشْيَاءَ، فَقَالَ: وَمَا هِيَ يَا عُثْمَانُ؟ قُلْتُ: إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَتَرَهَّبَ، قَالَ: لَا تَفْعَلْ يَا عُثْمَانُ، فَإِنَّ تَرَهُّبَ أُمَّتِي الْقُعُودُ فِي الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ (۴).

الإمام علي عليه السلام: الْمُتَنَتِّظُ وَقْتَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ مِنْ زُؤَارِ اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ، وَحَقُّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يُكْرِمَ زَائِرَهُ وَأَنْ يُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ (۵).

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچیک از شما نیست که با طهارت از خانه اش بیرون آید و با جماعت مسلمانان نماز بگذارد سپس به انتظار نمازی دیگر بنشیند، جز اینکه فرشتگان می گویند: خدایا او را بیامرز، خدایا بر او رحم کن.

در سفارش به علی علیه السلام: ای علی، سه چیز درجه و سه چیز کفاره و سه چیز هلاک کننده و سه چیز نجات دهنده اند. اما آن سه که درجه اند: وضوی کامل گرفتن در سرمای شدید و انتظار کشیدن نماز پس از نماز ... (۶).

عثمان بن مظعون: به پیامبر خدا صلى الله عليه وآله عرض کردم: ای پیامبر خدا، می خواهم چیزهایی را از شما بپرسم. فرمود: ای عثمان، آن ها چه هستند؟ گفتم: من می خواهم راهب شوم. فرمود: ای عثمان، این کار را مکن، همانا رهبانیت امت من، نشستن در مسجدها و انتظار کشیدن نماز پس از نماز است (۷).

امام علی علیه السلام: منتظر رسیدن وقت نماز (دیگر) پس از نماز، از زایران خداوند عز و جل است و بر خداوند متعال رواست که زایرش را گرامی دارد و هر چه می خواهد به او بدهد (۸).

۱- .أُمَالِي الصَّدُوق: ۲۶۴ / ۱۰، روضه الواعظین: ۳۶۶؛ مسند ابن حنبل: ۴ / ۷ / ۱۰۹۹۴، المستدرک علی الصحیحین: ۱/۳۰۵/۶۸۹، السنن الکبری: ۲/۲۶/۲۲۶۵، صحیح ابن خزیمه: ۱/۱۸۵/۳۵۷ کلّها عن أبي سعيد.

۲- .جمع سَبْره بسکون الباء: وهی شِدَّة البرد (النهاية: ۲ / ۳۳۳).

۳- .الفقيه: ۴ / ۳۶۰ / ۵۷۶۲، الخصال: ۸۵ / ۱۲ کلاهما عن أنس بن محمّد عن أبيه عن الإمام الصادق عن آبائه عن عليّ عليهم السلام؛ المعجم الأوسط: ۶ / ۴۷ / ۵۷۵۴ عن ابن عمر وفيه «الكفّارات» مكان «الدرجات».

۴- .التّهذيب: ۴ / ۱۹۰ / ۵۴۱، مشکاه الأنوار: ۲۶۲ وفيه «فَإِنِّي قَدْ هَمَمْتُ بِالسِّيَاحَةِ»، فَقَالَ: مَهَلًا يَا عُثْمَانُ فَإِنَّ السِّيَاحَةَ فِي أُمَّتِي لَزُومٌ الْمَسَاجِدِ وَانْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ».

- ۵- الخصال : ۶۳۵ / ۱۰ عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ۱۲۲ وفيه «بعد العصر» مكان «بعد الصلاة» .
- ۶- در المعجم الاوسط، به جای «درجات»، «کفارات» دارد.
- ۷- در مشکاه الانوار چنین آمده است: «من قصد سیاحت دارم، فرمود: مهلت ده ای عثمان که سیاحت امت من، پیوسته در مسجد بودن و انتظار کشیدن نماز پس از نماز است».
- ۸- در تحف العقول به جای «پس از نماز»، «پس از عصر» دارد.

ص: ۱۵۲

الفصل الثامن والثلاثون : سيره أهل البيت عليهم السلام في الصلاة

۱ / ۳۸ صلاة النبي صلى الله عليه وآله

فصل سی و هشتم : روش اهل بیت عليهم السلام در نماز

۱ / ۳۸ نماز پیامبر صلی الله علیه وآله

الفصل الثامن والثلاثون: سيره أهل البيت عليهم السلام في الصلاة ۱ / ۳۸ صلاة النبي صلى الله عليه وآله و آلهجابر بن عبد الله: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يؤخر الصلاة لطعام ولا لغيره (۱).

الإمام علي عليه السلام: كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يؤثر على الصلاة عشاء ولا غيره، وكان إذا دخل وقتها كأنه لا يعرف أهلاً ولا حميماً (۲).

عائشه: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يحدثنا ونحدثه، فإذا حضرت الصلاة فكأنه لم يعرفنا ولم نعرفه (۳).

ابن طاووس: روى: أن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا قام إلى الصلاة كأنه ثوب ملقى (۴).

فصل سی و هشتم: روش اهل بیت عليهم السلام در نماز ۱ / ۳۸ نماز پیامبر صلی الله علیه و آلهجابر بن عبد الله: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای خوراک و یا چیز دیگری، نماز را به تأخیر نمی انداخت.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شام و یا چیز دیگری را بر نماز مقدم نمی داشت و هنگامی که وقت نماز در می رسید، گویا خانواده و دوست را نمی شناسد (۵).

عائشه: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با ما و ما با او گفتگو می کردیم. هنگام نماز که می شد گویا نه او ما را می شناخته و نه ما او را می شناختیم.

ابن طاووس: نقل شده: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد، گویا ایشان جامه ای به کنار افکنده بود.

۱- السنن الكبرى: ۳ / ۱۰۵ / ۵۰۴۳.

۲- تنبيه الخواطر: ۲/۷۸، علل الشرائع: ۳۵۰/۵ عن ليث عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «كان رسول الله صلى الله عليه وآله لا يؤثر على صلاة المغرب شيئاً إذا غربت الشمس حتى يصليها».

۳- عده الداعي: ۱۳۹، عوالي اللآلي: ۱ / ۳۲۴ / ۶۱ وزاد في آخره «شغلاً بالله عن كل شيء».

۴- فلاح السائل: ۱۶۱.

۵- در علل الشرائع چنین آمده است: «پیامبر خدا هرگاه خورشید غروب می کرد، چیزی را بر نماز مغرب مقدم نمی داشت، تا

اینکه آن را بخواند».

ص: ۱۵۳

أبو [مُحَمَّدٍ] عَبْدَ اللَّهِ بْنُ حَامِدٍ رَفَعَهُ إِلَى بَعْضِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا صَلَّى شَجَعَ لَصَدْرِهِ أَزِيرُ كَأَزِيرِ الْمِرْجَلِ (۱) مِنَ الْهَيْبَةِ (۲).

جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ الْقُمِّيُّ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَرَبَّدَ وَجْهُهُ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، وَكَانَ لَصَدْرِهِ أَزِيرٌ كَأَزِيرِ الْمِرْجَلِ (۳).

الإمام زين العابدين عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقِفُ فِي الصَّلَاةِ حَتَّى يَرِمَ قَدَمَاهُ (۴).

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لِمَ تُتَعِبُ نَفْسَكَ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ؟ فَقَالَ: يَا عَائِشَةُ، أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؟ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى: «طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (۵)(۶).

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي مِنَ التَّطَوُّعِ مِثْلِي الْفَرِيضَةِ (۷).

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُصَلِّي مِنَ النَّهَارِ شَيْئًا حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ، فَإِذَا زَالَتْ صَلَّى ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، وَهِيَ صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ، تُفْتَحُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَيُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ وَنَهْبُ الرِّيَّاحِ وَيَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى خَلْقِهِ، فَإِذَا فَاءَ الْفَيْءِ ذُرَاعًا صَلَّى الظُّهْرَ أَرْبَعًا، وَصَلَّى بَعْدَ الظُّهْرِ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ أُخْرَاوَيْنِ، ثُمَّ صَلَّى الْعَصْرَ أَرْبَعًا إِذَا فَاءَ الْفَيْءِ ذُرَاعًا، ثُمَّ لَا يُصَلِّي بَعْدَ الْعَصْرِ شَيْئًا حَتَّى تَوُوبَ الشَّمْسُ، فَإِذَا أَبَتْ وَهُوَ أَنْ تَغِيبَ صَلَّي الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا، وَبَعْدَ الْمَغْرِبِ أَرْبَعًا، ثُمَّ لَا يُصَلِّي شَيْئًا حَتَّى يَسْقُطَ الشَّفَقُ، فَإِذَا سَقَطَ الشَّفَقُ صَلَّى الْعِشَاءَ، ثُمَّ أَوَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى فِرَاشِهِ وَلَمْ يُصَلِّ شَيْئًا حَتَّى يَزُولَ نِصْفُ اللَّيْلِ، فَإِذَا زَالَ نِصْفُ اللَّيْلِ صَلَّى ثَمَانِي رَكَعَاتٍ، وَأَوْتَرَ فِي الرَّبْعِ الْأَخِيرِ مِنَ اللَّيْلِ بِثَلَاثِ رَكَعَاتٍ، فَقَرَأَ فِيهِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَيَفْصِلُ بَيْنَ الثَّلَاثِ بِتَسْلِيمِهِ، وَيَتَكَلَّمُ وَيَأْمُرُ بِالحَاجَةِ، وَلَا يَخْرُجُ مِنْ مُصَلَّاهُ حَتَّى يُصَلِّيَ الثَّلَاثَةَ الَّتِي يُوْتِرُ فِيهَا، وَيَقْنُتُ فِيهَا قَبْلَ الرُّكُوعِ، ثُمَّ يُسَلِّمُ، وَيُصَلِّي رَكَعَتِي الْفَجْرِ قُبَيْلَ الْفَجْرِ وَعِنْدَهُ وَبُعِيدَهُ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتِي الصُّبْحِ وَهُوَ الْفَجْرُ إِذَا اعْتَرَضَ الْفَجْرُ وَأَضَاءَ حَسَنًا، فَهَذِهِ صَلَاةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الَّتِي قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا (۸).

ابو محمد عبدالله بن حامد در حالی که حدیث را به برخی از نیکان می رساند: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه نماز می خواند، از سینه اش آوایی از خوف، چون آواز جوشش دیگ شنیده می شد (۹).

جعفر بن علی قمی: پیامبر هرگاه به نماز می ایستاد، از ترس خدای تعالی، رنگ چهره اش تغییر می کرد و سینه اش آوایی چون آواز جوشش دیگ داشت.

امام سجاده علیه السلام: پیامبر آنقدر در نماز می ایستاد، تا پاهایش ورم می کرد.

امام باقر علیه السلام: عایشه در شبی که نوبت ماندن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزدش بود، به ایشان عرض کرد: ای پیامبر خدا، چرا خود را به زحمت می اندازی با آنکه خداوند گناه گذشته و آینده تو را آمرزیده است. فرمود: ای عایشه، آیا بنده ای سپاسگزار نباشم؟ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سر انگشتان پایش می ایستاد تا اینکه خداوند سبحان و تعالی فرو فرستاد: «طه»، ما قرآن را

بر تو فرو نفرستادیم تا بر خود سخت گیری» .

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو برابر نماز واجب، نماز مستحب می خواند.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آغاز روز تا زوال خورشید ، هیچ نماز نمی خواند و هنگام زوال، هشت رکعت نماز می خواند که همان نماز «توبه کنندگان» است . در این ساعت، درهای آسمان گشوده می شود و دعا پذیرفته می شود، بادهای (رحمت) می وزد و خداوند به آفریده هایش می نگرند . پس هنگامی که سایه به اندازه یک ذراع باز میگشت، چهار رکعت نماز ظهر می گزارد و پس از ظهر دو رکعت و سپس دو رکعت دیگر می خواند و هنگامی که سایه به اندازه یک (۱۰) ذراع باز میگشت، چهار رکعت نماز عصر می گزارد و پس از مغرب، چهار رکعت می خواند و سپس نمازی نمی خواند تا شفق فرو رود و هنگامی که فرو می رفت، نماز عشاء را می گزارد. سپس پیامبر به بسترش می رفت و نماز نمی خواند تا نیمی از شب سپری شود. هنگامی که شب از نیمه می گذشت، هشت رکعت نماز می گزارد و در پاره چهارم شب، سه رکعت نماز وتر می گزارد و در آن ها «فاتحه الكتاب» و «قل هو الله احد» می خواند و سه رکعت را با یک سلام دادن از هم جدا می کرد و سخن می گفت و نیازهایش را می طلبید و از نمازگاهش بیرون نمی آمد ، تا اینکه رکعت سوم نماز وتر را بخواند و در آن پیش از رکوع، قنوت می خواند . سپس سلام می داد و دو رکعت نماز (نافله) فجر را هنگام دمیدن سپیده یا اندکی پس و پیش، می گزارد. سپس دو رکعت نماز صبح یعنی سپیده دمان را هنگامی می خواند که سپیده گسترش می یافت و به خوبی روشن می شد. پس این نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهتا هنگام قبض روحش بود.

۱- فی الحدیث : «إنه كان يصلي ولجوفه أزيز كأزيز المرجل من البكاء» أي خنين من الخوف وهو صوت البكاء ، وقيل : هو أن يجيش جوفه ويغلي بالبكاء (النهاية : ۱ / ۴۵) ، (مجمع البحرين : ۱ / ۷۱) زاد ثانيهما : «الأزيز : صوت الرعد وصوت غليان القدر أيضا ، ومنه الخبر : كان يصلي ولجوفه أزيز ...» . المرجل : القدر من الحجاره والنحاس (لسان العرب : ۱۱ / ۲۷۴) .

۲- الخصال : ۲۸۲ / ۲۷ ، الاحتجاج : ۱ / ۵۱۹ عن الإمام علي عليه السلام نحوه وفي آخره «إنه صلى الله عليه وآله كان إذا قام إلى الصلاه سُمِعَ لصدره وجوفه أزيز كأزيز المرجل على الأثافي من شدته البكاء» ، والأثافي : جمع الإثافيّة الحجر الذي توضع عليها القدر (لسان العرب : ۳ / ۹) .

۳- فلاح السائل : ۱۶۱ نقلاً عن كتاب زهد النبي صلى الله عليه وآله .

۴- فتح الأبواب : ۱۷۰ عن الزهري ، مصباح الشريعة : ۴۴۴ عن الإمام الصادق عليه السلام .

۵- طه : ۱ و ۲ .

۶- الكافي : ۲ / ۹۵ / ۶ عن أبي بصير ، مشكاة الأنوار : ۳۵ ، الاحتجاج : ۱ / ۵۲۰ عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام نحوه ؛ صحيح البخاري : ۱ / ۳۸۰ / ۱۰۷۸ وج ۵ / ۲۳۷۵ / ۶۱۰۶ كلاهما عن المغيرة ، صحيح مسلم : ۴ / ۲۱۷۲ / ۸۱ عن عائشه نحوه .

۷- الكافي : ۳ / ۴۴۳ / ۳ ، التهذيب : ۲ / ۴ / ۳ ، الاستبصار : ۱ / ۲۱۸ / ۷۷۳ كلها عن الفضيل بن يسار والفضل بن عبد الملك وبكير

۸- الفقيه : ۱ / ۲۲۷ / ۶۷۹ .

- ۹- .احتجاج نیز شبیه به این متن را نقل کرده است و در پایان آن آورده است: «هرگاه به نماز می ایستاد، از سینه و درونش، آوایی از شدت گریه چون آواز جوشش دیگ بر آتش، شنیده می شد».
- ۱۰- .به قرینه سایر روایات و علم فقه درست آن است که «دو» باشد .

ص: ۱۵۴

۲ / ۳۸ صلاه الإمام علی علیه السلام

۳۸ / ۲ نماز امام علی علیه السلام

راجع: الفصل ۳ / ۵ و ۳۹؛ والحديث ۱۸۳ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۹۶ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۷۶ و ۲۸۵ و ۳۰۸ و ۳۴۶ و ۵۰۸.

۳۸ / ۲ صَلَاةُ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي لَمْ يَمَيِّ فِي ذِكْرِ صَلَاةٍ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا فِي حَرْبٍ صَفِينٍ مُشْتَغَلًا بِالْحَرْبِ وَالْقِتَالِ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ بَيْنَ الصَّفَيْنِ يَرْقُبُ الشَّمْسَ، فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مَا هَذَا الْفِعْلُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْظِرْ إِلَى الزَّوَالِ حَتَّى نُصَلِّيَ، فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: وَهَيْلَ هَذَا وَقْتُ صَلَاةٍ؟! إِنَّ عِنْدَنَا لَشُغْلًا بِالْقِتَالِ عَنِ الصَّلَاةِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَى مَا نُقَاتِلُهُمْ؟! إِنَّمَا نُقَاتِلُهُمْ عَلَى الصَّلَاةِ (۱).

ابن ابی جمهور: فی الحدیث أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَ وَقْتُ الصَّلَاةِ يَتَمَلَّمُ وَيَتَزَلَّزَلُ وَيَتَلَوَّنُ، فَقِيلَ لَهُ: مَا لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟! فَيَقُولُ: جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ، وَقْتُ أَمَانَةِ عَرْضِهَا لِلَّهِ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَأَبِينُ أَنْ يَحْمِلَهَا وَأُشْفَقَنَّ مِنْهَا (۲).

۳۸ / ۲ نماز امام علی علیه السلام مدیلمی در وصف نماز امام علی علیه السلام: ایشان روزی در جنگ صفین سرگرم پیکار و جنگ بود و با این همه میان دو صف، مراقب خورشید بود. پس ابن عباس به ایشان عرض کرد: ای امیر مؤمنان، این چه کاری است؟ فرمود: به زوال خورشید می نگرم تا نماز بگذاریم. پس ابن عباس عرض کرد: و آیا اکنون، هنگام نماز است؟ جنگ ما را از نماز به خود مشغول داشته است. پس حضرت فرمود: برای چه با اینان می جنگیم؟ ما فقط برای نماز با اینان می جنگیم.

ابن ابی جمهور: در حدیث است که علی علیه السلام هرگاه وقت نماز می شد، نا آرام و لرزان می گشت و رنگش تغییر می کرد. به ایشان گفته می شد: شما را چه شده است، ای امیر مؤمنان؟ می فرمود: وقت نماز در رسیده است، وقت امانتی که خداوند آن را بر آسمانها و زمین عرضه کرد و آن ها از بر دوش کشیدنش خودداری ورزیدند و از آن ترسیدند.

۱- إرشاد القلوب: ۲۱۷.

۲- عوالی اللآلی: ۱ / ۳۲۴ / ۶۲، المناقب لابن شهر آشوب: ۲ / ۱۲۴ قریب منه مع زیاده فی آخره.

ص: ۱۵۵

الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ فَقَالَ: «وَجَّهْتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» تَغْيِيرَ لَوْنِهِ حَتَّى يُعْرِفَ ذَلِكَ فِي وَجْهِهِ (۱).

عنه عليه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ (۲).

ابن عباس: أَهْدَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَاقَتَانِ عَظِيمَتَانِ سَمِيتَانِ، فَقَالَ لِلصَّحَابَةِ: هَلْ فِيكُمْ أَحَدٌ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ بَقِيَامِهِمَا وَرُكُوعِهِمَا وَسُجُودِهِمَا وَوُضُوءِهِمَا وَخُشُوعِهِمَا لَا يَهْتَمُّ فِيهِمَا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ وَلَا يُحَدِّثُ قَلْبُهُ بِفِكْرِ الدُّنْيَا أَهْدَى إِلَيْهِ إِحْدَى هَاتَيْنِ النَّاقَتَيْنِ؟ فَقَالَتْهَا مَرَّةً وَمَرَّتَيْنِ وَثَلَاثَةً لَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ. فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ أَكْبَرَ تَكْبِيرَةٍ الْأُولَى وَإِلَى أَنْ أَسَلِّمَ مِنْهُمَا لَا أُحَدِّثُ نَفْسِي بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، صَلِّ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْكَ، فَكَبَّرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَدَخَلَ فِي الصَّلَاةِ، فَلَمَّا سَلَّمَ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ هَبَطَ جَبْرِئِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: أَعْطِهِ إِحْدَى النَّاقَتَيْنِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنِّي شَارَطْتُهُ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا بِشَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا أُعْطِيَهُ إِحْدَى النَّاقَتَيْنِ إِنْ صَلَّاهُمَا، وَإِنَّهُ جَلَسَ فِي التَّشَهُّدِ فَتَفَكَّرَ فِي نَفْسِهِ أَيُّهُمَا يَأْخُذُ، فَقَالَ جَبْرِئِيلُ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ اللَّهَ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: تَفَكَّرْ أَيُّهُمَا يَأْخُذُهَا أَسْمَنُهُمَا وَأَعْظَمُهُمَا فَيَنْخَرُهَا وَيَتَّصِدَّقُ بِهَا لَوْجِهِ اللَّهِ، فَكَانَ تَفَكُّرُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا لِنَفْسِهِ وَلَا لِلدُّنْيَا، فَكَبَى رَسُولُ اللَّهِ وَأَعْطَاهُ كِلَيْهِمَا (۳).

امام صادق علیه السلام: هر گاه علی علیه السلام به نماز میایستاد و می گفت: «رو به سوی کسی آوردم که آسمانها و زمین را آفریده»، رنگش تغییر می کرد، به گونه ای این (تغییر) که در چهره اش هویدا می شد.

همانا علی علیه السلام، در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد.

ابن عباس: دو شتر ماده بزرگ و فربه را برای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هدیه آوردند. پس به اصحاب فرمود: آیا کسی در میان شما هست که دو رکعت نماز با قیام و رکوع و سجود و وضو و خشوع آن بگذارد بی اینکه به هیچ کار دنیایی بیندیشد و در دل به فکر دنیا باشد، تا یکی از این دو شتر را به او ببخشم؟ و این را یک بار و دو بار و سه بار گفت ولی هیچیک از اصحاب پاسخ ندادند. پس امیرمؤمنان برخاست و گفت: ای پیامبر خدا، من دو رکعت نماز می خوانم و از تکبیر نخستین تا سلام پایان آن، در دل به هیچ کار دنیایی نمی اندیشم. پس حضرت فرمود: ای علی بخوان، خدا بر تو درود فرستد. پس امیرمؤمنان تکبیر گفت و به نماز وارد شد و هنگامی که سلام دو رکعت را داد، جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و گفت: ای محمد، خدا به تو سلام می رساند و میفرماید: یکی از دو شتر را به او ببخش. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: من با او شرط کرده بودم که اگر در دو رکعت نمازی که می خواند، به هیچ کار دنیایی بیندیشد، به او یکی از دو شتر را ببخشم، در حالی که هنگام نشستن در تشهد با خود اندیشید که کدام را بگیرد. پس جبرئیل گفت: خداوند به تو سلام می رساند و میفرماید: او اندیشید که کدام فربه تر و بزرگترند تا آن را بگیرد و قربانی کند و در راه خدا صدقه بدهد. پس اندیشه اش برای خدای عز و جل بوده است و نه دنیا. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله الهگریست و هر دو را به او بخشید.

- ۱- فلاح السائل : ۱۰۱ .
- ۲- التهذیب : ۳/۶۱/۲۰۹ ، الاستبصار : ۱ / ۴۶۱ / ۷ کلاما عن جمیل بن صالح ، الکافی : ۴/۱۵۴/۱ عن علی بن ابی حمزه و زاد فيه «فی آخر عُمرِه» .
- ۳- المناقب لابن شهر آشوب : ۲ / ۲۰ .

ص: ۱۵۶

۳ / ۳۸ صلاه فاطمه علیها السلام

۴ / ۳۸ صلاه الإمام الحسن بن علی علیهما السلام

۳ / ۳۸ نماز فاطمه علیها السلام

۴ / ۳۸ نماز امام حسن بن علی علیهما السلام

راجع: الحديث ۲۵۵ و ۲۶۱ و ۲۷۹ و ۲۸۲ و ۲۸۴ .

۳ / ۳۸ صَلَاةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَهَد: كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَنْهَجُ (۱) فِي الصَّلَاةِ مِنْ خِيفَةِ اللَّهِ تَعَالَى (۲) .

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمَا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي ، وَهِيَ نُورٌ عَيْنِي ، وَهِيَ ثَمَرَةُ فُؤَادِي ، وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ ، وَهِيَ الْحَيَّوَاءُ الْإِنْسِيَّةُ مِنِّي (۳) ، قَامَتْ فِي مُحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ ، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ : «يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أُمْتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهَا مِنْ خِيفَتِي وَقَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي ، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ أُمْنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ (۴) .

۴ / ۳۸ صَلَاةُ الْإِمَامِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ . . . كَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ ، وَسَأَلَ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ (۵) .

عنه عليه السلام : كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُصَلِّي ، فَمَرَّ بَيْنَ يَدَيْهِ رَجُلٌ فَتَهَاهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ ، فَلَمَّا انْصَرَفَ مِنْ صَلَاتِهِ قَالَ لَهُ : لِمَ نَهَيْتَ الرَّجُلَ ؟ قَالَ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ حَظَرَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْمُحْرَابِ ، فَقَالَ : وَيَحْكُ ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ أَنْ يَحْظَرَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ أَحَدٌ (۶) .

۳ / ۳۸ نماز فاطمه علیها السلام: حضرت فاطمه علیها السلام در نماز از ترس خداوند تعالی، نفس نفس می زد.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اَمَا دخترم، فاطمه، همانا سرور زنان جهان از آغاز تا پایان است . او پاره ای از تنم ، نور چشمم، میوه دلم، روح و جانم و حوریه ای به صورت انسان است . هرگاه در محرابش در پیشگاه پروردگار بزرگ و شکوهمندش می ایستد ، نورش برای فرشتگان آسمان جلوه می نماید ، همانگونه که نور ستارگان برای ساکنان زمین جلوه میکند و خداوند عز و جل به فرشتگانش می گوید: «ای فرشتگان من ، به کنیز من فاطمه ، سرور کنیزانم ، بنگرید که در پیشگاه من ایستاده و از ترس من گوشت تنش می لرزد و با دلش به عبادت من روی آورده است. شما را گواه می گیرم که پیروانش را از آتش، ایمن ساختم».

۴ / ۳۸ نماز امام حسن بن علی علیهما السلام: همانا حسن بن علی علیهما السلام ... هرگاه در نماز می ایستاد، گوشت تنش در پیشگاه پروردگارش عز و جل می لرزید و هرگاه بهشت و آتش را یاد می کرد ، چون مار گزیده به خود می پیچید و بهشت را از خدا می طلبید و از آتش به خداوند پناه می برد.

حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام نماز می خواند که مردی از پیش روی حضرت گذشت و یکی از همنشینانش، او را باز داشت . هنگامی که حضرت نمازش را به پایان برد فرمود: چرا آن مرد را بازداشتی؟ گفت: ای پسر پیامبر خدا، میان شما و محراب جدایی انداخت. پس حضرت فرمود: وای بر تو، همانا خداوند عز و جل به من نزدیکتر از آن است که کسی میان من و او، فاصله شود.

- ۱- النَّهْجُ وَالنَّهْيُ : الرَّبُّ وَتَوَاتُرُ النَّفْسِ مِنْ شِدَّةِ الْحَرَكَةِ أَوْ فِعْلٍ مُتَعَبٍ (النهايه : ۵ / ۱۳۴) .
- ۲- عَدَّةُ الدَّاعِي : ۱۳۹ ، إرشاد القلوب : ۱ / ۱۰۵ .
- ۳- الظاهر أَنَّ الصَّحِيحَ «مَتَى» مكان «مِنَى» .
- ۴- أُمَالِي الصَّدُوق : ۹۹ / ۲ عن ابن عباس ، بشاره المصطفى : ۱۹۸ ، الفضائل : ۸ .
- ۵- عَدَّةُ الدَّاعِي : ۱۳۹ عن المفضل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام .
- ۶- التوحيد : ۱۸۴ / ۲۲ عن منيف عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام .

ص: ۱۵۷

۵ / ۳۸ صلاه الإمام الحسين بن علی علیهما السلام

۳۸ / ۵ نماز امام حسین بن علی علیهما السلام

راجع: الحديث ۱۴۰.

۵ / ۳۸ صلاه الإمام الحسين بن علی علیهما السلام مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ فِي ذِكْرِ وَقَعِهِ عَاشُورَاءَ: فَلَا يَزَالُ الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ قَدْ قُتِلَ، فَإِذَا قُتِلَ مِنْهُمْ الرَّجُلُ وَالرَّجُلَانِ تَبَيَّنَ فِيهِمْ، وَأُولَئِكَ كَثِيرٌ لَا يَتَبَيَّنُ فِيهِمْ مَا يُقْتَلُ مِنْهُمْ، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ أَبُو ثَمَامَةَ عَمَرُو بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الصَّائِدِيُّ قَالَ لِلْحُسَيْنِ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، نَفْسِي لَكَ الْفِدَاءُ، إِنِّي أَرَى هَؤُلَاءِ قَدْ اقْتَرَبُوا مِنْكَ، وَلَا وَاللَّهِ لَا تُقْتَلُ حَتَّى أُقْتَلَ دُونَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَأُحِبُّ أَنْ أَلْقَى رَبِّي وَقَدْ صِلَيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ الَّتِي دَنَا وَقْتُهَا. قَالَ: فَرَفَعَ الْحُسَيْنُ رَأْسَهُ ثُمَّ قَالَ: ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ، جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الذَّاكِرِينَ، نَعَمْ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا، ثُمَّ قَالَ: سَلَوْهُمْ أَنْ يَكْفُوا عَنَّا حَتَّى نُصَلِّيَ، فَقَالَ لَهُمُ الْحَصِينُ بْنُ تَمِيمٍ: إِنَّهَا لَا تُقْبَلُ، فَقَالَ لَهُ حَبِيبُ بْنُ مُظَاهِرٍ: لَا تُقْبَلُ! زَعَمَتِ الصَّلَاةُ مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تُقْبَلُ وَتُقْبَلُ مِنْكَ (۱).

ابن طاووس: حَضَرَتْ صَلَاةُ الظُّهْرِ فَأَمَرَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زُهَيْرَ بْنَ الْقَيْنِ وَسَعِيدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيَّ أَنْ يَتَقَدَّمَا أَمَامَهُ بِنِصْفِ مَنْ تَخَلَّفَ مَعَهُ، ثُمَّ صَلَّى بِهِمْ صَلَاةَ الْخَوْفِ، فَوَصَلَ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَهْمٌ فَتَقَدَّمَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيُّ وَوَقَفَ يَقِيهِ بِنَفْسِهِ مَا زَالَ، وَلَا تَخْطِي حَتَّى سَقَطَ إِلَى الْأَرْضِ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ لَعَنَ عَادٍ وَثَمُودَ، اللَّهُمَّ أبلغْ نَبِيَّكَ عَنِّي السَّلَامَ وَأبلغْهُ مَا لَقِيتُ مِنْ أَلَمِ الْجِرَاحِ، فَإِنِّي أَرَدْتُ ثَوَابَكَ فِي نَصْرِ ذُرِّيَةِ نَبِيِّكَ، ثُمَّ قَضَى نَحْبَهُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَوُجِدَ بِهِ ثَلَاثَةُ عَشَرَ سَهْمًا سِوَى مَا بِهِ مِنْ ضَرْبِ الشُّيُوفِ وَطَعَنِ الرَّمَاحِ (۲).

۵ / ۳۸ نماز امام حسین بن علی علیهما السلام محمد بن مسلم در بیان واقعه عاشورا: پیوسته یاران حسین علیه السلام کشته می شدند و هنگامی که از اینان یک یا دو نفر کشته می شد، آشکار می گشت ولی آنان (یزیدیان) فراوان بودند و هر چه از آنان کشته می شد، معلوم نمی گشت. چون ابو ثمامه عمرو بن عبدالله الصائدی، این را دید به حسین علیه السلام عرض کرد: ای ابا عبدالله، جانم فدایت، من می بینم اینان (یزیدیان) به تو نزدیک می شوند و سوگند به خدا، کشته نمی شوی تا اینکه من پیش از تو کشته گردم، ان شاء الله. و دوست دارم پروردگارم را دیدار کنم در حالی که این نماز را که وقتش نزدیک شده، بگزارم. پس حسین علیه السلام سرش را بلند کرد و فرمود: نماز را یاد کردی، خداوند تو را از نماز گزاران یادکننده قرار دهد. آری، اکنون، اول وقت آن است. سپس فرمود: از آنان بخواهید که دست از ما بردارند تا نماز بگزاریم. پس حصین بن تميم (۳) به آنان گفت: آن (نماز) پذیرفته نمی شود. پس حبيب بن مظاهر گفت: پذیرفته نمی شود! گمان کردی نماز از خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پذیرفته نمی شود و از تو پذیرفته می گردد؟

ابن طاووس: وقت نماز ظهر که شد حسین علیه السلام به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی فرمان داد که با نیمی از افراد جلو بایستند. سپس نماز خوف را با بقیه گزارد. پس تیری به حسین علیه السلام رسید. سعید بن عبدالله حنفی پیش رفت و با تن خود به نگهبانی از امام حسین علیه السلام پرداخته و گام از گام برداشت تا اینکه به زمین افتاد، در حالی که می گفت: خدایا، آنان را همچون عاد و ثمود لعنت کن. خدایا، سلامم را به پیامبرت برسان و آنچه درد زخم کشیده ام به او خبر ده، که من پاداش تو را در یاری فرزندان پیامبرت خواستارم. پس عهدش را به سرآورد و شهید گشت (رضوان الله علیه). پس جز آنچه از ضربت شمشیرها و

نیزه ها بر او بود ، سیزده تیر در تنش یافت شد.

.

۱- .تاریخ الطبری : ۵ / ۴۳۹ ، مقتل الحسین علیه السلام للخوارزمی : ۲ / ۱۶ ؛ الدمعه الساکبه : ۴ / ۳۰۱ .

۲- .الملهوف : ۱۶۵ .

۳- .از فرماندهان سپاه یزید.

ص: ۱۵۸

۶ / ۳۸ صلاه الإمام علی بن الحسین علیهما السلام

۳۸ / ۶ نماز امام علی بن حسین علیهما السلام

۳۸ / ۶ صلاه الإمام علی بن الحسین علیهما السلام: کان علی بن الحسین صلوات الله علیهما إذا قام فی الصلاه کأنه ساق شجره لا يتحرك منه شیء إلا ما حرکه الريح منه (۱).

الإمام الصادق علیه السلام: کان علی بن الحسین صلوات الله علیهما إذا قام فی الصلاه تغیر لونه، فإذا سجد لم یرفع رأسه حتی یرفض عرقاً (۲).

عبدالله بن أبی سلیمان: کان علی بن الحسین علیهما السلام... إذا قام إلى الصلاه أخذته رعدة، فقیل له: ما لك؟ فقال: ما تدرون بین یدی من أقوم ومن أناجی؟ (۳).

عبدالله بن محمد القرشي: کان علی بن الحسین علیهما السلام إذا توضأ اصفر لونه، فقیل له أهله: ما هذا الذي يغشاك؟ فقیل: أتدرون لمن أتأهب للقيام بین یدیه؟! (۴).

الإمام الباقر علیه السلام: کان علی بن الحسین علیهما السلام... إذا قام فی صلاته غشی لونه لون آخر، وكان قيامه فی صلاته قيام العبد الذلیل بین یدی الملک الجلیل، كانت أعضاؤه ترتعد من خشیه الله عز وجل، وكان یضی لى صلاه مودع یری أنه لا یضی لى بعدها أبداً (۵).

۳۸ / ۶ نماز امام علی بن حسین علیهما السلام: علی بن الحسین علیهما السلام هرگاه در نماز می ایستاد، گویا ساقه درختی است که هیچ حرکتی ندارد جز حرکتی که باد به آن می دهد.

امام صادق علیه السلام: علی بن الحسین صلوات الله علیهما هرگاه در نماز می ایستاد، رنگش تغییر می کرد و هنگامی که به سجده میرفت، سر بر نمی داشت، تا اینکه عرق می کرد.

عبدالله بن ابی سلیمان: هرگاه علی بن الحسین به نماز می ایستاد لرزه ای ایشان را فرا می گرفت. پس گفته شد، شما را چه می شود؟ فرمود: می دانید در پیشگاه چه کسیمی ایستم وبا که مناجات می کنم؟!

عبدالله بن محمد قرشی: هرگاه علی بن الحسین علیهما السلام وضو می گرفت، رنگش زرد میشد. پس خانواده اش به ایشان عرض می کردند: این چه چیزی است که شما را در بر می گیرد؟ و ایشان می فرمودند: آیا می دانید برای ایستادن در پیشگاه چه کسی آماده می شوم؟

امام باقر علیه السلام: هرگاه علی بن الحسین علیهما السلام در نمازش می ایستاد، رنگش دگرگون می شد و ایستادنش در نماز، ایستادن بنده ای خوار در برابر سلطانی بزرگ بود، اندامش از ترس خدای عز وجل می لرزید و همچون کسی نماز می گزارد که آخرین نمازش را می خواند و چنین می دید که دیگر هرگز پس از آن، نماز نمی خواند.

- ١- الكافي: ٣ / ٣٠٠ / ٤ عن جهم بن حميد عن الإمام الصادق عليه السلام .
- ٢- الكافي: ٣ / ٣٠٠ / ٥ عن الفضيل بن يسار وج ٨ / ١٦٣ / ١٧٢ عن حفص بن البختري وسلمه بيّاع السابري وفيه «حتى يعرف ذلك في وجهه» مكان «فإذا سجد . . .» ، التهذيب: ٢ / ٢٨٦ / ١١٤٥ عن الفضيل بن يسار .
- ٣- الطبقات الكبرى: ٥ / ٢١٦ ، سير أعلام النبلاء: ٤ / ٣٩٢ ، حليه الأولياء: ٣ / ١٣٣ عن العتبي عن أبيه .
- ٤- الإرشاد: ٢ / ١٤٢ ، كشف الغمّة: ٢ / ٢٩٨ ، مكارم الأخلاق: ٢ / ٩٧ / ٢٢٧٧ ، إعلام الوری: ٢٥٥ عن سعيد بن كلثوم عن الإمام الصادق عليه السلام ، دعائم الإسلام: ١ / ١٥٨ نحوه .
- ٥- الخصال: ٤١٧ / ٤ عن حمران بن أعين ، المناقب لابن شهر آشوب: ٤ / ١٥٠ .

ص: ۱۵۹

عنه علیه السلام: كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ (۱).

عنه علیه السلام لَمَّا قِيلَ لَهُ: مَا أَقَلُّ وَلَدَ أَبِيكَ: الْعَجَبُ لِي كَيْفَ وُلِدْتُ! كَانَ أَبِي يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ فَأَيُّ وَقْتٍ يَفْرُغُ لِلدُّنْيَا (۲).

أَبُو حَازِمٍ: مَا رَأَيْتُ هَاشِمِيًّا أَفْضَلَ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكَعَةٍ حَتَّى خَرَجَ بِجَبْهَتِهِ وَآثَارِ سُجُودِهِ مِثْلَ [كَرْكِرِهِ التَّبَعِيرِ] (۳).

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ... صَلَّى ذَاتَ يَوْمٍ فَسَقَطَ الرَّدَاءُ عَنْ إِحْدَى مَنْكِبَيْهِ، فَلَمْ يُسَوِّهِ حَتَّى فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ فَسَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: وَيَحْكُ أَتَدْرِي بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كُنْتُ، إِنَّ الْعَبْدَ لَا يَقْبَلُ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ (۴).

الإمام الصادق عليه السلام: مَا أَشَبَّهُهُ (أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ) مِنْ وَلَدِهِ وَلَا أَهْلِ بَيْتِهِ أَحَدٌ أَقْرَبُ شَبَهًا بِهِ فِي لِبَاسِهِ وَفَقْهِهِ مِنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. وَلَقَدْ دَخَلَ أَبُو جَعْفَرٍ ابْنُهُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ بَلَغَ مِنَ الْعِبَادَةِ مَا لَمْ يَبْلُغْهُ أَحَدٌ، فَرَأَاهُ قَدْ أَصْفَرَ لَوْنُهُ مِنَ السَّهَرِ، وَرَمِصَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ، وَدَبَّرَتْ جَبْهَتُهُ وَانْخَرَمَ أَنْفُهُ مِنَ السُّجُودِ، وَوَرِمَتْ سَاقَاهُ وَقَدَمَاهُ مِنَ الْقِيَامِ فِي الصَّلَاةِ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَمْ أَمْلِكْ حِينَ رَأَيْتُهُ بَتْلَكَ الْحَالَ الْبُكَاءِ، فَبَكَيْتُ رَحْمَةً لَهُ، وَإِذَا هُوَ يُفَكِّرُ، فَالْتَفَتَ إِلَيَّ بَعْدَ هُنَيْهِهِ مِنْ دُخُولِي فَقَالَ: يَا بُنَيَّ، أَعْطَنِي بَعْضَ تِلْكَ الصُّحُفِ الَّتِي فِيهَا عِبَادَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَعْطَيْتُهُ، فَقَرَأَ فِيهَا شَيْئًا يَسِيرًا ثُمَّ تَرَكَهَا مِنْ يَدِهِ تَضْجُرًا وَقَالَ: مَنْ يَقْوَى عَلَى عِبَادَةِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟! (۵).

علی بن الحسین علیهما السلام در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد (۶).

هنگامی که به ایشان گفته شد: چقدر فرزندان پدرت کم هستند؟ فرمود: شکفتی این است که من چگونه زاده شدم! پدرم در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد، پس چه هنگام به دنیا پردازد (۷).

ابو حازم: هیچیک از هاشمیان را برتر از علی بن الحسین علیهما السلام ندیدم. در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می گزارد، تا اینکه پیشانی و جایهای سجده اش همچون سینه شتر، برآمده شد.

امام باقر علیه السلام: روزی در نماز، بالا-پوش علی بن الحسین علیهما السلام از یک دوشش افتاد. آن را درست نکرد تا اینکه نمازش را به پایان برد. پس یکی از یارانش (سبب درست نکردن) آن را از حضرت پرسید. حضرت فرمود: وای بر تو، آیا می دانی در پیشگاه چه کسی بودم؟ همانا از نماز بنده جز آنچه با دل به خدا رو آورده باشد، پذیرفته نیست.

امام صادق علیه السلام: در پوشش و فقه شباهت هیچیک از فرزندان و خانواده امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان، بیشتر از علی بن الحسین علیهما السلام نبود. ابو جعفر (فرزند علی بن الحسین علیهما السلام) بر او وارد شد و با ایشان روبرو گشت که به مرتبه ای از عبادت رسیده بود که هیچکس بدان دست نیافته بود. او را دید که رنگش از شب زنده داری، زرد گشته، چشمش از گریه، آب مروارید آورده، پیشانی و بینی اش از سجده، زخم و شکاف برداشته و ساقها و کف پاهایش از ایستادن در نماز ورم کرده اند. پس

ابوجعفر علیه السلام گفت: هنگامی که او را اینگونه دیدم، نتوانستم از گریه خودداری کنم و دلم به رحم آمد و گریستم و او نیز به فکر فرو رفته بود. پس از اندکی که از ورودم سپری شد، متوجه من شد و گفت: ای پسرکم، برخی از آن برگه‌ها را که عبادت علی بن ابیطالب در آن نوشته شده به من ده، دادم. و اندکی خواند و سپس نومیدانه آن را از دستش رها کرد و گفت: چه کسی توانایی عبادت علی علیه السلام را دارد؟

- ۱- الخصال: ۵۱۷ / ۴ عن حمران بن أعین ، الإرشاد: ۲ / ۱۴۳ عن جابر الجعفی ، روضه الواعظین: ۲۱۸ ، إعلام الوری: ۲۵۵ ، الخرائج والجرائح: ۲ / ۸۹۰ ، المناقب لابن شهر آشوب: ۴ / ۱۵۰ ، كشف الغمّه: ۲ / ۲۹۸ زادوا فی آخرها «وكانت الريح تميله بمنزله السنبله» ؛ سير أعلام النبلاء: ۴ / ۳۹۲ .
- ۲- تنبيه الخواطر: ۲ / ۲۰۱ ، فلاح السائل: ۲۶۹ وفيه «قيل لعلی بن الحسين عليه السلام: ما أقل ولد أبيك . . .» .
- ۳- علل الشرائع: ۲۳۲ / ۱۰ .
- ۴- الخصال: ۵۱۷ / ۴ عن حمران بن أعین ، علل الشرائع: ۲۳۲ / ۸ عن أبي حمزه الثمالی ، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۵۸ .
- ۵- الإرشاد: ۲ / ۱۴۲ عن سعيد بن كلثوم .
- ۶- منابع دیگر حدیثی جز سیر اعلام النبلاء افزوده اند: «و باد او را چون خوشه گندم خم می کرد» .
- ۷- آغاز حدیث در فلاح السائل چنین است: «به علی بن حسین گفته شد: چقدر فرزندان پدرت کم اند» .

ص: ۱۶۰

۷ / ۳۸ صلاه الإمام محمد بن علی علیهما السلام

۳۸ / ۷ نماز امام محمد باقر علیه السلام

ابن شهر آشوب فی وصف صلاه الإمام زین العابدین علیه السلام : كَانَ قَائِمًا يُصَلِّي ، حَتَّى وَقَفَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ طِفْلٌ إِلَى بَيْتٍ فِي دَارِهِ بِالْمَدِينَةِ بَعِيدَةٍ الْقَعْرِ ، فَسَقَطَ فِيهَا ، فَظَنَرَتْ إِلَيْهِ أُمُّهُ فَصَبَرَتْ وَأَقْبَلَتْ نَحْوَ الْبَيْتِ تَضَرُّبُ بِنَفْسِهَا حِذَاءَ الْبَيْتِ وَتَسْتَعِيْثُ وَتَقُولُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، غَرِقَ وَلَدُكَ مُحَمَّدٌ ، وَهُوَ لَا يَشْنَى عَنْ صِلَاتِهِ ، وَهُوَ يَسْمَعُ اضْطِرَابَ ابْنِهِ فِي قَعْرِ الْبَيْتِ ، فَلَمَّا طَالَ عَلَيْهَا ذَلِكَ قَالَتْ حُزْنًا عَلَى وَلَدِهَا : مَا أَقْسَى قُلُوبَكُمْ يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ، فَأَقْبَلَ عَلَى صِلَاتِهِ وَلَمْ يَخْرُجْ عَنْهَا إِلَّا عَنْ كَمَالِهَا وَإِتْمَامِهَا ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهَا وَجَلَسَ عَلَى أَرْجَاءِ الْبَيْتِ وَمَدَّ يَدَهُ إِلَى قَعْرِهَا ، وَكَانَتْ لَا تُنَالُ إِلَّا بِرِشَاءٍ طَوِيلٍ ، فَأَخْرَجَ ابْنَهُ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى يَدَيْهِ يُنَاغِي وَيَضْحَكُ لَمْ يَبْتَلْ لَهُ ثَوْبٌ وَلَا جَسَدٌ بِالْمَاءِ ، فَقَالَ : هَاكِ يَا ضَعِيفَةَ الْيَقِينِ بِاللَّهِ ، فَضَحِكَتْ لِسَلَامَتِهِ وَلَدِهَا ، وَبَكَتْ لِقَوْلِهِ : يَا ضَعِيفَةَ الْيَقِينِ بِاللَّهِ ، فَقَالَ : لَا تَتْرِبَ عَلَيْكَ الْيَوْمَ لَوْ عَلِمْتَ أَنِّي كُنْتُ بَيْنَ يَدَيِ جَبَّارٍ لَوْ مِلْتُ بِوَجْهِهِ عَنْهُ لَمَالَ بِوَجْهِهِ عَنِّي ، أَفَمَنْ يُرَى رَاحِمًا بَعْدَهُ (۱) .

راجع : الحديث ۱۴۶ .

۷ / ۳۸ صلاه الإمام محمد بن علی علیهما السلام : كَانَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُصَلِّي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ ، فَيَسْجُدُ السَّجْدَةَ فَيُطِيلُ حَتَّى يَقُولَ : إِنَّهُ رَاقِدٌ (۲) .

ابن شهر آشوب در وصف نماز امام سجاد علیه السلام : به نماز ایستاده بود که پسر خردسالش محمد به بالای چاه عمیق خانه اش در مدینه آمد و در آن افتاد . پس مادرش او را دید . فریاد برآورد و به سوی چاه دوید . خود را در کنار چاه می زد و کمک می خواست و می گفت: ای پسر پیامبر خدا، فرزندت محمد غرق شد . ولی ایشان از نمازش منصرف نمی شد، حال آن که صدای دست و پا زدن پسرش را در ته چاه می شنید . پس این کار بر مادر گران آمد و از غم فرزند گفت: ای خاندان پیامبر خدا ، چقدر سنگدل هستید! پس امام به نماز توجه داشت و جز با اتمام و تکمیل آن بیرون نیامد . سپس به مادر فرزند رو آورد و بر کناره چاه نشست و دستش را تا ته چاه برد ، حال آنکه جز با ریسمانی دراز به آن نمی رسید . پس پسرش محمد را بیرون آورد در حالی که او را در دست گرفته بود و با او خوش می گفت و می خندید و نه جامه‌اش تر شده بود و نه تنش . پس فرمود: بگیر ، ای سست یقین به خدا . پس مادر از سلامتی فرزندش خندان و از گفته امام: ای سست یقین به خدا، گریان شد . امام فرمود: اکنون سرزنی بر تو نیست، اگر می دانستی که من در پیشگاه خداوند جبارم که اگر رو بر می گرداندم او نیز از من رو می گرداند (آن حرف را نمی گفتم)، آیا پس از او، کسی یافت می شود که رحم آورد (۳) ؟

۷ / ۳۸ نماز امام محمد باقر علیه السلام : پدرم علیه السلام در شب نماز می گزارد و چنان سجده اش را طول می داد ، که می گفتیم: خفته است .

- ۱- المناقب لابن شهر آشوب : ۴ / ۱۳۵ نقلاً عن کتاب الأنوار ، الدمعه الساکبه : ۶ / ۶۳ ، الهدایه الکبری : ۲۱۵ نحوه .
- ۲- قرب الإسناد : ۵ / ۱۵ عن مسعده بن صدقه .
- ۳- نمونه این کرامتها از خادمان اهل بیت علیهم السلام نیز دیده شده است تا چه رسد به نفوس قدسی خود ایشان.

ص: ۱۶۱

۸ / ۳۸ صلاه الإمام جعفر بن محمد علیهما السلام

۳۸ / ۸ نماز امام جعفر صادق علیه السلام

جَابِرُ الْجُعْفَى: لَقَدْ صَلَّى أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ فَوَقَعَ عَلَى رَأْسِهِ شَيْءٌ ، فَلَمْ يَنْزِعْهُ مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى قَامَ إِلَيْهِ جَعْفَرٌ فَتَزَعَهُ مِنْ رَأْسِهِ تَعْظِيمًا لِلَّهِ وَإِقْبَالًا عَلَى صَلَاتِهِ ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ «أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا» (۱).

أَبُو أَيُّوبَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا قَامَا إِلَى الصَّلَاةِ تَغَيَّرَتِ أَلْوَانُهُمَا حُمْرَةً وَمَرَّةً صُفْرَةً ، وَكَأَنَّمَا يُنَاجِيَانِ شَيْئًا يَرِيَانِهِ (۲).

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي يُصَلِّي بَعْدَ عِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكَعَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ ، يَقْرَأُ فِيهِمَا مِائَةَ آيَةٍ ، وَكَانَ يَقُولُ: مَنْ صَلَّاهُمَا وَقَرَأَ بِمِائَةِ آيَةٍ لَمْ يُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِينَ (۳).

۳۸ / ۸ صَلَاةُ الْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِنِ طَاوُوسَ: رَوَى أَنَّ مَوْلَانَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَتْلُو الْقُرْآنَ فِي صَلَاتِهِ فَغُشِيَ عَلَيْهِ ، فَلَمَّا أَفَاقَ سُرِئِلَ مَا الَّذِي أَوْجَبَ مَا انْتَهَتْ حَالُكَ إِلَيْهِ . فَقَالَ مَا مَعْنَاهُ: مَا زِلْتُ أُكْرِّرُ آيَاتِ الْقُرْآنِ حَتَّى بَلَغْتُ إِلَى حَالٍ كَأَنَّنِي سَمِعْتُ مُشَافَهَةً مِمَّنْ أَنْزَلَهَا عَلَى الْمُكَاشَفَةِ وَالْعِيَانِ ، فَلَمْ تَقُمْ الْقُوَّةُ الْبَشَرِيَّةُ بِمُكَاشَفَةِ الْجَلَالَةِ الْإِلَهِيَّةِ (۴).

سُفْيَانُ بْنُ خَالِدٍ فِي ذِكْرِ صَلَاةِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ كَانَ يُصَلِّي ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ مَرَّ رَجُلٌ قَدَامَهُ وَابْنُهُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسٌ ، فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ ابْنُهُ: يَا أَبَتِي مَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَرَّةً قَدَامَكَ؟ فَقَالَ: يَا بُنَيَّ ، إِنَّ الَّذِي أُصَلِّي لَهُ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الَّذِي مَرَّ قَدَامِي (۵).

جابر جعفی: ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) روزی نماز می خواند که چیزی بر سر حضرت افتاد . آن را از سرش برنداشت ، تا اینکه جعفر برخاست و آن را از سرش برداشت. و این به خاطر بزرگداشت خداوند و توجه به نمازش بود که همان گفته خداست: «و پاکدلانه روی به دین داشته باش» .

ابو ایوب: ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) و ابو عبدالله (امام صادق علیه السلام) هنگامی که به نماز می ایستادند، رنگشان سرخ و زرد می شد ، گویا کسی را که با او مناجات می کنند، می بینند.

امام صادق علیه السلام: پدرم پس از نماز عشاء آخر، دو رکعت نماز در حالت نشسته می گزارد که در آن صد آیه می خواند و می گفت: هر کس این دو رکعت را بگزارد و صد آیه بخواند ، جزو غافلان نوشته نمی شود.

۳۸ / ۸ نماز امام جعفر صادق علیه السلام بن طاووس: روایت شده مولایمان امام صادق علیه السلام در نماز ، قرآن می خواند که مدهوش شد . هنگامی که به هوش آمد، پرسیده شد، چه چیز، حال شما را بدینجا کشاند؟ پس سخنانی به این مضمون فرمود که: پیوسته، آیه های قرآن را تکرار می کردم ، تا حالم به گونه ای شد که گویا آن را از دهان همان کس می شنوم که بی پرده و عیان فرو فرستاده است. پس توانایی بشری در برابر پرده بر گرفتن از شکوه الهی ، تاب نیاورد.

سفیان بن خالد در وصف نماز امام صادق علیه السلام: ایشان روزی نماز می خواند که مردی از پیش روی حضرت گذشت و

پسرش موسی علیه السلامهم نشسته بود. هنگامی که نماز را به پایان برد، پسرش (موسی) به ایشان گفت: ای پدر، آیا ندیدی که آن مرد از پیش رویت گذشت؟ گفت: ای پسرکم، آن کس که برایش نماز میگذارم، از آن که از پیش رویم گذشت، به من نزدیکتر است.

۱- الأصول الستّه عشر (أصل جعفر بن محمد شریح) : ۷۰، والآیه من سوره یونس : ۱۰۵ .

۲- فلاح السائل : ۱۶۱ ، دعائم الإسلام : ۱ / ۱۵۹ .

۳- فلاح السائل : ۲۵۹ عن إسماعیل بن عبد الخالق بن عبد ربّه .

۴- فلاح السائل : ۱۰۷ .

۵- التهذیب : ۲ / ۳۲۳ / ۱۳۲۱ ، الاستبصار : ۱ / ۴۰۷ / ۷ .

ص: ۱۶۲

۹ / ۳۸ صلاه الإمام موسى بن جعفر علیهما السلام

۳۸ / ۹ نماز امام موسى بن جعفر علیهما السلام

حمزه بن حمران والحسن بن زیاد: دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِنْدَهُ قَوْمٌ فَصَلَّى بِهِمُ الْعَصْرَ وَقَدْ كُنَّا صَائِلِينَ ، فَعَدَدْنَا لَهُ فِي رُكُوعِهِ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» أَرْبَعًا وَثَلَاثِينَ أَوْ ثَلَاثًا وَثَلَاثِينَ مَرَّةً . وَقَالَ أَحَدُهُمَا فِي حَدِيثِهِ : «وَيَحْمَدُهُ» فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سَوَاءً (۱) .

أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ : دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يُصَلِّي ، فَعَدَدْتُ لَهُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ سِتِينَ تَسْبِيحَةً (۲) .

راجع: الحديث ۱۴۷ و ۱۸۴ و ۱۹۰ و ۲۶۰ و ۲۸۹ و ۲۹۸ و ۳۱۱ .

۹ / ۳۸ صلاه الإمام موسى بن جعفر علیهما السلام مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْغُرَوِيُّ عَنْ أَبِيهِ ، قَالَ : دَخَلْتُ عَلَى الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى سَطْحٍ فَقَالَ لِي : أُدْنُ ، فَدَنَوْتُ حَتَّى حَاضَيْتُهُ ، ثُمَّ قَالَ لِي : أَشْرِفْ إِلَى بَيْتٍ فِي الدَّارِ فَأَشْرِفْتُ ، فَقَالَ : مَا تَرَى فِي الْبَيْتِ ؟ فَقُلْتُ : ثَوْبًا مَطْرُوحًا ، فَقَالَ : أَنْظِرْ حَسَنًا ، فَتَأَمَّلْتُ وَنَظَرْتُ فَتَيَقَّنْتُ فَقُلْتُ : رَجُلٌ سَاجِدٌ ، فَقَالَ لِي : تَعْرِفُهُ ؟ ! قُلْتُ : لَا ، قَالَ : هَذَا مَوْلَاكَ ، قُلْتُ : وَمَنْ مَوْلَايَ ؟ فَقَالَ : تَتَجَاهَلُ عَلَيَّ ؟ فَقُلْتُ : مَا أَتَجَاهَلُ وَلَكِنِّي لَا أَعْرِفُ لِي مَوْلَى ، فَقَالَ : هَذَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ، إِنِّي أَتَفَقَّدُهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ فَلَا أَجِدُهُ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ إِلَّا عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَخْبُرَكَ بِهَا ، إِنَّهُ يُصَلِّيُ الْفَجْرَ فَيَعْقُبُ سَاعَهُ فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَقَدْ وَكَّلَ مَنْ يَتَرَصَّدُ لَهُ الزَّوَالُ ، فَلَسْتُ أَدْرِي مَتَى يَقُولُ الْغَلَامُ : قَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ ! إِذْ يَثْبُتُ فَيَتَدَيُّ الصَّلَاةَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْدِثَ فَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَنْمَ فِي سُجُودِهِ وَلَا أَغْفَى ، وَلَا يَزَالُ إِلَى أَنْ يَفْرَغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ فَإِذَا صَلَّى سَجْدَ سَجْدَةٍ فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ وَثَبَ مِنْ سَجْدَتِهِ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْدِثَ حَدَثًا ، وَلَا يَزَالُ فِي صَلَاتِهِ وَتَعْقِيهِ إِلَى أَنْ يُصَلِّيَ الْعَتَمَةَ ، فَإِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ أَفْطَرَ عَلَى شَوَى يُؤْتِي بِهِ ثُمَّ يُجِدِّدُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَسْجُدُ ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَنَامُ نَوْمَتَهُ خَفِيفَةً ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَجِدِّدُ الْوُضُوءَ ، ثُمَّ يَقُومُ فَلَا يَزَالُ يُصَلِّيُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ ، فَلَسْتُ أَدْرِي مَتَى يَقُولُ الْغَلَامُ : إِنَّ الْفَجْرَ قَدْ طَلَعَ ؟ ! إِذْ قَدْ وَثَبَ هُوَ لِصَلَاةِ الْفَجْرِ ، فَهَذَا دَأْبُهُ مِنْذُ حَوْلَ إِلَيَّ (۳) .

حمزه بن حمران و حسن بن زیاد: بر امام صادق وارد شدیم در حالی که نزدش گروهی بودند که با آن‌ها نماز عصر را (به جماعت) گزارد ولی ما نماز خوانده بودیم. پس در رکوعش سی و چهار یا سی و سه بار «سبحان ربی العظیم» را شمردیم. یکی از این دو راوی در روایتش چنین گفت: «و بحمده» به تعداد یکسان در رکوع و سجود (گفت).

أبان بن تغلب: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که نماز می خواند. پس در رکوع و سجودش شصت تسبیح شمردم.

۹ / ۳۸ نماز امام موسى بن جعفر علیهما السلام مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ غُرَوِيُّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ : دَخَلْتُ عَلَى الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ (۴) كَمَا أَنَّ بَرَّ بَامٍ نَشِئْتُهُ بَعْدَ مَا كُنْتُ فِي الْمَدِينَةِ . ثُمَّ قَالَ لِي : أَشْرِفْ إِلَى بَيْتٍ فِي الدَّارِ فَأَشْرِفْتُ ، فَقَالَ : مَا تَرَى فِي الْبَيْتِ ؟ فَقُلْتُ : ثَوْبًا مَطْرُوحًا ، فَقَالَ : أَنْظِرْ حَسَنًا ، فَتَأَمَّلْتُ وَنَظَرْتُ فَتَيَقَّنْتُ فَقُلْتُ : رَجُلٌ سَاجِدٌ ، فَقَالَ لِي : تَعْرِفُهُ ؟ ! قُلْتُ : لَا ، قَالَ : هَذَا مَوْلَاكَ ، قُلْتُ : وَمَنْ مَوْلَايَ ؟ فَقَالَ : تَتَجَاهَلُ عَلَيَّ ؟ فَقُلْتُ : مَا أَتَجَاهَلُ وَلَكِنِّي لَا أَعْرِفُ لِي مَوْلَى ، فَقَالَ : هَذَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ، إِنِّي أَتَفَقَّدُهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ فَلَا أَجِدُهُ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ إِلَّا عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَخْبُرَكَ بِهَا ، إِنَّهُ يُصَلِّيُ الْفَجْرَ فَيَعْقُبُ سَاعَهُ فِي دُبْرِ الصَّلَاةِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَقَدْ وَكَّلَ مَنْ يَتَرَصَّدُ لَهُ الزَّوَالُ ، فَلَسْتُ أَدْرِي مَتَى يَقُولُ الْغَلَامُ : قَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ ! إِذْ يَثْبُتُ فَيَتَدَيُّ الصَّلَاةَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْدِثَ فَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَنْمَ فِي سُجُودِهِ وَلَا أَغْفَى ، وَلَا يَزَالُ إِلَى أَنْ يَفْرَغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ فَإِذَا صَلَّى سَجْدَ سَجْدَةٍ فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ وَثَبَ مِنْ سَجْدَتِهِ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْدِثَ حَدَثًا ، وَلَا يَزَالُ فِي صَلَاتِهِ وَتَعْقِيهِ إِلَى أَنْ يُصَلِّيَ الْعَتَمَةَ ، فَإِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ أَفْطَرَ عَلَى شَوَى يُؤْتِي بِهِ ثُمَّ يُجِدِّدُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَسْجُدُ ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَنَامُ نَوْمَتَهُ خَفِيفَةً ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَجِدِّدُ الْوُضُوءَ ، ثُمَّ يَقُومُ فَلَا يَزَالُ يُصَلِّيُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ ، فَلَسْتُ أَدْرِي مَتَى يَقُولُ الْغَلَامُ : إِنَّ الْفَجْرَ قَدْ طَلَعَ ؟ ! إِذْ قَدْ وَثَبَ هُوَ لِصَلَاةِ الْفَجْرِ ، فَهَذَا دَأْبُهُ مِنْذُ حَوْلَ إِلَيَّ (۳) .

بر همین حالت که به تو گفتم نمی یابم . او نماز صبح می گزارد و ساعتی نیز پس از آن ذکر و دعا می خواند ، تا خورشید طلوع کند، پس سجده می کند و تا نیمروز در سجده است و کسی را گمارده تا زوال را انتظار کشد. من نمی دانم کی غلام می گوید: خورشید زوال پیدا کرد ، که یکباره بر می خیزد و نماز را آغاز می کند بی آنکه (وضویش) را نو کند . پس می فهمم که در سجده اش نخواهیده و چرت نزده است و پیوسته (اینگونه است) تا نماز عصر را به پایان برد و پس از آن، سجده می کند و پیوسته در سجده است تا خورشید ناپدید شود . در این هنگام از سجده بر می خیزد و بی آنکه (وضویش) را نو کند، نماز مغرب را می خواند. و پیوسته در نماز و ذکر و دعای پس از آن است تا نماز عشا را بخواند. پس از آن با گوشتی بریان که برایش می آورند افطار می کند و سپس از نو وضو می گیرد و سجده می کند و سپس سر بر می دارد و به خوابی سبک می رود . سپس بر می خیزد و از نو وضو می گیرد و در دل شب به نماز می ایستد ، تا سپیده بدمد. من نمی دانم کی غلام می گوید: سپیده دمید که یکباره برای نماز صبح بر می خیزد . این روش اوست از آن هنگام که تحویل من داده شده است.

۱- . الکافی : ۳/۳۲۹، التهذیب : ۲ / ۳۰۰ / ۱۲۱۰ ، الاستبصار : ۱ / ۳۲۵ / ۱۱ ، السرائر : ۳ / ۵۵۴ .

۲- . الکافی : ۳ / ۳۲۹ / ۲ ، التهذیب : ۲ / ۲۹۹ / ۱۲۰۵ .

۳- . عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۱۰ / ۱۰۶ .

۴- . زندانبان حضرت امام کاظم علیه السلام .

ص: ۱۶۳

مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: دَخَلَ أَبُو حَنِيفَةَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: رَأَيْتُ ابْنَكَ مُوسَى يُصَلِّي وَالنَّاسُ يَمْزُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَا يَنْهَاهُمْ وَفِيهِ مَا فِيهِمْ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُوا لِي مُوسَى، فَدُعِيَ، فَقَالَ لَهُ: يَا بَنِيَّ، إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ يَذْكُرُ أَنَّكَ كُنْتَ تُصَلِّي وَالنَّاسُ يَمْزُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ فَلَمْ تَنْهَهُمْ، فَقَالَ: نَعَمْ يَا أَبَتِي، إِنَّ الَّذِي كُنْتُ أَصِلُ لَكَ كَانَ أَقْرَبَ إِلَيَّ مِنْهُمْ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (۱). قَالَ: فَضَمَّهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى نَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ: [يَا بَنِيَّ] يَا أَبَتِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا مُدَّعِ الْأَسْرَارِ (۲).

محمد بن مسلم: ابو حنیفه بر امام صادق علیه السلام وارد شد و به ایشان گفت: پسر (موسی) را دیدم که نماز می خواند و مردم هم از پیش رویش می گذشتند بی آنکه آنان را باز دارد، با اینکه اشکال دارد. پس امام صادق علیه السلام گفت: موسی را نزد من خوانید و وقتی آمد به او گفت: ای پسرکم، ابو حنیفه می گوید که نماز می خواندی و مردم هم از پیش رویت می گذشتند بی آنکه آنان را بازدارد. گفت: بلی پدر، آن که برایش نماز می خوانم، از آنان به من نزدیکتر است. خدا می فرماید: «و ما از رگ گردن به او نزدیکتریم». پس امام صادق علیه السلام او را به خود چسباند و فرمود ای پسرکم، پدر و مادرم فدایت باد، ای راز سپرده.

۱- ق: ۱۶.

۲- الکافی: ۳ / ۲۹۷ / ۴، الاختصاص: ۱۸۹.

ص: ١٦٤

١٠ / ٣٨ صلاة الإمام علي بن موسى عليهما السلام

٣٨ / ١٠ نماز امام علي بن موسى الرضا عليهما السلام

١٠ / ٣٨ صلاة الإمام علي بن موسى عليهما السلام أبو الحسن علي بن علي الخزازي: خَلَعَ سَيْدِي أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَخِي دَعْبِلٍ قَمِيصًا خَزَا أَخْضَرَ وَخَاتَمًا فَضُهُ عَقِيْقٌ وَدَفَعَ إِلَيْهِ دَرَاهِمَ رَضْوِيَّةً وَقَالَ لَهُ: يَا دَعْبِلُ، صِرْ إِلَى قُمَّ فَإِنَّكَ تُفِيدُ بِهَا، فَقَالَ لَهُ: احْتَفِظْ بِهَذَا الْقَمِيصِ فَقَدْ صَلَّيْتُ فِيهِ أَلْفَ لَيْلَةٍ أَلْفَ رَكَعَةٍ وَخَتَمْتُ فِيهِ الْقُرْآنَ أَلْفَ خَتَمَةٍ (١).

رَجَاءُ بْنُ أَبِي الصَّحَّاحِ فِي وَصْفِ صَلَاةِ الْإِمَامِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ إِذَا أَصْبَحَ صَلَّى الْغَدَاةَ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَيُهَلِّلُهُ وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً يَبْقَى فِيهَا حَتَّى يَتَعَالي النَّهَارُ، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى النَّاسِ يُحَدِّثُهُمْ وَيُعْطِهِ (٢) إِلَى قُرْبِ الزَّوَالِ. ثُمَّ جَدَّدَ وُضُوئَهُ وَعَادَ إِلَى مُصَلَّاهُ، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ قَامَ فَصَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ، يَقْرَأُ فِي الرَّكَعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ، وَيَقْرَأُ فِي الْأَرْبَعِ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ الْحَمْدَ لِلَّهِ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَيُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِيهِمَا فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، ثُمَّ يُؤْذَنُ وَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يُقِيمُ وَيُصَلِّي الظُّهْرَ، فَإِذَا سَلَّمَ سَبَّحَ اللَّهَ وَحَمِدَهُ وَكَبَّرَهُ وَهَلَّلَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ: شُكْرًا لِلَّهِ، فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ قَامَ، فَصَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَيُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ وَيَقْنُتُ فِي ثَانِيَةِ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، ثُمَّ يُؤْذَنُ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِي الثَّانِيَةِ. فَإِذَا سَلَّمَ قَامَ وَصَلَّى الْعَصْرَ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَهَلَّلَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ: حَمْدًا لِلَّهِ. فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ تَوَضَّأَ وَصَلَّى الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ، وَقَنَتُ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيَحْمَدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَهَلَّلَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ، ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ وَلَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يَقُومَ، وَيُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِسَلَامَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، وَكَانَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعِ الْحَمْدَ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَيَقْرَأُ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ، ثُمَّ يَجْلِسُ بَعْدَ التَّسْلِيمِ فِي التَّعْقِيبِ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ يَفْطُرُ، ثُمَّ يَلْبِثُ حَتَّى يَمْضَى مِنَ اللَّيْلِ قَرِيبٌ مِنَ الثَّلَاثِ. ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، وَيَقْنُتُ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يَذْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَيُسَبِّحُهُ وَيَحْمَدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَهَلَّلَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَيَسْجُدُ بَعْدَ التَّعْقِيبِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ. ثُمَّ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ، فَإِذَا كَانَ الثَّلَاثُ الْآخِرُ مِنَ اللَّيْلِ قَامَ مِنْ فِرَاشِهِ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّحْمِيدِ وَالتَّكْبِيرِ وَالتَّهْلِيلِ وَالِاسْتِغْفَارِ فَاسْتَكَتَ، ثُمَّ تَوَضَّأَ، ثُمَّ قَامَ إِلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ فَيُصَلِّي ثَمَانِ رَكَعَاتٍ وَيُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ، يَقْرَأُ فِي الْأُولَيْنِ مِنْهَا فِي كُلِّ رَكَعَةٍ الْحَمْدَ مَرَّةً، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثِينَ مَرَّةً، ثُمَّ يُصَلِّي صَلَاةَ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، يُسَلِّمُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَيَقْنُتُ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ التَّسْبِيحِ وَيَحْتَسِبُ بِهَا مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ، يَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَسُورَةَ الْمُلِكِ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ لِلَّهِ وَهَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ، ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيِ الشَّفْعِ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ مِنْهُمَا الْحَمْدَ لِلَّهِ مَرَّةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَيَقْنُتُ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، فَإِذَا سَلَّمَ قَامَ فَصَلَّى رَكَعَةَ الْوَتْرِ يَتَوَجَّهُ فِيهَا، وَيَقْرَأُ فِيهَا الْحَمْدَ مَرَّةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَرَّةً وَاحِدَةً، وَيَقْنُتُ فِيهَا قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ وَيَقُولُ فِي قُنُوتِهِ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنَا فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَفِنَا شَرَّ مَا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ، وَلَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ، ثُمَّ يَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ سَبْعِينَ مَرَّةً، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي التَّعْقِيبِ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَإِذَا قَرَّبَ مِنَ الْفَجْرِ قَامَ فَصَلَّى رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ، يَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَقُلْ يَا

أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ أَذَّنَ وَأَقَامَ وَصَلَّى الْغَدَاةَ رَكَعَتَيْنِ ، فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي التَّعْقِيبِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ، ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ حَتَّى يَتَعَالَى النَّهَارُ (۳) .

۱۰ / ۳۸ نماز امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام ابوالحسن رضا علیه السلام به برادر دم دعبل، پیراهنی سبز رنگ از پشمی لطیف و نازک و انگشتی با نگینی از عقیق خلعت داد و به او درهمهایی رضوی بخشید و گفت: ای دعبل به قم برو که از آن ها بهره مند می گردی و سپس گفت: این پیراهن را نگاه دار که در آن، هزار شب و هر شب هزار رکعت نماز گزارده و هزار بار قرآن را ختم کرده ام .

رجاء بن ابی الضحاک در وصف نماز امام رضا علیه السلام : سپیده دم ، نماز صبح را می خواند و پس از سلام دادن در نماز گاهش به تسبیح و حمد و تکبیر و لا اله الا الله گفتن، می نشست و بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات می فرستاد تا اینکه خورشید طلوع کند . سپس به سجده میرفت و در آن می ماند تا روز بالا- بیاید . سپس به مردم رو می کرد و تا نزدیک زوال خورشید (ظهر) با آنان گفتگو می کرد و به ایشان جایزه می داد (۴) . سپس از نو وضو می گرفت و به نماز گاهش باز می گشت، هنگام زوال خورشید بر می خاست و شش رکعت نماز می گزارد که در رکعت نخست سوره «حمد» و «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم، سوره «حمد» و «قل هو الله احد» و در هر یک از چهار رکعت دیگر سوره «الحمد لله» و «قل هو الله» را می خواند و در پایان هر دو رکعت سلام می داد و در رکعت دوم آن ها ، پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. سپس اذان می گفت و دو رکعت نماز می گزارد و پس از آن اقامه می گفت و نماز ظهر را می خواند. پس از سلام نماز هر اندازه که خدا می خواست به تسبیح و حمد و تکبیر و لا اله الا الله گفتن می پرداخت و سپس سجده شکر می گزارد و در آن صدبار «شکرا لله» می گفت و هنگامی که سر بر می داشت، بر می خاست و شش رکعت نماز می گزارد که در هر رکعت آن، «حمد» و «قل هو الله احد» می خواند و در پایان هر دو رکعت سلام می داد و در رکعت دوم هر دو رکعتی پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. سپس اذان می گفت و پس از آن، دو رکعت نماز می گزارد و در رکعت دوم آن قنوت می خواند. هنگامی که سلام می داد بر می خاست و نماز عصر را می خواند و پس از سلام دادن، در نماز گاهش آن اندازه که خدا می خواست به تسبیح و حمد و تکبیر و لا اله الا الله گفتن ، می پرداخت . سپس سجده می کرد و در آن صدبار «حمدا لله» می گفت. هنگامی که خورشید ناپدید می شد، وضو می گرفت و سه رکعت نماز مغرب را با اذان و اقامه می گزارد و در رکعت دوم آن پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند، و پس از سلام دادن، در نماز گاهش می نشست و آن اندازه که خدا می خواست به تسبیح و حمد و تکبیر و لا اله الا الله گفتن می پرداخت، سپس سجده شکر می گزارد و پس از آن سر بر می داشت و با کسی سخن نمی گفت تا بر می خاست و چهار رکعت نماز با دو سلام می‌گزارد و در رکعت دوم هر یک، پیش از رکوع و پس از قرائت قنوت می خواند و در رکعت نخست این چهار رکعت ، «حمد» و «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم، «حمد» و «قل هو الله احد» و در دو رکعت دیگر ، «حمد» و «قل هو الله احد» می خواند . پس از سلام دادن آن اندازه که خدا می خواست به ذکر و دعا می نشست و سپس افطار می کرد. سپس اندکی درنگ می کرد تا نزدیک به یک سوّم شب سپری شود. پس بر می خاست و چهار رکعت نماز عشاء آخر را می گزارد و در رکعت دوم آن پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می خواند. پس از سلام دادن ، آن اندازه که خدا می خواست در نماز گاهش به ذکر خداوند عز و جل و تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل او می پرداخت و پس از ذکر و دعا، سجده شکر می گزارد. سپس به بسترش می رفت و در پاره سوّم شب از بسترش با تسبیح و حمد و تکبیر و لا اله الا الله و استغفر الله گفتن بر می خاست، مسواک می زد، وضو می گرفت و سپس به نماز شب می ایستاد و هشت رکعت نماز با سلام دادن در پایان هر دو رکعت، می گزارد که در هر رکعت از دو رکعت نخست آن ، یک بار «حمد» و سی بار «قل هو الله» می خواند . سپس چهار رکعت نماز جعفر بن ابیطالب با

سلام در پایان هر دو رکعت می‌گزارد و در رکعت دوم هر یک از آن‌ها، پیش از رکوع و پس از تسبیح (۵) قنوت می‌خواند و آن را جزو نماز شب به حساب می‌آورد. سپس برمی‌خاست و دو رکعت باقیمانده را می‌گزارد. در رکعت نخست سوره «حمد» و سوره «ملک» و در رکعت دوم، سوره «الحمد لله» و «هل أتى على الإنسان» را می‌خواند. سپس بر می‌خاست و دو رکعت (نماز) شفع می‌گزارد که هر رکعت آن یک بار «الحمد لله» و سه بار «قل هو الله احد» می‌خواند و در رکعت دوم پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می‌خواند. هنگامی که سلام می‌داد بر می‌خاست و یک رکعت نماز وتر با توجهی تمام می‌گزارد و در آن یک بار «حمد»، سه بار «قل هو الله احد»، یک بار «قل اعوذ برب الفلق» و یک بار «قل اعوذ برب الناس» می‌خواند و پیش از رکوع و پس از قرائت، قنوت می‌خواند و در آن می‌گفت: خدایا بر محمد و خاندانش درود فرست، خدایا ما را جزو آنان که ره نمودی، ره بنما و جزو آنان که سلامت دادی، سلامت ده و جزو آنان که سرپرستیشان کردی، سرپرستی کن و در آنچه به ما داده ای برکت ده و ما را از آسیب حکمت، نگاه دار که تو حکم می‌رانی و بر تو حکم نمی‌رود. بی‌گمان هر که را تو دوست داری، خوار نمی‌شود و هر که را تو دشمن داری، سربلند نمی‌گردد. پروردگار ما، مبارک و والایی. سپس هفتاد بار می‌گفت: از خدا آمرزش و بازگشت به او را می‌خواهم و هنگامی که سلام می‌داد آن اندازه که خدا می‌خواست به ذکر و دعا می‌نشست و هنگامی که نزدیک سپیده دمان می‌شد، بر می‌خاست و دو رکعت نماز فجر می‌گذاشت و در رکعت نخست آن، «حمد» و «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت دوم، «حمد» و «قل هو الله احد» می‌خواند. هنگامی که سپیده می‌دمید، اذان و اقامه می‌گفت و دو رکعت نماز صبح می‌گزارد. پس از سلام دادن، تا طلوع خورشید به ذکر و دعا می‌نشست و سپس سجده شکر می‌گزارد (و در آن می‌ماند) تا روز بالا بیاید.

۱- أُمّالی الطوسی : ۳۵۹ / ۷۴۹.

۲- م. الظاهر أنّ الصحيح «يعظهم».

۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام : ۲ / ۱۸۰ / ۵.

۴- گویا «يعظهم» درست باشد و نه «يعظهم» که در این صورت «ایشان را پند می‌داد»، درست می‌باشد.

۵- در نماز جعفر، سیصد تسبیح گفته می‌شود که از جمله پانزده بار در هر رکعت پس از قرائت و پیش از رکوع است.

ص: ۱۶۵

..

ص: ۱۶۶

..

ص: ۱۶۷

راجع: الحديث ۱۹۲.

.

الفصل التاسع والثلاثون : الجمع بين الصلاتين أو تفريقهما

فصل سی و نهم : با هم یا جدا خواندن دو نماز

الفصل التاسع والثلاثون: جَوَازُ الْجَمْعِ وَفَضْلُ التَّفْرِيقِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ عَنْ عُمَرَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ أَوْ حَزَبَهُ أَمْرٌ جَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ (۱).

الْحَبِيبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ فِي سَفَرٍ أَوْ عَجَلَتْ بِهِ حَاجَةٌ يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَبَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تُعَجِّلَ عِشَاءَ الْآخِرَةِ فِي السَّفَرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيبَ الشَّفَقُ (۲).

الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْمَعُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي اللَّيْلِ الْمَطِيرَةِ، فَعَلَ ذَلِكَ مِرَارًا (۳).

مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَجْمَعُ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، عَامَ تَبُوكَ (۴).

ابْنُ عَبَّاسٍ: يَجْمَعُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَلَا مَطَرٍ (۵).

فصل سی و نهم: روابودن با هم خواندن و فضیلت جدا خواندن دو نماز ابن عمر: هرگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفر شتاب می کرد، یا کاری بر او دشوار می آمد، نماز مغرب و عشاء را با هم می خواند (۶).

حلبی از امام صادق علیه السلام: هرگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفر بود یا نیازی او را وادار می کرد، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم می خواند. و امام صادق افزود: عیبی ندارد که نماز عشاء آخر را در سفر زودتر و پیش از آنکه شفق ناپدید شود، بخوانی.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شبهای بارانی، نماز مغرب و عشاء را با هم می خواند، این کار را بارها انجام داد.

معاذ بن جبل: همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سال (غزوه) تبوک، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم خواند (۷).

ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مدینه، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را با هم می خواند، بی آنکه وحشتی در کار باشد و یا باران بیاید.

۱- سنن النسائی: ۱ / ۲۸۹، صحیح البخاری: ۱ / ۳۷۳ / ۱۰۵۵، صحیح مسلم: ۱ / ۴۸۸ / ۴۲ کلاهما عن سالم عن أبيه، سنن الترمذی: ۲ / ۴۴۱ / ۵۵۵، مسند ابن حنبل: ۲ / ۳۱۸ / ۵۱۶۳ کلاهما عن ابن عمر مع خلو ما ذكر من المصادر من قوله «أَوْ حَزَبَهُ أَمْرٌ»

۲- الکافی : ۳ / ۴۳۱ / ۳ ، التهذیب : ۳ / ۲۳۳ / ۱۱۸ .

۳- قرب الإسناد : ۱۱۵ / ۴۰۱ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام .

۴- أمالی الطوسی : ۳۸۶ / ۸۴۰ ؛ صحیح مسلم : ۱ / ۴۹۰ / ۵۲ قریب منه ، سنن الترمذی : ۲ / ۴۴۰ / ۵۵۴ ، سنن ابن ماجه : ۱ / ۳۴۰ / ۱۰۷۰ زاد فی آخره «فی السفر» ، سنن أبی داود : ۲ / ۴ / ۱۲۰۶ قریب منه ، مسند ابن حنبل : ۸ / ۲۳۴ / ۲۲۰۷۳ و ص ۲۴۵ / ۲۲۱۲۳ .

۵- صحیح مسلم : ۱ / ۴۹۱ / ۵۴ ، مسند ابن حنبل : ۱ / ۴۸۰ / ۱۹۵۳ و ص ۷۵۸ / ۳۳۲۳ ، السنن الکبری : ۳ / ۲۳۷ / ۵۵۴۸ .

۶- عبارت «کاری بر او دشوار می آمد» فقط در منبع نخست موجود است.

۷- در سنن ابن ماجه ، در پایان حدیث آمده است: «در سفر».

ص: ۱۶۹

الإمام الصادق عليه السلام: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فَيَجْمَعُهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ، وَصَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ سُقُوطِ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فِي جَمَاعَةٍ، وَإِنَّمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيُتَسَبَّحَ عَلَى أُمَّتِهِ (۱).

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمَعَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ، وَجَمَعَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ (۲).

عَبْدُ الْمَلِكِ الْقُمِّيُّ عَنِ الْإِمَامِ الصِّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْتُ: أَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ؟ قَالَ: قَدْ فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَرَادَ التَّخْفِيفَ عَلَى أُمَّتِهِ (۳).

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ: شَهِدْتُ الْمَغْرِبَ لَيْلَةَ مَطِيرَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَحِينَ كَانَ قَرِيبًا مِنَ الشَّفَقِ نَادَوْا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ فَصَلَّيْنَا الْمَغْرِبَ، ثُمَّ أَهْلَوْا بِالنَّاسِ حَتَّى صَلَّيْنَا رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ قَامَ الْمُنَادِي فِي مَكَانِهِ فِي الْمَسْجِدِ فَأَقَامَ الصَّلَاةَ فَصَلَّيْنَا الْعِشَاءَ، ثُمَّ انْصَرَفَ النَّاسُ إِلَى مَنَازِلِهِمْ، فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ، فَقَالَ: نَعَمْ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَمِلَ بِهَذَا (۴).

الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَأْمُرُ الصَّبِيَّانَ يَجْمَعُونَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَيَقُولُ: هُوَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَنَامُوا عَنْهَا (۵).

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّا نَأْمُرُ الصَّبِيَّانَ أَنْ يَجْمَعُوا بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الْأُولَى وَالْعَصْرِ وَبَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ مَا دَامُوا عَلَى وُضوءٍ قَبْلَ أَنْ يَسْتَغْلُوا (۶).

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگام زوال خورشید (ظهر) نماز ظهر و عصر را با مردم و به جماعت خواند، بی آنکه دلیل خاصی باشد و پیش از فرو رفتن شفق، نماز مغرب و عشاء را با مردم و به جماعت خواند، بی آنکه دلیل خاصی باشد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این کار را تنها برای آن کرد که وقت (نمازها) بر امتش فراخ باشد (۷).

امام باقر علیه السلام: همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را با هم و با یک اذان و دو اقامه خواند و نماز مغرب و عشاء را نیز با هم و با یک اذان و دو اقامه خواند.

عبدالمملک قمی از امام صادق علیه السلام: گفتم: دو نماز را با هم بی آنکه علتی در کار باشد بخوانم؟ فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این را انجام داد و می خواست بر امتش سبک گرداند.

عبدالله بن سنان: شبی بارانی، در مسجد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به نماز مغرب حاضر شدم. نزدیک به شفق ندای اذان دردادند و اقامه را گفته، نماز مغرب را خواندند و سپس به مردم مهلت دادند تا دو رکعت نماز بگزارند. سپس منادی در جایگاهش در مسجد ایستاد و اقامه نماز را گفت و نماز عشاء را خواندند و به خانه هایشان رفتند و من این را از امام صادق علیه السلام پرسیدم. امام فرمود: بلی، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اینگونه کرد.

فضیل بن یسار: علی بن الحسین درودهای خداوند بر آن دو باد فرمان می داد کودکان نماز عشاء را با نماز مغرب بخوانند و می فرمود: این بهتر از آن است که به خواب روند (۸).

امام صادق علیه السلام: همانا فرمان می دهیم کودکان تا هنگامی که هنوز وضو دارند و سرگرم چیزی نشده اند، نماز عصر را با ظهر و نماز عشاء آخر را با نماز مغرب بخوانند (۹).

۱- الکافی: ۳ / ۲۸۶ / ۱ ، التهذیب: ۲ / ۲۶۳ / ۱۰۴۶ و ص ۱۹ / ۵۳ إلى قوله: «فی جماعه من غیر عله»، الاستبصار: ۱ / ۲۷۱ / ۹۸۱ کلها عن زراره .

۲- التهذیب: ۳ / ۱۸ / ۶۶ عن رهط منهم الفضیل وزراره .

۳- علل الشرائع: ۲ / ۲۳۱ .

۴- الکافی: ۳ / ۲۸۶ / ۲ .

۵- الکافی: ۳ / ۴۰۹ / ۲ ، التهذیب: ۲ / ۳۸۰ / ۱۵۸۵ ، دعائم الإسلام: ۱ / ۱۹۳ وفيه «فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هُوَ أَحَفُّ عَلَيْهِمْ وَأَجْدَرُ أَنْ يُسَارِعُوا إِلَيْهَا وَلَا يُضَيِّعُوهَا وَيَنَامُوا عَنْهَا وَيَسْتَعْلُوا» .

۶- الکافی: ۶ / ۴۷ / ۷ ، التهذیب: ۸ / ۱۱۱ / ۳۸۲ ، قرب الإسناد: ۲۳ / ۷۷ وفيه «عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام: إِنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ الصَّبِيَّانَ . . .» کلها عن ابن القدّاح .

۷- در تهذیب ، حدیث را تا «به جماعت خواند بی آنکه دلیل خاصی داشته باشد» نقل کرده است.

۸- در دعائم الاسلام چنین آورده است: «این موضوع به حضرت گفته شد. پس فرمود: آن برایشان سبکتر است و سریعتر به سوی انجامش می روند، آن را تباه نمی کنند و به چیز دیگری سرگرم نشده و یا نمی خوابند».

۹- در قرب الاسناد ، چنین آمده است: «از امام صادق از پدرش: او فرمان می داد کودکان ...».

ص: ۱۷۰

صَفْوَانُ الْجَمَالِ: صَلَّيْ بِنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ عِنْدَمَا زَالَتْ الشَّمْسُ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ ، وَقَالَ : إِنِّي عَلَى حَاجَةٍ فَتَنَفَّلُوا (۱).

الإمام على عليه السلام:الجمع بين الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (۲).

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِتْنَانَ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِي السَّفَرِ يَجْمَعُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ ، وَالظُّهْرِ وَالْعَصْرِ ، إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ إِذَا كَانَ مُسْتَعِجِلًا . وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَتَفْرِقُهُمَا أَفْضَلُ (۳).

مَعْبِدُ بْنُ مَيْسَرَةَ (۴): قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ فِي طَوْلِ النَّهَارِ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ ؟ قَالَ : نَعَمْ ، وَمَا أَحِبُّ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ فِي كُلِّ يَوْمٍ (۵).

بیان: قال المجلسی رضوان الله تعالی علیه : اعلم أنَّ الذی استفاد من الأخبار أنَّ التفریق بین الظهر والعصر و بین المغرب والعشاء أفضل من الجمع بینهما ، وإنَّما جمع رسول الله صلى الله عليه وآله أحياناً لبيان الجواز والتوسعه على الأمة ، وقد جَوَّز للصبيان وأشباههم من أصحاب العلل والحوادث ، لكنَّ التفریق يتحقَّق بفعل النافله بینهما ، ولا يلزم أكثر من ذلك ، ويجوز أن يأتي في أوَّل الوقت بالنافله ثمَّ بالظهر ثمَّ بنافله العصر ثمَّ بها ، ولا يلزمه تأخير الفرضين ولا نوافلهما إلى وقت آخر ، بل إنَّما جعل الذراع والذراعان لئلاَّ يراحم النافله الفريضة ، ولا يوجب تأخيرها عن وقت فضيلتها ، وأمَّا التقديم فلا حرج فيه ، بل يستفاد من بعضها أنَّه أفضل ، وقد ورد في خبر رجاء بن أبي الضحَّاك أنَّ الرضا عليه السلام كان لا يفرِّق بين الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ بغير النافله والتعقيب ، ولكنَّه كان يؤخِّر العشاء إلى قريب من ثلث الليل ، وما ورد من أنَّه سبب لزياده الرزق لعلَّه محمول على هذا النوع من الجمع بأن يأتي بالفرضين والنوافل في مكان واحد ثمَّ يذهب إلى السوق لئلاَّ يصير سبباً لتفرُّق حرفائه ، أو جَوَّزوا ذلك لمن كان حاله كذلك للعذر فجَوَّزوا له ترك النافله ، لما رواه الكليني عن عباس الناقد بسند فيه جهاله قال : تفرَّق ما كان بيدي وتفرَّق عني حرفائي ، فشكوت ذلك إلى أبي محمَّد عليه السلام فقال لي : اِجْمَعْ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ ، تَرَى مَا تُحِبُّ . وبسند فيه جهاله عن محمَّد بن حكيم ، قال : سمعت أبا الحسن عليه السلام يقول : اِجْمَعْ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ ، فَإِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا تَطَوُّعٌ فَلَا جَمْعَ (۶).

صفوان جمال: امام صادق عليه السلام هنگام زوال خورشید (ظهر) نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه، با ما خواند و فرمود: من کار دارم، شما نمازهای نافله را بخوانید.

امام علی علیه السلام: با هم خواندن دو نماز، بر روزی می افزاید.

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام: همانا پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در سفر، نماز مغرب و عشاء و ظهر و عصر را با هم می خواند و این را تنها هنگامی که عجله داشت، انجام می داد و فرمود: جدا خواندن آن دو، بهتر است.

معبد بن میسر (۷): به امام صادق علیه السلام عرض کردم: انسان می تواند هنگامی که خورشید زوالش را در طول روز آغاز می کند، نماز ظهر و عصر را با هم بخواند؟ فرمود: بلی ، ولی دوست ندارم این را، هر روز انجام دهد.

بیان: علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه می گوید: بدان ، که آنچه از روایات به دست می آید این است که نماز ظهر و عصر و

مغرب و عشاء را از هم جدا خواندن بهتر از با هم خواندن است. و پیامبر خدا صلی الله علیه و آلهگاه به جهت آشکار کردن آن و تخفیف بر امت، با هم می خواند و برای کودکان و مانند آنان همچون بیماران و گرفتاران اجازه داد، اما از هم جدا خواندن، به وسیله نماز نافله خواندن در میان آن دو نیز تحقق می یابد و بیش از این، لازم نیست. رواست که در آغاز وقت، نافله (ظهر) بخواند سپس ظهر و پس از آن نافله عصر و نماز عصر را بخواند و این کار موجب به تأخیر انداختن دو نماز واجب «ظهر و عصر» و نافله های آن دو نمی شود و قراردادن یک ذراع و دو ذراع برای وقت ظهر و عصر به این جهت بوده است که وقت فضیلت آن دو فراخ گردد و نافله خواندن، موجب تأخیر نماز واجب از وقت فضیلتش نشود و از این رو خواندن نماز ظهر و عصر پیش از رسیدن سایه به یک ذراع و دو ذراع اشکالی ندارد، بلکه از برخی روایات به دست می آید که این بهتر است و در روایت رجاء بن ابی الضحاک آمده است که امام رضا علیه السلام میان نماز ظهر و عصر جز با نافله و ذکر و دعا، فاصله نمی داد ولی نماز عشاء را تا نزدیک به یک سوّم از شب، به تأخیر می انداخت. و روایاتی که (با هم خواندن نمازها) را سبب افزونی روزی می خوانند، شاید اینگونه با هم خواندن را می گویند که دو نماز واجب را همراه با نافله هایشان، یکجا بیاورد. سپس به بازار رود تا موجب پراکنده شدن مشتریان و طرف داد و ستدش نشود، یا با هم خواندن را برای کسی روا دانسته اند که به خاطر عذری، وضعیتش ایجاب می کند نافله را نخواند، به دلیل روایتی که کلینی از عباس ناقد با سندی مجهول نقل کرده است. او می گوید: هر چه در دستم بود پراکنده شد و طرفهای داد و ستدم رفتند. پس این مطلب را به ابو محمد علیه السلام گفتم، به من فرمود: نماز ظهر و عصر را با هم بخوان، آنچه دوست داری، می بینی. و با سندی که در آن ابهام و جهل است، از محمد بن حکیم روایت شده که گفت: شنیدم ابوالحسن علیه السلام می گوید: با هم خواندن دو نماز در آنجاست که میان آن دو، کار مستحبی نباشد. پس اگر میان آن دو، مستحبی باشد، با هم خواندن صدق نمی کند.

۱- الکافی: ۳ / ۲۸۷، ۵، التهذیب: ۲ / ۲۶۳ / ۱۰۴۸.

۲- الخصال: ۵۰۵ / ۲ عن سعید بن علاقه، جامع الأخبار: ۳۴۴ / ۹۵۳، روضه الواعظین: ۱ / ۴۹۹، مشکاه الأنوار: ۱۲۹.

۳- وسائل الشیعه: ۴ / ۲۲۰ / ۴۹۷۰ نقلاً عن الذکری عن عبدالله بن سنان من کتابه.

۴- الظاهر أنّه تصحیف، والصحیح كما فی هامش التهذیب «معاویه بن میسر».

۵- م. التهذیب: ۲ / ۲۴۷ / ۹۸۰.

۶- البحار: ۸۲ / ۳۳۵.

۷- گویا همانگونه که در حاشیه «تهذیب» آمده است، «معبد بن میسر» اشتباه و «معاویه بن میسر» درست باشد.

ص: ۱۷۱

..

ص: ۱۷۲

الفصل الأربعون : قضاء الفائتة

فصل چهلم : قضای نماز

الفصل الأربعون: قضاء الفائتِ رسول الله صلى الله عليه وآله: من نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا ، فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا (۱).

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَفَدَ أَحَدُكُمْ عَنِ الصَّلَاةِ أَوْ غَفَلَ عَنْهَا ، فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ : «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (۲).

الإمام الباقر عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى بِغَيْرِ طَهْوَرٍ أَوْ نَسِيَ صَلَاتٍ لَمْ يُصَلِّهَا أَوْ نَامَ عَنْهَا : يَقْضِيهَا إِذَا ذَكَرَهَا فِي أَيِّ سَاعَةٍ ذَكَرَهَا مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ (۳).

عنه عليه السلام : أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ يُصَلِّيَهُنَّ الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ ، صَلَاةُ فَاتِكِكَ ، فَمَتَى مَا ذَكَرْتَهَا أَذِيَتْهَا ... (۴).

الإمام الرضا عليه السلام : كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ ، مِثْلُ الْمَغْمَى عَلَيْهِ الَّذِي يُغْمَى عَلَيْهِ فِي يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ ، فَلَا يَجِبُ عَلَيْهِ قِضَاءُ الصَّلَوَاتِ ، كَمَا قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كُلَّمَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَى الْعَبْدِ فَهُوَ أَعْدَرُ لَهُ (۵).

فصل چهلم: قضای نماز پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس نمازی را فراموش کند یا خواب بماند، کفاره اش آن است که هرگاه به یاد آورد، بخواند.

هرگاه یکی از شما خواب ماند یا از نماز غافل شد، هرگاه به یاد آورد، آن را بخواند. که همانا خداوند عز و جل می فرماید: نماز را برای یاد من به پا دار.

امام باقر علیه السلام هنگامی که از ایشان پرسیدند، مردی بی طهارت نماز خوانده و نمازهایی را فراموش کرده بخواند یا خواب مانده است فرمود: هرگاه به یاد آورد در هر لحظه از شب و روز باشد آن ها را قضا می کند.

انسان، چهار نماز را در هر زمان (که بخواهد) می خواند: نمازی که از توفوت شده است، پس هرگاه به یاد آوردی آن را به جا می آوری ...

امام رضا علیه السلام: هر چه را خدا بر انسان چیره کند، مانند آن که شب و روزی بیهوش بماند، قضای نمازهایش بر او واجب نیست، همانگونه که امام صادق علیه السلام فرمود: هر چه را خداوند بر بنده چیره کند، خود عذرش را می پذیرد.

۱- صحیح مسلم : ۱ / ۴۷۷ / ۳۱۵ عن أنس .

۲- مسند ابن حنبل : ۴ / ۳۶۸ / ۱۲۹۰۸ عن أنس ، والآیه من سورة طه : ۱۴ .

- ۳- .الكافی : ۳/۲۹۲/۳، التهذیب : ۲۳/۲۶۶/۱۰۵۹ و ج ۳ / ۱۵۹ / ۲ ، الاستبصار : ۱ / ۲۸۶ / ۱۰۴۶ کلّها عن زراره .
- ۴- .الكافی : ۳ / ۲۸۸ / ۳ ، الفقیه : ۱ / ۴۳۴ / ۱۲۶۴ ، الخصال : ۱۰۷ / ۲۴۷ کلّها عن زراره .
- ۵- .علل الشرائع : ۲۷۱ / ۹ عن الفضل بن شاذان .

ص: ۱۷۳

الفهارس

فهرست ها

اشاره

.

.

ص: ۱۷۴

..

ص: ۱۷۵

..

ص: ۱۷۶

..

ص: ۱۷۷

..

ص: ۱۷۸

..

ص: ۱۷۹

..

ص: ۱۸۰

..

ص: ۱۸۱

..

ص: ۱۸۲

..

ص: ۱۸۳

..

ص: ۱۸۴

..

ص: ۱۸۵

..

ص: ۱۸۶

..

ص: ۱۸۷

..

ص: ۱۸۸

..

ص: ۱۸۹

..

ص: ۱۹۰

..

ص: ۱۹۱

..

ص: ۱۹۲

..

ص: ۱۹۳

..

ص: ۱۹۴

..

ص: ۱۹۵

..

ص: ۱۹۶

..

ص: ۱۹۷

..

ص: ۱۹۸

..

ص: ۱۹۹

..

ص: ۲۰۰

..

ص: ۲۰۱

..

ص: ۲۰۲

..

ص: ۲۰۳

..

ص: ۲۰۴

..

ص: ۲۰۵

..

ص: ۲۰۶

..

ص: ۲۰۷

..

ص: ۲۰۸

..

ص: ۲۰۹

..

ص: ۲۱۰

..

ص: ۲۱۱

..

ص: ۲۱۲

..

ص: ۲۱۳

..

ص: ۲۱۴

..

ص: ۲۱۵

..

ص: ۲۱۶

..

ص: ۲۱۷

..

ص: ۲۱۸

..

ص: ۲۱۹

..

ص: ۲۲۰

..

ص: ۲۲۱

..

ص: ۲۲۲

..

ص: ۲۲۳

..

ص: ۲۲۴

..

ص: ۲۲۵

..

ص: ۲۲۶

..

ص: ۲۲۷

..

ص: ۲۲۸

..

ص: ۲۲۹

..

ص: ۲۳۰

..

ص: ۲۳۱

..

ص: ۲۳۲

..

ص: ۲۳۳

فهرس المصادر

فهرست منابع تحقیق

فهرس المصادر ۱ - إتحاف الساده المتّقین بشرح إحياء علوم الدین ، لأبى الفیض محمّد بن محمّد الحسینی الزییدی (ت ۱۲۰۵ هـ . ق) ، دار الفكر - بیروت . ۲ - إثنا عشریّه فی المواعظ العددیّه ، لأبى القاسم محمّد بن محمّد الحسینی العاملی (القرن الحادی عشر) ، مطبعه الحکمه - قم . ۳ - الاحتجاج علی أهل اللجاج ، لأبى منصور أحمد بن علی بن أبی طالب الطبرسی (ت ۶۲۰ هـ . ق) ، تحقیق : إبراهیم البهادرى ومحمّد هادى به ، دار الأسوه - طهران ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ ق . ۴ - احیاء علوم الدین ، لأبى حامد محمّد بن محمّد الغزالی (ت ۵۰۵ هـ . ق) ، دار الهادى - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ . ق . ۵ - الاختصاص ، المنسوب إلى أبى عبد الله محمّد بن محمّد بن النعمان العبکرى البغدادى المعروف بالشیخ المفید (ت ۴۱۳ هـ . ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّارى ، موسسه النشر الإسلامی - قم ، الطبعة الرابعه ۱۴۱۴ هـ . ق .

ص: ۲۳۴

۶ - إرشاد القلوب ، لأبى محمد الحسن بن أبى الحسن الديلمى (ت ۷۱۱ هـ . ق) ، مؤسسه الأعلمی - بیروت ، الطبعة الرابعة ۱۳۹۸ هـ .
 ق . ۷ - الإرشاد فى معرفه حجج الله على العباد ، لأبى عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العکبرى البغدادى المعروف بالشیخ المفید
 (ت ۴۱۳ هـ . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ . ق . ۸ - الاستبصار فيما إختلف من
 الأخبار ، لأبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى (ت ۴۶۰ هـ . ق) ، تحقیق : السید حسن الموسوى الخرسان ، دار الكتب الإسلامیة -
 تهران . ۹ - أسد الغابه فى معرفه الصحابه ، لأبى الحسن عزّ الدين علی بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبدالكريم الشیبانى
 المعروف بابن الأثیر الجزرى (ت ۶۳۰ هـ . ق) ، تحقیق : علی محمد معوض وعادل أحمد ، دار الكتب العلمیة - بیروت ، الطبعة الأولى
 ۱۴۱۵ هـ . ق . ۱۰ - الأصول الستة عشر ، عدّه من الرواه ، منشورات الشبستری - قم ، الطبعة الثانيه ۱۴۰۵ هـ . ق . ۱۱ - إعلام الوری
 بأعلام الهدى ، لأبى علی الفضل بن الحسن الطبرسى (ت ۵۴۸ هـ . ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفارى ، دار المعرفه - بیروت ، الطبعة
 الأولى ۱۳۹۹ هـ . ق . ۱۲ - إقبال الأعمال الحسنه فيما يعمل مرّه فى السنه ، لأبى القاسم علی بن موسى الحلّى المعروف بابن طاووس
 (ت ۶۶۴ هـ . ق) ، تحقیق : جواد القیومی ، مكتب الأعلام الإسلامی - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ . ق . ۱۳ - أمالى الشجرى (الأمالى
 الخمیسیه) ، لیحیی بن الحسين الشجرى (ت ۴۹۹ هـ . ق) ، عالم الكتب - بیروت ، الطبعة الثالثه ۱۴۰۳ هـ . ق . ۱۴ - أمالى الصدوق ،
 لأبى جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشیخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، مؤسسه الأعلمی - بیروت ، الطبعة
 الخامسة ۱۴۰۰ هـ . ق .

ص: ۲۳۵

۱۵ - أمالی الطوسی ، لأبی جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت ۴۶۰ هـ . ق) ، تحقیق : مؤسسه البعثه ، دار الثقافه - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ . ق . ۱۶ - أمالی المفید ، لأبی عبدالله محمد بن النعمان العکبری البغدادی المعروف بالشیخ المفید (ت ۴۱۳ هـ . ق) ، تحقیق : حسین أستاذولی وعلى أكبر الغفاری ، مؤسسه النشر الإسلامی - قم ، الطبعة الثانية ۱۴۰۴ هـ . ق . ۱۷ - أعلام الدین فی صفات المؤمنین ، لأبی محمد الحسن بن أبی الحسن الدیلمی (ت ۷۱۱ هـ . ق) ، تحقیق ونشر ، مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم ، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ هـ . ق . ۱۸ - بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام ، للعلامة محمد باقر بن محمد تقی المجلسی (ت ۱۱۱۰ هـ . ق) ، تحقیق ونشر : دار إحياء التراث - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ . ق . ۱۹ - بشاره المصطفی لشیهه المرتضی ، لأبی جعفر محمد بن محمد بن علی الطبری (ت ۵۲۵ هـ . ق) ، المطبعة الحیدریه - النجف الأشرف ، الطبعة الثانية ۱۳۸۳ هـ . ق . ۲۰ - تاریخ إصبهان ، لأبی نعیم أحمد بن عبدالله الإصفهانی (ت ۴۳۰ هـ . ق) ، تحقیق سید کسروی حسن ، دار الکتب العلمیه - بیروت . تاریخ الأمم والملوک = تاریخ الطبری . ۲۱ - تاریخ الطبری ، لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری (ت ۳۱۰ هـ . ق) ، تحقیق : محمد أبو الفضل إبراهیم ، دار المعارف - بیروت . ۲۲ - التاريخ الكبير ، لأبی عبدالله محمد بن إسماعیل البخاری (ت ۲۵۶ هـ . ق) ، دار الفكر - بیروت .

ص: ۲۳۶

- ۲۳ - تاریخ بغداد أو مدینه السلام ، لأبى بكر أحمد بن على الخطیب البغدادی (ت ۴۶۳ هـ . ق) ، المكتبة السلفية - المدینه المنوره .
- ۲۴ - تاریخ جرجان ، لأبى القاسم حمزه بن يوسف السهمی القرشی (ت ۴۲۸ هـ . ق) ، عالم الكتب - بیروت ، الطبعة الرابعة ۱۴۰۷ هـ . ق .
- ۲۵ - تاریخ دمشق ، لأبى القاسم علی بن الحسن بن هبه الله المعروف بابن عساكر الدمشقی (ت ۵۷۱ هـ . ق) ، تحقیق : على شیری ، دار الفكر - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۵ هـ . ق . ۲۶ - التبیان (تفسیر التبیان) ، لأبى جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت ۴۶۰ هـ . ق) ، تحقیق : أحمد حبيب قصیر العاملى ، مكتبة الأملین - النجف الأشرف ۷ الطبعة الأولى ۱۳۷۶ هـ . ق . ۲۷ - التحصین فی صفات العارفين من العزله والخمول ، لأبى العباس أحمد بن محمد بن محمد بن فهد الحلّی الأسدی (ت ۸۴۱ هـ . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسسه الإمام المهدی (عج) - قم . ۲۸ - تحف العقول ، لأبى محمد الحسن بن علی الحزّانی المعروف بابن شعبه (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقیق : على أكبر الغفّاری ، مؤسسه النشر الإسلامی - قم ، الطبعة الثانية ۱۴۰۴ هـ . ق . ۲۹ - الترغیب والترهیب من الحدیث الشریف ، لعبدالعظیم بن عبدالقوی المنذرى الشامی (ت ۶۵۶ هـ . ق) ، تحقیق : مصطفى محمد عماره ، دار إحياء التراث - بیروت ، الطبعة الثالثة ۱۳۸۸ هـ . ق . ۳۰ - تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم) ، لأبى الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر البصروی الدمشقی (ت ۷۷۴ هـ . ق) ، تحقیق : عبدالعظیم عَینم ومحمد أحمد عاشور ومحمد إبراهيم البنا ، دار الشعب - القاهرة . تفسیر التبیان = التبیان .

ص: ۲۳۷

۳۱- تفسیر الطبری (جامع البیان عن تأویل آی القرآن)، لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری (۳۱۰ هـ . ق)، دار الفکر - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ق . ۳۲- تفسیر العیاشی ، لأبی النضر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی المعروف بالعیاشی (ت ۳۲۰ هـ . ق)، تحقیق : السید هاشم الرسولی المحلّاتی ، المکتبه العلمیه - تهران، الطبعة الأولى ۱۳۸۰ هـ . ق . تفسیر القرآن العظیم = تفسیر ابن کثیر . ۳۳- تفسیر مجمع البیان ، لأبی علی الفضل بن الحسن الطبرسی (ت ۵۴۸ هـ . ق) تحقیق : السید هاشم الرسولی المحلّاتی والسید فضل الله الیزدی الطباطبائی ، دار المعرفه - بیروت ، الطبعة الثانية ۱۴۰۸ هـ . ق . ۳۴- تفسیر القمّی ، لأبی الحسن علی بن إبراهیم بن هاشم القمّی (ت ۳۰۷ هـ . ق) ، تحقیق : السید طیب الموسوی الجزائری ، مطبعة النجف الأشرف . ۳۵- تنبیه الخواطر ونزهه النواظر (مجموعه ورام) ، لأبی الحسین ورام بن أبی فراس (ت ۶۰۵ هـ . ق) ، دارالتعارف ودار صعب - بیروت . ۳۶- التوحید ، لأبی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقیق : هاشم الحسینی الطهرانی ، مؤسسه النشر الإسلامی - قم ، الطبعة الأولى ۱۳۹۸ هـ . ق . ۳۷- تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه ، لأبی جعفر محمد بن الحسن المعروف بالشیخ الطوسی (ت ۴۶۰ هـ . ق) ، دار التعارف - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۱ هـ . ق . ۳۸- ثواب الأعمال وعقاب الأعمال ، لأبی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، مکتبه الصدوق - تهران .

ص: ۲۳۸

۳۹ - جامع الأحادیث ، لأبی محمد جعفر بن أحمد بن علی القمّی المعروف بابن الرازی (القرن الرابع هـ . ق) ، تحقیق : السید محمد الحسینی النیسابوری ، مؤسسه الطبع والنشر التابعه للحضره الرضویّه المقدّسه - مشهد ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ . ق . ۴۰ - جامع الأخبار أو معارج اليقين فی أصول الدين ، لمحمد بن محمد الشعیری السبزواری (القرن السابع هـ . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ . ق . الجامع الصحيح = سنن الترمذی . ۴۱ - الجامع الصغير فی أحادیث البشير النذیر ، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبی بكر السيوطی (ت ۹۱۱ هـ . ق) ، دار الفكر - بيروت . ۴۲ - الجعفریات (الأشعثيات) ، لأبی الحسن محمد بن محمد بن الأشعث الكوفی (القرن الرابع هـ . ق) ، مكتبة نينوى - تهران ، طبع فی ضمن قرب الإسناد . ۴۳ - جواهر الكلام فی شرح شرايع الإسلام ، للشيخ محمد حسن النجفی (ت ۱۲۶۶ هـ . ق) ، مؤسسه المرتضى العالمیه - بيروت الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ . ق . ۴۴ - حليه الأولياء وطبقات الأصفياء ، لأبی نعيم أحمد بن عبدالله الإصبهانی (ت ۴۳۰ هـ . ق) ، دار الكتاب العربی - بيروت ، الطبعة الثانية ۱۳۸۷ هـ . ق . ۴۵ - الخرائج والجرائح ، لأبی الحسين سعيد بن عبدالله الراوندى المعروف بقطب الدين

ص: ۲۳۹

الراوندى (ت ۵۷۳ هـ . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) - قم ، الطبعه الأولى ۱۴۰۹ هـ . ق . ۴۶ - الخصال ، لأبى جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، مؤسسه الأعلمی - بيروت ، الطبعه الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق . ۴۷ - الدر المنثور فى التفسير المأثور ، لجلال الدين عبدالرحمن بن أبى بكر السيوطى (ت ۹۱۱ هـ . ق) ، دار الفكر - بيروت ، الطبعه الأولى ۱۴۱۴ هـ . ق . ۴۸ - دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام ، لأبى حنيفه النعمان بن محمد ابن منصور بن أحمد بن حيون التميمى المغربى (ت ۳۶۳ هـ . ق) ، تحقيق آصف بن على أصغر فيضى ، دار المعارف - مصر ، الطبعه الثالثه ۱۳۸۹ هـ . ق . ۴۹ - الدعوات ، لأبى الحسين سعيد بن عبدالله الراوندى المعروف بقطب الدين الراوندى (ت ۵۷۳ هـ . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدى (عج) ، قم ، الطبعه الأولى ۱۴۰۷ هـ . ق . ۵۰ - الدمعه الساكبه فى أحوال النبى والعترة الطاهره ، لمحمد باقر بن عبدالكريم البهبهاني (ت ۱۲۸۵ هـ . ق) ، مؤسسه الأعلمی - بيروت ، الطبعه الأولى ۱۴۰۹ هـ . ق . ۵۱ - ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى ، لأبى العباس أحمد بن عبدالله الطبرى (ت ۶۹۳ هـ . ق) ، دار المعرفه - بيروت .

ص: ۲۴۰

۵۲- ربیع الأبرار ونصوص الأخبار ، لأبى القاسم محمود بن عمر الزمخشري (ت ۵۳۸ هـ . ق) ، تحقيق : سليم النعیمی ، منشورات الرضى - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق . ۵۳ - روضه الواعظین ، لمحمد بن الحسن بن علی الفتّال النیسابوری (ت ۵۰۸ هـ . ق) ، تحقيق : حسین الأعلمی ، مؤسسه الأعلمی - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۶ هـ . ق . ۵۴ - الزهد ، لأبى عبدالرحمن بن عبدالله بن المبارك الحنظلی المروزی (ت ۱۸۱ هـ . ق) ، تحقيق : حبيب الرحمن الأعظمی ، دار الكتب العلمیّه - بیروت . ۵۵ - السرائر ، لأبى جعفر محمد بن منصور الحلّی المعروف بابن إدريس (ت ۵۹۸ هـ . ق) ، مؤسسه النشر الإسلامی - قم ، الطبعة الثانيه ۱۴۱۰ هـ . ق . ۵۶ - سعد السعود ، لأبى القاسم علی بن موسى الحلّی المعروف بابن طاووس (ت ۶۶۴ هـ . ق) ، منشورات الرضى - قم ، الطبعة الأولى ۱۳۶۳ هـ . ق . ۵۷ - سلسله الأحادیث الصحیحه ، لمحمد ناصر الدین الألبانی (معاصر) ، المكتب الإسلامی - بیروت ، الطبعة الرابعه ۱۴۰۵ هـ . ق . ۵۸ - سنن ابن ماجه ، لأبى عبدالله محمد بن یزید بن ماجه القزوينی (ت ۲۷۵ هـ . ق) ، تحقيق : محمد فؤاد عبدالباقي ، دار إحياء التراث - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۳۹۵ هـ . ق .

ص: ۲۴۱

۵۹ - سنن الترمذی (الجامع الصحیح) ، لأبی عیسی محمد بن عیسی بن سوره الترمذی (ت ۲۷۹) ، تحقیق : احمد محمد شاکر ، دار احیاء التراث - بیروت . ۶۰ - سنن الدارقطنی ، لأبی الحسن علی بن عمر البغدادی المعروف بالدارقطنی (ت ۲۸۵ هـ . ق) ، تحقیق : أبو الطیب محمد آبادی ، عالم الکتب - بیروت ، الطبعة الرابعة ۱۴۰۶ هـ . ق . ۶۱ - سنن الدارمی ، لأبی محمد عبدالله بن عبدالرحمن الدارمی (ت ۲۵۵ هـ . ق) ، تحقیق : مصطفى ديب البغا ، دار القلم - دمشق ، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ . ق . ۶۲ - السنن الكبرى ، لأبی بكر أحمد بن الحسين بن علی البيهقي (ت ۴۵۸ هـ . ق) ، تحقیق : محمد عبدالقادر عطا ، دار الکتب العلمیہ - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ . ق . ۶۳ - سنن النسائي (بشرح الحافظ جلال الدين السيوطي وحاشيه الإمام السندی) ، لأبی عبدالرحمن أحمد بن شعيب النسائي (ت ۳۰۳ هـ . ق) ، دار المعرفه - بیروت ، الطبعة الثالثة : ۱۴۱۴ هـ . ق . ۶۴ - سنن أبي داود ، لأبی داود سليمان بن أشعث السجستاني الأزدي (ت ۲۷۵ هـ . ق) ، تحقیق : محمد محيى الدين عبدالحميد ، دار إحياء التراث العربی - بیروت . ۶۵ - سير أعلام النبلاء ، لأبی عبدالله محمد بن أحمد الذهبي (ت ۷۴۸ هـ . ق) ، تحقیق : شُعيب الارنؤوط ، مؤسسه الرساله - بیروت ، الطبعة العاشره ۱۴۱۴ هـ . ق . ۶۶ - شرح نهج البلاغه ، لعزّ الدين عبدالحميد بن محمد بن أبي الحديد المعتزلي المعروف بابن أبي الحديد (ت ۶۵۶ هـ . ق) ، تحقیق : محمد أبو الفضل إبراهيم ، دار إحياء التراث - بیروت ، الطبعة الثانيه ۱۳۸۷ هـ . ق . ۶۷ - شُعَب الإيمان ، لأبی بكر أحمد بن الحسين البيهقي (ت ۴۵۸ هـ . ق) ، تحقیق : محمد السعيد بن بسيوني زغلول ، دار الکتب العلمیہ - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق .

ص: ۲۴۲

۶۸ - صحیح ابن خزیمه ، لأبى بكر محمد بن إسحاق السلمى النيسابورى المعروف بابن خزيمه (ت ۳۱۱ هـ . ق) ، تحقيق : محمد مصطفى أعظمى ، مكتب الإسلامى - بيروت ، الطبعة الثالثة ۱۴۱۲ هـ . ق . ۶۹ - صحیح البخارى ، لأبى عبدالله محمد بن إسماعيل البخارى (ت ۲۵۶ هـ . ق) ، تحقيق : مصطفى ديب البغا ، دار ابن كثير - بيروت ، الطبعة الرابعة ۱۴۱۰ هـ . ق . ۷۰ - صحیح مسلم ، لأبى الحسين مسلم بن الحجاج القشیری النيسابورى (ت ۲۶۱ هـ . ق) ، تحقيق : محمد فؤاد عبدالباقي ، دار الحديث - القاهرة ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق . ۷۱ - صحیفه الإمام الرضا علیه السلام : المنسوبه إلى الإمام الرضا علیه السلام ، تحقيق ونشر : مؤسسه الإمام المهدي علیه السلام - قم الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ق . ۷۲ - الصحیفه السجادیّه ، للإمام زين العابدين علیه السلام ، تحقيق : على أنصاریان ، المستشاریّه الثقافیه - دمشق . طبقات ابن سعد = الطبقات الكبرى . ۷۳ - الطبقات الكبرى (طبقات ابن سعد) ، لمحمد بن سعد كاتب الواقدي (ت ۲۳۰ هـ . ق) ، دار صادر - بيروت . ۷۴ - عدّه الداعی ونجاه الساعی ، لأبى العباس أحمد بن محمد بن فهد الحلّی الأسدی (ت ۸۴۱ هـ . ق) ، تحقيق : أحمد موحّدی ، مكتبه وجدانی - تهران .

ص: ۲۴۳

۷۵ - علل الشرائع ، لأبى جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، دار احياء التراث - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ ق . ۷۶ - عمل اليوم والليله ، لأبى بكر أحمد بن محمد بن السنى الدينورى (ت ۴۶۴ هـ . ق) ، تحقيق : حمدى عبدالمجيد السلفى ، مؤسسه الكتب الثقافيه - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ق . ۷۷ - عوالى اللآلى الغريزيه فى الأحاديث الدينيه ، لمحمد بن على بن إبراهيم الأحسانى المعروف بابن أبى جمهور (ت ۹۴۰ هـ ق) ، تحقيق : مجتبى العراقى ، مطبعه سيّد الشهداء عليه السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۰۳ هـ ق . ۷۸ - عيون أخبار الرضا عليه السلام ، لأبى جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقيق : السيّد مهدي الحسينى اللاجوردى ، منشورات جهان - تهران . ۷۹ - غرر الحكم ودرر الكلم ، لعبدالواحد الآمدى التميمى (ت ۵۵۰ هـ ق) ، تحقيق : مير سيّد جلال الدين المحدث الارموى ، جامعه تهران ، الطبعة الثالثة ۱۳۶۰ هـ . ش . ۸۰ - فتح الأبواب ، لأبى القاسم على بن موسى بن طاووس الحسنى الحلّى (ت ۶۶۴ هـ . ق) ، تحقيق : حامد الخفّاف ، مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۰۹ هـ . ق . ۸۱ - الفردوس بمأثور الخطاب ، لأبى شجاع شيرويه بن شهردار الديلمى الهمدانى (ت ۵۰۹ هـ . ق) ، تحقيق : السعيد بن بسيونى زغلولى ، دار الكتب العلميه - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۶ هـ . ق .

ص: ۲۴۴

۸۲- فضائل الأشهر الثلاثة ، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقيق : غلامرضا عرفانيان يزدي ، مكتبة داورى - قم ، الطبعة الأولى ۱۳۹۶ هـ . ق . ۸۳- فضائل الصحابه ، لأبي عبدالله أحمد بن محمد بن حنبل (ت ۲۴۱ هـ . ق) ، تحقيق : وصي الله بن محمد عباس ، دارالعلم - مكة المكرمة ، الطبعة الأولى ۱۴۰۳ هـ . ق . ۸۴- فقه الرضا (الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام) ، تحقيق : مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، المؤتمر العالمى للإمام الرضا عليه السلام - مشهد ، الطبعة الأولى ۱۴۰۶ هـ . ق . ۸۵- الفقيه (من لا يحضره الفقيه) ، لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، مؤسسه النشر الإسلامى - قم . ۸۶- فلاح السائل ، لأبي القاسم علي بن موسى بن طاووس الحسنى الحللى (ت ۶۶۴ هـ . ق) ، مكتبة الأعلام الإسلامى - قم . ۸۷- قرب الإسناد ، لأبي العباس عبدالله بن جعفر الحميرى القمي (ت ۳۰۴ هـ . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ . ق . ۸۸- الكافي ، لأبي جعفر ثقه الإسلام محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازى (ت ۳۲۹ هـ . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفارى ، دار الكتب الإسلاميه - تهران ، الطبعة الثانيه ۱۳۸۹ هـ . ق .

ص: ۲۴۵

۸۹- الكامل فی التاریخ ، لأبى الحسن علی بن محمد الشیبانی الموصلى المعروف بابن الأثیر (ت ۶۳۰ هـ . ق) ، تحقیق : علی شیرى ، دار إحياء التراث العربى - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ق . ۹۰ - كشف الغمّة فی معرفه الأئمّه ، لعلی بن عیسی الیربلی (ت ۶۸۷ هـ . ق) ، تصحیح : السید هاشم الرسولى المحلّاتی ، دار الكتاب الإسلامی - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۱ هـ . ق . ۹۱ - کمال الدین وتمام النعمه ، لأبى جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمى المعروف بالشیخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّارى ، مؤسّسه النشر الإسلامی - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۰۵ هـ . ق . ۹۲ - کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال ، لعلاء الدین علی المتّقى بن حسام الدین الهندی (ت ۹۷۵ هـ . ق) ، تصحیح : صفوه السقا ، مكتبة التراث الإسلامی - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۳۹۷ هـ . ق . ۹۳ - کنز الفوائد ، لأبى الفتح الشیخ محمد بن علی بن عثمان الكراچكى الطرابلسی (ت ۴۴۹ هـ . ق) ، إعداد : عبد الله نعمه ، دار الذخائر - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق . ۹۴ - لسان العرب ، لأبى الفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور المصرى (ت ۷۱۱ هـ . ق) ، دار صادر - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق . ۹۵ - المجازات النبویّه ، لأبى الحسن محمد بن أبى أحمد الحسین بن موسى المعروف بالشریف الرضی (ت ۴۰۶ هـ . ق) ، تحقیق : طه محمد الزینی ، مكتبة البصیرتی - قم .

ص: ۲۴۶

۹۶ - مجمع البحرين ، لفخر الدين الطريحي (ت ۱۰۸۵ هـ . ق) ، تحقيق : السيد أحمد الحسيني ، مكتبه نشر الثقافه الإسلاميه - تهران ، الطبعة الثانيه ۱۴۰۸ هـ . ق . مجمع البيان في تفسير القرآن = تفسير مجمع البيان . مجموعه ورام = تنبيه الخواطر ونزهه النواظر . ۹۷ - المحاسن ، لأبي جعفر أحمد بن محمد بن خالد البرقي (ت ۲۸۰ هـ . ق) ، تحقيق : السيد مهدي الرجائي ، المجمع العالمى لأهل البيت عليهم السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ . ق . ۹۸ - المحجّه البيضاء في تهذيب الإحياء ، لمحمد بن المرتضى المدعو بالمولى محسن الفيض الكاشاني (ت ۱۰۹۱ هـ . ق) ، تحقيق : على أكبر الغفاري ، مؤسسه النشر الإسلامى - قم ، الطبعة الثالثه : ۱۴۱۵ هـ . ق . ۹۹ - مختصر بصائر الدرجات ، لحسن بن سليمان الحلّي (القرن التاسع هـ . ق) ، انتشارات الرسول المصطفى - قم . ۱۰۰ - مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل ، للحاج الميرزا حسين النوري (ت ۱۳۲۰ هـ . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليه السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ق . ۱۰۱ - المستدرک على الصحيحين ، لأبي عبدالله محمد بن عبدالله الحاكم النيسابوري (ت ۴۰۵ هـ . ق) ، تحقيق : مصطفى عبدالقادر عطا ، دار الكتب العلميه - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ هـ . ق ز ۱۰۲ - مسکن الفؤاد عند فقد الأحبه والأولاد ، للشيخ زين الدين بن عليّ بن أحمد الجبعي العاملی المعروف بالشهيد الثاني (ت ۹۶۵ هـ . ق) ، تحقيق ونشر : مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم ، الطبعة الثانيه ۱۴۱۲ هـ . ق . ۱۰۳ - مسند إسحاق بن راهويه ، لأبي يعقوب إسحاق بن إبراهيم الحنظلي المروزي (ت ۲۳۸ هـ . ق) ، تحقيق : عبدالغفور عبدالحقّ حسين البلوشي ، مكتبه الإيمان - المدينه المنوره ، الطبعة الأولى ۱۴۱۲ هـ . ق .

ص: ۲۴۷

۱۰۴ - مسند الشهاب ، لأبی عبدالله محمد بن سلامه القضاعی (ت ۴۵۴ هـ . ق) ، تحقیق : حمدی عبدالمجید السلفی ، مؤسسه الرساله - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۰۵ هـ . ق . ۱۰۵ - مسند أبی یعلی الموصلی ، لأبی یعلی أحمد بن علی بن المثنی التمیمی الموصلی (ت ۳۰ هـ . ق) ، تحقیق : إرشاد الحق الأثری ، دار القبله - جدّه ، الطبعة الأولى ۱۴۰۸ هـ . ق . ۱۰۶ - مسند أحمد ، لأحمد بن محمد بن حنبل الشیبانی (ت ۲۴۱ هـ . ق) ، تحقیق : عبدالله محمد الدرویش ، دار الفکر - بیروت ، الطبعة الثانية ۱۴۱۴ هـ . ق . ۱۰۷ - مسند الإمام زید ، المنسوب إلى زید بن علی بن الحسین علیهما السلام ، دار مکتبه الحیاه - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۹۶۶ م . ۱۰۸ - مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار ، لأبی الفضل علی الطبرسی (القرن السابع هـ . ق) ، دار الکتب الإسلامیة - تهران ، الطبعة الأولى ۱۳۸۵ هـ . ق . ۱۰۹ - مشکاه المصابیح ، لأبی عبدالله محمد بن عبدالله العمری الخطیب التبریزی (القرن الثامن هـ . ق) ، تحقیق : محمد ناصر الدین الألبانی ، المکتب الإسلامی - دمشق . ۱۱۰ - مصادقه الإخوان ، لأبی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسسه الإمام المهدي (عج) - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ . ق . ۱۱۱ - مصباح الشریعه ومفتاح الحقیقه ، المنسوب إلى الإمام الصادق علیه السلام ، الشارح : عبدالرزاق گیلانی ، مکتبه صدوق - تهران ، الطبعة الأولى ۱۴۰۷ هـ . ق . ۱۱۲ - مصباح المتهجد ، لأبی جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی (ت ۴۶۰ هـ . ق) ، تحقیق : علی اصغر مروارید ، مؤسسه فقه الشیعه - بیروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۱ هـ . ق .

ص: ۲۴۸

۱۱۳ - المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی ، لأحمد بن محمد المقرئ الفیومی (ت ۷۷۰ هـ . ق) ، دار الهجره - قم ، الطبعه الثانيه ۱۴۱۴ هـ . ق . ۱۱۴ - المصباح فی الأدعیه والصلوات والزیارات ، لتقی الدین إبراهیم بن زین الدین الحارثی الهمدانی المعروف بکفعمی (ت ۹۰۵ هـ . ق) ، منشورات الرضی - قم . ۱۱۵ - المصنّف فی الأحادیث والآثار ، لأبی بکر عبدالله بن محمد بن أبی شیبہ العبسی الکوفی (ت ۲۳۵ هـ . ق) ، تحقیق : سعید محمد اللحام ، دار الفكر - بیروت . ۱۱۶ - المصنّف ، لأبی بکر عبدالرزاق بن همام الصنعانی (ت ۲۱۱ هـ . ق) ، تحقیق : حبیب الرحمن الأعظمی ، منشورات المجلس العلمی . ۱۱۷ - معانی الأخبار ، لأبی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمّی المعروف بالشیخ الصدوق (ت ۳۸۱ هـ . ق) ، تحقیق : علی أكبر الغفّاری ، مؤسسه النشر الإسلامی - قم ، الطبعه الأولى ۱۳۶۱ هـ . ش . ۱۱۸ - المعجم الأوسط ، لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (ت ۳۶۰ هـ . ق) ، تحقیق : طارق بن عوض الله وعبدالحسن بن إبراهیم الحسینی ، دار الحرمین - القاهرة ، الطبعه ۱۴۱۵ هـ . ق . ۱۱۹ - المعجم الصغیر ، لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (ت ۳۶۰ هـ . ق) ، تحقیق : محمّد عثمان ، دار الفكر - بیروت ، الطبعه الثانيه ۱۴۰۱ هـ . ق . ۱۲۰ - المعجم الکبیر ، لأبی القاسم سلیمان بن أحمد اللخمی الطبرانی (ت ۳۶۰ هـ . ق) ، تحقیق : حمدی عبدالمجید السلفی ، دار إحياء التراث العربی - بیروت ، الطبعه الثانيه ۱۴۰۴ هـ . ق . ۱۲۱ - مفردات الفاظ القرآن ، لأبی القاسم الحسین بن محمّد الراغب الأصفهانی (ت ۵۰۲ هـ . ق) ، تحقیق : صفوان عدنان داودی ، دار القلم - دمشق ، الطبعه الأولى ۱۴۱۲ هـ . ق .

ص: ۲۴۹

۱۲۲ - مقتل الحسين عليه السلام ، لموفق بن أحمد المكي الخوارزمي (ت ۵۶۸ هـ . ق) ، تحقيق : محمد السماوي ، مكتبة المفيد - قم .

۱۲۳ - مكارم الأخلاق ، لأبي علي الفضل بن الحسن الطبرسي (ت ۵۴۸ هـ . ق) ، تحقيق : علاء آل جعفر ، مؤسسه النشر الإسلامي - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ . ق . ۱۲۴ - الملهوف على قتلى الطفوف ، لأبي القاسم علي بن موسى طاووس الحسيني الحلبي (ت ۶۶۴ هـ . ق) ، تحقيق : فارس تبريزيان ، دار الأسوه - تهران ، الطبعة الأولى ۱۴۱۴ هـ . ق . ۱۲۵ - مناقب آل أبي طالب (المناقب لابن شهر آشوب) ، لأبي جعفر رشيد الدين محمد بن علي بن شهر آشوب المازندراني (ت ۵۸۸ هـ . ق) ، المطبعة العلميّه - قم . ۱۲۶ - الموطأ ، لأبي عبد الله مالك بن أنس الأصبحي (ت ۱۷۹ هـ . ق) ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء التراث العربي - بيروت .

۱۲۷ - نثر الدرّ ، لأبي سعيد منصور بن حسين الآبي (ت ۴۲۱ هـ . ق) ، تحقيق : محمد عليّ قرنه ، مركز تحقيق التراث - مصر ، الطبعة الأولى ۱۹۸۱ م . ۱۲۸ - نواذر الأصول في معرفه أحاديث الرسول ، لأبي عبد الله محمد بن عليّ بن سوره الترمذی (ت ۳۲۰ هـ . ق) ، تحقيق : مصطفى عبدالقادر عطا ، دار الكتب العلميّه - بيروت ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ . ق . ۱۲۹ - النهایه فی غریب الحديث والأثر ، لأبي السعادات مبارک بن مبارک الجزري المعروف بابن الأثير (ت ۶۰۶ هـ . ق) ، تحقيق : ظاهر أحمد الزاوی ، مؤسسّه اسماعيليان - قم ، الطبعة الرابعه ۱۳۶۷ هـ . ش .

ص: ۲۵۰

۱۳۰ - نهج البلاغه ، ما اختاره أبو الحسن الشریف الرضی محمد بن الحسین بن موسی الموسوی من کلام الإمام أميرالمؤمنین علیه السلام (ت ۴۰۶ هـ ق) ، تحقیق : السید کاظم المحمدی ومحمد الدشتی ، منشورات الإمام علی علیه السلام - قم ، الطبعة الثانية ۱۳۶۹ هـ . ق . ۱۳۱ - وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشرعیه ، للشیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی (ت ۱۱۰۴ هـ . ق) ، تحقیق ونشر : مؤسسه آل البيت علیهم السلام - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۰۹ هـ . ق . ۱۳۲ - یقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرہ المسلمین ، لأبی القاسم علی بن موسی الحلّی المعروف بابن طاووس (ت ۶۶۴ هـ . ق) ، تحقیق : محمد باقر الأنصاری ، مؤسسه دار الکتاب - قم ، الطبعة الأولى ۱۴۱۳ هـ . ق .

ص: ۲۵۱

فهرس المطالب

فهرست مطالب

.

.

ص: ۲۵۲

..

ص: ۲۵۳

..

ص: ۲۵۴

..

ص: ۲۵۵

..

ص: ۲۵۶

..

ص: ۲۵۷

..

ص: ۲۵۸

..

ص: ۲۵۹

..

ص: ۲۶۰

..

ص: ۲۶۱

..

ص: ۲۶۲

..

ص: ۲۶۳

..

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسندگان آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ - ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



اصفهان

فائمه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹